



کتاب و وقت

شماره آبان ۱۳۶۰، مطبوعه مهرالبرز، ۱۳۶۰، آبان
سازمان انتشارات سلسله ای - شماره مسلسل ۵۵۰۰
۴۷

Ketabton.com

در گفت دست تان چیست

عشق و فان

صفا صفا میایی

سپاروون

شماره "چهارم" ماه مردگان ۱۳۷۰ سال چهارم شماره مسلسل ۴۳



چند سال پیش پدر رئیس خانواده بود و حق داشت فرزندانش را به راه مستقیم رهنمایی کند و پدر میتواند کار کند و لغه نانی که تهیه می کند تن فرزندانش را سهر سازد و در چنین حال فرزندان از پدر اطاعت داشتند و جوانان پدر و مادر کاری نمی کردند. اما امروز بچه ها پدر نمی توانند در سن سختی روزگار نان شکم سورتیه کنند. بسیاری شان یا در استان خود عزیزتر - بین جوانان خانواده را دفن کرد و پدر و پسر دیگر در تفریق فرزند پسر شدند و حسرت و پیدار بردل هنوز منتظر برگشت آنان اند.

امروز بسیاری از جوانان از پدرها - پشان اطاعت ندارند امروز بسیاری از - برایم های ما از همین امر ناشی می گردد که جوانان نسبت به بزرگان ادب و احترام قایل نیستند و امروز بسیاری از جوانان به معلمان و استادان - اهمیت قایل نمی شوند و امروز بسیاری از خانواده ها شیرازه و و رایحه های سنتی دیروز را از دست داده اند و در نتیجه بد بختی های زیادی داشته اند که شان شده است و این همه هدیه جنگ و مهابت است که پیش از سیزده سال از همران می گذرد. میتوان تره ویران شده را آباد کرد و میتوان اقتصاد پرباد رفته را رونق داد اما مشکل اصلی انسان های پرباد شده راه ساده کسی از نو ساخت و درد بزرگ ما همین است و هر روز که جنگ عمر بیشتر کسب می کند این درد بزرگتر میشود.

اداره مجله دوربرایس مطالب دست باز دارد. عقاید و نظریات در مضامین نوسنده گان معلق است

هند طلا تولید نمی کند اما به فروش می رساند.

کشور هند یکی از بزرگترین کشورهای خریدار طلا در جهان است. در سال ۱۹۸۱ هند ۱۶۶ تن طلا خریداری نمود که این رقم به مراتب بیشتر از سالهای قبل است. ولسی این مقدار طلا نیز برای هند وستان کافی نبود. قاچاقچیان شتافتند و در سال ۱۹۰ مقدار ۱۶۸ تن طلا اضافی را به هند وستان وارد نمودند.

اما تعجب آورینا است که با وجود نیازند به این کشور به طلا هند در لیلیم زوین ۲۰ تن طلا را به فروش رسانید، که از دیگر آن ۲۴۰ میلیون دالر بدست آورد.

فروص خارجی هند وستان به بیس از ۷۰ میلیارد دالر بالغ میشود.

به اساس گزارش آژانس نووستی هند وستان برای رفع بحران بولی خود قرار است ۱۰ تن طلا دیگ وجود را بفروش برساند. اما معلوم نیست که هند وستان را رفع خواهد کرد یا خیر.

در خود کشور هند وستان سالانه بینالی دو تن طلا تولید می شود.



بن چه میشود؟

در گزارش در مدت ۸ الی ۱۰ سال، پارلمان و حکومت آلمان بهرین انتقال باید در پیر از جنگ دوم جهانی که آلمان به دو بخش تقسیم کرد بد روز ران کشور قرار گرفته بود.

بزرگ آلمان شرق برلین و مرکز آلمان فدرال بن تعیین کرد بد اما این که بروسه وحدت آلمان تکمیل کرد بد به مساهله انتقال مجدد پایتخت آلمان واحد به برلین یعنی از سایل د روز ران کشور قرار گرفته یافته است.

اشعه آفتاب بهترین وسیله تدایوی

از اثر تجیع تشعشعات نور آفتاب تا تیر معالجوی اشعه نور آفتاب بالای ارتقا بین انسان بلند می رود. نور این آفتاب ای جسم مریض انداخته میشود و عمیق تیره جسم فرو می رود که سایر وسایل معالجه بسا چنین عمق به جسم انسان تاثیر افکنده نمی تواند.

به اساس گزارش آژانس نووستی به اثر استعمال این جسم مریض تحت اشعه قرار می گیرد و این شیوه تدایوی غرض معالجه امراض پراکنشیت ران بد کولیت و امراض ساری استفاده می شود.

در نتیجه تحقیقات به اثبات رسیده که از اشعه آفتاب میتوان به حیث بهترین آله تدایوی که از نقطه نظر ایکلوزیک صاف و قدره تدایوی هرگونه امراض است، استفاده کرد. بعد از تحقیقات همه جانبه، تولید چنین آله تدایوی در قزاقستان شوروی آغاز گردیده است. این آله از است ایینه مقعره قطر ۷۰ سانتی که با الکترونی که اهتزازات را بوجود می آورد ترتیب یافته است.

در اکثر کشورهای جهان حقوق بشر نقض شده

سازمان عمومی بین المللی که چگونه می تطبیق حقوق بشر در کشورهای جهان را مورد ارزیابی قرار میدهد در این اواخر گزارش آزادی را، بهرامون وضع حقوق بشر در کشورهای جهان به نشر سپرده است.

این گزارش آزاد وضع حقوق بشر را در سال ۱۹۹۰ در اکثر کشورهای سواره ما مورد بررسی قرار داده است.

سازمان بین المللی به مجازات های کلوی در عراق و کوهستان در هنگام اشغال کوهت توسط عراق نیز تاکید شده است.

در گزارش مذکور همچنان به حادثه قتل سی نفر از ارضی ها که در نتیجه مناقشه مسلمانان و آذیها جهان بوقوع

به اساس اطلاع آژانس اطلاعاتی نووستی که این گزارش سال زمان عمومی بین المللی را راهبر داده است در بعضی از دول جهان زندانها را بخاطر داشتن عقاید مذهبی محسوس کرد بد اند. در ۱۰ کشور جهان حکم اعدام وجود داشته که هشتاد و نهصد اعدام شدگان در اتحاد شوروی و چین انجامیها بود است.

وزارت صحت عامه کشور بلانکا برای جلوگیری از تشعشعات در موسسات طبی، گروه های کنترولی را بوجود آورده است که بنام (گروه های پرواز کننده) پاد می گردد.

اعضای این گروه ها بطور ناگهانی از شناخانه ها باز بد می کنند و از موجودیت و عدم موجودیت برسویل طبی کنترولی بحمل می آورند.

آنها همچنان تعمیر و سروطه شناخانه را بجز کنترول می نمایند که شمارهای طبی مطابقت دارند باه.

گروه های پرواز کننده

بنا یادگاری اسرای جاپانی

در دهکده لیستونیکا واقع در ساحل جنوبی پاپیال که در ۷۰ کیلومتری ایرنووست اتحاد شوروی قرار دارد بنای یادگاری اسرای جنگی جاپانی افتتاح گردیده است.

آژانس خبری نووستی گزارش داده که در نخته سنگ این بنا اسرای آن سده جاپانی های که در این منطقه بدون اند و قبل از جنگ اسیر بوده اند، در این است ایجابان در جنگ دوم جهانی اسیر شده بودند.

هنرمندان زودتر از سیاستمداران متحد می شوند

کریا و جمهوری کوریا در شهر ساخالین جنوبی دایوگردد، به مقصود، مستقرین این فستیوال رسد قات هنرمندان گام دیگری به سوی اتحاد کوریا خواهد بود. جمهوری کوریا این پیشنهاد را بدوخته اما جمهوری دموکراتیک کوریا تا هنوز بمان یا سخنی نداده است.

انجمن کوریایی های ساخالین که یک انجمن جانب دار اتحاد مجدد کوریا است پیشنهاد نموده تا در ماه اگوست (اگست - سنبله) سال جاری عیسوی فستیوال هنرهای ملی کوریا با شرکت هنرمندان جمهوری دموکراتیک مسردم

بیکاری در چین

برای بیکاری یکی از راههای اجتماعی چین است. آنچه که آژانس نووستی گزارش داده بیشتر از ۲ فیصد اهالی مستعد به کارشهرهای مختلف چین بیکارند.

چین برای رفع بیکاری در سال ۱۹۸۶ سیستم مطابق ارزیابی های اولی این سیستم نتایج مثبت به بار آورد.

در حال حاضر این سیستم ۴ (۴) میلیون نفر را در موسسات و ادارات مختلف چین احتوا کرده است.

توفان بی سابقه در جزیره تاسین

در این اواخر در جزیره تاسین توفان بی سابقه بی توقع بود. سته است. توفان مذکور ملغم کشتی نظامی را با نیروی عظیم به ساحل پرتاب نموده که کشتی مذکور به یک منزل اصابت نمود که منزل مذکور را تخریب کرده اما تلفات جانی به بار نیاورده است.



تعمیر از صفحہ دہری

از زمین و از زمان

از آئین و آئینگری



از وواج شہرہ سیمین

الہزابت تاپلور ہنرہ شہسہ مشہور سیمینا ہالہود اخیرا اعلام نموده است کہ برای بار ہشتم ازدواج میکند . داما د یک کارگری و نہ سالہ سا۔ ختمانی بنام فورتمسکی است کہ الہزابت تاپلور اورادریک در مانگاہ معتادین مواد مخدرہ کہ ہر دو در آن جاتحت تداوی قرار داشتند ملاقات نمود .

این ہنرہ شہسہ پنجاہ و نہ سالہ گتہ است : " زندگی لذت بخش و شیرین است یا سپری شدن ہر روز بیشتر از

روز دیگر عاشق ہم می شوم . مراسم عروسی ہر دو قسرا است در ماہ اکتوبر صورت گورد آنها در کلنہیک بیٹی فورد کہ یک در مانگاہ معتادین مواد مخدرہ و الکول در شہر رانچو۔ مہراز در ایالت کلفورنیا موقعیت دارد باہم ملاقات کردہ اند . خانم تاپلور در گذشتہ ہفت بار ازدواج کردہ کہ دو بار آن باہرچارد ہسرتسون ستارہ نامدار سینمای ہالیوود بودہ است . فورتمسکی از خانمش طلاق گرفتہ است .

نور کوشی و کوشی

خانم دول انور ستارہ مشہور سینما و تلو یز یون بنگلہ دیش با گرفتن مقدار زیاد تابلوہت۔ های خواب آور خودکشی نمود . پولیس بنگلہ دیش گتہ : خانم دول انور کہ چہل و سہ سال عمر داشت قبل از آنکہ دست بہ خودکشی بزند پیامی رانوشته بود کہ در آن گتہ آمدہ است : " هیچ کسی سہو و لمرگ من نیست ہ ولی از شوہر ہرش تقاضا کردہ کہ قبل از آن کہ اورا بہ خاک بسپارد از وی عکس برداری نماید .

زنانی زنازی کشتہ

یک زندانی پاکستانی زندانی دیگر را کہ ہندو بود در شہر کویتہ بہ روز دوشنبہ (۲۲) جوہ لای صرف بہ خاطر آن کشت کہ اودر بسترش برای لحظہ لمبده بود .

اللہ دیتا مرد سی و پنج سالہ و تیکہ دید گوہرلال در بسترش لمبده فوق العادہ خشکی شدہ و بہ گسوہرلال حمل کرد مازگلویش گرفتہ وسرترتا وقتی بہ زمین کوبید کہ جان از تنش برآمد . مقامات زندان بعد از آن اللہ دیتا را بمسلول یک نفری انتقال دادند . وی کہ بہ اتهام قاچاق زندانی شدہ

است اکنون انتظار محاکمہ مجدد خود را باخاطر آدم کشی می کشد .

تہنہ زنان

یک مرد امریکایی کہ در رشتہ کمیو ترکار می نماید در ایالت کونکتیکت ایالات متحدہ امریکہ بہ این اتهام بازداشت شد کہ سی ہزار مکالمہ تیلیفونی را انجام داد و در جریان آن بہ زنان مخاطبش می گتہ کہ اگر در برابر منازل شان برہنہ ایستادہ نشوند یکی از اعضای خانوادہ او کشتہ خواہد شد . این شخص کہ انتونی گارا۔ نستی نام دارد بہ زنانکہ بہن سنہن سی و چہار تاہفتاد و چہار سال دارند تیلیفون نمودہ می گتہ کہ وی اعضای خانوادہ شان را اسارت دارد و اگر طبق خواست او عمل نکنند او گروگانش را خواہد کشت . پولیس گتہ است کہ وی زنان را بطور تصادفی انتخاب می کرد و یک روز حتی بہ یکصدوسی زن تیلیفون کردہ است . شخص مذکور بعد از پرداخت ۴۵۰۰ دالر جریمہ رہاگردید .

زنان بہ منزل دادگی

الکسندر ہاگن

در حدود صد زن طرفدار حصن محمد ارشاد رئیس جمہور مخلوع بنگلہ دیش باجا۔ روپ ہا بر منزل یک قانون دان دولتی کہ دوسوہ ارشاد را در محکمہ پیش می برد حملہ نمودند . آنها کہ مربوط بہ جناح زنان حزب جتایا ارشاد استند بہ محلہ دہانندی کہ اقامتگاہ امون الحق مدعی العموم ۔ بنگلہ دیش است را ہمیبایی نمودند . و چاروہا را کہ با خود حمل می کردند بہ منزل مدعی۔ العموم پرتاب کردند .

روزنامہ رسمی چاپ بھونگہ گزارش دادہ است کہ یک خدمتہ بہ طور تصادفی کودک یک سالہ را بعد از آنکہ تلاش کرد اورا در ماشین رختشویی غسل بدہد کشت .

پیشتر

این تراژدی ماہ گذشتہ در منطقہ خنچانگہ در خانہ شخصی بنام ہیرگوما و ہیرکولی ہمسرش کہ ہر دو معلمین مکتب اند اتفاق افتاد .

انہا بہ خدمتہ گتہ بودند کہ بعد از ختم رختشویی طفل را نیز شستشو دہد این خدمتہ سادہ کہ فکر میکرد کودک نیز مانند لباس در ماشین شستہ می شود بعد از ختم شستشو لباس طفل را نیز در ماشین انداختہ و ساکت ماشین را روشن نمودہ کہ در نتیجہ کودکی در ماشین لباسشویی غرق گردید و جسدش کسہ آغشته از خراشیدہ گی ہا و کبودی ہا بود بدست آمد . روزنامہ می افزاید کہ ایمن زن و شوہر بعدا بہ خاطر استخدام یک خدمتہ سادہ و بی عقل اظہا تاہ سف نمودند .

زنان ہا بیشتر از مرد ہا

در فلپین کارمندانی

روزنامہ " فلپین ستار " اخیرا نوشتہ است کہ کارمندان زن در دستگاہ دولتی خانم کوراژون آکینو رئیس جمہور فلپین نسبت بہ کارمندان مرد افزایش یافتہ اما مردان پست های حساسی پالوسی سا زرا احراز کردہ اند . این روزنامہ طبق ارقام دفتر احصائہ فلپین نوشتہ است کہ در فلپین ہشتصد ہزار زن

بحث کارگر در دستگاه حکومت کاری نمایند در حالیکه تعداد مردان کارگر به هفتصد هزار نفر می رسد. خانم کور - ازون اکهنواولین رئیس جمهور زن در فلپین است. اما او سوماتی را اتخاذ نکرده که به استخدام زنان ترجیح داده شود.

فهمیده نشد که آیا اعضای خانواده وی آگاهانه بود رکشده را خورده اند و یا خمر ؟ فلپینانو خسر کابینی گفته است که خانواده دامادش به پراپلم های زیاد پولی مواجه بودند و همیشه دامادش را - نصیحت می کرد که باکم بخود گذران نموده و تشویق نکند.

مجازات بخاطری محکوم شدند که دراطاق های شان سگرت دود کرده بودند. اجساد این دوسرودختر که چهارده و شانزده سال عمرداشتند به روز هفت اسد درهک کانتینر - متروک که از طرف این مرکز در هپروشمیا جاپان برای تدا - بیر انتظامی استفاده میشد در هانت شد.

در ششوی از دواج زوج

مردان مسلمان سنگاپوری - متاهل به سوی جزایر باتام و نیتان اندو نیز با رجوع می نمایند تا در خفای خانم های شان بار دیگر با زنان اندو - نیز یایی ازدواج نمایند . روز نامه سندی تایمز نوشته است که بسیاری این زنان کما - نی اند که بین - نین بیست الی سی ساله گی قراردا - شته و از شوهران شان طلاق گرفته اند .

این زنان ازدواج بایک مرد مسلمان سنگاپوری رایگانه نجات شان از فقر می دانند . بسیاری مردان سنگاپوری بعد از ازدواج با زنان حیوانتر اند و نیز یایی همسران و اطفال شان را در - سنگاپور رها کرده اند .

پولیس با وقت رسیدن

تهران : چندی قبل در قسمت جنوبی شهر تهران هنگام کندن کاری تعداد یک گنج بزرگی ازسکه های طلائی مربوط عصر ساسانی هاسال های ۴۳۳ - ۱۱۱ و عباسی ۸۷۴ - ۱۱۱ و عباسیان سال های ۷۵۰ - ۱۲۵۸ کشف گردید پولیس ناوقت رسید کارگران ساختمان تارسیدن آنها ۳۶۰ سکه طلائی را بالای زوگران به فروش رسانیده بود که از آن خشت طلائی به وزن ۱۰۲ کیلوگرام بوجود آمد و به تعداد ۸۶۰ سکه را پولیس ضبط نمود .

این روزنفر برای چهل - و چهار ساعت در داخل کانتینر قفل شدند و آنها اجاز داشتند صرف یک جرعه چای بنوشند باوصف آنکه درجه حرارت هوادر ساه به سی و پنج درجه سانتی گراد برسد . پولیس، آمراین مرکز را که یک موزه شخصی است تحت تحقیق قرار داده است

صدراعظم ایران

هند اجاز میباید

میرا قتل میگرد

چندرا شیکر صدراعظم سابق هند درهک فستوال اجاز نیافت مو ام، را قطع نماید - نهرا انفرادی امنیتی استفاده از چاقو را درین محل منع قرار داده بودند . شیکر از نوامبر سال ۱۱۱۰ تا انتخابات یکماه گذشته صدراعظم هند بود حتی اعضای حزب جناتادال شیکر در فستوال سالانه (منگو) که در شهر شاهجهان بود برگزار شده بود اجاز نه یافتند نزدیک وی قرار گیرند به تعقیب این ادعا که ترتیبات امنیتی بهتر می توانست از قتل راجهو گاندی صدراعظم سابق هند جلوگیری کند خدا - ظت شخصیت های بسیار مهم در هند بطور اساسی تشدید یافته است .

دو نفر زوجهان

در یک کانتینر

جان سپردند

پولیس بتاريخ ۱۸ اسد سال جاری در توکیوگت دو تن از زوجوانان جاپانی بعد از آنکه درهک مرکز تریه مجد دنوجوا - نان بخاطر مجازات، درهک کانتینر قفل شدند، جان سپردند . زوجوانان مذکور همین

مردی بخانواده خود زهر داد

یک روز نامه فلپینی نوشته است که یک کارگر کابینی یک نجار فقیر فلپینی بخاطر آنکه نمی توانست برای نفقه خانواده اش پول کافی بدست بیاورد اعضای خانواده خود را زهر داد و خودش نیز خودکشی کرد . روز نامه مانهلا تایمز نوشته است کابینی که بیست و نه سال عمر داشت به تاریخ پنج جولای بعد از آنکه پودر کشنده را به خورد خانواده اش داد و خود نیز آنرا سر کشید با همسر و سه طفلش در شفاخانه جان سپردند .

قتل

بخاطر

جهنم عروسان

دوبارلمان هند به روز پنجشنبه ۲۷ سرطان گفته شد که پولیس هند هشتصد و هفتاد و هشت قفسه قتل هک هزار و چهار صد و هفتاد و نه حاد می خودکشی را در ال ۱۱۱۰ ثبت کرده که به جهنم زنان ارتباط داشته است .

علاوه به آن دو هزار و چهار صد و هفتاد و هشت قفسه مرگ در بخش قانون جزای هند ثبت شده است .

پرداخت جهنم از طرف فانیل مروس به خانواده داماد در سال ۱۹۶۱ در هند غیر قانونی اعلام شد اما این عمل با تقاضای صریح تر به شمول پرداخت جوهرات تلوهینون ، موتو موتو سیکل علاوه ادا یافته است .

روزنامه های برجسته شعری هند هر روز گزارشات را برامون خودکشی عروسان نشر می نمایند . این خودکشی ها زمانی بر قوع می پیوند که خانم خانه احساس می نمایند که نمی تواند فشار خانواده خسر را بخاطر جهنم بیشتر تحمل کند و هم نمی تواند از خانواده پدر تقاضای جهنم بیشتر نماید .

ارقام نشان میدهد که مرگ های مربوط به جهنم در دهات هند رو به افزایش است . گروه های حقوق بشر می گویند که صرف یک بخش کوچک مرگ های مربوط به پرداخت جهنم در دفتر پولیس ثبت میشود

فرد روز بزرگ مسیریان

چرا این همه ازدحام و ترافیک وحشتناک شهری را می توانیم

توافق هر چه عاجلتر کنترل سرعت وسایط را در دست های محین این جاده اعمار نماید و برای کنترل از سرعت در جاده های دیگر شهر نیز ازین نوع موانع عبور یا سرعت ایجاد شود البته این موانع نباید بلند از ده سانتی باشد زیرا بعضی ازین موانع در ایام سرما موجب ایجاد مشکلات میگردد در بسیاری کشورها ای جبهان این موانع را از طریق نصب سنگ ها در فاصله های نزدیک ایجاد میکنند

تاجانیکه دیده میشود بعضی از راننده گان دارای اجازه نامه درپوری نیستند و بعضی شان دارای اجازه نامه هستند اما درپوری را درست بلد نیستند این مسورد نیز مورد توجه باید قرار گیرد تا کتوبن که دیده شده شرایط مجازاتی برای راننده های که موجب ایجاد حوادث ترافیکی میشوند مخصوصا وسایط دولتی را متضسرر می سازند خیلی جسدی نبوده و متضراست " قوانین موجود یا حداقل در تطبیق آن تجدید نظر شود و مسورد مجازاتی شدید تر وضع شود اداره مجله سبازون در نظر دارد تا در زمینه نظریات شهریان و مسولین راه نشسر رسانند

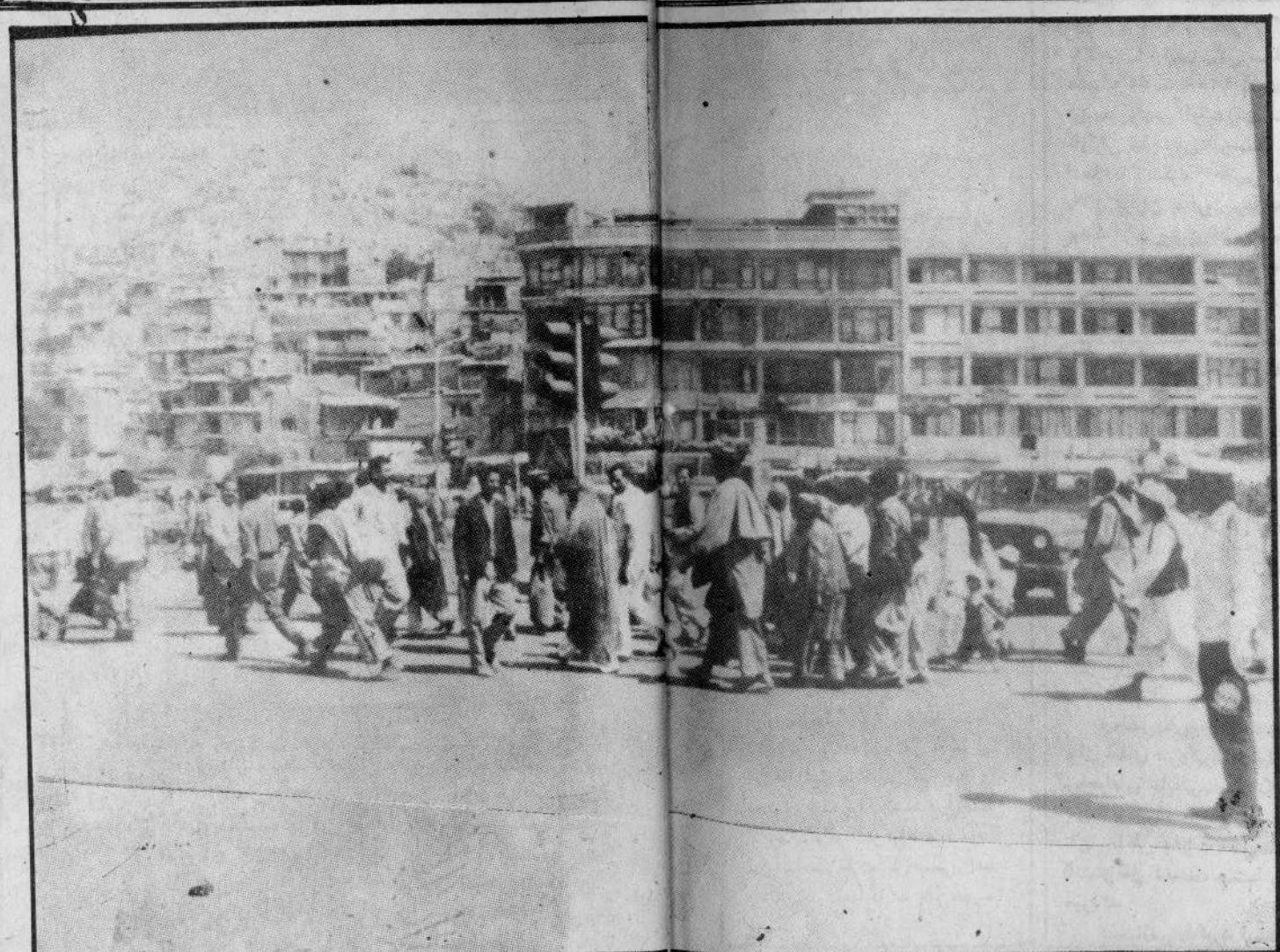
در ورترا مرکز شهر انتقال با بنسلا چنین ازدحام در جاده نالند که وات مقابل وزارت تعلم و ترهه نیز وجود دارد که گاهی موجب ایجاد درد سر زیاد برای راننده گان میگردد

چگونه ممکن خواهد بود که جلو سرعت موثرها در شهر گرفته شود و وسایط نقلیه در شهر با معمارها و موازین بین المللی قانون ترافیک را رعایت کنند و جان همشهریان را از خطر محفوظ داریم

بختراست برخورد ترافیک نسبت به تخلفات همه وسایط نقلیه قاطع و جدی باشد درپور و رعایت و جانبداری خلاف عدالت است

در مورد جاده های مزدحم تجدید نظر شده و برای وسایط نقلیه همشهریان که در شهر ضرورت دارند محلات پارکنگ جستجو شود بهتر خواهد بود در این پارکنگ ها وسایط از طرف یک نگهبان محافظت شود ضمنا از نظریق از وقوع حوادث انفجاری نیز جلوگیری بعمل آید

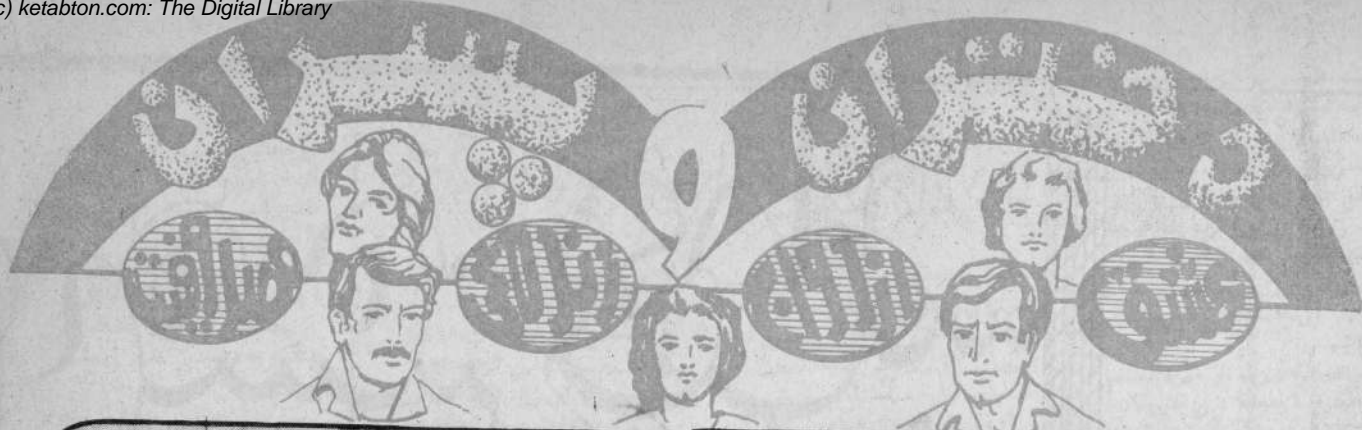
ترافیک برعلاوه جاده های که از آنجا تصادفات رسمی عبور مسورد دارند به نقاط دیگر شهر نیز توظیف شوند مثلا بارها شاهد حادثه های مسورد در مسرک جدید مکررون چهارم بوده ام بختراست رعایت



خود " برخی وسایط تیز رفتار مربوط به فرماندهان های قطعات قوس یا سرمایدا را نیز روزی با چنان سرعت از جاده ها عبور می کنند که گویا طهاره می است که میخواهد در خط رنوی اوچ بگردد و جالب اینست که برخی از ترافیک ها بچسبی متوقف ساختن آنان برایشان سلام و لبخندی نیز اهدا می کنند این وضعیت ها موجب مسر افروختگی و صیانت شهریان میشود گاهی ترافیک کارنیزون ش بهر کابل در شهر حضور دارد که حداقل برخورد قاطع تر و جدی مخصوصا با وسایط نظامی دارند

پروپلم دیگر مربوط به تقسیم ایستگاه های ملی پس و جاده های یکطرفه و دوطرفه است مثلا جاده کنار راه مقابله فروشگاه بزرگه افغان برترم آنکه خیلی کوچک است اما چو حالی که در آنجا نیست از همه طرف موثر میاید و چندین ایستگاه در آنجا متمرکز شده است گاهی ترافیک رفع مشکل را با این بردن کراچی ها و تینگه های دست فروش چاره می کند اما اینکه ممکن نیست به ایسن علت ازدحام در آنجا داده دارد آبا بهتر نخواهد بود که تعداد ایستگاه ها از آنجا کم شود و در نقاط

تقریبا در طول چند سال اخیر و مخصوصا در یکی دو سال اخیر وضع ترافیک شهری بهنا بر ازدحام بیش از حد وسایط نقلیه محدود بود ن جاده های شهر افزایش نفوس و عوامل متعدد دیگر خلی وحشتناک شده رقم سالانه و روزانه تلفات ناشی از حوادث ترافیکی بمقایسه نفوس شهر بسیار بلند است قربانان حوادث ترافیکی بیشتر به علت پراکنده گی افکار راننده و تاپرین و عدت به علت سرعت بیشتر و سبقتجوی بوجود می آید ترافیک شهر برغم آنکه در طول روز در کرم و سرما به خدمت مردم قسرا دارند و ابتکارات متعددی را بکار می برند تا جلوی حوادث گرفته شود اما به دلایل زیادی تا کتوبن موفق نیستند طوری که ملاحظه میشود وسایطی بعضی از خازند و بعضی ترافیک در شهر با قادن هستند که جلو سرعت برخی موثرها را بگیرند یا اینکه توانایی آنرا ندارند مثلا بارها دیده شده که یک واسطه نقلیه نظامی با سرعت خیلی زیاد ازچا راه ها عبور کرد و با موثرهای باربری کاماز و تانکرها با همین سرعت چاده را میسود اند که هر کس آنرا دیده دلش هول کرده و گفته: " خدایا



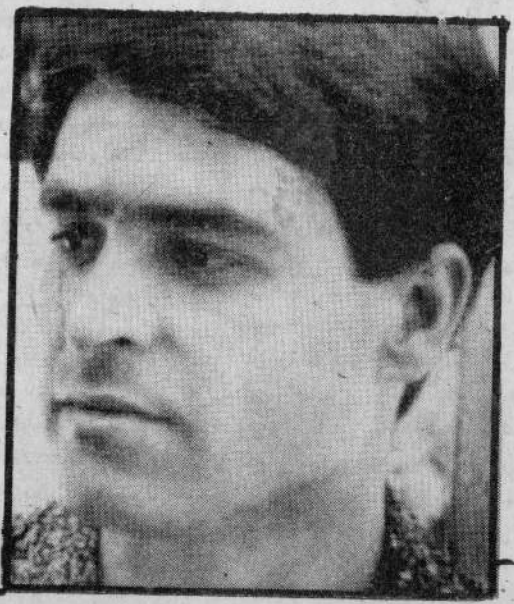
سید عبدالله ستومان منحل در رشته کیمیا و بولوی در اتحاد شوروی
 تالحال هیچ ارزویم برآورده نشده و فکر میکنم هیچگاهی هم بخت و طالع با من یاری نخواهد کرد زیرا ارزویم دا کتر شوم به پولتخنیک کامیاب شدم خواستم بورس بگیرم برایم بورس در رشته تخنیک موتر دادند وقتی برای تحصیل رفتم اینجا در رشته کیمیا و بولوی معرفی ام کردند نمیدانم این رشته را چطور ر بخدمتیم همه هر صورت امید دارم که بتوانم با هر گونه تلاش و وساطت رشته خود را تغییر داده و به ارزوی اولم برسم.

راحله رحمانی کارمند ریاست تفتیش وزارت تعلیم و تربیه
 آرزو دارم با پسری پیوند زنده گی بزنم که تحصیل عالی و اخلاق نیکو و خانواده نجیب داشته باشد تا بتوانم در کسار هم و به پای هم زنده گی خانوادگی را با فرزندان خود پراز خوشی و سرود و محبت سپری نمایم تا مریدان خوبی در امور زنده گی باشم.



محموده کارمند ریاست تعلیمات عمومی وزارت تعلیم و تربیه
 در زنده گی یک دختر جوان چی چیزی میتواند وجود داشته باشد به جز این که گاهی پدر میکند دخترم را به فلان کسی میدهم و گاهی هم مادر گاهی هم خوبی میشوند و قیم ارزو دارم عروس خانه شان شود در هر صورت من هم درین کشمش های خانوادگی و خوبی قرار دارم که نمیدانم تقدیر بخت با من چی خواهد کرد؟

عبداللطیف سید محمد منحل سال اول
 لسان خارجی در شهر پتسی
 گورس شوروی
 یگانه خواستم این که روزی از ملک دوریم کشور خود بیایم و مادرم با خوشرویی دسترخوان را برایم هموار کند بگوید :-
 پسرم قیمت کپا لو و گوشت پا -
 بین آمده و ما میتوانیم بادل -
 جمعی و آرامی بیشتر میزبان
 گوشت باشم مخصوصاً گوشت
 گوشتند





ذکیر آرایشگر، آرایشگاه کهرابید |
۹ سال است به کار آرایشگری خانم
ها مشغول هستم . البته هفتاد
دوست داشتم و مورد علاقه ام است
خیلی دلم میخواهد زنان و دخترانی
که برای آراستن صورت خویش به اینده
بدانند که زیبایی شان در آرایش
ساده است . اما اغلب آنها تقاضا
میکنند که آرایش صورت شان بسیار
ظریف باشد . من شخصا طرفدار
آن نیستم .

تراز پیش شده بودند اما انگار در جستجوی
 ناپافته می بود که لحظه بی آرامش
 نهنگ داشت . زیرا او در باطنش چنان
 گرمای مهال نهایی را احساس نمیکرد که
 نمیتوانست آنرا به کیک مویک و رنگها
 روی کاغذ بیاورد . به همین جهت بود
 که گاهگاهی تنگ آمده گی های سینه اش
 را بانواها و زمزمه های بی سرانجامی
 فریاد میکرد .

وی با هوای نقاشی در سر و وقت مسو-
 سیقی در دل، آهسته آهسته در جستجوی
 ایماها و اشارتهای پنهانی درون پرده هلی
 ساز به سوی ا قلم های جاودانگی هنسر
 پانهاد .

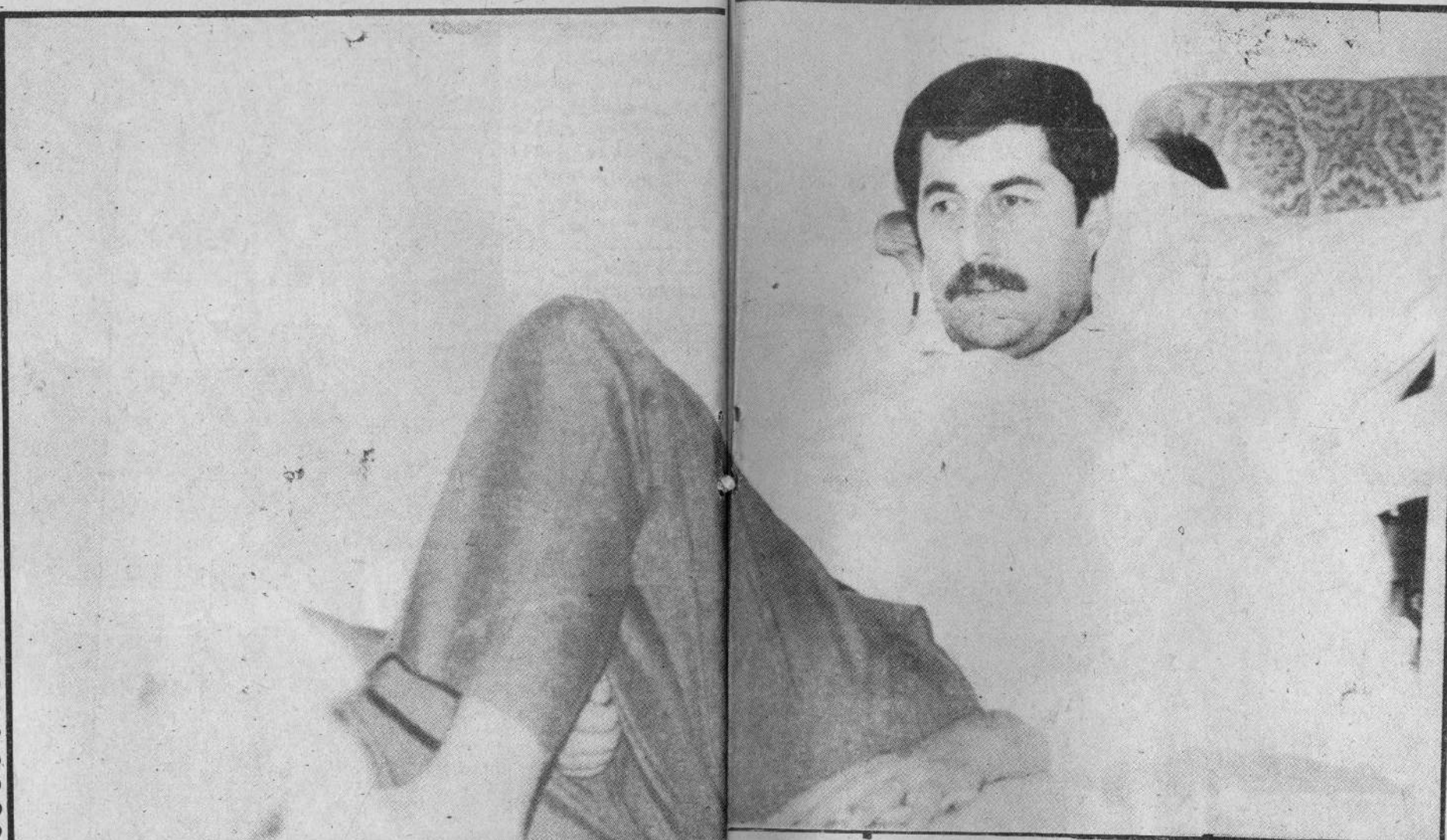
شاید پرهه همین امید های تمامی ناپذیر
 بود که او را تا سواخیل نامکشوف زند و کسی
 نمیرد .

♦ ♦

سفر جسی این هنرمند جوان نیز مانند
 دنیا له واد امخط نقط چین مویک کساره
 تا بلوهایش یک بعد بالنده را تشکیل میکرد .
 ذوق - رشار و جوهر های نهفته در روان
 هنر آفرین وی او را سرانجام پ-
 دیار تمنت هنر های زیبای پوهند-
 زبان و ادبیات رسانید . این سه سال
 تحصیل، الهای دریافت تازه ترولو شنایی
 بیشتر به ناشناخته گی های ا قلم هنسر
 برای او بود .

انگار این همان نگارگری مویک
 رسام و غوغای پر شور دنیای رنگها بود
 که با سحر و اعجاز پرداخت های آواها و
 آهنگها به هم آمیخت و چونان منادی نا
 پیدا او را از سوی بسوی میرد و راه ها
 و راهکوره های دشوار گذاری را برایش
 شکن شکن چراغنداری میکرد دوستانش
 در یافتند که نجیب رستگار در همان
 تاریخ بود چلوه های هنری در هر رشته
 بی تاب خورد و زمزمه هرمتی را تشکیل
 داده است . اما خود شرافاده دیگری
 دارد او زما نی گفته بود : در زنده کسی
 من هنر رسامی از ریشه با هنر موسیقی دست-
 به هم داده و در من ذوق شعر آفرینی
 را ایجاد کرده است .

اگر هنر وجود هنرمند چیزهایی
 را ایجاد کرده است و هنر آفرین نمیز
 در هنر و قانتیند یهای آن ایما دتازه
 تری می آفریند . به عقیده وی همانگونه
 که کمپوز در موسیقی مرکز توجه است
 کمپوز در تابلو ها و رسم هانوز چنان است
 یکی از نقطه نظرهای بسیار جالب
 و ابتکاری نجیب در این اصل نهفته است ،
 که روان هر تابلو باید آهنگ داشته باشد
 بغیه در صفحه (۲۰)



نجیب رستگار بعد از یک بیماری شدید در حال صحت یابی است

ششویر گریر ملودی ها

هر با یاد و وقتی پایک کوچک بهمه برانسه
 از یادش میبرد : امروز پدرم کی زده -
 خواهد توانست ؟

مادریا امید واری نهرمند تراز در پروز با صبح
 کوتاهش را تکرار میکند : انشاء الله ...
 درست سه ماه از لب به همستن و چیز نگفتن
 و چیز نسرودن هنرمندی میگردد و لوسی
 هنوز هم همزمان با طلوع خورشید سکوت
 بردارد و بیار این خانه میاید .
 ... وجه درد انگیز است سطره - سکوت
 و غموف نار بر سر زمین ساز و آوازه تا غما
 نخستن !

♦ ♦ ♦

این غموف خاموش و غموفی همه خروش
 را می و سه سال آنسو تراز امروز پدر
 و مادرش - نجیب - نام گذاشتند . در کوب
 دکوپلا صهای آرام و حصاصی داشت .
 اما میشد به سهولت در روزی مصممست
 آرامش ظاهر وی و بیقراری و پهنده کسی
 روح پر تنگایی را خواند که پیوسته
 او را به تلاش خسته گی نشاناس و میداشت .
 سالها بیشتر از آنکه راهی مکتب بود ،
 و معلم خانه راه دست راستش میدهند
 با کلکهای کوچک و بارکش بیشت عهده های
 نمازده کلکین های خانه چه کسک
 سیاهه های زغالی روی دیوارها ،
 روی خاک و چوب اینجا و آنجا را خط
 خط میکشید و چیز چیزهایی رسم میکرد .
 تا اینکه نوبت به ورقه ها هارسید .
 روزها تا شام کاغذ سیاه میکرد و هر چه راکه
 به دلش می آمد روی کاغذ میکشید ... و بدو-
 ن اینکه خسته شود فردا بازم همین
 کار را تکرار میکرد .

سرانجام روزی نجیب شامل مکتب
 شد .

بهترین سرگرمی همسنان و دوستان
 کوچکش دیدن کتابچه های نجیب بود .
 به خاطر اینکه او در تمام کتابچه ها پیش
 رسام میکرد و آرزوهای کوچک (و شاید
 بزرگ) خود و همسالانش را با زبان رنگها
 روی - پدیدهای کاغذ بیان مینمود .
 و به اینگونه خود نیز در میان پخته گس
 رنگهای آمیخته با آواها و ضیاء ها به سوی
 پخته شدن میرفت .

♦

نجیب رستگار شانزده سال داشت
 که شامل کورسهای صنایع مد نظره که
 در آن هنگام متوسط وزارت اطلاعات و کلتور بود
 گردید او برای نخستین بار جهت آمو زش
 فیه ها و روزنامه های نزد استاد خورشید
 باری میانی این هنر را فرا گرفت . دیگر
 تا بلوهای پکار کرد های او رنگین تر و مستودنی

زموڼيز په لويه نړۍ كې داسې ستوري شته چې كه يوشمير مكعب د هغه نه د انعكاسي پرتخ ولوږي همكه له منځه يي ژونډ كراوسد سر په دې په حال كې دې چې البته د هغه دوران ۲۰۰ كذا سو د نوريه سرعت شپږ مياشتي سفرو كړي، په بيړته راتگ كې به زركالسه د همكې له عمرخه تير شوي وي.

پسر هسكه ته وكتل اوسه حيرانتيا سره هغو روڼانو ټكو ته چې شپږ پرتخ ناست وو همير شوه ۲۰۰۰ هغه شې دې اولي؟ ۲۰۰ دغه روڼانه ټكي هغه شې دې اولي وجود لري؟ ولي د شپږ ناري - سپوږمۍ (كله لكه زرين ټكي هغلي ي اولكه هم لكليسندي هلالې شي.

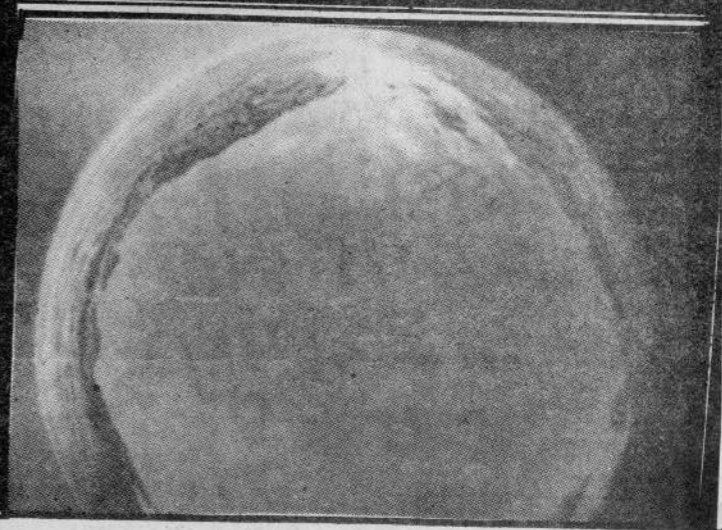
د بشر په وړاندي دغې پوښتنې د ستوري پيژندنې لار پرانستله، هغه لومړني پلټونكي چې پمې يا په صحرا كس د گسوزي چت لاندې ناست وو اوله پمې شپږ ي بيا ترسهاره د ستورو حركت ته سترگي همير كړي وي ناخايه ي پوراز پوه شو.

هغه سرگردانه ستوري چې په مېنيو وختو نو اوله لومړني نوكي رابنگار كيدل دغه راز پي دوه ته ورسيد. دوه پورته - وليدل چه كم ستوري د پسر لې په راتلو اوله باران په وړيدو د پوښ په گړي اوله لوله فصل سره سمون لري نوله جان سره پي وويل دا هغه ستوري دي چې د دوي كړنيد نه د انسان سرنوشت ټاكي.

دوي فكر كارو چې ستوري خدايان دي يا د خدايانو په لاس مري چې د هغوي وځاي كې بدلون راځي هغو كالسو چې ستوري پي خدايان پلسل زهره يانا هيد پي د مېنيو خداي او مريخ پي د جگړي خداي، لږينو لمر خداي گانه اوله مينو هم د مېنيو پوښتنې كارو.

پايليان چې د سومر د قو موڼو د روڼانه تمدن وارثان و لومړني كسان و چې د ستوري و دراز په پلټونكي شول، او بابلي منجمينو د ستوري د خوښ ليدو لوري و ټاكل، شپه روځ، مياشت او كال پي محاسبه كړل. خو ستوري پيژندنه

زموڼيز ستوره نړۍ



د جاد و اوسر ترخه گام پورته كارو.

مصريان هم په دې لاري له بابليانو سره مخ ته لاړل اياكله چې مصريانو لوي هرم جيزه او د همكې اوله واپتن پي سم ټاكل و چې د هرم لور والي پي د دغه واټن پي مليارد مې برخه ونيوله، يا شپار م نوري لمه پي چې د هرمونو د اجزاوو ترمنځ په جغرافيايي نجومي واټونوا و اڼد او ټاكل شوي، له كوسه لاس ته راغلي؟

د ستور راز نجوم خپلې كاري ته دوام وركاوه، د فيثاغورث پلويانو پوهانو د زره كړه چې همكه گړه ده بل يوناني منجم وويل چې همكه خوځنده ده اوله لمر په چاپير خرخي ز بل منجم هپارخ د پورتنې نظريې پرضد ټينگار كارو، همكه پي د عالم مركز او ثابته وگڼله، خودغه سري د ستورو په پيرو نورو رازونو پوه شو، بطليموس په هغه پي لار اوله بطليموس م نجوم د كورنيد ترعصره په نړۍ حاكم وو.

كوسيزه په ۱۶۲۲ كال د تورن په بناركي زېږيدلسي اوله زده كړي وروسته پي په كليساكي د روحاني دنده غوره كړه، دغه مفكر روحاني كليساد اعتقاد لټو پرځه لاري چې د بطليموس د هپارخ (نجوم علم) پريشايې همكه گړه وگڼله، راز لار شو، او د لرغوني هيات اصول پي سره وپاتل او ثابته پي كړه چې همكه خوځنده ده اوله لمر ثابت دي اوله يوناني منجم عقیده پي چې له پاره وټلسه وه، رازوندي كړه پي لكه دي چې پوهنيزي كلونه مخكې هم چا د ه عقیده ي نه ورته عقیده د رلوده كړه.

پريښك كتاب هغه وخت خپور شو چې دې م شوي وو، اوله لمر وپنډوي كړي د هغه پرضد كم اقدام وکړي، اما د د پلوي د كليساد قهر په اور كړه راگوشو، او ايتاليايي پوه پي د فكر په جبر پياوړي وسول او وركهله تره ورسيد، هغه د بنارخ ستر منجم شاگرد وو.

ده د كورنيد له عقيدې سره د خپل استاد د مخالفت سره سره د (كنيش) روحاني لاره ونيوله، كپلر ته د اسان

قانون ايښودنكي وايي، دې وچې كشف پي كړه د ستور وروندار بيضوي بڼه لري، په دغه كشف او (نوي نجوم) د كتاب په چاپير دې كپلر ليدل و و د بطليموس نجوم م شوه اوله مثبت تفكر او تجسس لاره خلاصه شوه.

د الخ بينك محاسبي په همدغه وخت كسې د اسيا په زره كې د اسير تيمور كورگان لمسي الخ بينك وگولاي شول د خپلو منجمينو اوله همپو كتابونوكه عمر خيام او خواجبه بصرالد بن طوسي په مرسته لمبني كشفيات وکړي چې ارويايي پوهان د تلسكوب له اختراع څخه بنحوسر كاله وروسته په هغه پوه شول.

هزياد شاه د متمصير او وچو پوهانو د زور زياتي او توطيېو په اثر استعفا ته مجبور شو او وروسته وژل شو، او كه د ستر منجم علي توشيجي ميرانسه نه واي د الخ بينك اثار - له منځه تللي واي په اولسه پمري ئي كله چې د الخ بينك كتاب په اروپايي خپرونو پوهان حيرانتياكي ووب شول او وروسته تلسكوب وپنود له چس د الخ بينك اوله دې خاوري د نورو پوهانو محاسبي تركومه سمې وي. تلسكوب په ايتاليا كې اختراع شو، ايتاليا د (پاد وي) د پوهنتون رياضي پوه گاليله، د نيميز جبرونكي (زاجاري پانر) د كشف څخه په استفادو نجومون د وروپين اختراع كړ اوله لومړي لامل لپاره پي وگولاي شول د سپوږمۍ سطح د خپل د وروپين په واسطه وروپين او متوجه شو چې د سپوږمۍ سطح د پوهانو وويلو برخلا ف هوار يا صافه نه ده.

گاليله پوښتوري چې له وروپين پرته نه ليدل كېدل كشف كړل. ده دغه شان هغه خلوږمونه چې د مشتمري د چاپير خرخي هم كشف كړي د كليسا قيام اوله گاليله توبه خوټولو او وړيدلي خو علم اړوهه پرتخ تلونكي وه او متمصيرينو م نه د رلودو چې د پرمختك مخه ونيسي.

د جاد پي قانون اوله نوريوي



له پيړۍ د موجودو موادو د استوږنې منځ كې واټن له منځه ولاړ شي، همكې كړه وپرتخ لارزې تلمبري

د گاليله له مرضي نه يو كال وروسته نيوتن ونيو په هغه ماشوم چې د خپل وخت ترټولو ستر مفكر مخزورگره يده، داسې خوك چې د سيملي د ستر رياضي پوه ارشميدس تر م پي وروسته لكه ده غوندي ترهغه وخت نه وپيږدي اشري.

د جاد پي قانون اوله نوري تپوري چې د دغه پوه د سلگونو سترو كشفونو څخه وي، د نجوم په علم كې پي زياته اغيزه درلوده اوله نفا د پلټونكو پوهانو په مخ پي نوي لار پرانستله.

په پاريس كې د نهد خامسي جبرول اړه هغه كې د ايتاليايي ستر پوه كاسيني كارل د فساد اسرار و د كشف په لار كې سترگام وو. كاسيني د زحل قروي كشف كړل او وروسته پي د همكې اوله رواتن ۱۳۲ مليون كيلومتره وټاكه، وواقمې واټن ۱۴۹ مليون او شپږ سره كيلو متره دي.

په دغه لويه اړي پايه نړۍ كې داسې كسري وجود لري چې كه يوشمير مكعب پي د همكې پرتخ ولوږي، د دې امكان شته چې همكه لومړي اوتو پوه كړي، همكه د دغو كسري پوهامو الكترون او پروتون ترمنځ واټن وجود نلري، د توضيح له پاره بايد وويل شي كه د همكې د توليد وجود مواد و د اتم په منځ كې واټن له منځه لاړ شي د همكې كړه په خپل همسد ي عظمت سره د نارنج اندازي ته رسيزي، دغه اصل په لسو پي نړۍ كې هم سمون لري، همپه كد كسرو او اتمونو واټنونه له منځه لاړ شي زموڼيز نړۍ بيا پي د نوري مليونونو كلونو په واټن د فوتيال د پوه توب په انداز او وگي شي.

اوس نرسر كړو چې په پيل كې د نړۍ تولسي موجودي نړۍ پي واټنه وي، د فوتيال د پوه توب په انداز او وروسته دغه د فوتيال توب منفرج شو او چاوديد، د چاوديد و په اثر د اتم اواساسي كراتو ترمنځ واټن رامنځ ته شوي اوله نفا پي پايه نړۍ پي منځ ته راوړي اوله كلكشايو د سوي تپينه لاهم د هماغه لومړي سوي چاوديدني په اثر ده.

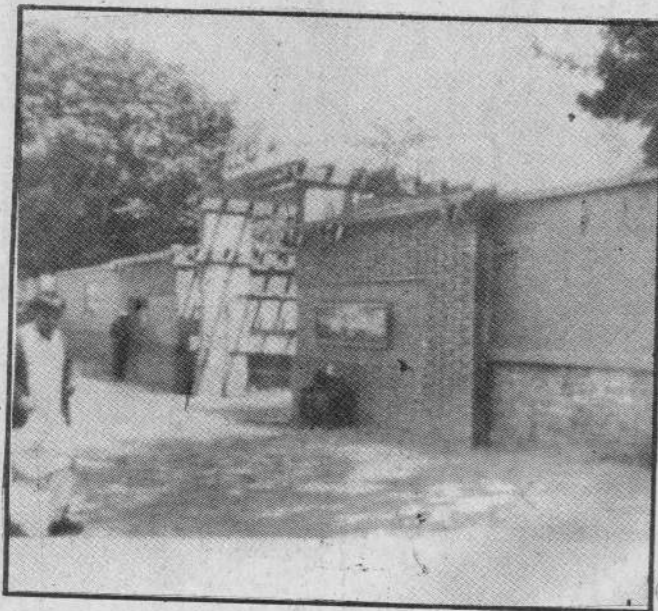
اوس وگورو د نفا اوزمان - هكه په خه پوهنيز و، نن تا پته شوي چې حركت او خويښت نه د وخت اوزمان د سكون لغيزي والي سبب گرومي پدي مانا چې كه يوه د سفينه د سوي په سرعت (دري سوه زره كيلو متره په يوه ثانيه كې) وځو - همپه ي اوله د سفينه د همكې د كسري نه د حركت له وخته شپږ مياشتي سفرو كړي او وروسته له شپږ مياشتو پورته راولگرمي د همكې له عمرخه زركاله تپوشي دي په پله هپاره كه ۲۰۰۰ ميلادي كال كسې نرضي سفينه د نوري سرعت له همكې نه وځو همپه ي اوسه ۳۰۰۰ كال پورته همكې ته راځي د سقيي د سرتي همرواږي لس كالنزيات شوي دي.

د دې محاسبي ملاحظو د هغو فضانورو اوسن چې فضا پي سفر پي په تله اوراټك كسې لمر وروپي دوام وكړي، سوازي يوه ثانيه زيات شوي دي، په داسې حال كې چې د همزولو پاتې په (۸۷) منځ كې



چون ماهه روزه ما پدات را به پانك تحويل مينمايم از اين ستيماز صورت چگونه گسي ما پد و صرف چيزي نميد انيم ؟ پس فداي حيوانات را كند ؟ مرجع تهيه مينمايد ؟
- راست كلتوري ناروالسي فداي حيوانات رابه طبري قرار داد ي تهيه و به دسترسي مقرر ميدهد .

قسميكه ما اطلاع يافته انيم ميگويند ، گوشت حيوانات از بين رفته ياغ براي حيوانات گوشت خوار ياغ داده ميشود آيا واقعا همین طراسته ؟
- من به كلي اين گپها را رد مينمايم ، هيچگاهي چنين اتفاق نه افتاده ، هيچگاهي فداي قيصصي را براي تغذيه حيوانات نمي گذاريم .
چه گونه كه در يافتيم در اين بجا كليك حيواني وجود ندارد . حيوانات مريض رابه كجاست تدابي ميكنند ؟
اگر قابل ياد آوري بدانيم بيه صحن براي ياغ وحش نفعي از نمازهاست كه به آن توجه صورت نگرفته است .
باشنيدن سخنان امراغ ماهه طرف قسههاي مختلف لطفاً صفحه برگردانيد



است!

كداشته وازوي در مورد پاسخ هاي در يافت كيم .
• بسياري از قسهها از حيوانات خالي اند سبب چيست ؟
- اكون كه شما بسياري قسهها را خالي مينويد حيوانات آن ها از بين رفته اند و ما بنابه مشكلات كه دانگير ما بود نتوانسته ايم جاي آنها را پر سازيم .
• وقتي ما از كشوري تقاضاي فرستادن حيواني را كه در كشور ما نيست به عمل ميآيد در برابر آن هانيم .
از حيواناتي كه در كشور ما پيدا مي آيد در مورد تموم ميخواهيم .
• و چون امكانات به دست آوردن و فرستادن آن حيوان براي ما ممكن نيست ، پس طبيعيت كه طرف مقابل نيز حاضر نميگردد تا پد ون تمومي حيواني رابه ما بفرستد .
• آيا ما پدات به دست آمده مصارف تان را كاپت ميكند ؟

تدبيرات و روشها

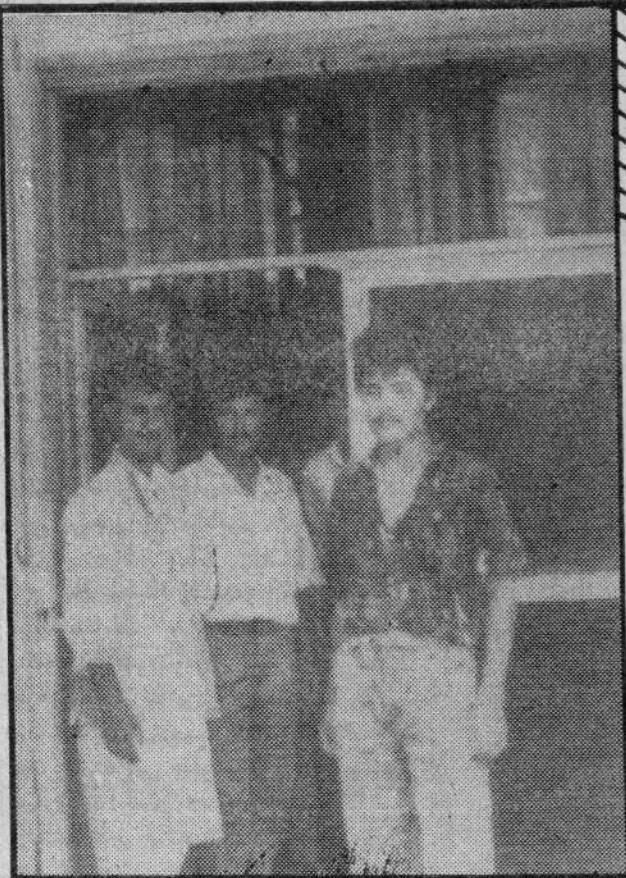
رايو تاراو : ف اتفي

براي ماهيان به شكل زيادي تزئين گرد يده بزد اكون به رستورانت تبديل شده است اي گاش در صورت تبديل ساختن محل ماهيان به رستورانت آبيرا از ماهيان در يخ نميد اشتند در نظافت و ياكيزه گي صحن ياغ تا حدي توجه داشته اند اما چوكيهاي كه قبلا در گوشه ركار و جزو دانست ، يا جاي شان خالي شده است و يا هم اگر در جايي به چشم ميخيزند شكسته و ناسالم استند .
كlinik حيواني به منظور تدابي حيوانات وجود ندارد . انتقال دادن حيوانات از ياغ وحش به كليك هاي حيواني شهريكي از مشكلات و كمبود يهاي عده به شمار ميروند .
بعضي خواهند بود تا سوالات مان را با عبيد الطيف شاه نوري امراين ياغ در يافتن



مختلف جهان آورده شده اند .
ايجاب مينمايد تا در مورد نگهداري و پرورش آن ها توجه و وقت زياد صورت گيرد ، چه در فترت آن تغيير آب و هوا خوراك وحشي محل نگهداري ، سبب تلف شدن آن ها ميگردد .
• شدي از خواننده گان عزيز مجله در نامه هاي شان از چگونگي وضع ياغ وحش كابل شكايه هاي رايجاده داشت كرده اند كه ما را در داشت تا خود به آن جاسري زنده و مخلصي در مورد تهيه و نمانيم .
• كاييك چشم ديده را به خواننده گان عزيز نقل ميكنيم :
من كه پس از سالها باري از نو به تماشاء آمده ام در گونيهاي زيادي را مي بينم .
• تعداد دي از قسه ها خالي اند و پد است كه اهل خود را از دست داده اند .
• جاييكه در گذشته ها

ياغ وحش كابل ران يده ايد ؟
حتما عده بي زيادي از شهريان ما آن را پلدا نه و اگر كساني آن را در گذشته هاد يده باشند و اكون بارد پكر به آن جاسري بزنند شايد تعجب نمانند كه چي تغييراتي در آن جاري نماگرد يده است .
• ماهه كنجكا و شديم تا بيه آن جا سر بزنم و نگاه كنيم كه چي خبر است ؟
• در بعضي كشورهاي جهان ياغهاي وحش ساحنه هاي وسيعي را در بردارده و حيوانات و پرندگان زيادي در آنجا زنده گي مينمايند .
• ياغ وحش كابل كه در ساحنه نه چند آن وسيع در كارداري كابل قرار دارد روزانه ده ها تن به منظور سير و تماشاء آن جا سر مي زنند .
• چون شماري از حيوانات و مردمان اين ياغ از ضابطي



دیگراره ماهیان رنگین باغ وحش

ماهی‌های نماینده است
آهوها اختصاص داده شد
غلی زیباست در آن جاسا
تیه گونه بی برای نشان ساخته
شده ، بادیدن بای آهوها
فکر مینایی که زیباترین منطقه
باغ وحش همینجا است
پس از تماشای آن
داخل رستوران نشستم آنجا
با بوی های سیاه رنگ و سبزیهای
بارش برای تریان تریب
یافته است و رقصی از آن جا
ماری را که ناری مینماید
ماره خواب عمیقی فریخته
بود هر قدر کوشش نمود بیم
تابه مابگرد هیچ توجهی
نمود
اما با تا سف باگته مانند
خواننده عزیز هنگامیکه
نزدیک قفس میوم هاشد بیم
همه استراحت بودند و از آن
جمله یکی هم به طرف ما
ندید نه آمد



به طرف قفس شیر رسیدیم -
شیرها هم آمده بودند
اما پناه خواهد تا ساجیان
آهها را از داخل اتاق نشان
بچون نمودند یکی پایال های
بلند و آن دیگر کم لایق تر
نظر میآمدند هر دو غمزه در
چمنزاری که برای نشان اختصا
م داده شده است چند قدم
گذاشتم بعد در گوشه ای رسید
ند . آن ها هم موجودیت
احساسات و لبخند های آسان
هارا نایده می گرفتند
خانگی در مقابل قفس خود
میگفت (سبیل شوه چطور شد
بوی اس) شاید شوهرش
خود را نمیدانست و توان بود
کرد و گفت : (خاصیتش هم بطور
اس)
آهنگها مشغول خوردن
غلف بودند جایی که برای



رفتیم .
نخست از همه توجه ما را
اد و طاووس که در همین روزها
یک محفل آن هارا از آنجا در
شوروی آورده و برای باغ وحش
هدیه نموده است جلب نمود
طاووس ها آرام به نظر میخور
ندند شاید هم با محیط آن جا
هنوز آشنایی کامل نیافته
بودند ، باترس و هراس نزدین
یک یگر میاستادند
پادیدن آن هاراه مان
را دادند و دادیم . چند
قفس خالی به نظر میخورند
اما نظیف و بان . پس از طرس
مسافه کوتاه رسیدیم مقابل
جاگاه فیل قسمیکه از رنگه
ورخسار میاید خیلی خسته
بود انگار زنده گی پارگرانی بر
شانه هایش بینش نیست و فیل
سی و دو سال دارد یعنی فیل
پیراست ، پهرها هم با طاق های
شان فلتید بودند . خیلی
سرحال معلوم نمیشدند
قدم زدیم و باهمتسه
آهسته رسیدیم نزد یک قفس
توکها آن هاجنان تحریف
و لاف به نظر میآمدند که گویس
از کم خوراگهست ؟ اما نه ، آن
ما هم سخی شده اند .

و همه فراز و فرود های يك پارچه اهنك در تابلوها نهماندر ریتیم های موسیقایش و برجسته باشند و با گوش چشم شفته شوند و احساس پرانگیز باشند .

در حقیقت میتوان به هم آمیزی و ترکیب موسیقی و نقاشی را یکی از خدمات غیر قابل فروگذاشت این هنرمندان نام آور دانست . بدون شبهه به چنین پنداری دست یافتن ، زاد و تصادف محض نیست . زیرا پیوست دادن دوروند آفرینشی با همدیگر در يك متن نمیتواند معلول و محصول اتفاق بدون ریاضت و ممارست باشد به ویژه وقتی که شوره چنین آموزه ای ایجاد عرصه سوم آفرینشی (هنر شاعری) میکرد .



نجیب رستگار با وجود آنکه از سه جلوه متفاوت (ولی به گفته خود ش غیر متفاوت) هنری بهره زیاد دارد اما به طر و رخا ص نقاشی را بر سایر عرصه های پرداخت خوشتر جرح میدهد . شاید به خاطر اینکه این هنر تنها بی های آدمست و نهازی به ارکستر و همکاران وجود ندارد . او منتها در د و قهاش نقاشی را صرف برای خود برگزیده است بلکه درصدد تصویرگری مبلود میا برآمد ما ست او میگوید : وقتی طرح اولیه يك تصویر چارچوب بندی میشود ، درست همان وقت بایستی هنر مند در نظر داشته باشد که غیر از سیماها و شمایل و زمانها و مکانها صورتها و آواها را فراموش نکند . به عبارته دیگر وقتی تصویر مناسب خزان در تابلو خود صدای آمیزش برگها را دارد ، صدای خشک شدن و از هم پاشیده شدن هر برگ آوای باد تا را جگر نیز باید ترسیم شده بتواند این داشته و قیست که خزان با کلبتش تصویر شده باشد ، مثلاً ، وقتی تصمیم میگیرم تصویر يك طفل در حال گریستن طرح ریزی نمایم ، اگر در کارچنین تصویر گری موفق باشم ، آنگاه بیننده با دیدن رسم طفل در حال گریه صدای گریه او را میشنود . این پس منظرهای حقیقی هر بخش هنرمیتواند باشد . پس تصویر صدا تعلق دارد به تصویر حالت .



ایموشتر از یکصد تابلورا که بیشترین با زتاب دهندند ، زنده گی اصول و واقمیتهای عینی جامعه افغانی میباشد ، نقاشی کرده و چندین بار آنها را در داخل و خارج از کشور به نمایش گذاشته است : کما جمله تابلوهای زیرین توانست شهرت زیادی را کمایی

ملودی ما



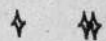
نماید :

به سوی کشتزار ، چوپان ، کوجه دریا - لای کوه ، برف در کوجه ، دختردهاتی - چوری فروشان ، دختری در لباس محلی .

* * *

نجیب رستگار افزون بر نواختن نغمات دلنواز فلوت و شهنایی که اوج قدرت و توانمندی استعداد او را ثابت میسازد اهنك های زیادی نیز به آواز گرم و گیرایش - روده است که با استقبال شایان و گرمی از جانب شنونده گان مواجه گردیده است . اشعار و تصنیف های آزوی هم به شکل پراکنده در جزایر و نشریه های مختلف و هم از طریق گزینه های شعری به نشر رسیده و نیز برخی از آنها توسط آوازخوانان معروف کشور اجرا شده است .

نجیب رستگار جهت آشنایی و دیدار به هم رسانی با محافل و حلقهات هنری خارج از کشور به کشورهای شوروی ، کوبا ، آلمان ، چکوسلواکیا ، هند و ترکیه سفرهای داشته که به یقین گامی بوده در جهت شناساندن فرهنگ کشور و هنر این هنرمند عزیز .



باد ریخ فراوان آگاه شدیم که وی از مدتی به اینسو و بنا بر هجمه ناگهانی خوشریزی دماغ ، تبادل صحن خود را موقتاً از دست داده است و اینک در خموشی به سرمیبرد . خوشبختانه حالت صحن این هنرمند گران اوج بهسوی بهبود رفت و قرار نظریه دو کشوران معالج احتمالاً به زودی ها صحت کامل خود را باز خواهد یافت .

وی که هم اکنون نیز تحت کورس منظم تداوی و مراقبت طبی قرار دارد و با زبان اشاره از هواخواهان و دستداران با کمال صمیمیت و خلوص ، احساس عمیق مهمان نوازی و تعارف دسته گل های سکوت پذیرا - بی نموده و بروی ناملايمات پیروز مندانه لبخند میزند .



سپاوون با ابراز همدردی قلبی برای نجیب رستگار ، این هنرمند گرانمستگ قبل از شمه صحت کامل ارزوننده و از درگاه خداوند تمنا دارد تا دوباره یگر با خانواده خوشبخت و کوچکش بخندد ، با زهم بنوازد بخواند و بسراید و با ز نیز رستگار را در زیابند .

" سپاوون "

مرب المملها ورا بده ما در هستی

۱۹) با یک دست نمی‌شود دو تا هندوانه برداشت
عربی: لا یجمع سیفان فی غمد دو شمشیر در یک غلاف جای نمی‌گیرند
انگلیسی: *if you choose two horse both will escape you* اگر دو اسب را انتخاب کنی هر دو از دستت می‌گریزند
ایضاً: *Two watermelons can't be hold in one hand* مشابه مثل فارسی

۲۰) با یک گل بهار نمی‌شود
عربی: سنونو واحده لا یبشر بقدم والصفید یک چلچله تنها مزده آمدن تابستان نیست
انگلیسی: *One swallow does not make a summer* مشابه مثل عربی
ایضاً: *One flower makes no garland* با یک گل تاج گل درست

بخندد تا دنیا برویت بخندد
عربی: اضحک یضحک العالم معک.
بخند دنیا با تو خواهد خندید
انگلیسی: *Laugh and the world laughs with you, weep, alone*
مشابه مثل عربی
۲۲) بد چو آید، هر چه آید بد شود
عربی: المصائب لاتانی فرادی بدیختیها تک، تک بسراغ آدم نمی‌آیند
انگلیسی: *Misfortunes seldom come alone* بدیختیها بندرت تک‌تک می‌آیند

۲۳) بر اثر صبر نوبت ظفر آید همچنین صبر تلخ است و لیکن بر شیرین دارد
ایضاً: گر صبر کنی زغوره حلوا سازی
عربی: بشر بنفسک بالظفر بعد الصبر: پس از صبر مزده پیروزی را بخود بده

ایضاً: الصبر مفتاح الفرج (در فارسی نیز رایج است)
انگلیسی: *Evryting comes to him who waits*
کسی که صبر کند همه چیز برایش مهیا می‌شود
۲۴) بر نیاید ز مردگان آواز

عربی: لیس للمنیة لسان فینطق مرده زبان ندارد تا صحبت کند
انگلیسی: *Dead men tell no tales* مردگان افسانه نمی‌سرایند

۲۵) بشنو و باور نکن
عربی: اسمع ولا تصدق دقیقاً مشابه مثل عربی
انگلیسی: *Belive not all that you see, nor half you hear*
همه آنچه را می‌بینی و نصف آنچه را می‌شنوی باور نکن
۳۶) به عذر و توبه توان رستن از عذاب الیم
عربی: الاعتراف (الاعتراف) نصف المعذرة اعتراف به گناه نیمی از معذرت است
انگلیسی: *Confession of a fault makes half amend* مشابه مثل عربی

۲۷) (ز باران مگو همچو باران بیار):
(دو صد گفته چون نیم کردار نیست)
به عمل کار بر آید به سخنرانی نیست
عربی: الافعال ابلغ من الاقوال اعمال انسان‌ها گویاتر از سخنانشان است
انگلیسی: *Actions speak louder than words*

عمل رساتر از گتمها است

۲۸) به کلاغ گفتند بچه کی از همه خوشگلتر است گفت «بچه من»
(هر چند که بچه رشک باشد در چشم پدر بهشت باشد) (ایرج میرزا)
عربی: القرد فی عین امه عزال: بچه میمون در چشم مادرش آهوست
انگلیسی: *The monkey thinks his offspring is fearest*
میمون تصور می‌کند بچه خودش زیباترین است

۲۹) پایت را به اندازه گلیمت دراز کن
عربی: علی قدر بساطک مدر جلیک مشابه مثل فارسی
انگلیسی: *As long as the blanket, so far you may stretch* مشابه مثل فارسی و عربی

۳۰) تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد
عربی: للمرء مخبوة تحت لسانه = مرد در زیر زبانش پنهان است
انگلیسی: *What the heart thinks, the tongue clings*
آنچه قلب می‌اندیشد زبان بیان می‌کند
۳۲) ترس برادر مرگ است

عربی: ان الجبان حثفه من فوقه، آدم ترسو مرگش بالا سرش است
انگلیسی: *Cowards die often* ترسوها اغلب می‌میرند
۳۳) تونیکی می‌کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز
عربی: اصرف ما فی الجیب پاتیک ما فی الفیب
انگلیسی: *Forgive and forget* بخشش و فراموش کن
ایضاً: *Do good, and cast it into the sea*

۳۴) چاهی نکن بهر کسی اول خودت دوم کسی
عربی: من حفر حفرة وقع فیها کسی که چاهی بکند در آن می‌افتد
انگلیسی: *The arrow often hits the shooter* تیر معمولاً به تیرانداز می‌خورد

۳۵) چو فردا شود فکر فردا کنیم (از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن)
فردا که نیامدست فریاد مکن - خیام)
عربی: لاتتهوللفند: غصه فردا را نخورید
انگلیسی: *Take no thought for tomorrow* مشابه مثل فارسی

۳۶) چون طبل غازی، بلند آواز و میان تهی
عربی: الصوت العالی: من الجوف الخالی: صدای بلند از محفظه تو خالی
انگلیسی: *Empty vessels make the most sound*
ظروف خالی بیشترین صدا را دارند

۳۷) حساب، حساب، حساب، کاکا، برادر
عربی: تحابوا کالاء خوان و تعاملوا کالاء جانب: مثل برادر همدیگر را دوست بدارید و مثل بیگانگان معامله کنید
انگلیسی: *Be like brothers, and devide justly*
مثل برادر باشید و عادلانه تقسیم کنید

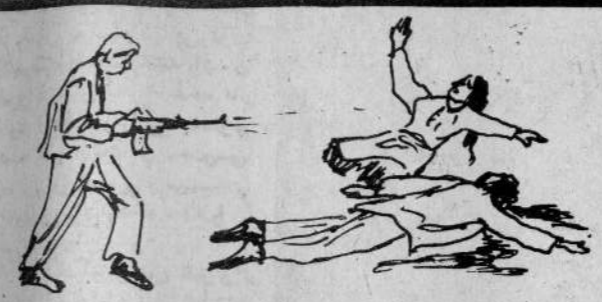
درد هلیزهای مجاکم چی خبر است

تپه کنده: لطیفه سیدی
بجای عروسی در توقیف



مسائل طلاق و تفریق و کهر
از خانه شوهر و فسخ نامز-
دی همه و همه ارتباط میگرد
به تصمیم عجلانه فامیلها در
مورد فرزندان شان که هنوز
سن قانونی ازدواج و پانامز-
دی را تکمیل ننموده اند که
حقیقت این تصامیم درد سرها
چیت بی حرمتی هایی را ازجا-
تب فرزندان شان نسبت به
حیثیت و موقف اجتماعی فامیل
ها به بار میآورد.
انوس گل دختر پانزده ساله
با فتنه متاحبه هفتم شهرها پسر ی
به نام خان محمد سر باز دار-
یکی از قطعات قوای مسلح با
رضایت فامیل و مخالفت خودش
نامزد می شود و چون دختر
با نامزد خودش روی خوش -
نشان نمیدهد، با پسر همسایه
خود ارتباط دوستی قائم میکند
چون پسر همسایه شان در یک
حوالی با انوس گل زند و کسی

سایه بنا انوس گل از پسر
همسایه خواش می کند از اینجا
به محل دیگری نقل مکان نماید
تا از عقبش انوس گل فرار نماید
پسر همسایه حکم را میزند هر د
و به محل دیگری نقل مکان
میکند بعد از گذشت سه روز
انوس گل به خانه پسر همسایه
رفته و میخواهد با او ازدواج
نماید. زمانیکه فامیل نامزد
انوس گل از بگوشی بمساله آگاهی
پیدا می کند خواهر دوازده -
ساله انوس گل را به عوض انوس-
گل با پسر خود نامزد میسازد
و بدبختی دیگر اینکه پسر
همسایه انوس گل که اقتصاد
ضعیفی داشت و نتوانست لوازم
و سفار عروسی را مهیا نماید
پناهر جستجوی فامیل انوس گل
هر دو دستگیر و در توقیف به
سر میزنند.



شامزده مری بیدارن برادر و مسه مری برای برادرش

ولحظه بی بعد صحنه بی را-
پذیرا می شوند که به کام نیستی
ایمانرا فرو میرود.
عبدا لعزیز افسر یکی از-
قطعات و خانمش عین العزرا
در شب پنجم ماه سرطان به قتل
میرسند.
صدای فیر کلا شونکوف -
همسایه هارا وحشتزده میسازد

همه به سوب منزل عبدالعزیز
سرازمی می شوند، در هموسن
لحظه برادر عبدالعزیز ناشب
را در حالت فرار از دیوار منزل
میرسند. نظر به تحقیق محار-
نوال مو غف و قضیه طوری
بود که نامش فانی عبدالعزیز
و خانمش صرافه میان شان به
اصطلاح "شکر زنجی" موجود
آمده بود و همسایه هایش نوسز
نشد که فانی شخص نهاییست
ولگرد وید معاشر است و همه همین
دلیل ابتداء با سلاح دست
داشته اثر سه فیر مری به جا-
تب برادر و شانزده فیر مری را
به سره گردن و سینه و بطن
خانم برادرش فرو میریزد. وحشت
ناکتر اینکه اغفال برادرش السی
سپیده دم با چشمان اشک آلود
به جسد های بهجان و در خون
غلطیده پدر و مادر مینگرند.
آیا تصور میتوانید آنان چی
شبی را صبح کرده باشند؟

بنا تقابله از قلم ادم کشته

تبا شای سخته های پربا چهره
فلم های تلویزیونی حضا بالآخر
از قوه برداشت ذهنی اطفال
است و اغفال صرافه متکی به
قتل کشتار و زود و خیزد های -
وحشتناکند استند و اطفال را به
آن واداشته است تا در کویسه
و بازار از اکت های هیرو هسا
وید معاشرن قلمها استفاده برنده
تبا سفاته پیامدهای تسل
هنجار و ما بوس کنند. پسر را
در قبال داده و به پاید یکی
از این گونه حوادث را به حوت
یک واقعه حقیقی بیدیم که
در سینت خانه واقع در ناحیه
نهم شهر رخ داده است.
محمد هساین پسر پانزده سا-
له در یکی از ریز های مانگ شده
با پسر همسایه خود که در کویسه

شور شش اکل کرد



بعضا مرد هابه حدی در-
مورد خانم هایشان خوشا
صلاحیت میدنند که حتی باید
فرو بردن و بهرون آوردن نفس
زن باید به حکم و اراده آنها
باشد و کوچکترین اشتباه زن
برای چنین مردان گناه عظیم
پنداشته می شود.

با ناشایسته ترین عملی از
طرف یکی از مردان باشند و-
ناحیه دهم شهر کابل که از ذکر
نامش خود داری میکم خانیش
را به اسم صفا -
دستان خود موخایش را قطع
پایهتر بگردد مینماید.
که نه تنها یک مرتبه بل سمرتبه
است که به چنین عملی متوسل
گردد شده است.
البته بعد از کل کردن مور
های خانمش عقده های دلی
را در هر تار و موهای زن محسوس
رغم شده میباشد شاید سوال
خلق شود که چرا و به چه علت
علت همانا اشتهاها که چسک
خانم در امور منزل بوده است
که به این دلیل نمیتوان متیقن
شد شاید شوهرش تکلیف روانی
و یا عصبی داشته باشد درجا-
لیکه چنین نیست شوهرش گاملا
شخص نوربال و سرحال است.
موهای این زن به چاره سمانتی
پهنند شده بود که باید بدن
هایش تا شرعی برای دست
دا د.

اینجا خانه فساد است

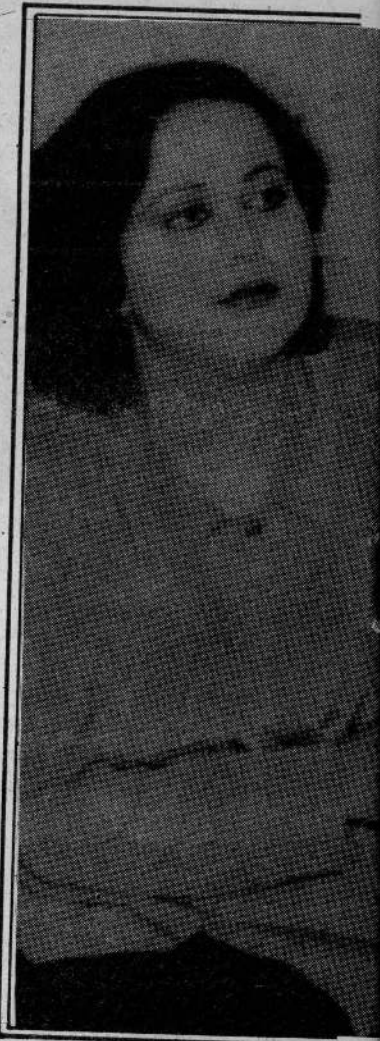
سردار محمد شخصی که همه
روزه منزلش محل تجمع مردان
عماش و لگرو معتاد است.
این مرد فساد پشه کسوت
که خانم و خواهر برایش مطرح
بحث نیست صرف چشمانش به
طرف دستانی خیره میشود که
به سوش پول پرتاب می کنند.
حوالی ظهر یکی از روز های
ماه گذشته که ازدحام مردان
عماش و فساد پشه فضای اتاق
های کیف منزلش را به کلبه
نفرت انگیزی مبدل ساخته بود
در واژه منزلش درق الباب می
شود و چون سردار محمد مصر-
وف گفت و گو و قیمت گذا ری با-
لای ستاع های متحرک خود بود
به قول از مسولین مبارزه با

نشانی گفته و ...

شوهه های مختلفی پسرای
فرهنگن اشخاص از جانب در-
دان و راهگیزان به کار بسته
می شود و خانواده ها به این
شوهه توجه کنند و زن و دختر
چوانی در یکی از خانه ها در
کارت نو میروند به پانامیشان
خواستگاری دختر جوان خانه
است و از صاحب خانه آ پ
اهامیدنی طلب میکنند در این
لحظه نوت هزار افغانیکسی
نشانی شده را زهر تلویزیون
شان میگردانند بعد از وده و
وهید های بعدی راه خانه شان
را در پیش میگردند لحظه سی
بعد موتر تکسی بی در کنار -
در واژه این منزل میباشد و را-
نده به مادر خانواده میگوید
که او را شوهرش فرستاده و گفته
است که تلویزیون و قالین
ویدیو و بعضی چیز هارا به



نویسنده: خلیل نیکمن



عملیات سلطان جنگ رادر دیده انعام داده است

سرطان انسانی در زنگه عملیات سلطان جنگ انعام داده است. این عملیات که در زنگه انجام شده است، به نام سلطان جنگ شناخته شده است. این عملیات در زنگه انجام شده است و به نام سلطان جنگ شناخته شده است. این عملیات در زنگه انجام شده است و به نام سلطان جنگ شناخته شده است.

سرطان انسانی در زنگه عملیات سلطان جنگ انعام داده است. این عملیات که در زنگه انجام شده است، به نام سلطان جنگ شناخته شده است. این عملیات در زنگه انجام شده است و به نام سلطان جنگ شناخته شده است.

سرطان انسانی در زنگه عملیات سلطان جنگ انعام داده است. این عملیات که در زنگه انجام شده است، به نام سلطان جنگ شناخته شده است. این عملیات در زنگه انجام شده است و به نام سلطان جنگ شناخته شده است.

بشمه در صفحه (۸۵)



تو ملای میگویم

تو به کار: زکیه مانجه

ملای طریف در مورد شهلا حیات

شهلا خواستش مهر بر نامه را با پیشانی باز می پذیرد

ادبی و ...
شهلا حیات به ایسن عقیده است که باید به بننده تلو بزبون و شنونده را در هو احترام گذاشت و مسایل را طوری عنوان کرد که مفهوم اش را این نباشد که تنها او - مهاند و پس به بل که نتیجه اش این باشد که شنونده و بننده احساس نماید که گوینده به خاطر موفقیت و پیروزی بیشتر کار گوینده کی شهلا در - خوانش مطالب سیاسی و اخباری است تا مطالب

شهلا حیات گوینده است مهربان و صمیمی. یکی از خصوصیات برجسته و قابل احترام او این است که هیچگاه نمیخواسته تا حرفی که باعث رنجش خاطر طرف میشود در میان بیاورد. - خوانش هر برنامه که برایش سپرده میشود با پیشانی باز و بدون هر نوع خسته کسی میدهد.

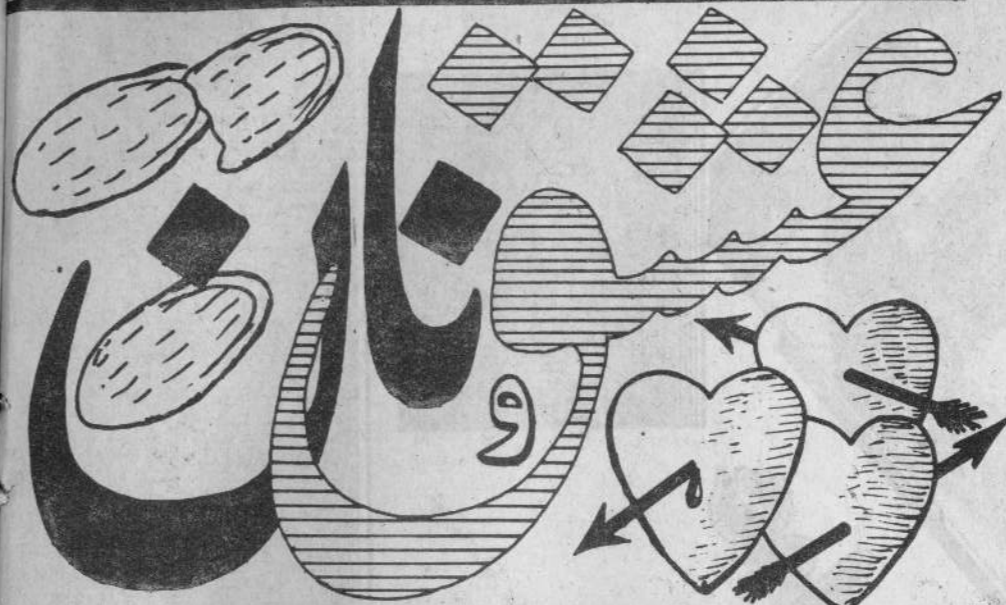
موفقیت و پیروزی بیشتر کار گوینده کی شهلا در - خوانش مطالب سیاسی و اخباری است تا مطالب

ملای پیرکنده ای و سنگلی در کار رانمی سپرد

ملای در روابط اجتماعی خود دخترست مودب و بسا نزاکت و نهایت خوش بخت خود ضنا با بدله گوئی که دارد میشود ساعت ها را بدون کوه - چاکترین احساس خسته گسلی با او سپری کرده ملای در کار گوینده کی تازه گام است و هنوز مدت زیادی از همکاری اش در رادیو و تلو بزبون - نیکگذرد اما او توانسته با

شهلا حیات در مورد ملای طریف

داستان کوتاه



وقتی گوستاف فالک جوان و بیامون مشاور
 ادا ره هر سابه خواستگاری لوئیزا رفت
 اولین سوال پیر مرد محترم از او این بود که:
 "درآمد چقدر است؟" گوستاف گفت:
 "بسیار کم، تقریباً صد کرون، اما لوئیزا ۱۰۰۰"
 پدر زن آینده گوستاف حرفش را قطع کرد
 و گفت: ((باقی اش مهم نیست، در-
 آمدت کم است))
 ((آه ما لوئیزا و من همدیگر را دو-
 ست داریم، ما هر دو واقعا تصممان را
 گرفته ایم))
 پسر احتمالا اما اجازه بد هوس
 بهر سبب ما اکل درآمدتان ه سالانه هزار و
 دصد کرون میشود ؟
 گوستاف گفت: ((ما اولش درآمد-
 یگر با هم آشنا شدیم))
 پدر لوئیزا مصرا نه دنباله حرفش
 را گرفت و پرسید: ((آیا علاوه بر حقوقی
 که از دولت می گیرید درآمد دیگری هم
 دارید ؟))
 خوب پسر، فکر کنم بتوانم درآمد
 کافی داشته باشم، تازه من دانم
 علاقه متقابل ما به هم ۱۰۰۰))
 پسر کاملاً درست است اما
 اجازه بدهد پدر از کلمه صحبت کنم
 خواستگار هر جور گفت: ((آه ما ما من
 می توانم بلا اضافه کاری به از درآمد کافی
 پول بدست آورم))
 ((چه کاری و چقدر ؟))
 گوستاف گفت: خوب می توانم زبان فرانسوی
 نسه بی درس بد هم و کتاب ترجمه کنم، من
 توانم نمونه های چاپی را تصحیح کنم
 پسر مرد در حالی که قلم در دستش بود
 پرسید: "چقدر ترجمه می کنی؟"
 ((منی توانم ده تا بیست و یکم ترجمه کنم، اما
 اصلاً یک کتاب فرانسه بی ترجمه می کنم که
 از هر ورقش، این حق الزحمه می گیرم
 "نام آن چند ورق است؟"
 "به نظرم تقریباً ۲۴ ورق."
 ((بسیار خوب، این هم دصد و پنجاه
 کرون حق الزحمه دیگر چه ؟))
 ((آه من دانم، مطمئن نیستم))
 ((چه مطمئن نیستی؟ آن وقت
 میخواهی از دوای بستی؟ جوان هکذا
 تصورات عجیبی از ازدواج داری میدانی
 که بعد از ازدواج همه دارم هوس و بامید
 خوراک و هوساک شان را تا من و آنها را
 بزرگ کنی ؟))
 گوستاف اعتراضی نکند گفت: ((اما
 شاید زود به زود در نفوس، در تانی مانقدر
 عاقلی همدیگر هضم کنیم))
 ((باید احتیاطاً پیش رفتی کرد که
 به دنیا آمدن همه ها هیچ خطری

مردان اوگاست استرندبری نویسنده داستانهای کوتاه رمان و نمایشنامه در سال
 ۱۸۶۹ در استکهلم سوئد به دنیا آمد به سال ۱۹۱۶ از نیارفت، دوران کودکی اش
 در دفتر گذشت پس از تحصیل در دانشگاه مشاغل زیادی را از جمله معلمی، بازیگری
 روزنامه نگاری و سرانجام کتابداری تجربه کرد.
 استرندبری یکی از نویسندگان برجسته دانست، چنان که در حقش گفته اند: "او-
 فکرم سوئد است"
 تعلیمهای قوی ای که او از زندگی معاصر آموخته است بر اساس تفکرهای روانی و
 شخصی و فلسفه خاص است.

ندارد ((و بعد پدر لوئیزا که راضی
 شده بود هفت :
 ((به نظرم هر دوی شما مصمم
 هستید از دوای بستی و تردیدی ندارم
 که شما واقعا عاشق همدیگر هستید، پس
 بر این من باید بالاخره رضایت بدهم؛
 اما فقط به این شرط تا مرد لوئیزا بشود که
 سعی کنی درآمدت را زیاد کنی، گوستاف
 از خوشحالی می سز شد و احساس را با
 بوسیدن دست پسر مرد نشان داد، او
 چند روز خوشحال بود و لوئیزای او هم چقدر
 هنگامی که برای اولین بار برای قدم زدن
 بهرون می رفتند احساس غریب کردند.
 گوستاف عصرها همراه نمونه های
 چاپی که تصحیفشان را مقابله کرده
 بود به دیدن لوئیزا می رفت. و این تاثیر
 خاصی روی آقا جان می گذاشت، اما یک
 روز عصر آنها برای تنوع به تئاتر رفتند و با
 گادی به خانه برگشتند و خرج تقریباً آن
 روز هوسران ۱۰ کرون شد، بعد گوستاف
 بعضی وقت ها عصرها به جای تدریس به
 خانه زن جوان می رفت تا با هم به سرون
 بروند و کسی قدم بزنند.

توان کوچک را بهتر از پارتیمان بزرگ میشود
 با اسباب و اثاثیه زینت داد، این بود که
 اپارتمانی را در طبقه اول با دو اتاق و آشپز
 خانه به ششصد کرون اجاره کردند، البته
 در ابتدا لوئیزا گفت که بیشتر دوست دارد
 اپارتمان سه اتاقه آن هم در طبقه
 بالا داشته باشند، اما این در برابر عشق
 واقعی آنها به یکدیگر چه اهمیتی داشت؟
 بالاخره وسایل و اثاثیه در اتاقها جا گرفت،
 در اتاق خواب تخت خوابی با رنگارنگ مشل
 گلدانها با لحافهای آبی رنگ و ملحفه
 های مثل برف سفید که جلوه بی شاد
 داشت تزین شد.
 و در اتاق دیگری هم اتاق نشیمن
 بود و هم غذاخوری و هم مطالعه، بهمانسوی
 در زار و دصد کرون لوئیزا قرار داشت،
 به علاوه میز تحریر از چوب چنار و میز
 و چوکی غذاخوری آینه بی با چار چوب
 طلا بی چوکی و قفسه کتاب نیز گریسی
 و آرامش فزاینده این اتاق را دوچندان
 کرده بود.
 مراسم عروسی شنبه شب برگزار شد و
 صبح یکشنبه زنج جوان تا دیر وقت خواب
 بودند، و بعد اول گوستاف از خواب
 بیدار شد.
 زن جوان و زیبا با چهره بی راضی
 مست خواب بود، شب خوب خوابیده
 بود و چون آن روز یکشنبه بود، با صدای
 تلقی تلقی صبح زود گاههای بازار بیدار
 نشده بود، در همان موقع ناقوس شاد
 کلوپا به صدا درآمد که کسی از آفرینش زن و مرد
 تجلیل میکرد.
 گوستاف رفت تا لباسهایش را بپوشد
 سپس به آشپزخانه رفت تا سفارش ناهار را
 بدهد، چقدر ظروف جدید روی آشپزخانه
 برق می زد و درخشید (و همه آنها مال او
 بود، مال او و همسرش، گوستاف به آشپز
 گفت که به رستوران برود و غذا را سفارش
 بدهند تا برای شان بیاورند، آشپز همه
 چیز را می دانست چون گوستاف روز قبل
 دستورهای لازم را به او داده بود، فقط
 باید بماند و آوری می کرد که وقتش رسیده
 است.
 گوستاف مهرا خودش چند تا و قس
 غذا از رستوران برسد و بشقابها و کار و پنجه
 و گلاسه روی میز میز سفید و نوجید ه شد،
 دسته گل عروس جاییش کنار لوئیزا است و قش
 لوئیزا با لباس قشنگش وارد اتاق میشود
 پرتو آفتاب به او سلام می دهد؛
 اما او هنوز کمی احساس خستگی می کند،

به عمیق دلایل هم گوستاف او را روی چوکی
 می نشاند و چوکی را به پشت میز می کشید
 شوهر جوان بلرزان وجود در خدمت همسرش
 است، گوستاف وقتی از شقایق صد ف
 می خورد و نوشابه اش را می نوشد
 فکر می کند چه لذتی، البته اوقلاً بعدنی
 موقع تجرد هم زیاد غذا خورده است، اما
 چه لذت و حظی برده است؟ هیچ (این
 مجرد حاجتد را به اندک از دوای نسی
 کنند، و صدف رخود خواهد اند، باید همان
 طور که به سگها مالیات بسته اند، از آنها
 هم مالیات بگیرند، اما لوئیزا به اندازه او
 سختگیر نیست و با مهربانی و ملاحظت تمام
 می گوید که شاید به چاره های که تجرد
 اختیار کرده اند قابل ترحم باشند، به
 نظاره و بدون شکاگرانها، استطاعت
 داشتند از دوای می کردند، گوستاف
 احساس می کند قلبش کمی سرد آمد، است
 معلماً خوشبختی را نباید با پول سنجید
 نه نه اما اما... خوب مهم نیست
 بزودی یک عالم کار خواهد کرد و می رسد



همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت،
 حالا فقط مهم کیک بریان خوشمزه با چاشنی
 مخصوص است، این تجملات برای لحظه
 بی رنگه خطرناک برای همسر جوان به صدا
 در می آورد و انگار از گوستاف می پرسد
 آیا می توانند با این ولخرجیها زندگی کنند؟
 اما گوستاف به اوقوت قلب می دهد و از نگرانی
 های بی موردش می گاهد و می گوید: (یک-
 روز که هزار روز نمیشود، آدم باید تا می تواند
 از زندگی لذت ببرد، آه چه زیبایی است
 زندگی!)
 ساعت شش هفتاد و دو، دو سبه زیبایی
 در جلوی خانه آنها می ایستد و عروس و داماد
 ماد بگردش می روند، لوئیزا همان طور
 که به راحتی به عقب تکیه داده است
 وقتی از میان پارک می گذرند و به آنها
 می پیاده بر می خورند که شکارا متحیرند
 و با نجات معظم می کنند، مسحوری شود
 حتماً آنها فکر می کنند که گوستاف خوب از
 دوای کرده و دختر بولدا می گرفته است،
 حال آنکه آن چاره ها مجبورند بیاد روی
 کنند؛ اما سواره رفتن بدوین زحمت آن هم
 در حالی کبه پشتی نرم گادی تکیه داده
 باشی چه صفایی دارد، و این مظهر
 از دوای دلنشینی است.
 ما اول بهر شار از خوشی بیسود
 آنها با انواع و اقسام مهمانیهای دعوت
 می شدند و داماد به تئاتر می رفتند
 با این حال بهترین اوقات آنها اوقات بی
 بود که در خانه بودند، چه قدر وقتی
 گوستاف شبها لوئیزا را از خانه والدینش
 به خانه خود می آورد و دو روز در سقف خانه
 شان طوری که دلشان میخواست زندگی
 می کردند، لذتبخش بود، وقتی به ابار-
 تانشان می رسیدند شام مختصری می
 خوردند و بعد روی میبل لیس می دانند
 و تا دیر وقت با هم گپ می زدند، گوستاف
 طرفدار صرفه جویی بود، البته در حرف
 یکروز عروس جوان و خانه دار ماهی
 دودی و کچالو درست کرد و چقدر
 هم خوشمزه و اما گوستاف از آن
 ایراد گرفت، وقتی باز هفته دیگر نشست
 غذای ماهی دودی شد و گوستاف از بازار
 یک جفت کبک خرید، و چون کبکها را یک
 کرون خرید بود، از این معامله عالی
 به خود می بالید؛ اما لوئیزا از این کارش
 راضی نبود خود او یک بار همین تعداد
 کبک را زودتر خریده بود، و انگهی خورد
 دین گوستاف و ولخرجی بود با این حال
 خوب نبود سر این مسائل جزئی با شوهرش
 مخالفت کند.
 بعد از دوام حال لوئیزا فالک

نامه بی اخرا به ما رسید گمبا
 حظی برخی کلمات آن لازم -
 دانستم آنرا نشر نسایم تا
 ازین سرگذشت جوانان درس
 بگیرند ؛
 به ادا ره محترم مجله
 وزین و دوست داشتی سها -
 وون ؛
 بعد از عرض سلام بتمسلم
 دست اندر کاران عزیز مجله
 سبب وون غم قلبم را به این شرح
 مینگارم امیدوارم که در صفحه
 سلام پسران به دختران آنرا
 نشر نمایند .
 این غم تازه مهبان قلب نا -
 توانم شده و سنگینی این غم

انقدر زیاد است که تمام لحظه
 های زنده کی ام را تلخ نموده
 است .
 فقط چند روز پیش همسری
 که او را ز یاد تر از جانم
 دوست داشتم همسری که
 تمام غمهای های زنده گسرام
 بود بوسن خیانت نمود و من
 در دهلز محکمه ناحیه ۷ -
 سند رسوایی و طلاق او را -
 ایشاء نموده و بدستش دادم
 و بدست آوردن سند طلاق را
 برایش تهنیک گفتم .
 درین جا میخواهم که تمام
 خیانت ها و جفا های که او -

کرده بنویسم فقط میخواهم بنویسم
 بسم که او زن بسیار بی وفا
 و پر جفا بود او با وجود تمام
 فداکاری هایم او با وجود تمام
 انسانیت و شرافتم چرا زنده گوی
 ام را خراب نمود و میخواهم
 برایش بنویسم که تو راستی دختر
 بد بودی تا اخلاق فلسفی
 بود پس کد اشتی تو راستی که نمی
 توانستی یک همسر خوب برای
 من شوی و در سینه ای تو قلب
 زخمی یک زن نه . بلکه قلب
 شریف یک بدکار بود ز تیش است
 و میخواهم برای مادرش
 که ذلیل تر از خودش بود بگویم


که تو انسان نی بلکه یک وحشی
 بودی و از خداوند عالم آرزو -
 دادی که برای هیچ زنی چنین
 مادر و برای هیچ شوهری -
 چنین غمخویش را نصیب نگردد -
 نند . همه سخنان تو بادم
 است که می گفتی برای ما مردم
 هیچ عیبی ندارد که زن
 به شوهر خیانت کند ه این
 گفتار از مقوله های خوشبسم
 بود که بر رخ کشید و من
 دانستم که این ها شرافت
 ندادند ، این ها همه چیز
 را در پله های پول وزن مس
 بقیه در صفحه (۸۴)

قصه خانه خود ما

لری اونسی کولای دختری
 مستقل چه هکله تمام
 زنسی . که غم هم تراوسه
 ز روز به روز کف خیره نه ده
 یاده شوی مغزوه داس فکر
 کم چی زینا روسته به ده خیره
 با پیزی اوزه به دختری -
 راتلونکی ژوند به هکله یوک -
 بیا تصمیم نیسم . مگر هکلی
 تردی بزه پلستی مانه
 رانغ ته کیزی چه زه بی -
 خورا جدی کم او هف -
 زیاد درو با شمانو ژوند او راتلو -
 نکی ده . به دی چه پوهیز
 چی که زه له پل چاسره واد میکم
 زیاد لوسری مسره کوره نیسی
 به هغه کی مد اخله کوسی
 او بیره سخته ورنه اندی تا -
 پیزی . به دی چه پوهیز
 کی به هغوی غیلی اپه کی
 له ماسره وشلوی اونه تنجه
 کی داساله زیاد پرد و کوجانانو
 باندی سخته اضری کوسی
 وان چی د هغوی راتلونکی

ژوند به هم مستوزو دک و ی
 له پلس خور زیاد پلار کوره نیسی
 ته هم زیاد ووهم کل لپاره
 پا ده کول ه هغه هم له
 کم پردی سره مغزوا سفت
 هم دی . که چیری زنده اخیره
 رابرسره کم زما د پلار کوره نیسی
 اوزما دغسره کوره نیسی د پاره زما
 به خلاف لاسونه سره ورسکی
 اوزما به تصمیم کی خنوخه
 چی حتی له مستوزو سره
 به می سخاخ کزی . اوس تو
 بیره له به بیره دوه لاره کی واقع
 هم . بوی خواته می دوه کوب
 چنانا اکره نیسی و لاره ده
 ایللی خواته می دیوانه تو ب
 ژوند چی به سخل وار سره
 له مستوزو یوک دی . که
 پوهیز چی به کم بیره نیسی
 پس کیز دم او تری تیره
 هم .
 به دی یول می کسه
 تا سخته کوره تر کوستا سونظر به
 هم تر لاسه کم او بیره یوک کل

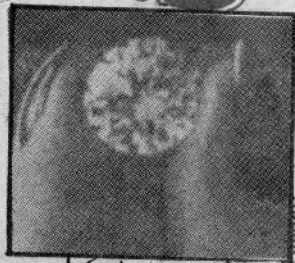
بیا به دغی موضوع بانسی
 بیه فکر کوره او تصمیم ونسم .
 گرانی خوری :
 ستاسوکسه بولوستله . به
 ریشتا سره هم ستاسو
 مستوزده د توجه ورده . زسوز
 به تولنه کی ستاسی به
 شان پیری شخی دغه
 کپا بونه زنی اورد یول بی ول
 مجبوریتونه امله هفوته ظاره
 زدی . به هر حال مژ تبه
 هم سخته ده چه تاته زنده نظر
 در کوره مگر پردی خیری کول
 لای دی او هغه داچیسی
 (کونده د خیل خان وانه
 لری)
 ته هم به موضوع بانسی
 بیه فکر کوره او شلور خواوی سی
 سونجه تر کونده ای به کسری
 به داسی مستوزده کی راگه
 نیسی چی به ماسره لاس تکوی
 مگر هخ هس به به لاس نه
 وکی . ستاد ریختا به
 اراکامایی به هیله .

باتی له ۳۴ خ کی

 جسم سل میلارد واره تیر
 لغره روینانه دی او همدارنگه
 دوهم فضای جسم دی چیسی
 دیمکن له کزی شخه ن پرواتن
 لری .
 ستورویژندونکو دغه جقم
 د ایزاک نبوت تلسکوب به
 برسته د کازی له جزیره شخه
 و لید . باید وویل نیسی چیسی
 دغه اجسام را دیوس نیسی خیر
 وی او پوهان وایس چیسی دغوی
 نول ستوروی به منغ کی کدی
 لیدل کیزی . دلوسری سخل
 لیاره د شیتو کلو نوبه سرکیسی
 دغه نول ستوروی کشف شول
 ی یوزر اوخلور -
 ستوروی بیژندل
 وی دی .

آيا الكاسين نشانه پيوند جاودانه کی است؟

ورنگه آن ۱۰ این سنگ سخت
 در سال ۱۴۷۵ به مغزیک
 گوهرشناس بلژیکی به نسام
 (لود ویکنبرگن) خطور کرد
 و او با تلاش نمودن این سنگ
 قیمتی آن را بصورت گوهر
 درخشان درآورد.
 این که چرا الماس سنگ
 عشق و زناشویی شد و از چه
 موقع و به چه علت اینگشته
 و حلقه ازدواج اکثر زنان عالم
 را بگین های کوچک و بزرگ
 از الماس زینت میدهد به این
 سوال و سوال های دیگر
 (فراخوان گول) فرانسوی
 که اکثر سال های عمر خود را
 در تجارت این سنگ و زینتی
 دادن هر چه بیشتر صنعت الماس
 گذرانده پاسخ داده است
 که میخوانید:

- وی میگوید: در اروپا
 الماس را چنین توصیف میکنند
 (الماس ابدی است) و از آن
 جاکه هر زن و مردی آرزو دارند
 عشق وازن و جشان ابدی باشد



زمین است درخشش و کمیابی
 این سنگ باعث شده که لوکس
 ترین و گرانهایترین سنگ
 قیمتی جهان باشد.
 ارزش الماس بستگی به
 چهار اصل زیر دارد:
 - پاکی، وزن، تراش

جواهره زینت دلخواه و ابدی
 زن است و با ارزش ترین و نفیس
 ترین جواهرات دنیا را با سنگ
 الماس جلوه میدهند. این
 سنگ بدون شک درخشان
 ترین، سخت ترین و شفاف
 ترین سنگ معدنی در روی کره

لد الماس را بر اینگشتی و حلقه
 ازدواج خود میشناسند البته
 در موفقیت های دیگر همه زن ها
 ازدواج این سنگ و مرد ها
 ازهد به کردن آن لذت میبرند.
 حتماً تعجب میکنید که چرا
 مرد ها ازهد به کردن الماس
 لذت میبرند؟
 پاسخ ساده است.
 هر مردی علاقه مند است به
 زن مورد علاقه اثر الماس هدیه
 کند؟ زیرا این سنگ نشانه یسی
 خواهد بود بر موفقیت او هم
 در زمینه عشق و هم در زمینه
 کار و ثروت و میداند نم که مردی
 آرزو دارد در عشق و در کار
 بجز در موفق باشد و س از سه
 دست آوردن این در موفقیت
 است که احساس غرور و رضایت
 خاطر میکند.
 برای یان نگهداشتن الماس
 - معمولاً کسی صابون در آب
 گرم حل میکند و به کمک برس
 یا مسواک نرم سنگ را در آن
 میشوید.

الکاس سنگ سختی که قلبهای لطیف بخاطرش می تپد

دغدغه زود سپری چی دورخی پنجه و لیست سنگی خوری

داس نظر ورکری چی ددغه
 ایما کلن سپی بدن له دغو
 خورو سوه عادت موندلسی
 او کولس یوازی به سلوکسی
 انتر کولمترول جذب سویی
 دغه د اکثر زناه کره چی به
 خپل دیارلس کاله طبابت
 کی یس ددغه سپی به شان
 دصغرا قوی کخوره نه ده -
 لیدلسی.

یو امی کاسی چی اته ایما
 کلن دی دورخی دچرکسی
 پنجه هشت هگی خوری؛ خو
 بیا هم تراوسه پوری سوسی
 دونهی کولمترول ندی له سر
 شوی.
 دنهوانگنند دطبی ژورنال
 به حواله، اروپوهانو دبنغه
 وشت دانی هگمو خورل سو
 اجباری امر بللی دی.
 ددغه سپی کوره نی طبیب



انگلستان درو مال کر -
 منوچ زهد خانی او کسرهج
 یوهان به دی بهالی شول
 چی هوهلیدونکی شس به
 نضا کی کشف کری.
 دالمان خبری منابع روت
 ورکر چی ستوری بیژندونکی
 وای چی ددغه ستوری زناد -
 لمرنا به برتله زناه ده.
 ددغو پوهانوله د لی عغه
 یوه وهل چی داستوری ته ورته
 پاتی به (۸۱) مخ کس

خلیدونکی سوریه ورتنه لمرکشف شو

دلندن دطبی تاریخ
 مونم به دغو ختوکی اعلان وکر
 چی داوه سوینوموس گراسو
 به وزن یوه تیکه دیوانیا کلن
 انگلیسی سپی به باغچه کسی
 له اسانه راو لیده.
 پاتی به (۸۷) مخ کی

دالمانگستان کی آسمانی سنگه راو لوبله

پونتها: در مورد "استعداد" برای یک آوازخوان فنی و فطری بودن یا اکتسابی بودن آن چه نظر دارید؟

لنا: کیفیت صدای انسان فطری و طبیعتی است و کسی که دارای حد بالای آهوست می باشد اما همانگونه که بیشتر گفتیم مهارت های مانندی نمایش او طرز آواز او را تعیین می کند. کسی که گزینش کلمات و ترکیبها و تکنیک های نفس کشیدن که شخصی یادداشتن فرجه نسبتاً خوب میتواند به سعادت آنها را فراهم کند. بی استعداد مثلا توانمندی - تلفظ ماطفیس - بخشیدن به آواز هنگام سرافش یک پارچه آهنگ چیز نیست که صرف تنی چند از آوازخوانان انگشت شمار به اجرای آن قادرند.

ما تعداد زیادی آوازخوانان را داریم که با وجود داشتن پس منظر خوب و داشتن آموزش از لحاظ فنی بگانه کاری کارشان ناتوانی در همین تلفظ ماطفیس بخشیدن است.

البته هدف و منظر مورد نظر من هرگز به این معنی نیست که آوازخوان باید هنگام اجرا کردن یک آهنگ غم انگیز حق تعالی را با شک ببرد و یا به آواز بلند آنها می گوید کند. آخر اینها به هنر صاحب مهارتند. آواز باید با تمام ظرفیت انتقال داده شود. مهارت مراعات کلیه ریز و دقیق آن مثلا وارد آوردن فشار و تکنیکه خفیف یا قوی روی سیلابهای مشخص پایان هر مصرع و به نظر داشتن دقیق و معنای هر حرفه...

این ها همه بخشی از آن چیزی است که من آنرا "تاب" یا "ترو" میخوانم برای سرگرفتن آن باید صرف استعداد داشت زیرا از طریق آموزش در این ساحه چیزی به دست نمی آید. پونتها: پاک داشتن شما به روی مردم و در دهه چهل تمام

فست اول این مصاحبه در شماره پیشتر به چاپ رسیده است



تکنیک کوهستانه اما یک خط لا یتناهی

فضا و تحلیل هاد باره "آواز قابل پذیرش" را از رهنه تفهیم داد. به خاطر اینکه آواز شما درست در نقطه مقابل آواز هنرمندان شناخته شده و پیروز بندی چون نور جهان هزیره بهایی و شفا بودم فرار گرفت. آنها همه آوازهای سنگین و به اصطلاح پنجا بی بافت داشتند. در حالیکه حنجره شما از یک نوع ملایمت و لطافت و افزون بر آن از داشتن یک موج بلند بر خوردار است. آیا این را چیزی جدا از یک تصادف در متن تاریخ میدانید یا چگونه؟

لنا: پاسخ گفتن به چنین پرسشی بسیار دشوار است. فکر می کردم مردم پیوسته خواستار یک دگرگونی و یک دگرگونی پذیر اند. آواز من با آن هنرمندان نام آور زمانه شان یک تفاوت عجیب و غریب داشت. آنها اکثرا به گفته شما آواز سنگین مواج داشتند. جالب اینکه آواز شما همگام بود در همین توجع و تلاطم یک لبه پونتها: خوب شد از کیتا - دت گفتند و وقتی کیتا دت شروع به آواز خوانی نمود آوازه در میان سنگینی و توجع یک قسم به اصلاح کشیدار و دیر جنب بود. اما پس آنرا بهبود قابل ملاحظه

حظه بی یافت و باد نظر داشت چنین حالتی در باره - معیار جدید شما چی حرف های برای گفتن دارید؟

لنا: درست میگوید آواز کیتا دت یک خاصیت استثنایی بنگالی داشت که بن آنرا خصیصه موزون سرایی بنگالی مینامیم. آواز او تحت اثر و نفوذ آوازهای از جانب آهنگسازانی چون او بی تروسچن دیو بر من کاملاً تغییر یافت. نتوانم آنجا شوی ویژه سرا - پیش دست یافت که میتوان گفت به هیچ کس دیگر شهادت نمیدانم. من نیز بگانه دلیل پیروز روی او را به دست آوردن همین سبک میدانم. میدانم که دارای یک سبک ویژه و منحصر به فرد بودن چقدر با اهمیت است.

کیتا اگر آهنگسازان میخواستند مثل "لنا" بخوانند در این صورت به من چی رهنمود های میدهند؟

لنا: به راحتی آواز تمام خوانندگان های مشهور بنام رسیده و با مهارت تقلید کرده میتوانند. اگر به آنها بگوییم مانند لنتا - منگوشکر بخوان یا هنرنا میسای های شان یک قیامت بر سر ما میکنند و این کار را چنان موفقانه انجام میدهند که به شکل میتوان آن را زلتای اصلی تفکیک کرد اما قضیه صرف زبانی چنین است که آنها آهنگ را میخوانند. و اگر آهنگساز پارچه دیگری را به آنها بدهد در آن صورت همه چیز از هم فروریخته میشود. حتماً متوجه شده اید کسی که به کاپی خوانی مصاب شده باشد. این عملیه بسیار یک تقلید محض آغاز و پایانی تقلید خام همان پارچه پایانی



لنا: کیفیت آواز یک نعمت خداداد است اما سبک روش یک پدید شخصی است

تاریخ هنر گواهی میدهد همینکه یک نفر آواز خوان ایجاد کرد راه ورسم غیر تقلیدی و صد پیوسته متعلق به خود شود و دیگر پیروزهای همچون و چرا از آن اوست.

این را که لفظ "پس" را چگونه ادما میکنند؟ به فتح "ه" یا به کسر "ه". به هیئتیکه تلفظ واژه "بخت" به فتحه یا کسره حرف "با" و چگونگی کسب "ب". در این حال بسیار محتاطانه به آموختن تنها چیزها می باشد. مهارت اوست که به صدای خودم به نحوی مناسبت داشته باشد و به این ترتیب وقتی آواز خوانم من لنتا منگوشکر بودم و نه نورجهان و نه کیتا دت. لعل سهیگل.

مهدی برد و حسن سهار کوتاه دادند اما آگاهی دارند که کمین هم زمانی میتوانستیم بدون استثناء از تمام آوازخوانان هندوستان تقلید موفقانه نمایم. من قادر بودم به سهولت از خود یک کانتینر یا لای نورجهان بسازم. اما همینکه کمین خوران پارچه های تهیه شده شانرا به خودم دادند تصمیم گرفتم از هیچ انسانی پیروی نکنم، با وجود آنکه اینجا و آنجا توسط برخی ها ازین خواسته شد تا مانند نورجهان بخوانم. پونتها: اگر فقط نشنیده باشم نوشاد صاحب از شما خواسته بود مانند نورجهان بخوانید آیا این

کجه من احساس میکنم که اگر او خود میخواستند بهر کسار باشد به کلی یک قسم دیگر میخواند. و اما محمد رفیع... با این دید بیم که رفیع رفیع بود. هک هکتس... بکرانه کن مردم دنیا هرگز او را فراموش نخواهند کرد. پونتها: اگر لطف نموده بگوید که شهرت برای شما یعنی چه؟

بیماردهان علمی گندم ها

گزارشگر: دکتر وکتور ظاهری

قبلاً در مجله سیاهون گزارشی به نشر رسیده بود و در باره پروژه تحقیقات انجمن بادی گندم مطالعاتی در آن درخند بود. ما اصلاح گرفتیم که پیش از آن پروژه کارهای دیگری نیز در این زمینه صورت گرفته که توجه شما را به گزارش در این باره جلب میسازیم.



گندم های میوات قناعت بخش است. ما تصمیم داریم این عمل را چندین بار تکرار کنیم. در صورتی که نتیجه ثابت باشد آنوقت نمونه های بعد دست آمده را تکثیر می نماییم تا به حیط تخم های اصلاح شده اران در زراعت سراسر کشور عملاً استفاده به عمل آید.

وقابل استفاده به ملاحظه رسید. طوریکه قد نمونه اصلی ۱۵۰ سانتی متر بود در حالی که از میوات ۱۲۲ سانتی متر رسید. مدت خوشه کشیدن: در این مورد ۵۰ پیگر چه تصمص دارید؟ - عملاً نتایج تحقیقات ما در زمینه کوتاه شدن قد مقدار حاصلات و مقایسه

و در ۱۰۰۰۰ راد ایسین تغییرات به وجود آمده بود. از نظر قد: اصلی: ۱۲۱ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۲۷ روز میوات: ۱۲۲ روز در شش ماه ۱۵۰۰۰ راد از نظر قد کوتاهی قابل ملاحظه

از جنجال نبود؟ و زیاد تراژیک و دشنام این دو هنرآفرین همسایگان به ستره می آید. روزی بالزاک اثر (راهله) را به خانه اش آورد و مطالبی ازین اثر را خواند. لئوسانده که کاسه صبرش لبریز شده بود فریاد زد: ((زود از اینجا بیرون برو مردی حیا!)) ولسی بالزاک بالمقابل او را به قهر مخاطب ساخته گفت: ((همسایار خوب... من میوم. اما اینرا فراموش نکنید که شما زن نادان و خرد فروش میسازید که تظاهر به عفت میکنید.)) اما چنین پرخاش هاما نعی شد که این دو هنرمند برآوازه برای همیشه از یک پیگر به دور شده اند بلکه هفته نه گذشته دوباره بالزاک باخنده های فحشه ظرافت های لئوسانده را استقبال میکرد. لئوسانده جوانی را با همیشگی رانده و حتی لوی ناپلین با ناپلین سم نیز او را ستایش میکرد. ولی لئوسانده او را ابلهسی و افواگر بزرگ میدانست. سالون خانه اش همیشه از نویسنده گان، شاعران، سیاه ستداران و وزیران و سفیران پر میبود. ولی او همه را به ریشخند میگردت به کسی که خیلی علاقمند بود بالزاک بود. او را جامع بقیه در صفحه (۶۹)

رسیده بود. او خانه لئوسانده را چنین معرفی میکند: ((هم بهشت است هم جهنم. درین خانه فرشته ها و ابلهسی ها بهلو بیملومی نشینند و بلند پیگرانی میکنند. صرف چیزیکه همیشه بچامیانند خود لئوسانده است که همه را به سخره میگرد این اصعبه زمان دردوران زندگی خود که ۷۲ سال راد برگر-فت، شصت رومان، بیستونج نمایشنامه، دوازده مجموعه مقالات و بیست و پنج مجلد نامه ها به میراث گذاشت. در شفر پراشویبار صراحتی خام زیبا با اولین آمدن خود در زمین شوهرش را طلاق داده گفت: (نمیوان قلم و شوهر را هردو را اختیار داشت.)) بعد از آنکه شهرت از خانه او برآمد، در اولین روزها نویسنده نا-تدار آرزوی فرانسه (الفرورموسه) و آهنگ ساز برآوازه (تو-پن) به خانه اش راه یافت و این دو کس بود که از لئوسانده گل شرمند پارسی ساختند. او با اجمن نویسنده گان راه یافت و به شیوه و صانتیکی به نگارش پرداخت. ولی فراموش نمیکرد که سالون خانه اش را نباید از خوشبویی عطر نسترن، شامپاین و دود سگرت به دور نگهارد. او با بالزاک آشنایی درین داشت ولی این دوستی خالصی

۱۰۰۰ آرزویه اکادمی علمی کشور سزدم. در آنجا دریافت که با وجود محدودیت های مالی و لا براتواری فعالیت های بزرگ و چشمگیر علمی به همت دانشمندان عالیقدر کشور در جریان است و لسم خواست تا از هنر بخش اکادمی علم کشور گزارش های مفصل و جداگانه تهیه بدان و صحبت های هم یاد اشمندان عرصه های مختلف انجام بد هم و حاله نخستین مطلب را برای خواننده گان گرامی پیشکش مینمایم اندیشه آن تصمص هنوز هم با قوت خود در ذهن باقیست.

به هرحال در نخستین دیدارم از این موسسه علمی وطن، به ریاست عمومی مرکز تحقیقات زراعت، بیولوژی و کیمیا مراجعه کردم در آنجا صحبتی داشتیم با رئیس عمومی این مرکز محترم دکتر میکدر حسینی که جریان گفت و شنود قبلاً تقدیم میگردد. - شافلی حسینی صاحب تاجاییکه در جریان صحبت با کارمند این موسسه آگاهی حاصل کردم در بخش های مختلف این مرکز، پروژه های علمی زیاد روی دست میسازند برای آینده گذاشته است. تقاضا می کنم که لطفانه در زمینه تحقیقات اتومی که بالای گندم های محلی کشور در این مرکز صورت گرفته معلومات ارایه فرمایید. - قبل از همه از شریف

همچنان گندم های میوات در مقابل مرض (سرخس) که یک نوع مرض گندم است نسبت به گندم های اولس فوق العاده مقاومت نشان دادند. قابل یاد آوری است که نظر به تطبیق اندازه شعاع نیز تغییرات وارده فرق داشت طوریکه نمونه های بیمار شده ۵۰۰۰ راد به تغییرات ذیل مواجه شده بودند. از نظر قد: اصلی: ۱۴۸ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۲۴ روز میوات: ۱۲۸ روز میوات: ۱۲۱ روز

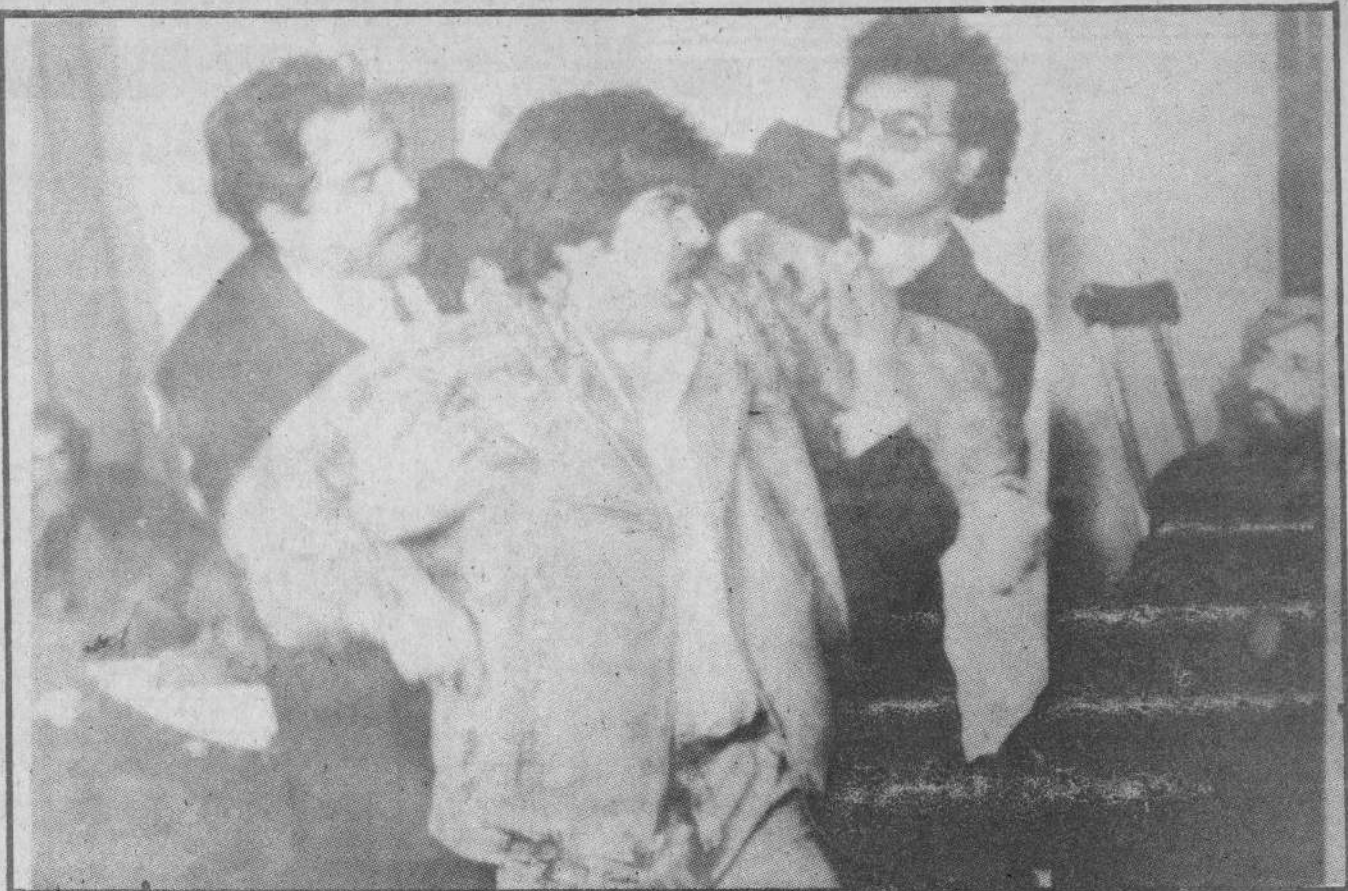
مورد مطالعه به خاطر کوتاهی شدن قد از یاد حاصل و ایجاد مقاومت در مقابل امراض نباتی بود. بعداً نمونه های اصلی نمونه های معروض باشماع (میوات) در مساحه ۲۰۰ متر مربع زرع گردید که بعد از خسته شدن نتایج ذیل از آن به دست آمد: نمونه های که با شعاع بیمار شدند میوات از نظر قد درت نمونه به نمونه های اولی قویتر بودند. به همینگونه قد گندم های اصلی ۱۲۴ سانتی متر بود در حالیکه از میوات به ۱۲۶ سانتی متر میسازند

آوازه این خانمی که عصرش به جمال و کمال او افتخار میکرد و تخیلات هنرآفرینان را به جنب و جوش می کشاند، بنام لئوسانده شهرت داشت. او که در نیمه اول قرن نوزدهم در آلمان ادبیات فسیل و صحنه درخشید در نیمه دوم قرن مذکور با آفرینش های خود ماجراهای بزرگی ایجاد نمود. او که در یکی از شهرستانهای فرانسه چشم برزیده گسی کشود بود در جوانی خود روزهای سقوط امپراطوری ناپلین اول و بعداً بحران های بی دری دران شارل رادیده و آنگاه کلو-بی فلیپ تاج فرانسه بر سر گذاشت. خانه لئوسانده به حرکت آمد و لاله زمان به پارسیان موده داد که دختری را به نام ارمان کرده است که تصویر شان را هنرمندان ترسیم خواهد کرد. او به اولین آثار خود پولو فراوان بدست آورد و خانه درباری گرفت که نخبه های آنروز در آن به عیش و نوش و صحبت های پر جنجال سیاسی وادبی میزداخت. در جمله کلتیکه به این خانه رفت و آمد داشت یکی هم د ونوره دیالزاک نویسنده برآوازه و نویسنده اثر کمدی انسانی بود که شهرتش به همه کشورهای اروپا و به آسیای اوقیانوسا (امریکا)

میراث ادبی لئوسانده

مستد ابراهیم عطاشی

رد پای کجا می رود؟



هنر نه پایست و صرف به
 ترمیف و نشان دادن خوا-
 دت بهر دازد به بل هنر اصل
 و تمهید پایست در پی انگیزه
 و عوامل حوادث و تحمیل
 منطقی آن ها بر خاصه
 دلایل رخداد آن ها را روشن
 بسازد زهر تقلید محض
 و نمایش محض و وظیفه هنر-
 نیست

در هنر سمنما به بنا بر
 غصت کارگروهن و غصه
 حادثه پردازی و بسته کسی
 حوادث با هم ضرورت تما-
 سل

تمام نداد ها و صحنه ها روی
 پرده و در تپانی با هم قرار
 گیرند

به روشنی پیداست و که
 در روی پرده نه تنها کرکتر
 ها حرف میزنند بل رنگها
 اشعای شامل صحنه و حتی
 گاهی کترین حرکت نهز در
 ترمیف صحنه ها و زبان سمب-
 لیک خود را داشته هر یک
 در جای مفهوم بزرگ یا کوچک
 را آرایه مدها رد با وضاحت
 این که کرد و کش کرکتر ها ه گام
 به گام و تک تک قابل تامل

و وقت میباشند از همینجا -
 ست که در بررسی و نقد یک
 فلم پایست گره بندی و نمایش
 همه مرا حل و جزئیات را مورد
 بحث و نظر قرار داد

به تاریخ ۱۳ سرطان هتازه
 ترین محصول افغان فلم به نام
 "رد پای" در حضور عده سی
 از مقامات رسمی و علاقه مندان
 سمنما نمایش داده شد

رد پای از بلهارد بازی و
 صحت دو همشیک بشمول و -
 شروتنند در اتاقی آغاز می
 باید سپس کش میشود به

سوی چهر و جنایت و تجاوز و
 قتل و قتل دیگر باز هم اراده
 قتل سوم اما پیروزی قانو -
 نند بر جنایتکار و در پایان
 سقوط بید رنگ فلم به دامن
 قانون

۱. رد پای یک فلم جنایی "قا-
 نونی" است و از آن جفا
 که فلنامه نویس خواسته است
 تا پیروزی قانون را برجایست
 و جنایتکار باز تاب دهسد
 پیداست که بیشتر به سطح
 حوادث افتاده است و تامل
 به عمق آن ها و از همین سطح

سنا هست - عظیم چسور
 کارگردان - فقیر نیس
 معاون کارگردان - قادر رفخ
 لیسردار - سید مجید حسینی
 منتاژور - قدیر رشیدی
 صدابردار - قاسم کپیس
 ساینر - ۳۵ ملی خرساها و سفید
 هنرپیشه ها: قادر رفخ
 عبدالله آرام، جوانمیر
 خیدری، فهید فیس، فهید
 هیراه و دیگران

یست که رد پای از قاعده
 کلی و جامع برداشت و تحلیل
 هنری به دور میماند

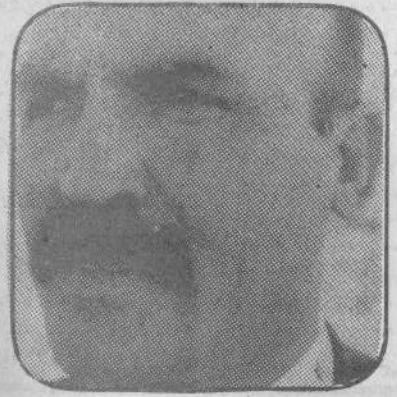
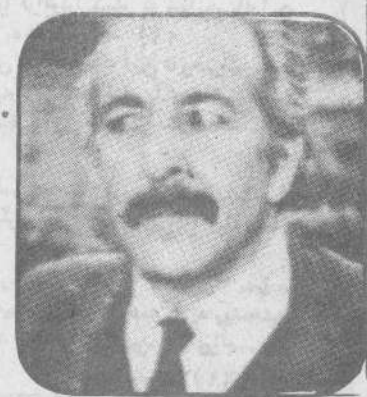
جشنید که شریک تجارتخانه
 نذیر خان است و زمینه از -
 دواج دختر جوانی به نام
 سلما را با او میجا میسازد
 و بهنند زرف کا و از همینجا
 در می باید که حتما "زیرکا -
 سه نهکاسه است" زهراسا
 در غیر آن پایست جشنید شری-
 یک و دوست خود را از میادرت
 و پیوستن به چنان عملی مانع
 میگردید و یادست کم برایش
 میفهماند که از دواج او در
 این بر ساله کی ه پایک دختر
 جوان هرگز مناسب شخصیت
 او نبوده بل عملیست نادرست
 و قبیح

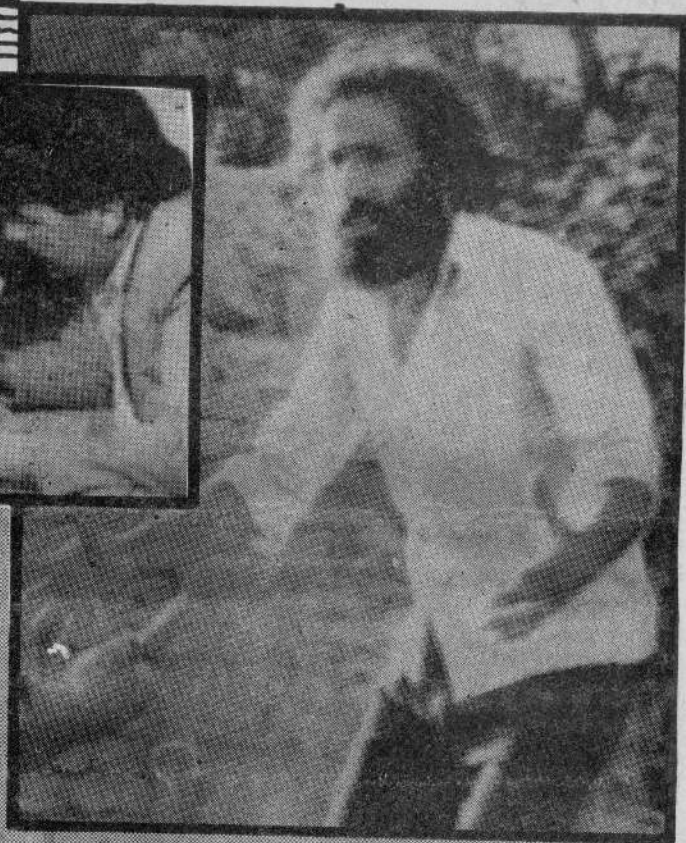
تا این جا هیچگونه نهصیت
 روشنی از کرکتر و شخصیت -
 جشنید به دست داده نشده
 است و نزد بهنند فلم ایمن
 پرسش ها ایجاد میگردد که:
 جشنید کی بوده؟
 جشنید با سلما چی پیوستید

مشروع یا نامشروعی دارد؟
 نذیر خان که مرد شروتنند و
 متولیت و چرا حاضر است
 با دختری که هیچگونه وجهه
 مشترکی با هم ندا رند از دواج
 نمایند؟ و ...
 اشرف و پسر نذیر که در کد -
 شته با سلما رابطه نامشروع
 داشته و حتی غفت وی را به
 باد داده است و کرکتر منفی
 و هرزه چندان نداده که
 دال بر مجرمیت قبلی او شده
 بتواند

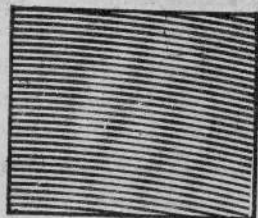
نذیر خان به قتل میرسد
 پولیس به دنبال قاتل میگردد
 در ابتدا اشرف متهم قتل پدر
 خود قرار گرفته و زیر نظارت
 و شکجه قرار میگیرد اما به
 زودی بهنگاهی او ثابت شده
 آزاد میشود پولیس در اشرف
 تحقیقات و به دست آوردن برکه
 به در یور نذیر خان مشکوک
 میگردد در یور با آگاهی
 از موضوع "بادستان خالی"
 از جنگ پولیس فرار میکنند
 سپس در ویرانه بی واقعه در

در رن جنگل انتظار آمدن -
 جشنید را میبرد جشنید
 باز مرسد و پس از یک سخن
 "آوردی؟ آوردم" با کارد
 بر او حمله میکند و بعد از زد
 و خوردی در یور را از یاد می
 اندازد این جا نیز پرسشی
 ایجاد میشود که در یور
 از جشنید چی میخواسته؟
 چرا فرار نکرد؟
 حالا نیت سلما ست
 جشنید به خانه سلما میورد
 و از وی میخواهد که باید مظا
 بق دستور جشنید عمل کند
 سلما تمهید پر د و جشنید با
 آن که مورد شک و تعقیب
 پولیس قرار دارد اسرار هر
 دو قتل را که مرتکب گردیده
 است یک یک به سلما تعریف
 میکند اما آنها این قاعده
 نزد جانی ها وجود دارد؟
 فلم میبایست با صحنه گر-
 نتار شدن جشنید و فرو -
 افتادن الیک به دستهای
 او پایان بیافت اما دیده -
 میشود که فلم چند شات دیگر
 لطفاً صفحه برگردانید





دوپا یک فیلم جنایی 'قانونی' است



است .
 باید گفت که آن گونه که
 سنمای متعهد و هنرمندانه
 درین تحلیل و حلاجی خوا-
 دت و قضا یا از سطح به عمق
 گرایش دارد و ردها حرکتیست
 از سطح در سطح و در آنها-
 بت صرف نظر از نواقص و کما-
 ستیهای فنی و تخنکی چون
 مستی سوند " آواز " اجرای
 دیالوگها و غیره برداشتهای
 یاد کرده تا این جا وارد پس
 تلاشست قابل توجه و درنگ
 به این امیدواری که دست
 اندر کاران سنمای ماه در
 آینده با تجربه های بهتر
 دست آوردهای بهتر و جالبی
 در زمینه فیلم های جنایی
 داشته باشند .

نیز به دنبال دارد که ایمن
 کار تکرار است بر تکرار و ناپه
 جا .
 در فیلم رد پا اکثر مرکزی
 وجود ندارد ، یعنی این که
 فیلم در تمامیت خود عاری از -
 قهرمان است . و باید پرسش
 این، که پرورش چند کتر قهر-
 مان نیز در داستان ها و سنا،
 رهاها ممکن است ، این رقم
 را نیز در رد پا در نی یابیم .
 زیرا کلیت سنای رد پای فیلم در برآگند-
 گی قرار دارد .
 قلمبرداری نسبتاً خوب و -
 بازی موفق چند تن از هنر-
 مند ان شناخته شده چون
 قادر فرخ ، اسدالله آرام و
 جوانشیر حیدری تاحدی فیلم
 را از خشکی محض بیرون آورده



پایه از (۲۷) را که من میخواهم بنویسم این است که با همت مغلوب نتواند و دیگر از دست نبرد.

پونتا: یعنی که من خودم بودم. صفحه "مجلس رابری" خانه شما (در هر کجای) دیده بودم. خدا را انتظار مویزتان کنار سرکه ایستاده بودید و هرگز آن هینکه چشم شانیه شما می افتاد و بعد رنگه چه شتاب می آمدند همه پاهای تان خم میشدند و راه خود را در پیش می گرفتند و پیمان آنها حتی نگاه نمی گزیدند که به من یک کلمه سخن گفتن به شما تعظیم معنوی میکردند و می رفتند. در این باب چیزی بگویند!

لنا: هرگز نمیتوانم بگویم که چنین کاری مرا خوشحال میسازد. من کجالیهاقت و ما هسته کسی این همه حرمت فراوان از جانب مردم را دارم؟ حتی باور نمیکنم من این راه نمیدانم که مردم چرا چنین میکنند.

خوب در نظر داشته باشید. اگر چه مثلاً غلام علی خان را ملاقات کنم بدون شک به پاهای من خم میشوم و از خم خواهم شد. اما این پلکیده پدیده پذیرفته شده مربوط دنیای موسیقی و بنا به سیات در پیش در میان این عرصه است. اما کاری که مردم در برابر من انجام میدهند، از کارهای بسیار فرق دارد. ما برای فلها میخوایم. ولذا اگر مردم چنین احساس بر خودی در برابر شخص خود چنان هم انجام میدهند من مغرب ناراحت نمیشوم.

پونتا: آیا اینها همه حقیقت ندارد که شما هنگام اجرای آهنگ "آچار هردیها" برای فلم "مده هوشی" آوازتان را باخته بودید؟

لنا: دقیقه "چنین نیست البته من آن زبان (یعنی) ۱۹۶۰ هنگامی که باید آهنگ "کبیر" و "پلی کبیر" را برای فلم "مجلس" سال بعد میخوانستم. یک پرالم آواز داشتیم در حقیقت از سالهای آغازین دهه پنجاه به بعد من به تکلیف میخوانستم

هاد چار شدیم. فکر میکنم یک کتله گلی مانع آواز من میشد. نمیدانم اصطلاح طبعی آن چه قسم است. انحراف پرده یعنی با هم چوبیزی.

بعد ما حمله این تکلیف من بابت حرارت و گلودرد میخشد. بیشتر یافت من با همه تیرگی های مشکل نتوانستم آهنگ "کبیر" و "پلی کبیر" دل ترا درست ثبت نام. به خاطر اینکه در آن وقت حتی درست گپ زده نمیتوانستم چه رسید به آواز خوانی هیچ داکتری مرا کمک کرده نتوانست گفتند که باید عملیات صورت گیرد این راهم خوب شدیم که عملیات آواز را اصعب میسراند. باید اعتراف کنم که زیاد ترجمید بودم. همه را که به نظرم می آمد باید برای همه آواز خوانی را ترک کنم. عارضه میسر شد سرانجام تصمیم نهایی خود را گرفتم. باید نزدیک متخصص به خارج کشور بروم.

و سرانجام روزی از سفر برگشتم و آهنگ "کبیر" و "پلی کبیر" دل را ثبت کردم. یکبار متوجه شدم که شایعات عجیب و غریب در میان من پخش شده است که کبیر لنا آواز اصلی خود را باخت است و آهسته آهسته همین آواز کنونی خود را نیز از دست خواهد داد.

تا آنجا که حتی از هر خم خوردن روابط من با شما داستانهای دنبال دار ساخته اند که گویا شما به من از فرط حسادت برگ زهر در میان را خوراند است. جالب اینکه اینها همه در روزنامه های مهم نشر شده و هرگز من و شما هیچتان دوست جدایی ناپذیر بودیم.

پونتا: شما اکثراً از اثرات مرگ نابه هنگام پدرتان بالای زنده گی و سرنوشت خود یاد کرده اید. هاینکه در سیزده ساله گی مجبور بودید اید تا نقی نان آور خانوادگی را به دو شی داشته باشید. آیا مجبور بودید همین حوادث شما را به

جهان فلم کفاند؟ و هر شی دیگر این است که اگر فرضاً چنین نبود. از زندگی شما چه مسیری را میپوشود؟

لنا: هر چند پدرم به من موسیقی کلاسیک تدریس نمیکرد و هر دو مرا به یادداشتن به جهان هنر آواز خوانی تشویق میکردند و هر دو به من یاد دادند که به اصول اساسی جامعه رسیدن از جهان فلم و هنر بازی نرفت. داشت و آزارهایی بود و خوشی بسیار بدی می آمد.



لنا منگیشکر در یک کلمه معنی موسیقی

آن وقت ها برای فاضل شدنم به جهان سینما احتیال میکردم. میلیون نیز وجودند است. پونتا: شما میخواهید بگویید که اگر ایشان زنده میبودند ما امروز اعجازی به نام لنا منگیشکر پیدا می کردیم. لنا: با بودن پدرم و کتاب و نهایی ترین کاری را که من میتوانستم اجرا کنم همراهی نبودن اود و عرصه موسیقی کلاسیک نبود آن هم برای یک مدت معین. زیرا او فقط مرا به شوهر میداد.

پونتا: میگویند شما را به و نمیشنوید. چندان به تماشا می فلم ها هم نمیبینید. هواز در کبیر شدن با معاملات تجارتی

فلس هندی نیز خوش تان نیس آید. از جانب دیگر وقت زهداتان را به سفرهای خارجی سپری میکنید. شما پیروز زندگی آهنگهای تان را از روی چی چیزی در میباید؟

لنا: در بافتن چنین موسیقی آنقدر مشکل هم نیست. وقتی یک پارچه موفق و مشهور شود من از طریق وسایل اطلاعاتی گوناگونی با خبر ساخته میشوم. مانند تماس های تلفنی و پیام ها کارت ها و یادداشت ها و مراسم تهریکی از جانب کمیته های ثبت و ضبط و مواجه شدن رویا و حضوری با مردم در برخی از محافل و مجالس و تقاضای اجرای کنسرتها و همین ترتیب جوایز و مدالهای طلا و نقره. مثلاً وقتی آهنگ "کبیر" تهری گنگا - ملی پیروزها میزند و رانصب شد همه من از چندین جشن اطلاع داده شد.

تعداد نامه ها که در آن شوه داده و اجرای آهنگ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته بود غیر قابل باور است.

پونتا: آیا شما به زندگی پس از مرگ و معاد دلبخوا و تولد دوباره عقیده دارید؟

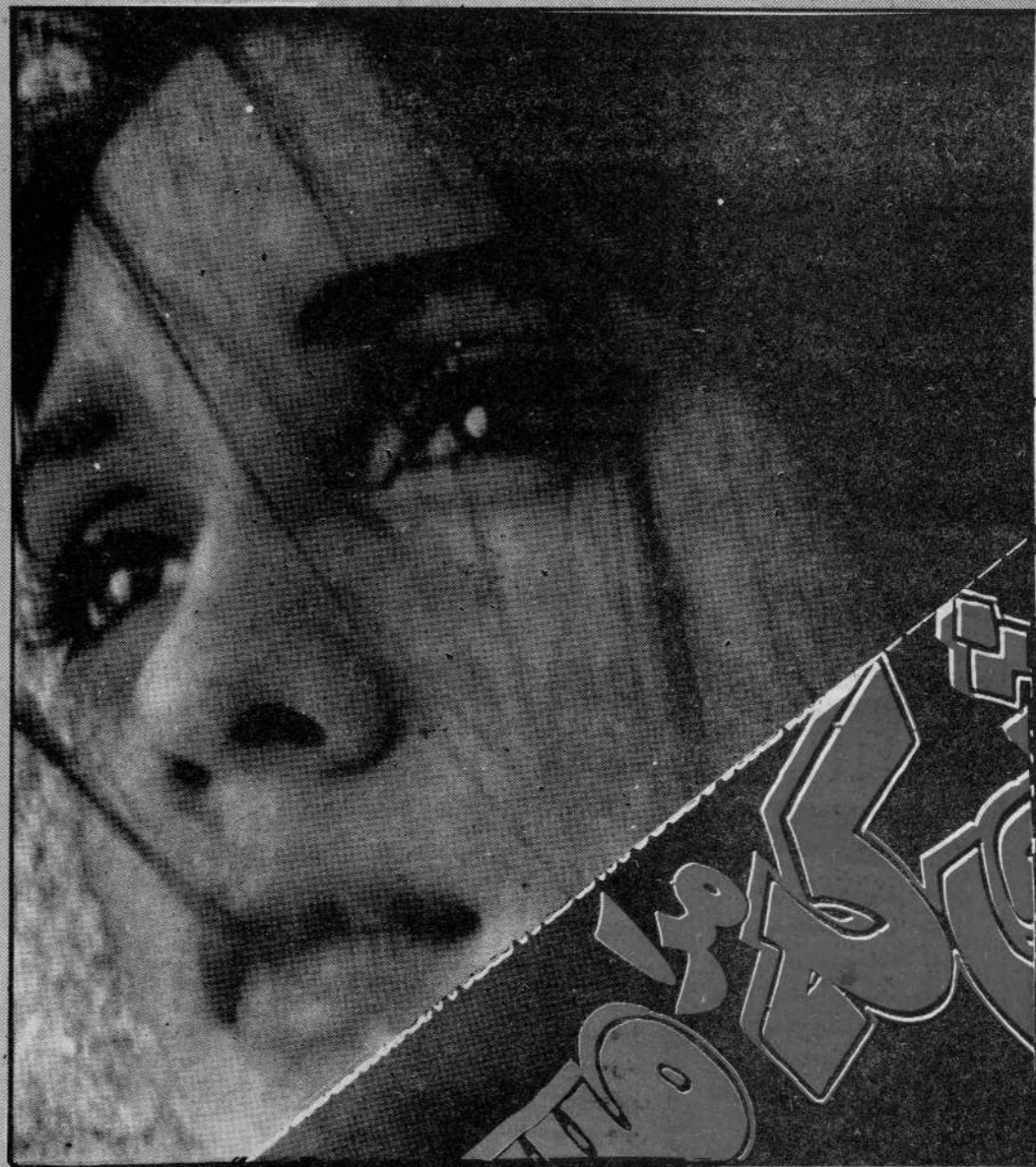
لنا: من به تمام معنی یک انسانم. من هستم. از تنه دل به خداوند ایمان دارم و فکر میکنم شاید همینگونه که شما میگویند چنین چیزی حقیقت داشته باشد. زیرا هرگز نمیتواند چیزی از هیچ بوجود آید.

پونتا: در میان لطف کرده بگویند خود را در یک کلمه چگونه معرفی میکنید؟

لنا: یک کلمه؟ (موسیقی) مگر من کلمه باز نمیشوم. از خنده ها (خوب بنویسید) لتادریک کلمه یعنی موسیقی.

از سلسله آشنای سوغات

ان وقت ها عشق و کشفی که از نگاه های مان منشاء سر گرفت ، بر ما سلطنت داشت نگاه های او طوری بود که احساس میکردم در تمام زندگی یگانگی با او داشته کی عشقش من استم . همان بود که پس از روزگاری روزی برام گفت : "دوست دارم" دران -



و سالی که من قرار داشتم منی هنگامیکه قلب یک دختر را با نگاه یک مرد مهربان من جوابی جز این نداشتم که چشم راهبه زهن بدوزم و خاموش بمانم . روزهای اول عشق همزودی آرام مقام عشق و صمیمت ما را - پیوندی احاطه کرد و ما نامزد شدیم اما هرگز هر فردایی کسی نمآید صمیمت وصفای دوسوز

رادر رابطه ماندا شتد زنده کی پدیده هایی استند که با - سرگرفتن کمال و زیبایی میباشند

آشنای سوغات

اما عشق هر نگاهیکه به نقطه وصل میرسد رنگبازد و زجردهنده میشود . مخصوصاً هنگامیکه عناصر خواستن و نیازهای زنده کی با هم جمع میشوند . آرام ه آرام ، ماد یگر تنهاها - شقی نبودیم که از نگاه های هم سیراب شویم و یا با کلمات عا - شقانه خود را سیر سازیم او خوا - ست های داشت و من در مو - قعی بودم که باید به خواست های او پاسخ میدادم و نیازها - ی او را جوابگو میبودم . شاید هر زنی برای مرد همین مقدار ارزش داشته باشد و خواست های عادی ما تکرار میشد و ادامه مییافت و سر انجام آنقدر رجدی شد که پیش از مراسم عروسی من ماد ر شدم ، وقتی با او مطرح ساختم که فرزند او را مهرورانی یکبار هم چیز تخمیر کرده صمیمتی نزد او باقی ماند و نه عشقی . میان ما ، خدا یا او چه میگفت ؟ برای من قابل تحمل نبود ، چگونه میتوانستم این حقیقت را تحمل کنم ؟ چگونه میتوانستم آرام باشم و نگرم ؟ چگونه میتوانستم درین رسوایی سهام پوش نباشم ؟ او میگفت : طفلی که در بدن داری از من نیست .

من گریه کردم به پاهای او افتادم و از او خواستم باور کند که پای خیانتی در میان نیست از او خواستم که بپذیرد این طفل خون اوست و اشتباه من ... گذشت روز ها روانم را شکنجه میکرد ، به خودم نفرین می فر - ستادم هجی کرده بودم چه گناه عظیمی را در پای اعتقاد این پیوند خویشتن انجام دادم ، صمیمتی که داشتم نمآند ، بود و من مثل یک زبون به پاهای او زانو زدم و و این بار هم - ندی را که ما با عشق من ساختم من بخاطر رهایی از رسوایی با گدایی آرزو کردم بگفتم : فقط مرا عقد کن و بعد رهام کن تا از رسوایی در امان شوم .

او بلاخره حاضر شد مسرا

عروس خود بستازده اما من میدانستم چی سرنوشت شوم در انتظار منست ها و بامن عروسی کرد ، نمی گویم ما با هم عروسی کردیم زیرا من این پیوند را از او گدایی کردم . اتفاقی کسی پیش آمد چنین شد تا ما مدت دراز تری با هم بمانیم . درین مدت من صاحب چهار طفل شدم ، فکر میکردم کم کم بهانه ها می شود ، از فضای خانوادگی من دور میشود ، آرام ه آرام من به زنده کی دلپسته شدم و او هم بیشتر کردید . محسوس میکردم برای او خود را وقت کنم . اما باز هم پای یک عشق د بگرد زنده کی شوهر بدارد کردید اول فکر میکردم شاید دو مین عشق او باشد ، اما بعد ها آگاه شدم که او با چند مین دختر ، رابطه های داشت و برای آن ها وعده های برای زنده کی مشترک داده است ، برخی ازین دختران همبکه آگاه شده اند که با مرد زنده کی و طفل دار طرف استند ، شاید دلشان به خیال یک موجود مثل خودشان سوخته و نه خواسته اند سرنوشت یک مادر و چند کودک را با یک آرزوی زود گذر و یک هوس زهرنا عشق به سینه بختی بکنند .

این بار فضای خانوادگی که ما با هم تیره شد ، او مرا با لست و کوب و شکنجه روانی از خانه بیرون کرد من به خانه پدر و مادرم پناه بردم به راستی اگر آن ها را نمیدانستم ، شاید امروز در شمار زنان روسی شهر ، یک شماره تازه میبودم ، چرا که در - کشور ما وقتی برای یک زن چنین بدبختی رخ میدهد هیچ جایی نیست که در آن جا به او پناه بدهند کاش پناهگاهی وجود - داشته باشد کوفتی یک زن بد بدبخت مثل من از خانه شوهر راند میشود بتواند عزت و عفت خود را رانجانکند دارد .

برای زنی که شوهر دارد طفل دارد ، یک لحظه هم بدون طفل و شوهرش خوش نمگذرد ه آسای باو رکرد میتواند که من در آغوش مادرم و در پناه پدرم

را برایم مانند دوزخی احساس می کردم و یاد فرزندانی چه شکنجه بزرگ بود که مرا کوچک ساخت . شبها تانیمه ها خواب - بسم نمی آمد ه اشک همیشه به چشمانم خانه داشت . برای قلب عاشق پشه او باز نمیدانستم چه اتفاقی افتاده که به خانه پدرم آمد و بهانه آورد که یکی از طفل های من مریض شده و باید به پسخانه بروم ، این بار او با تضرع و نیاز به سوی من آمده بود . چقدر دلم خوش باورش شد ، فکر کردم او بلاخره به صداقت و پاکی من باور کرده و حسی اگر گاهی هم داشتم ، او به نام کودکمان ما را بخشیده است ه دل یک زن اگر همسار هم سخت باشد باز هم همانقدر نرم است که کوچکترین عاطفه او را میتواند شکل دهد . من بسته لبا سپا - می را گرفته آمدم تا در دیدار از کودکمان دل خوشی کنم و گریه سرد هم .

بعد ازین حادثه ما صاحب فرزند دیگر نیز شدیم و مدتی را با هم زیر یک سقف به سر کردیم . اما او عادتاً به هر دختری ابراز علاقه میکرد ، دخترانی که به خانه ما می آمدند و در باره او فکر میکرد و طبعاً که درین مدت من از جانب او اهانت میشدم و مورد لطمه و کوب قرار میگرفتم ه در خانه می که پدر ه مادر را مورد لست و کوب قرار میداد فرزندانشان بیمار و وحشتزده بار میآید . آن ها از پدر میترسند و فردا بار - بود ه دلم به حال فرزندانی خیلی مسوزد که قربانی هو - سبهای یک پدر میشوند ، من برای آن که هر نوع سوء ظن و تشو - یس شوهرم را برطرف کرده باشم از مدت ها است که در خانه استم و جایی نمبروم ه کارم را تشرک گفته ام و فقط خود را وقت کودک - کان و خانواده ام ساخته ام ه تنها مصروفیتم کار برای آنهاست و عبادت برای خداست .

اما نمیدانم چرا همیشه دم دارد ه خداوند

با این حال که نه تفریح دارم و نه خوشی ، باز مراد چا رخادته ساخته است . شوهرم بار دیگر عاشق لبت د بگرشده مان دختر که زیبایی چندانی هم ندارد میخواهد به سینه یک زن و قلب پنج کودک لگد کند و شهر آزه یک خانواده بدبخت را که بدون آن هم خوشی ندارند ، به سیر و زور رشته بدنام طلاق میسوزند . دهد . من باور میکنم مردی - مانند شوهر من که برای پنج فرزندش نتواند عاطفه بدهد و نتواند مهربان باشد ، برای هیچ دختر و هیچ زنی مهر - بان نخواهد ماند ، آدمهای مثل او بدبختی جاو دانسه دارند و بنا بر همین عقده می خواهند از تمام دختران و زنان خوشبخت محو بختی گدایی کنند ، ولی هر کسیکه با چنین مرد هوس باز همراه شود خودش بدبخت خواهد شد . شاید من ظلم بزرگ را تحمل کرده باشم و شاید هم قربانی سرنوشتی شوم که شوهرم برایم رقم میزند شاید فرزندانی نیز قربانی این عشق شوند ، اما دل من به حال زن دیگری مسوزد که در جای پای من در بستر دوزخی همسرم و در خانه کلان دیوارهای آزار و شکنجه میزند پامیکند . من مانند دخترانیکه خوانندگان درین سلسله در سپا و خون خورنده اند کشتزار سوخته دیگری استم که سوختنم را مینمیشم از آن که تمام هستی ام بسوزد آتش را احساس میکنم و من - میسوزم و بامن پنج کودک کم نسیز مسوزند و یکجا بامن شوهرم نیز مسوزد ، آن دختر بدبخت کسب نخواهد همسر آینده شوهرم شود ، او نیز مسوزد این آتش این تنها یک کشتزار نه بلکه یک خون راس مسوزاند

•••

ابراهیم و علامت رستخیز *
 مردم بابل در آغوشتن خوشی بسر -
 میبردند. و از شاخسار درخت نعمت سایه
 بان میساختند و ولی در شب در پیچور -
 گمراهی دست و پا میزدند و بتها را بدست
 خود می تراشیدند و آنها را پروردگار خود
 میخواندند و بعنوان خدایان برپا میدادند -
 داشتند و بجای پروردگار جهانیان پرستش
 و نهایت میکردند.

نمرود بین کتمان بین کوش در رهسرس
 بابل زمان مملکت را بدست داشت و خسو در
 سرانه بر مردم حکومت میکرد: نمرود چون
 در ستگاه عریض و نعمت بسیار قدرت و -
 سطوت سرشار خود را دید و از میزان
 جهل و بخرید مردم آگاه شد و خویش را
 خدا نامید و قوم را بپرستش خدا خواند
 در زمین وسع تنباه و محیط فاسد ی
 در مملکت بابل (۱) ابراهیم متولد شد و
 خدا تعالی او را براه راست و حق هدا -
 یت فرموده تا با پاری صاحب فکر ناقص
 و شور و وحی الهی در یافت که خدا یکی
 است و آن خدای یگانه بر سر اسرجهان
 سیطره و احاطه دارد و آن بتها و تماثلهای
 که مردم آنها را میترسند و میپرستند و
 در برابر اراده الهی عاجز و زبونند ازین
 رو تصمیم گرفت که مردم را بتوحید بخواند
 و قوم خود را از پرتگاه شرک و زندقه برهیل
 کند.

ابراهیم دلی لبریز از ایمان و سلوا از -
 اطمینان و یقین بقدرت آفریدگار داشت
 ابراهیم در دعوت آزر ادب و ولایت بکار
 میبرد *
 ابراهیم بصورتی پروردگار دعوت میدادند
 و دعوت خود را بانگوشتر معبودات آن قوم
 آغاز مینماید.

آزر و جد مادری ابراهیم و ازیت پر -
 ستان و از تراشیدن گان و فرورسند گان بتها
 است و بنابراین او حکم آنکه بعد از وفات
 پدر زود یکسری مردم با ابراهیم و سزاوارترین
 ایشان بنصیحت و اخلاص است و بسایید
 زودتر از همه براه راست هدایت و به تو -
 جهد دعوت شود. خاصه آنکه او خود از -
 صورتگران بت و دعوت کننده گان بهت -
 پرستی و کانون شرک و ضلالت و از این
 رو هدایت او در حکم ریشه کن ساختن فساد
 و شرکگرایی است.

ابراهیم دعوت و تبلیغ آزر را با تسفیه
 و نندوشتر معبودات و شفقش خدایان او آغاز
 نکرد و تا از دعوت ترسیده و آزر در ده
 واز شنیدن حجتش کونی برنفتند و بلکه بسا
 نهدترین سبک و اسلوب با او بگفتگویر -
 داخت و با لحن ملایم مودبانه با او
 شروع بمحاوره کرد و نخست از نبوت خود با او
 سخن گفت و تا از این راه خاطر او را بخود

توجه سازد و آنگاه علت بت پرستی او را -
 پرسید و گفت: یا اینکه بتها دعا و تناسی
 ترا نمیشوند و خضوع و خضوعت رانی -
 بهند و هر دفع بلا و بخشودن نعمتی
 قادر نیستند و با وجود این چگونه در پیش
 آنها بزانو در میآیی و در پرستش آنها اصرار
 مینمایی؟

ابراهیم آزر را از سو عاقبت کفریم داد
 و از وبال و تبعات بت پرستی بر حذر ساخت
 و با آئین ادب برای جلب عواطفش او را پدر
 خطاب کرد و گفت: ای پدر من آزر -

قصص القرآن

زبان بیابان میوز

سگهای راکه ایسرا

میترسد که بعد از الهی دچار شوی و در
 زمره یاران و اتباع شیطان در آئی *
 آزر بر عناد و کفر خود بیفزود و از -
 متابعت راهی ابراهیم با کرد. با تر شروئی
 و درشتخوشی با او مواجه شد و او بشفقتش
 را نادیده انگاشت و از سر تحقیر و عناد
 بالحنی خاکی از تعجب و تهدید گفت: آیا
 تواز خدایان من روگردانی و هر آینه اگر
 از این رویه برنگردی ترا بتمم خواهم ساخت
 و سنگسار خواهم کرد پس از شدت خشم من
 بهرهیز و آتش کینه و انتقام را بر میگزید و روز
 گاری در آزر زمین درو شود [

ابراهیم بتها را در هم می شکند *
 ابراهیم چون انکار و عناد آزر را دید
 از سدا بیشتر نومید شد و سخت بر او گران
 آمد که خیرخواهیش را با خشونت رد کند
 و از دعوت حقش بیخاری جوید. ولی ایسن
 پشامد تا گوار و بر خورد ناهنجاره او را از
 ادامه دعوت بحق باز نداشت و از بهارزه

اشرك و قوم مشرك خود سمت ساخت
 بلکه اراده نهر و مندش مانند آهن آیدار
 در زبرضرت پتکهای گران محکتر شد و
 تصمیم گرفت که با کمال سرسختی در برابر
 عقائد فاسد قوم به پیکار پردازد و هر چند
 در این راه پارتجبهای گران و آزارهای
 فراوان مواجه شود.

یکی از امتیازات ابراهیم برهان
 قوی و حجت نیرومندی بود که در برابر خصم
 بکار میبرد و برهان و قیاس را چنان با مهارت
 بمصراع میساخته و دایره استدلال -
 را چنان بتدریج تنگ و محدود میکرد
 که ناگهان بطور غافلگیر خصم را در دام
 اقسام میکشید و و راه فرار را زهر سو بر او
 مینمست.

ابراهیم از قوم پرسید: معبود چیست
 و شما چه چیز را پرستش میکنید؟

گفتند: ما از آنجبت بتها را میپرستیم که
 پدرانمان را در پرستش آنها یافته ایم.
 ایشان اقرار کردند که بتها نمیشوند
 و مالک نفع و ضرری نیستند و ولی اقتدا بگند -
 شتگان و تقلید از پیشینیان را مستمسک خود
 قرار دادند و قدمت و کهنگی عقائد خود را
 د لامل حقانیت آن شمردند و باین ترتیب
 خویش را از روشنائی نظر صحیح و فکر سلیم
 محروم و محجوب ساختند.

ابراهیم گفت: محقق مسلم است که -
 شما و پدرانتان در گمراهی آشکانه بودماید.
 قوم چون در زبربار حجتهای نیرومندی
 ابراهیم بزانو درآمدند و آغاز ماجراجویی
 کردند و فریاد برآوردند که ای ابراهیم
 آیا کار تو بجای رسیده که از شان و مقام
 خدایان مایکاهی؟ آیا راستی بتها ی
 ما را نکوشر میتی و یا آزاره بازیچه و شوخی
 در آمد مای؟

ابراهیم گفت: من از روی جد سخن
 میگویم و زیرا براه شما دینی محکم و استوار

شکست

اهل بیت

آورده ام و شمارا براه راست میخوانم.
 همانا که پروردگار سزاوار پرستش شما
 آفریننده آسمانها و زمین و مدبر شئون
 و قائم بر امور آنها است:

اما این بتها مالک نفع و ضرر خودشان
 هم نیستند و اینها یکمشت سنگهای سخت
 و چوبهای تراشیده و میخکوبند پس باید
 از پرستش آنها اجتناب کنید و خود را از خضوع
 در برابرشان برتردارید و از قنقه شیطان
 و اغواء او بپندید و بدیده عقل و -
 بصیرت خود را بکشایید و تا مگر هدایت
 یابید.

گذشته از این حجتهای قوی و باید
 فکر کنید که من پیش از شما ازین بتها دوری
 گزیده و از پرستش آنها اجتناب کرده ام -
 و اگر ایشان قدرت بر سر برداشتن مرا در
 چار ضرر ساختن من ندارند
 پس چون حجتهای نیرومندی ابراهیم در
 قلوبهم اثر نیفتاد و از دعوتش رخ برتاقتند

و ابراهیم دید که گوشهای ایشان کردلها
 شان محجوبست و همچنان بدامن او هام
 خود در آویخته اند و به پرستش بتها اصرار
 میورزند و در کهن بتها شد و قسم یاد کرد
 که که خود را متوجه آنها سازد و تا بحسن
 و عیان در بیاندک آنها قادر بر نفع و ضرر
 و دفع آزار از خود نیستند و قوم را از -
 عبادت نفعی و از ترن عبادتشان ضرری
 متوجه نخواهد شد.

قوم ابراهیم را عادت چنان بود که
 هر سال عید و جشنی بر پا میکردند و ایام
 عید را در خارج شهر بسر میبردند و طعام
 فراوانی در معبد فراهم میساختند و تا
 چون بشهر باز آیند با کواچی صرف کنند و
 عقیده ایشان بر این بود که خدایانشان
 در طول غیبت ایشان آن غذا ها را برکت
 میدهند و هنگامیکه میخواستند از شهر
 بیرون روند از ابراهیم خواهش کردند که
 همرا هشان برود و ولی ابراهیم دعوت -
 ایشان را نپذیرفت و تصمیم گرفت که تخت
 بتها شان را و از گون سازد و برای بهانه
 تمارش کرد و اگر چه بظاهر بیماری -
 نداشت ولی رو حتراسرده و ملول و دلش
 گرفته و محزون و از گمراهی قوم بسیار متاثر
 و غمگین بود.

قوم از ترس آنکه مبادا بیماری ابراهیم
 بد یگران سرایت کند او را در شهر تنها -
 گذاشتند و با عسرت و شادمانی بخارج -
 شهر شتافتند.

اینک شهر خلوت و آرام و معبد خاموش
 بخالی از ضجه و غوغاست و حتی خدمه و -
 سده هم معبد نیز از شهر بیرون رفته اند.

ابراهیم که شهر را خلوت و دشمنان
 را غافل یافت و ازین فرصت استفاده کرد
 آهسته آهسته بصورتی بتها روان شد و معبد
 در آمد و دورنمای آن صحنه و منظره بتها
 را تماشا کرد و طعامها را بدید که پیش
 روی آنها گسترده اند. پس از روی -
 ریشخند و تحقیر ببتها خو شبانش زد و گفت:
 غذا نمیخورید؟

پس چون سکوت مستمرا ایشان را دید
 بار دیگر لب با ستیزه گشود و گفت: چرا
 سخن نمیگوئید؟

بدیهی است که سنگها و چوبهای
 بوجان یا رای فهم و ادراک و قدرت -
 سخن گفتن ندارند. سخن گفتن
 در این هنگام قسمتی از بتها را یادست
 و قسمتی را با پای زمین زد و سرانجام چون
 شعله خشم و انتقام از دلش زبانه کشید
 تیری را برداشت و سرخ بتها رفت و سر
 دست بت بود که زیر ضربه های تیر پیش پای
 ابراهیم خاک مافتاد و قطعات سنگ
 و چوب بود که تلی را در معبد تشکیل میدادند

بتها همه از ضرت تیر و قوت بازوی -
 قهرمان تو عهد بهره و نصیبی کامل گرفتند
 و تنها بت بزرگ بود که ازین ماجرا ایمن
 مانده بود زیرا ابراهیم او را باقی گذاشته
 بود تا پایه احتجاج پر شور و هیجان خود
 را برد و شرا و استوار سازد و چون قوم از
 انجام مراسم عید بشهر باز آیند و از او سپر -
 سند که کدام کرا احترام معبدشان را هتک
 کرده و بتها شان را در هم شکسته او را -
 نشان دهد و سرانجام ایشان را با اعتراف
 و اقرار آورد که بتها سخن نمیگویند و عقل
 و اراده ندارند و قادر بر نفع و ضرر نیستند
 تا مگر پس از این اعتراف صریح بخود آیند و از
 گمراهی بازگردند.

قوم بشهر باز آمدند و حال تباه
 خدایان خود را مشاهده کردند. هول
 آن منظره چنان عظیم بود که مدتی ایشان
 را مبهوت ساخت و پس از آنکه از حال
 بهت بخود آمدند و عیان اعصاب را بدست
 گرفتند در جستجوی مرتکبان عمل
 خطیر برآمدند و با هم میگفتند: چه
 کسی اینکار را بر سر خدایان ما آورد؟ هیل
 نا که او از ستکارانست؟

در این میان یکن گفت: ما جوانی
 را میشناسیم که بتها را نام میبرد و نام
 آن جوان ابراهیم است او ما را از سر -
 ستیز این بتها سرزشتش میکرد و ایشان را
 تحقیر مینمود و پس چنین مینماید که او بر
 این کار جرات ورزیده و آنها را در هم
 شکسته است.

ازین راه شکند بتها را شناختند
 و تصمیم گرفتند که او را بکفتری مناسب
 گناهش برسانند.

آتش خشم و انتقام در دلهای قوم زبانه
 کشید و فریاد زنان احضار او را خواستار
 شدند تا محاکمه و کیفرش را تماشا کنند.
 مسلم است که اجتماع قوم در یک سر
 زمین یکی از آرزوهای ابراهیم بود که
 مدتها در انتظار آن بسر میبرد تا بر ملا
 ود حضور همه افراد قوم حجت خود را
 بر سلطان عقیده ایشان بیان کند.

داستان ابراهیم بصورت برق در همه
 محافل و مجالس و سر سر هر کوی و برون منتشر
 شد و مردم دسته دسته برای تماشا ی
 ابراهیم و محاکمه و کیفر او فراهم شدند
 تا از دیدن شکجه و عذاب سوزخشم را
 در دلها فرو نشاندند.

سخت قضات ابراهیم را در حضور
 جمعیت خشمناک حاضر کردند و محاکمه
 علنی او شروع شد.

کدام آفتاب ه از چه عرضی برآمد ؟
 که شب در سرای خراسان سرآید
 کدام آستان دست شیطان گرفته ؟
 که از خاک ما بسوی خون سرآید
 چه ابری فراز آمد از قمر دوزخ ؟
 که پیکر سرو پارس اغکسرآید
 زمین ه از س آماج نهی آوران شد
 زهر خورشید خونا به نهفتن سرآید
 نه دهقان رامانده پلوان به خاطر
 نه از بهل ها ه یاد آهنگر آید
 چه ترکیده در ترکه تا کزاران ؟
 که از گرد شان دوده احسرآید
 کدام آتش آویزه لانه هاسد ؟
 که با باد پامینه دود سرآید
 کج افتد قد سینه شمشاد هارا
 ز بس باد چو چو چا و لگ سرآید
 ز بس سینه ها زخم ناخن بخوردند
 نفس چون گزاهگر خنجر آید
 ز بس هفتد نیکشان هنی کشیدند
 نسای غم از درزه هر در آید

چه سستی د دیده به رگهای پیمان ؟
 چه پستی ه که بر قامت باورآید
 چه دایه سهاست ؟ که هر کاتبش را
 هوس بر کله داری کفر آید
 چو با فریبند شهر بشرا را
 به بام پیری دیمو انسو نگر آید
 نکون آمد این روز گاران که بینی
 زفن را هول بازی سنج سرآید
 نه سلطان سلامت رود نس سهد
 چو سیلاب خون از چرفکسر آید
 شهبخونی شمشکن خیز و مگذار
 که گفتار تاخانه کفر آید
 چگر کج لولسوها صدی را
 شنیدی مگره کز خرف گو هر آید ؟
 زمانه بس هرزه بارز بها لود
 دگر از کدامین زمج زور آید ؟
 در این دور بی خورد خروار خروار
 چه از منی های منگه آور آید ؟
 جهان راز یک چشم دیدن نهاید
 که کج خطی از بینش اهور آید

بغندد به رهش خود آن بی تمیزی
 که لا نکرد پده بر منبر آید
 هدف هتا به " جمل مرتب " نهی
 چه خیز دزد پلوان ه چه از دفرآید
 عروس سخن را ه چو سوزند مصحف
 دگر با چه آینه را بشکر آید ؟
 برین به شعوری برین بر شمعاری
 درخ از ور هر درخ آور آید
 نهیند به جز پیش پا هیچ چشمی
 درخت برین و ادی محفر آید
 به خشم خدا چشم گرداب خندد
 چو بر ناخدا کوری لنگر آید
 دگر از چه راهی ه رمان جویسی ؟
 چو رهزن به در بانسی دهر آید
 بها سور سوزا بس بهار هم
 که آتش بر اندام آتشگر آید
 بهضم یارب چه روزی ه که روزی
 تنه از بس دشت خاکستر آید

کابل سرطان ۱۳۶۷

آسرهین

دشمن خاست

ورمی او غوتی

دلته د ژوند بسرلش ورمی
 چی د سبایه و زرد الوتلی
 د پوی تاندی ز غوتی خانی
 شکی غوتی تخنوی
 که د ابیلوتی و مسخری
 د لوانی به هوس
 او
 د گلخانگود شوی یا نیرتاشا
 د غور بدلی غوتی
 به بنایسته انگو
 د ی رابرتی خلائی وراثتی
 اوسری د عطر و لولیزه بالی
 نه راه شوی
 د ژوند ون بسرلش ورمی

د باقی بریال

دوه شعرونه

سکلا او گرمی

به زره ورتکترانیکسی ارازونه
 بالسه تا اورم دمنی غزلونه
 له سکلا سره گرمی شمته ورکبا
 د خو زی ئی نخری اوسکیزونه
 اوچی ستاره به دیرنگن چمن کی
 لاس تر لاسه چیری اخلم قد بونه
 له هرچه نه بهگانه مشونه شاکوم
 دلته ههله راته خاندی سر بگونه
 راته ناخی تر نظره کلنونه
 اوردهن اینه می وی رویتانه
 ژوندون تبول د خوشالوانگاره می
 لهیدلی متخندلی می خمالونه
 جوړسک د شاعران هن په باغچکی
 ستاد غوندو د گلپانیا تخورونه
 ستاد غر په شایسته سکونغموکی
 د شپلی په شان دمنی پتارازونه
 چی زما دارمانوشی هرازه
 رنگنه وی هاشمی هغه وختونه
 د سکلا پردی ناپایه تنداروکی
 پوختهله برنژدی می سترکی ژورونه
 اوزاد شمرناری هوه پسرللی
 چی داستا په یاد یی وکول سینگارونه

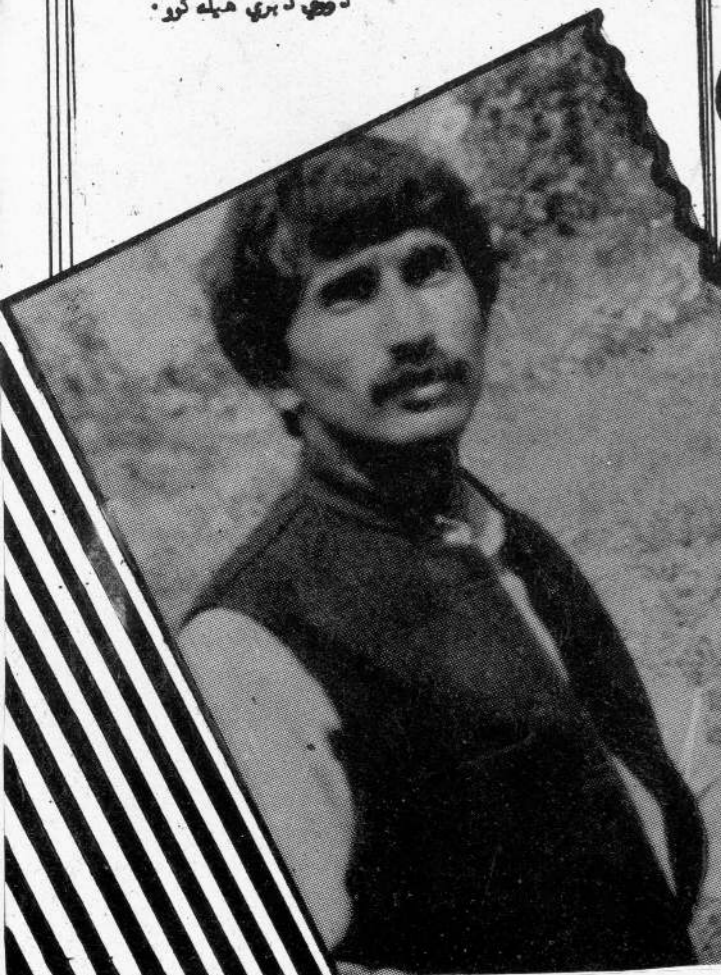
گل او غزل

پروگرام جو جو شو به دغه پروگرام کی د پښتو موسیقی سند رفاړ و ښایسته سند ری وپلی او په پروگرام کی د دغی فرهنگی ټولنیزو ټولنو په رسمی توگه د هنر څو ښوونکو ته وپوښته له دغی هنري ټولنی په ترکیب کی د پښتو څو ټولنی سند رفاړی هم په ایشان مومند او شامند د سند رفاړ و په توگه او کمین گل ، تورپالی ، فاروق او معروف د ساز ټولنو څو په توگه په هنري فعالیت بوخت دی د ټولنی مشر شامند محمد دی او د ټولنی راتلونکی نغزات امید لري . د ټولنی د پری هیله کوو .

د خوشحال فرهنگی ټولنی د پښتو موسیقی د ادبیاتو او فرهنگ د روی او پرمختیا د هدف د ترسره کولو په خاطر د خپلو ټولو هموندو په څنگه کی د موسیقی او په خاصه توگه د پښتو موسیقی د پښتو لاینه والی او د هی له پاره هلی علی کوی ، چی لومړنی ټولنی د استاد اولمیر د کلین یی نماینده و او د ادبی د جزا د میاشتی په اته رښته ټولنی د دغی فرهنگی ټولنی له خوا د افغانستان د لاسی ضایعوه دندارتون کی د گل او غزل ټولنیزو ټولنی لومړنی



ما اصفا می



ناروا آغاز کرده است . او میگوید :
 «اولین آهنگی را که ثبت نمودم غزلی بود از حافظ شیوازی به این مطلع :
 «بامدعی مگویند ، اسرار عشق رستی ، کما هنگه آن را نیز خردم ساختم بودم .
 نگر میکم مکرر است ، اترد رمورد د او بهای کیسون آرزو شیبای موسیقی را د ټولنو څو ښوون چی چیری از نو ، بتویم . زیا ، سخن کگوشی برای شنیده نش نیست چه سود از گفتش . صمم در این بود گفت :
 (آهنگهای زیادی در راه و ټولنو څو ښوون بی شری لسی چرا شده اما از طرف کمیسیون بجهه در صفحه (۸۷)

پهرسم که ؟
 - پس چگونه موسیقی جاز را انتخاب نمودید .
 (په خاطر کی فراگرفتن اسامات موسیقی شرق ، خیلی ها مشکل است و آدم نمیتواند به آسانی حتی یک جزان را بیاموزد .)
 - پس به نظر شما ، موسیقی جاز از در کلیت موسیقی غرب به ساده کی قابل درک و فرا گیریست .
 لسی ، این طور هم نیست مگر نسبت به موسیقی شرقی تا حد و دی آسانتر است .
 فرید صمم ، از سال ۱۳۶۵ به این سو در راه ټولنو څو ښوون

فرید صمم یکی از جوانان نواک در هنر موسیقی است که شاید او را در آهنگ (صافا می) دیده باشید .
 صمم در مورد آغاز کارش میگوید :
 «دروسی استاد مشخص ندانم و نیز تحصیلات آکادمیک ننموده ام . من مانند دیگران ، از کودکی با موسیقی علاقه داشتم . آهنگ های روانشاد استاد سراهنگ غلام علی واحد و لهر را خیلی دوست دارم و زیاد مینویسم و اکثر چیزهای آموخته باشم . آن هم مرهون هموست .
 شنیدن سخنان صمم برای من ، چیزی شگفتی آور بود . و بسبب گفت ، تا از او

گروه های متعدد موسیقی که نام خدا شده است نشان خوبی زیاد شده است : خوب است که جوانان هنرمند با گروه های متعدد را بوجود آورند اما بهتراست در هر گوی آن به آموزش مسلکی نیز پرداخته و موسیقی را تا آنجا بیک لازم است طور فنی و علمی بیاموزند زیرا زمانیکه آنها این هنر را طور اساسی نه نعمت مشکل خواهد بود که فعالیت هد نمند داشته باشند . شاید چنین فعالیت ها بر جریان موسیقی کشور و لطمه وارد نماید از ما سلیمان برسیدم چهار روزی در دل دارم .
 خندیده گفت : میخواهم با خالد آرمان گیتاریست جوان کشورم که فعلا در خارج است ملاقات نمایم .

در ارکستر ستاره های آریانا شامل است ولی اغلبا در کار روح الله روین دیده میشود .
 یا به این سوال ماکه گیتار چند نوع است و او که ام یک را بکار میگیرد گفت :
 گیتار انواع مختلف دارد اما اساسی همه را گیتار کلاسیک تشکیل میدهد . بعدا به اسامی پیشرفت علم و تکنیک (الکت گیتار) و (جاز گیتار) به وجود آمد . من تا حد و دی به همه آنها بلدیت پیدا کرده ام اما بیشتر (لیت گیتار) مورد علاقه من میباشد .
 یا سلیمان در مورد فعالیت

یا سلیمان هنرمند جوان نیست که با سرانگشتان گیتار را به صد او رسیده و نیمه دل انگیزی می شنواید .
 امروز جوانان زیادی در کشور اند که با هنر و باخشن گیتار آشنا نیستند و اکثر آنها کارشان را مد بین استاد توانا محمد حسین آرمان میدانند .
 یا سلیمان گیتار نوازی را در کورسی که چند سال پیش در ایر شده بود فرا گرفته و اکیسو ن



اویتار و سینوازد

مصاحبه از ملالسر



سنجی دست در برابر برادرش
گفت :
اگر دزد میبودم سلطان بودم
نی را با مملوینها شورتش نمیدزد
پدیده اگر از جمله لوازم خانگی
میبودم ، دوست داشتم بسک
چاروب یا شمشیر اکتره در
دست دخترها میباشند .
... اما روزی هم با ما اینی برام
پس گفته بود که تو و برخی از
دوستان " همروزانه هسا
استید .

تلاش
مان
میگوید
او چگونه است



ملکه آواز

سوریه

یک زمانی بر سر بناهای دوست داران ورزش بوکس بود. در سال ۱۹۷۷ بعد از شکست تلح محمد علی کلی با بوکسرخد حافظی کرد. چهار سال قبل تصمیم گرفت که در ساره به این ورزش روی آورد. دلیل اساسی روی آوردن او به این رشته معضله اقتصادی تشکیک سیداد بدین ترتیب باشکست خود روی توانست ۲۰ میلیون دلار بدست آورد و یکمان اغلب با این پول میتواند مدتی را مثل گذشته ها زندگی کند.

اما بازگشت ورزشکارانی چون نورمن، بووگا، مارن سپینساده بی از دانشمندان را بخود مصروف ساخته آنها از خود می پرسند که آیا برای این عده همه امکانات فنی یکسانی از بین برفته است یا خیر؟ چندین واقعه وجود دارد که ورزشکاران سابقه حتی در سنین ۵۰ سالگی بعد از آنکه با جدیت زیاد به تمرینات ورزشی شروع کردند در نتیجه آن به نتایجی دست یافتند که حتی جوانان سنین ۲۵ نتوانسته اند.

علما و دانشمندان امریکایی اظهار می کنند که هنگامی فیزیکی بدن بصورت ۱۰۰ درصد آن تا سنین پنجاه سالگی حفظ می گردد و نقطه آخری پیروی بدن بعد از سن ۴۰ سالگی تکلیف می گردد که کاهش یا بقیه در صفحه (۸۷)

های وی در یکی دو سال اخیر در بین زمینه مورد ستایش ملامتند ان اقرار گرفته است. در این اواخر تلاش بخش داد تا جهر موتیپ هم این موزیو را بهاد هنر وستان زنده بسازد درین راه مدونا پیروز تر از گذشته ها پیدا آمد.

بعضاً مدونا از تشویق می کند که گویا او خصوصیت کلشبه زنانه را می شنکند و مدونا به دلیل اینکه گویا تمام هوش استعداد خود را صرف ثروتمند شدن می کند مورد سرزنش قرار می دهد. هندیکسن از رویفیسوران بوهنتون امریکا مدونا را به اندازه مورد ستایش قرار داد که حتی موضوع دکتر و رویفیسوری خود را هنرمند و نا انتخاب نمود.

گروهی از دانشمندان اخلاق اجتماع می مدونا و فعالیت هنری وی را مورد سرزنش قرار می دهند اما شامل بودن در خبرها می دست اول همیشه برای همه پردرد سراسر است.

چندی قبل چون نورمن قهرمان ششمین وزن بوکس جهان، پختا طرف بدست آوردن مقام قهرمانی در سن ۴۲ سالگی بیکار بوکس وارد میدان بوکس گردید اما متاسفانه که جوان ۲۸ ساله هموطن او این آرزوی نورمن را برآورد نمود. بعد از این شکست وی دوباره به وظیفه اصلی خود یعنی مدبوکس پیوسته ورزشی در ترکیه آمد. نام نورمن



کردند. مدونا بخاطر این موضوع سرودهای زیاد بلنسد کرد و سانسور (هنر) را مورد انتقاد قرار داد. این منسج قرارداد ان آهنگ جدیدی وی فروش کست جدیدی را به صورت سرسام آور بالا برد. وی خوب درک نموده که در قرن وید ویس نمایش بدن آریزش خاصی دارد. مدونا توجه خاصی به لباسی دارد. هیچگاه بی یک نوع لباسی دوباره روضینه حاضر نمی گردد. نوآوری

جارتی، مدونا با مهارت زیاد توجه تماشاچیان را بخود جلب می کند. اگر در کمرتن متوجه گردد که کتوجه اجتماع بطور لایس آن به وی نیست این مطلب تا اثبات منفی براه می گذارد. وی پیوسته در مرکز سرودها های جهان هنر قرار داشته است. زمانس وی بدون (شیر و حیوان) سقط چنین خود در محیطوسات امریکا یاد آوری کرد. بیکار سرودا ی زیاد در باره ارتباط مدونا با هنر پیشه دوست داشتیمی جوانان امریکا (اوپنیت) ایجاد گردید و بالاخره پختا طراز و اجش با هنر پیشه د پگر (شونایینا) بارد پگر نامش سرزبانها افتاد. بعد ها خواست تا با ازاد و اج د پگر به گمان خود ش خوشبختی را بیابد از ازاد و اج با مانکن زبانی امریکائی بنام تونی پختا طر (مرد کامل) نبودن وی صرف نظر کرد که این حادثه نیز نام مدونا را بیکار بوکس (درد زبان پیروز جوان در امریکا ساخته)

آهنگهای وید ویس مدونا اکثرآ سلکی ثبت گردیده است که تماشاچی را زیاد تحریک می کند. در یکی از آهنگهای اخیر وی خود بنام (عشق سرا برائت بد) استعداد خود را در بدست آوردن سرمایه ثابت ساخت نشرین آهنگ را از طریق تلویزیون امریکا بدلیل بی نهایت سکس بودن آن منع

مدونا ناراضی به نتایج ستاره مشهور موزیک (پا پ) و سمبول سکس می شناسد. در باره اینکه وی یک تاجر و زنده است خیلی کم اشخاص معلومات دارد. بعد از آنکه در سال ۱۹۸۲ اولین (ریکاره) وی به بازار عرضه گردید در مدت کم در حدود هشتاد میلیون ریکاره وی بفروش رسید که مدونا ازین بابت بیشتر از ۱۳۰ میلیون دلار بدست آورد.

عکس مدونا اغلب اوقات در پشتی مجلات نرخی دیده میشود. بیکار هم یک فوتوی وی در یکی از مجلات مشهور در بین تاجران امریکائی بی این شرح بچاپ رسید: (پا) استوارترین زن کاری امریکائی در آند مدونا در سال ۱۹۹۰ به ۳۶ میلیون دلار رسید. بیکی از صاحبه های اخیر خود مدونا بچواب سوال گفت: برای وی لازم می افتد تا یک تعداد مسائل زیاد در تجارتی رانیز مستقلا حل و فصل نماید. این مطلب برای وی غیر منتظر نبود وی در مورد میگوید: من ملاقات با مردمان (کاری) را خیلی دوست دارم. من وقتیکه با آنها روبرو میشوم میخواهم به اشکال مختلف آنها را سرگرم نمایم زیرا امید آنم که آنها هفتقه سختی را پشت سر گذر نمانند. آند آنها امید آنند که من آنها را سرگرم میسازم و به این دلیل مرادوست دارند. (۰۰۰) علاوه بر استعداد خارق العاده



من در ماه شوال سال ۲۸ هجری با هفتاد غزار سرباز شهر "تاشکند" را که دارای حصار بود محاصره کردم و بسکه شهر اخطار نمود که علیه "الجا" تهبو محمد قولوق "شورش کنند و او را به قتل برسانند؛ ولی از طرف سکه شمس اقدام برای شورش علیه حاکم تاشکند - نشد. من بعد از اینکه مطمئن شدم شهر "تاشکند" بوسیله دهلغز زیر زمینی راه بخارج ندارد بسر بازان خود دستور دادم که دو نغب حاضر کنند که یکی از طرف شمال و دیگری از طرف جنوب منتهی به حصار شهر بود. من میدانستم هنگامی که ما مشغول حفر نغب هستیم و مخصوص در موقع شب مردان "الجاتیو" محمد قولوق "صدای کلنگه و بول نغیب زن هارا میشنوند و می فهمند که مشغول حفر نغب می باشیم و هر کس که گوش خود را در موقع شب بزمین بچسباند می تواند صدای کلنگه زدن حفاران را بشنود "الجا" تهبو محمد قولوق "عده ای را مامور کرده بود که تا نغب زن های ما سر از شهر بدر آورند آنها را به قتل برسانند و نغب را ویران و کور کنند.

من فقط بطرف جلو توجه داشتم و از عقب آسوده خاطر بودم زیرا میدانستم که عقب من ه خصم وجود ندارد. در طرف فون من هم سربازان من جنگیدند اما سر بازی که در طرف چپ من قرار گرفته بود کشته شد و پیش از این که سر بازه دیگری جای او را بگیرد یک صرت شدید تهر زن روی پای چپ من فرود آمد. ضربت طوری سخت بود که تصور کردم پای چپ من از بدن جدا گردیده و در همین موقع یکی از سربازان ما جای خالی را پر کرد و دیگر من از طرف چپ مورد تهدید قرار نگرفتم وقتی آن ضربت تهر زن روی پای چپ من وارد آمد من فریاد نزدم و ننا - لهدم ولذا هیچ يك از سربازان من نفهمیدند که من مجروح شده ام.

بعد از غلبه بر "تاشکند" چون سکه شهر از دستور من پیروی نکردند و علیه محاکم خود نشوریدند فرمان قتل عام وجای اول را صادر کردم و گفتم تمام مردان شهر را به قتل برسانند و تمام پسران و دختران و زن های جوان را با سارت ببرند تا اینکه بعد طبق قانون جنگلین افسران و سربا - زان تقسیم شوند و سر بازی که دارای پله پسر یا يك دختر جوان گردیده مختار است او را غلام یا کنیز خود کند یا به قتل برساند یا در بازار بفروشد. جنگ "تا - شکند" هنگام عصر روز نوزدهم ماه شوال خاتمه یافت و از آن پس قتل عام و چساول

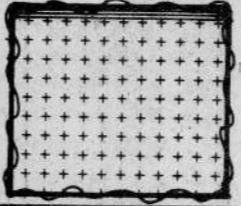
شروع شد و انوقت من در صد دبرامدم که بدانم که زخم پای چپ من چگونه است اما نتوانستم از اسب فرود بجایم و سربازانم در خارج شهر مرا از اسب فرود آوردند و به خیمه بردند و در آنجا نوکرانم چهار آئینه و مغفرا از من دور کردند و جراح آمد و زخم مرا معاینه کرد و گفت استخوان زانو بشدت مجروح شده و نباید راه بروی و نباید پیوسته دراز بکشی تا

اشکر کرد و درین رفیغی زیاد نسبت بسزن ها بوجود آمدن آن موقع من پیش از دو روز نداشتم و در آن هفت سال دوزن دیگر گفتم ولی فهمیدم که باز خواسان زنهای باشم من که مسلمان هستم نمیتوانم پوش از - چهار زن بگیرم ولی شرع اسلام بمردها اجازه داده که علاوه بر چهار زن عقد هر قدر که میل داشته باشند جاریه انتخاب نمایند و من هم چاره های معیت



میرزا

سازمان



این که استخوان زانو بهبود یابد. ای که سر گذشت مرا میخوانی مگو که مردی چون من که فقیه هستم چگونه فرمان قتل عام سکه "تاشکند" را صادر کردم وجود داشته و تا پایان دنیا وجود خواهد داشت و عوض نخواهد شد و یکی از آن - قوانین این است که مردم باید از حاکم بترسند و اگر از وی وحشت نداشته باشند او امرش را بموقع اجرائی گذاردند و امر - ارو او باش بر - سکه شهر مسلط میشوند و بجان و مال و ناموس آنها تعرض نمینمایند. من از این جهت فرمان قتل عام سکه "تا - شکند" را صادر کردم تا اینکه برای سکه بلاد دیگر مایه عبرت شود.

بهبود وضع زانو من و شرمش - شدن و پایان و رفاهت مردم درین نیز -

را انتخاب کردم. فرزندان و نوه های من آگاه باشید که آفت سلاطین عیش و نوش و زندهای زیبا است و هرگز خود را بدست عیش و نوش و زندهای زیبا نسپارید و برای يك مرد هفت - ای بیکاره زن کافی است و بهر از آن با - عه میشود که مرد تن پرور گردد و نتواند قدرت خویش را حفظ نماید.

فصل هفتم: بسوی مسلط الراس فردوسی و جنگ نشا - بل:

چنین گفت کای جوشن کار زار بر آسودی از جنگه يك روزگار کون کار پیش آمدت - سخت باش بهر کار بهر امن بخت باش

اشعار فرودس در گویشم طنین مها - نداخت و نمی توانستم آرام بگیرم. هفت سال خورده و خوابیده بودم و شمشیر و جوشن را کنار گذاشتم ولی موقع آن رسیدم که جوشن بپوشم و مغفر بر سر بگذارم و شمشیر بدست بگیرم و بسوی سرزمینی بروم که آنجا فردوسی سبزد و پنجاه سال قبل از من این اشعار را سروده بود. موم قع آن فرا رسیده بود که برای رسیدن به آرزوهای خود گام بردارم و جهان را مسخر نمایم و تسخیر جهان را از خراسان شروع کنم.

من با این که شتاب کردم که بزودی خود را به نیشابور برسانم و نگذارم که دروازه نا را ببندند بر اثر رفت آمد کاروانهان ستانها ن جاده بقدری شلوغ بود که

بجنگد چون مرد تاد ر جنگه از موده نشود دارای لیاقت نمیکرد.

من بزرگترین هنر مرد را جنگیدن میداد - نس و گریه برای علم و صنعت و ادب قایل با رزش هستم ولی عقیده دارم که خداوند مرد را برای جنگیدن آفریده و مردی که نتواند بجنگد و از مرگ بيم داشته باشد از بنده گان خدا نیست.

حاکم نیشابور که دست بسته گرفتار شده بود گفت ای امیر جهانگشا سکه این شهر گناه ندانند و اگر من با نهاد ستور نمیداد - دم که دروازه هارا ببندند مقابل تو مقاوم - مت نمی نمودند و تو می توانستی بسدوزن معطلی و زحمت وارد شهر شوی لذا من گناهکارم و مرابه قتل برسان ولی برجسان سکه این شهر ببخش و زن هارا اطفال - شان را با سارت مهربانانه بپرسیدم چند

دولت جهانگشا

سال از عمرت میگذرد. جواب داد شصت - سال سوال کردم آیا پسرداری جو ابداد دو پسر جوان من یکی موسوم به شمس بهرام و دیگری باسم شمرزاد بدست سرب - بازان تو کشته شدند.

امیر حسین گفت ای امیر جهانگشا من! برای خود از تو ترحم نمیخواهم ولی پسر جان مردم این شهر ببخش و هر چه از - آنها تا کتون کشته عده کافی است و بگذار که دیگران زندمینانند. گفتم امیر حسین اگر بجای این که من فاتح شوم تو فاتح می شدی آیا بر حال سربازان من می - بخشیدی؟ امیر حسین گفت پدران ما گفته اند که در جنگه باید خشونت و بی - رحمی داشت و بعد از پیروزی باید قوت بخروج داد و چون تو فاتح شستی قوت بخیر بده.

گفتم من نمی توانم از اصول جنگه منحرف شوم و طبق اصول جنگه سکه شهری که مقاومت می کنند باید قتل عام شوند. اگر من این روش را تغییر بدهم دیگر نمی توانم مبادرت بجنگه نمایم. چها - نسان باید بدانند که هر کس مقابل من پایدار بماند کشته خواهد شد و بعد

از قتل عام نیشابور شهرهای دیگر خرا - سان تکلیف خود را خواهند دانست و وقتی قشون من به پشت حصار آن شهر هار رسید دروازه ها را نخواهند بست. بعد از این گفته جد را احتضار کردم و هوا و گفتم سراز. بیکر امیر حسین جدا گفتم و حاکم نیشابور به قتل رسید. قتل عام سکه شهر تا ظهر ادامه داشت و بعد از آن ه سربازان من بر حسب اجازه های که من خود با آنها داشتم شروع به چساول کردند.

مدت يك ماه در نیشابور بودم و دنباله کار ویران کردن حصار شهر را به پسر م جهانگیر واگذاشتم و خود عازر طوس - شدم در طوس کسی مقابل من پایداری نکرد و من قدم بشهر نهادم و آزار من به هیچکس نرسید.

در بین دانشمندی که نزد من آمدند مردی بود مقلب بامام اعظم و من بساا و مباحثه کردم و از او پرسیدم لایق تو نماز میخوانی؟ امام اعظم گفت این از بد - بیبهاست است. گفتم در سوره "الحمد" یکی از صفاتی که برای خداوند ذکر شده " مالک يوم الدين" است آیا تو میدانی که معنای " مالک يوم الدين" چه میبا - شد.

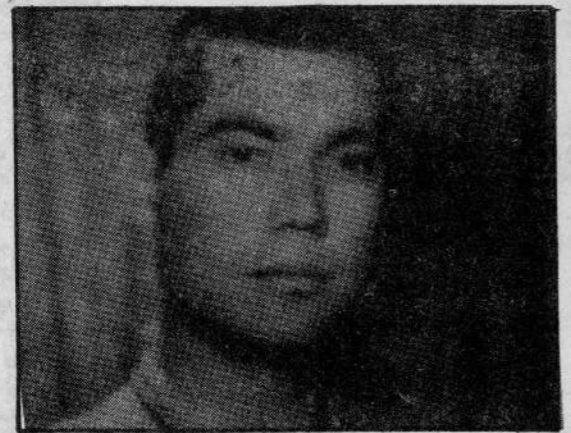
او گفت یعنی " مالک روز دین" گفتم من را مردی عوام تصور کن و برام شرح بده که مالک روز دین چه معنا میدهد. امام اعظم گفت معنای این آیه از سوره " الحمد" روشن است و احتیاج بشرح و تفصیل ندارد. گفتم ولی من معنای آن را نمی فهمم و باید آن را برای من تفسیر کنی. امام اعظم از گفتار باز ماند آن وقت من با او گفتم در این آیه " دین بمعنای جزا من باشد یعنی خداوند صا - حب روز جزا است. روز جزا یعنی روزی که هر کس بفراتر از اعمال خود پاداش یا کیفر من بچند و آن روز که روز جزا میباشد نا - محدود است و شاید هرگز پایان نمی - رسد چون در این آیه کلمه " يوم" یعنی " روز" معنای زمان را میدهد نه معنای يك روز از طلوع تا غروب آفتاب را و چون روز جزا زمانی است نامحدود لاجرم آفتاب در آن زمان طلوع و غروب نمی کند و شاید آفتاب نباشد. هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که " روز دین" یا " روز جزا" چه موقع فرا خواهد رسید و هر چه در این خصوص گفته شود جز آنچه در قران هست افسانه میباشد.

امام اعظم با حیرت سخنان مرا شنید و گفت ای امیر تهور تو این همه داناشی را

بفهمه در صفحه ۸۹

کلیج و دراندنیهاست

مصاحبه کننده (سیدی)



— برای موفقیت در مسابقه به چن نکاتی ارج بیشتر قایل هستید؟

— نخست بر همه باید با اعصاب قوی و متحرک وارد صحنه مسابقه شویم و متکی به خوب شدن باشم. از هدایت های ورزشکاران به شکام استفاده نشا — بسته نمایم. فاکت مهم این که یک رژیم خاص غذایی را برای بدست آوردن انرژی بیشتر مراعات نمایم.

صحبتی با عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم اتلتیک خفیفه کلیج هدایت

— در رشته اتلتیک خفیفه چند نوع تکنیک وجود دارد؟
— اتلتیک خفیفه تکنیک های خاصی مربوط به خود را دارد — طو مثال در مسابقه های کوتاه (صد متر — دو صد متر) ورزشکار باید سرعت فوق العاده زیاد داشته باشد که میتوان از دوش سحرخی گامدار و سحرخی وقوی نوعی دوشی است که بنام «کلیج» که از شکل «چارنمسل» اسپ ماخوذ گردیده است. دوش سحرخی جا به جا و — امثال آن در صورت جهاد نموده دن این تکنیک ها میتوان به موفقیت دست یافت و نیز هفت الی هشت نوع دیگر تکنیک در این ورزش وجود دارد که ذکر همه بی آن نظر به گنجایشی بفرجه مشکل میباشد.

اعظمی نماید تا بتواند به مدالی عالی در رشته خودش برسد.
— چه گونه اشخاص به رشته اتلتیک خفیفه پذیرفته می شوند؟
— به صورت عموم تمام ورزشکاران این رشته از نقطه نظر جسمی فیزیکی و تناسب اندام و — جسمات قوی و بلند پر خوردار میباشند به ویژه در رشته — اتلتیک خفیفه قد بلند و جسمی عضلات قوی ضروری میباشد و نیز داشتن اعصاب و قلب قوی از شرایط لازم این رشته میباشد زیرا دوش هادر اتلتیک خفیفه از نگاه طبی فشار مستقیم بالای قلب و اعصاب و عضلات دارد به خاطر یک این ورزش تاج ورزشها نامیده می شود و ورزشکاران باید متصف به همین صفات باشند.

عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم ملی اتلتیک خفیفه کلیج هدایت و عضو تیم اتلتیک خفیفه که در زمره ورزشکاران نخبه و مستعد حضور خفیفه را تشبیه نموده است در مورد ورزشی که خودش مصروف آن است در پاسخ به این پرسش که آیا در رشته انتخابی خودش مواجه به پراپلمی شده اند میگوید: — طبیعی است که هر ورزشکار در اوایل وقتی رشته مورد علاقه خود را انتخاب میکند تازه — نیکه با تمام احساسات و تخنیک ها و تکنیک های لازم آن رشته آشنا می گسب منماید به سلسله پراپلمی های زودگذر مواجه می شود که راز موفقیت یک ورزشکار آن است تا همه مشکلات را با حوصله مندی و متانت متقبل شود و از هدایت و رهنمایی های تهرنر مر بسوط در جریان ورزش استفاده —

سرم گرفته و در رد صد و هشتاد ساله به مقام درجه اول پیروز شده است.
شهره بیوزیهای چشمگیر او، کلسیزی ازمدال هفت نشاها و اسنادی است که اینک نظم و ترتیب و نگهداری او را سحراب کوچک به دوش گرفته است.

پانزده مدال طلا و صدال نقره و سه نشان ستاره سرخ — درجه یک نشان بهترین تهرنر و صدال سکاد به یک دیپلوم معمه نشان ماستر سهرتسی و در حدود بیست و چهار دیپلوم امتیازی و افتخاری.
سلم شاه بهشتران بهست مراتبه جهت نمایشات و مسابقات ورزشی اش به کشورهای مختلف جهان منگولیا هندوستان اتحاد شوروی ایران بلغاریا کوریا هنگری مچکوسلواکیا و آلمان سفرها داشته است.

برای اسپورت جززندگی شده بود و بدین استثناء روز یازده ساعت تهرنر های مختلفی را انجام میداد همه روز صبح وقت از خهرخانه تا میدان هواپی را به دوش می پیسود و قهه اوقات را به رهمان کشی مکهونوردی و آبپازی و رشته اصلی اش که پهلوانی بود سپری میکرد.

شش سال مکمل با رهنمایی ها و تشهنگ عالی شاگردان زاده ی رابه شرمسانید و در حلقه های ورزشی کشورها خوب درخشد.
او اوسط زمستان سال ۱۳۶۶ که سرما بهداد میکرد سلم شاه برای بهستو یکمین بار آماده شده بود تا جهت اشتراک در مسابقه دیگسری با دوستان و همکارانش خارج از کشور برود.
همه روزه با شور و حرارت خارق العاده می تهرنر میکرد و در روزها با هم پیروز می تازه می را میدید.
آنانی که او را از نزدیک موهناختند بهشترانیکه در باره خود می بیند همنسند به فکر یک مدال دیگسری بودند و بفرجه در صفحه (۹۳)

اسان قصه مانی و سرافجام

سحراب کوچک با اشتیاق تمام البوم خانواده می اسراورق میزد هر بار با اشاره به عکس فرهاد میزد و میگفت: اینه پدرم. تا تصویهای پدر سحراب حقیقتاً زیاد جالبهست بودند جایی در اسابقه دستن را به رسم برنده شدن — بلند نموده بود — جایی در حال بدست آوردن کپ قهرمانی وزیانی هم هنگام درسیات مدال بود.

بیشتر تصویهای او را در صحنه های مهیج سپورت ها به ویژه در میدان پهلوانی نشان میداد. در آخرین روز این البوم بزرگ به جای عکس های بزرگ سپورتسی در پهلوی رسیدی که در کسج آن فوتوی کوچک پدر سحراب دیده میشود. گداشته شده است در آنجا میخوانیم: سلم شاه اقبال ماستر سپورت ترین تیم پهلوانی کلوب سپورتی اردو.

زنده می عجیب شنیدنی دارد چهارده سال قبل شامل بوهنسی زراعت بوهنتون کابل شد اما بنا بر معاند پری فاکولته رانا تمام گذاشته به خدمت مقدس سربازی رفت پس از آن بوهنسی اکادمی تخنیک را خواند.
از دوران کودکیها پیش علاقه سپورت بود و لوسی از ۱۳۵ به بعد برای تهرنر های ورزشی اش برنامه معینی طرح کرد و به زودی به عضویت تیم ملی پهلوانی کشور پذیرفته شد. گوی در آن دوران همفشار های خوب به رویش لپخند میزدند. پیغم شامل مسابقات میگردید و فلها برنده خود شد در بیشتر از سه مسابقه سابقه داخلی و خارجی مسابقه



خلوريزه

چې کښور او گيلن برسره نه وي
مامورنه دي که هر خولري کښور
په دي دوه خيز مامورين ل کښوي
که دانه وي که خوشي انوندي بطلون

د فلک ناد دي

✱ ✱ ✱

د لرگوار بکرو حاجت په خه وي
مامورين واره لرگي شولې او فلک
هاپستي کولې بي وچي شوي په سپوره
د کښي کورکي نه لگي درک
کولې خه چې وينه وچه شوه رگورکي
له روزگار نه ورته چو شولو خسک
چې ميوه او شونه خوب کي ليداي نه شي
د دي ژوند دي په اړوسو شوي تلک
د الهي اژد هانبار په خوله کي ونډو
د سل گون متاع په اخلي اوس په لک
اي (اشپزه) د ايه ياد برسره ساته
خه ناد دي وي چې ونه کري فلک

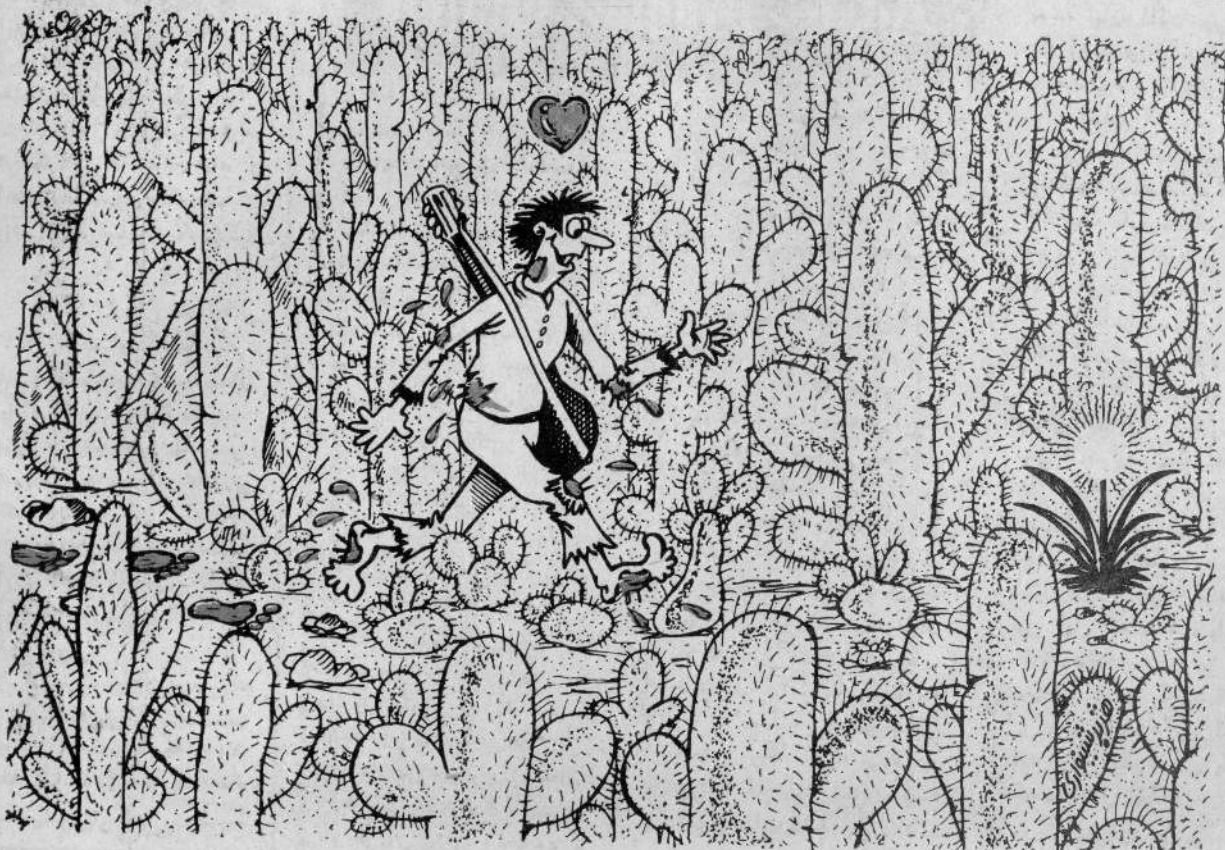
د ليدنجاړي هڅه

هڅه ليدل: تاخون

ماش (معاش)

نرخه دروني اود حيوياتو په
په کورنۍ کي تر نورو کوچني
ده . د پورته تعريف له مخي
ويلاي شوچي ماش (معاش)
د عوايد و له يوه يوه کوچني
اندازه ده چې د بازار د پيسو
په درندي دي دي دان
(مه) ارزنت هم له لري .

که چيرته د معاش په نوم کسي
د (ع) توري ليري شي ، نو
يوازي ماش په ياتي شي . ماش
پخپله دري نوم دي چې په
پښتو کي (مه) ورته واي . د
ميوه دانه د خړدوله داني غځه



نوی مقدری

د کابل ښار د آزاد و نړخونو د کمپون یوسو پوځیو خبرلما ی د بنجاره هتی ته خپور کس چی کله د کابل په ښار کون یوس کچالوله دوه زرو واوینشل لوگند نه د پکړی په پست کس مفره شوه .

دمورکبان نه لږه مریزونه

هر انبه د پنازیزې چی پب غرپ کس د هرش له پاره حمایتی سازمانونه مرکونه شته . اودا کار د پوکراسی لسی مظهر پولسی خو مز هم په دې برخه کس وړمن کم نه یو . لکه همد ا اوس د لوړو مرکز وخوا سازمانو نو ترخنگ د مز کاند حمایتی مرکونه هم علش اونکار فعالیت کوی . دغه مرکونه د مرگ مو د د اړو پلورنسی دې چی دمو ز کاند تکثیر اوجانفید و لپاره د (مرگ موش) په معای (زند م گ موش) په خلکو لپورې .

د خوله کولو اود اوزې او بجه د پوستکی اچولو طبابت اوس هم په پهنو سیموکسی بشپړ واک لری . که څه هم نن سباد پوستکی طبابت د پسونود قیمت کیدوله له کبله د متاخه تلوه حال کی دې خو بخوله کولو طریقته بجه په مزه اود ودې بجه حال کی ده . زمونږ د کلی چنار کا کاسوم رخت را لگی وهلی و اوله خولگی کید لو او خوجوشانده ولسه

(نسخی) په اسام ناروغ سعد ستی د کت له پامه خملاره اودرې پر ستی بی بری واچولی د کت لاندې بی هم ورته سیکاره تازه کر ل اوده درې تنه د ناروغ پسر ، پینوار کیده باندې خملاستل . خود خولو په رخت کی پر ستی له محاسه لپورې ته کړې ، او هوا بی ونه وهی . ناروغ چی هر غومره چیخس ووهلی او بیسی لاسونه بی واچول ترې ستسی لاندې بی چاچیغوته غوز

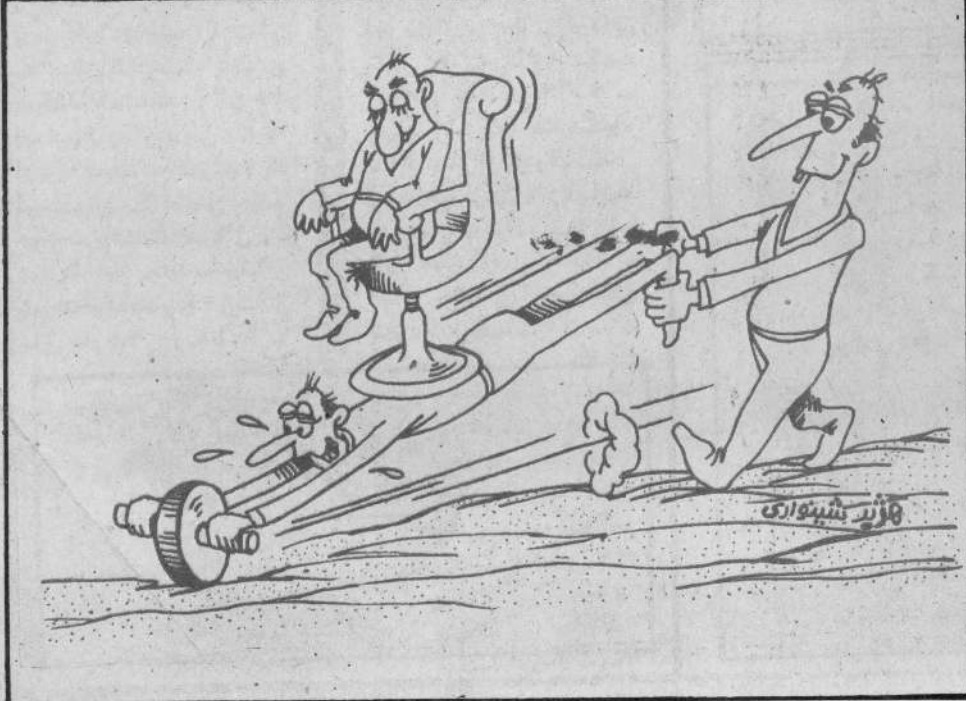
پورته کړې بود خواره کوتی ناروغ د شاپوستکی په لمنی پسر دې نیشی و اوله بیگانی خولسی سره یوهای ساه وړمنی وتلسی وه . خو چنار کا کانه لپورې د مرحوم په کورنی ورواچوله اود لحناز ی بر سر بی وکل : دې خدای بخنبله . ته ضرور د خولی په رخت کس د هر ستونخندې پورته شوې . دې اوسه هوا ورتوشلی ده د خولی په رخت کی سره هوا سړې شخن کوی اوزنی بی

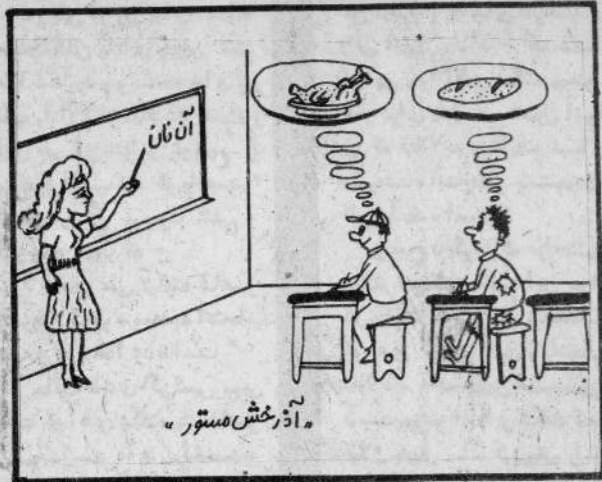
بی علمه شیخی

خپلو وروسته جوم شوی و . له هماغه وروسته به چی په نلسی کورکی خوک ناروغه شو ، کس چنار کا کا به ورته د خوله کید لو سپارښتنه کوله . حتی کزدې چی د چا په لاس اوبسه هم ونی شول ، نود چنار کا کا به لار ښوونه بی دوه اودر ی پر ستی وړباندې اچولی کم رخت بی ترخنگ کانه ی باندې توده تبه راغلی وه اوجنار کا کا د خیل کانونو پتوب د حق ادا کولو په خاطر کورته د پوښتنی له پاره ووفلس و . د کور ورو چنار کا کا د

ونه نیو . له لیس پناغلس د قهقرو وروسته ناروغ آرام شواو د پسر ستول له پامه درې تنه وړمنی لپورې شول . ناروغ ټوله شپه آرام و . اوده له آرامی سره لورې کورنه هم سباتر لمر خاته پورې آرام او پهنه خوب وکړ . کله بی چی سماز ناروغ ته در پورته کید و وکړ ، ناروغ معان ونه ښور او ، بیای تفری پورې همداسی پریشود خو په خپله راو پښی شی ، خو پهی کلمی لور ما سپین پر ستی وړمنی

خو چی کله چنار کا کا مر نشو نوزه هغه رخت ماشوم چی لوړو کلیو الو پسر وکل : (اخوازه کوتی په خوله کس وړان شو . که نود بیسی له خوز و خوک نه دې مر شوی .)





آذرخش مستور



میرم یا نه؟

میتاورشهای طیبی

- خنده های زهر لب و باور عشوه های پنهانی است.
- در صحنه خفگی از نگاهها پرنده هوس پال می زند.
- در خلوت خویش هر کس سلطان کشور خیال است.
- بعضی از مرگها یک عسر طول می کشند.
- بعضیها از آن چه دوست دارند قرار می کنند.
- مسوولیت اکثر انسان است.
- انقلابیون هر برادر سلامت ها گستاخ اند.
- گاهی خود خواهی چاه صاف کن خود کش می شود.

- بعضی از انسانها در زمستان زنده گی رویده اند.
- بعضیها ساختن خود را پیشه دیگران هدیه کرده اند.
- هیچ عاشقی در یاد معشوقه غریب نخواهد ماند.
- سرمایه هردلی تکتنبهای اوست.
- زمان شریقی است که هر قطره آن طعمی دارد.
- عشقهای واقعی در ره حال شکوفا می شوند.
- همسران همسر در همدیگر زنده گی می کنند.
- بعضی از خلوتها جمعیت آفرین می شوند.
- اختیار برای کسی که توان انتخاب ندارد گذشته است.
- سکوت هزار بنده ابهام است.
- عاشق و معشوق هر چه از هم بنوشند تشنه ترند.
- عاقل و غافل نمی شود.



به امید ختم همه جنگها!

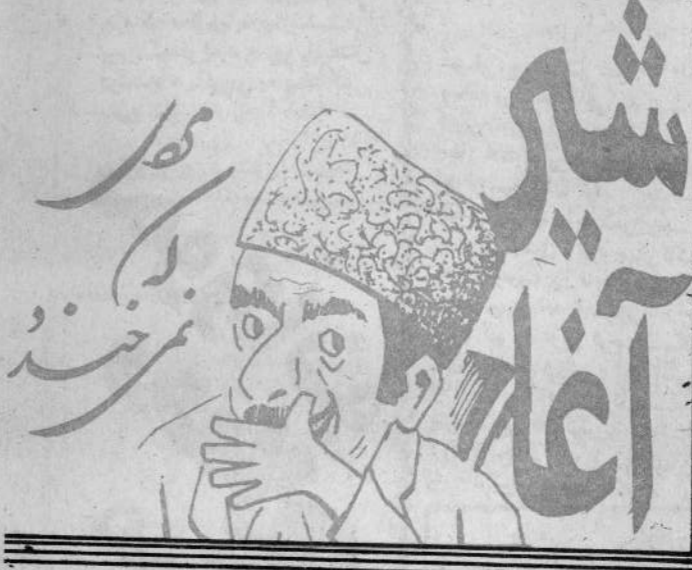
نقاشی

یک پیر و یک کلاه
 خاتمی برای خریدن کلاه بیخانه کلاه فروشی رفت و کلاه را انتخاب کرده و بیخانه دار گفت کلاه من این کلاه را می پسندم اما پیری را که بدان نصب کرده اید دوست ندارم.
 مغازه دار بعد از ادای لخبندی گفت: خانم وقتیکه این کلاه را با همین پیر به سر میگذارید حد اقل ده سال جوانتر معلوم میشوید.
 خانم جواب داد: در صورتیکه چنین است لطفاً یک پیر دیگر هم به آن اضافه کنید.

شخصی به دیدن دوست نقاشی خود رفت و نقاشی در حال صحبت گفت: دلم میخواهد اول این اتاق را خوب سفید کنم و روی همه دیوارها نقاشی کنم. دوستش که خیلگی شخص حماس بود گفت: بهتر است که اول نقاشی کنی و بعداً دیوارها را سفید کنی.

فرار و پویش

شخصی ارسطورا کبر آورده بود و آنقدر با وی حرف زد که عالم توانا را ناتوان ساخت. در آخر گفت: ای دانشمند! مگر از صحبت من اینقدر رحمت زده و به فکر فرو رفته ای؟ ارسطو گفت: نمبه خود حیران هستم که فکری کم در حالس که دو پا برای فرار داریم و چرا از تو فرار نمی کنم!



تسلی و تسکین

روزی یک نرس با یک مریضی که تحت مراقبت وی قرار داشت در دلدل میگرد. نرس رویه مریض کرده گفت: به همین زودی ما شما صحت یابید و خواهید شد و بعد از رفتن شما من در این جا چطور زنده گی کنم.
 مریضی گفت: عزیزم هیچ تشویش من هرگز صحتیاب نخواهم شد زیرا داکتر معالجم من و ترا در حال بودن دیده است.
 ار سالی عبدالصبور

رهنمای معاملات سیرانها

شهر آقا مرد هزارهش با روزی برای زنده گی هزاریل و چال را یاد دارد. در این روز های آخر، در پهلوی کارهای تجارتی اش مغازه رهنمای معاملات نیز ساخته است. سیرانها با ساختن رهنمای معاملات گوشه از مغازه اش را با گذاشتن یک سمت کسوج تزیین نموده و روز تمام روزچای سبزه و شهرینی جوهر دارش پارس است. همان که میگویند "پتو برای غذا شال است". رهنمای معاملات بهترین منبع درآمد و ثروتمند شدن شده است. به خاطر آنکه فیصدی کمیشن معاملات او بالا برود عادتاً کرایه خانه و فروش اپارتمانها را خیلی بلند میبرد. هر روز که یک تا دو هزار کرایه خانه افزوده می شود. و پنج تا ده به قیمت اپارتمان مثلاً سال گذشته یک اپارتمان در اتاقه را میشد به دروازه هزار افغانی کرایه گرفت ولی حالا از برکت معاملات شهر آقا یک اپارتمان دو اتاقه سی و پنج هزار هم یافت نمیشود چال دیگر شهر آقا این بود که صاحبان پنج اتاقه ها را در وقت زمستان شان نام خدا در مقامات آب



کوشش

در یکی از روزهای شنبه صبحگاهان بالای چوکی لم داده بودم و صفحه های روز نامه را از نظر میگذراندیم در این جریان عنوانی توجهم را به خود جلب کرد که واقعا از دیدن آن مبهور شدم و آن چنین بود که :

معروف اردو دست به اعتصاب نه خوردن غذا زده است . در حالت عادی اگر کسی می گفت که آقای شگفته یک شاعر معروف است ما دم را خنده می گرفت . یک آدمی را تصور کنید که - هم او در ادب - بیشتر از پنج یا شش شمر بی محتوا نباشد و او را شاعر مشهور بگویند . مجموع آنها - کسی که از شاعری چنین افترا دهد کف میگذرد از ده تا دوازده تجاوز نمیکرد . اینکه چی وقت و چگونه او از شهرت برخوردار شده بود ؟ برای من معمای اسرار آمیزی بود . به هر حال موضوعی که در لحظه کنونی مرا به شگفتی می آورد این بود که چی چیز آقای شگفته را - وادار ساخته تا به اعتصاب غذا دست بزند . شرح خبر مذکور چنین بود :

" آقای محمد علی شگفته شاعر معروف زبان اردو در مقابل خانه صدراعظم - اعتصاب نه خوردن غذا دست زده است . او در مصاحبه می یازد خبرنگار را توضیح کرد که زمانی غذا نخواهد خورد که به همه جوانان هندوستان کار فراهم نگردد . او علاوه کرد که اگر اعتصاب به قیمت زنده گی او هم تمام شود ، به آن ادامه خواهد داد ."

متن کامل موضوع هنوز هم به تخیل آدمی می افزود . نخستین چیزی که باید به زودی معلوم میشد این بود که چگو نه آقای شگفته نتیجه گیری کرد و دریافت که هر جوان هندوستانی می کار میکرد . سوال در اینجا - است که اگر همه کار دریافت میکردند باز سبزی فروش را

کی میکرد و یا سایر کارهای را کی انجام میداد . گذشته از این چرا آقای شگفته میخواستند همه به شمول آنها - بی که قبلا به وظایف شان مقرر شده اند در جستجوی کار برآمده است ؟

موضوع دیگری که مرا حسی بیشتر کنجگاو ساخت این بود که چگونه آدمی مثل شگفته که هیچ گاهی کاری را انجام نداد ، به چنین عملی دست میزند . آقای شگفته که قبلا چهار ساله گییش را - تکمیل کرده بود ، هیچ گاهی در زنده گی این کاری را انجام نداده بود . مردم میگفتند که او در سن هجده ساله گییش خانه اش را ترک گفت و در - چه متجوی کار برآمد . آنچه را در این زمان انجام داده بود کسی از آن خبر نداشت مگر یک چیز آشکار بود که او هیچ گاهی بعد از آنکه او را در کافی دیدم ، پشت کدوم کاری نگشته بود و در عوض راه خوب زنده گی کردن را یافته بود . او کسانی را همراهی می کرد که تمایل به شعر و شاعری نوع او را داشتند که به این طریق ماهوار بیست - رویه را از همه بی هواداران - نش جمع آوری میکرد . البته با گذشت زمان جمع او - همین مبلغ به وظیفه کامل او مبدل شد . او از ضربان قلبی مودانست که اگر به کاری هم گماشته شود ، نمیتوانست بیشتر از دو صد رویه را به دست آورد .

باری من برایش وظیفه می دادم و دریافت کردم ، مگر بعد از یک ماه کار به تقاعد سوقش دادند . دلش این بود که آنچه را میتواند از رفقایش جمع آوری کند چو تلافی اضافی برای به دست آوردن آن میکرد . به این ترتیب آرام آرام شیوه زنده گی او شکل دایمی را به خود گرفت . در هر ماه دو صد رویه را از دوستانش جمع آوری میکرد و علاوه بر آن اگر

کسی از او خوشش می آمد او را به سینما و یا نان شب نمیزد دعوت میکرد . گاهی هم بعضیها برایش یک جوره بوت و یا پتلون میخریدند . به این ترتیب آقای شگفته زنده گی آرام خود را ادا می میداد یگانه جهت نامناسب زنده گی او این بود که بعضا رفقای او را به سینما دعوت میکردند ؟ در - حالیکه او کسی میخواست و یا بعضا هم او را به نان شب دعوت میکردند . در حالیکه او به پتلون ضرورت داشت . شگفته هیچ گاهی در این مورد کدوم احساس بدی ندا -

دست نخواهد زد . به هر حال علت موضوع باید دریابفت میگردید که چرا او به چنین کاری دست زده بود . در همین فکر بودم که ناخود آگاه با صدای بلند گفتم : " این خبر به کلی دروغ - است ."

خانم که برانروخته کسی یکبارگی ام را دیده بود و آنکه بداند در مورد کدوم خبر حرف میزنم ، خاسر نشان - ساخت . در حالیکه قیمت خیر راست و دروغ یکسان است ، پس چرا روزنامه ها خبرهای دروغ را به چاپ میر -

شت و آن را از پیشرفتها پیش به حساب میگرد . بعضا او حالت فلهوفانه بی اختیار میگرد و با خود میگفت : " آنچه را آدم آرزو دارد ، در زنده گی به دست آورده - نمیتواند . حتی اگر منبع عاید به دست خود آدم هم باشد زنده گی من بهتر از دیگران است . زیرا حد اقل در - خبرها ، روز نامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر

سازند ؟ من در مقابل او چیزی - گفتمی ندا شتم ، مگر ایمن مساله هم حقیقت داشت که روز نامه ها خبر های مجلسی را به چاپ میروانند . کسی در همین جا به پایان نمیرسد بعضا چنان حرفهایی بگوش میروند که از چاپ این نوع خبرها ، روز نامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر



سازند ؟ من در مقابل او چیزی - گفتمی ندا شتم ، مگر ایمن مساله هم حقیقت داشت که روز نامه ها خبر های مجلسی را به چاپ میروانند . کسی در همین جا به پایان نمیرسد بعضا چنان حرفهایی بگوش میروند که از چاپ این نوع خبرها ، روز نامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر

خواندم او به خاطر آورد که این همان شگفته است که چندین بار به مناسبت های مختلف در خانه ما نان مفت خورده است . من هم برایش گفتم که این همان شگفته است که جاکت پشمی مرا برای یک روز طلبی گرفته بود ، ولی آن را پس نداد و علقش را آمدن زمستان طاقت فرما وانمود کرد .

مگر حیف که آنچه به خانم گفتم تا نوری بالایش نکشد ؛ زیرا از گذشتن از صمیم قلب شگفته را به مثابه رهبر حقیقی خود پذیرفته بود . به نظر من

شگفته خوب نظر بینداز و واقعا آماده است که زنده گی اش را در راه دریافت کار برای هر جوان هندوستانی قربان کند . و باز هم خانم با گرمی شعار را سر داد که : " محمد علی شگفته ! و پیش از آنکه آن را تکمیل کند من فریاد کشیدم : " زنده باد !"

در حالیکه حورت زده بودم دفعتا به خاطر آوردم که بهیچ وجه به یک آدم بیگانه زنده باد گفتم ام . به راستی که عقل احق بعد از وقوع حا -

" سکسنا " نیز مانند من از رفقای شگفته بود که برای پیشی بهست رویه میروادخت . آقای " سکسنا " در چای خانه جوار سرك چای می نوشید از او پرسیدم : " چی میکنی ؟ " " من که با خانم بشاچره کر - ده بی و در اینجا چای نوش جان میکنی ؟ " " من اینطور نیست . خا - نم در خانه نیست او رفقه تا مراتب احترام خود را به شگفته جان تقدیم دارد ."

دفعتا متوجه شدم که خبر آقای شگفته چقدر زود به اینجا رسیده است " سکسنا " نیز

زیر خیمه پایش را بالای پای دیگر انداخته و در آن شیشه نرورفته بود . در اطرافش پلاکاردهایی نصب بود که بالای هر کدام شعاری نوشته شده بود .

" قافله ای که خواستهایم برآورده نشود از اعتصاب دست نمی کشم ."

" ما حق خود را خواهیم گرفت " و غیره و غیره . در حدود بیست تا بیست و پنج زن در قطاری نو بست گرفته بودند تا چشمهای شان از دیدن این مرد بزرگ روشن شود . در لحظه ای که شگفته جان ما را دید از زنان خوا - هش به عمل آورد تا او را بگذا - رند که برای بدنی استراحت کند .

تا که مابه نزدیکی او رسیدیم زنها محل را ترک گفتند و ما به ملات کردنش آغاز کردیم . باز به چی تهرنگی دست زده بی ؟ تو در تمام زنده گی خود اقلا یک کار را انجام نداده ای . مگر اکثرا برای دیگران کار میخواهی ! چی فکر میکنی که صدراعظم کارها را در جیب خود نگاه داشته است . وقتی که تو کار میخواهی او برایت میدهد ؟ کدوم حزب برایت پول داده که به این کار دست میزنی ؟

برای شگفته مشکل بود ما را خاموش سازد و گفت : " رفقا برای من یک چانس بدهید لطفا گوش کنید که من چی میگویم ."

من برایش گفتم که بگو چی میکنی ؟ تا به حال نتوانسته ای که اقلا یک پول را بدست آری ؟

یکی برایت نان میدهد یکی برایت لباس میخرد یکی هم توبه به سینما میرود و دیگری مشروبات الکولی برایت تما - رف میکند . صدقانه بگو که چرا از روی جعل دست به اعتصاب غذای زده ای ؟"

بقیه در صفحه ۸۴

مانند من کاملا گول خورده بود . او در حالیکه با من اندیشه اش را شریک میساخت گفت : " یا اینکه این شگفته که به اعتصاب غذای دست زده است شگفته مانیت و یا اینکه خبر دروغ است ."

من پیش نهاد کردم که : " چرا به تحقیق موضوع نهر دازیم !"

بالاخره با استفاده از موش سیکل " سکسنا " هر دو با هم یکجا پیش روی خانه صدراعظم رفتیم و دیدیم که همان شگفته ما نشسته است . او تنش را با روحایی پوشانیده و در

بزرگواران

نوشته : ولیپ سنگه مترجم : ذبیح الله اسماعیل

هر زن آرزو دارد تا دست پیرری بگیرد و مریدش شود مردم خو ناحق نمیگویند که اگر پسر ، مریدان زن داشته باشد هیچ گاهی از غذای - خوب بی بهره نخواهد بود . خانم برایم گفت : " در - دنیا بعضی کسانی هستند که برای خود زنده گی میکنند ولی هستند کسانی که برای خوسی دیگران زنده گی خود را فدای میکنند . از طرف دیگر کسانی هم مانند تو وجود دارد . پسر در خانه بیکار نشسته مگر توبه خاطر دریافت کاربرا - پیش یک قدم هم از خانه بیرون نمیگذاری به افرادی مانند

دش به سرش می آید . خانم نصیحتش را ادامه داد که گفت : " امروزیك انسان دیگری راه مهماتاگاندی را تحقیق میکند . و زنده گی اش را به خاطر کشور قربان میسازد !"

مگر تا جائیکه من میدانم کدوم تشابهی بین مهماتاگاندی و آقای شگفته وجود ندا - شد اکنون که دانستم آقای شگفته در گذشته رفت و آمد های به خانه ما داشته تصمیم گرفتم تا خود را نزدش برسانم به این ترتیب راه ما به خانه آقای " سکسنا " رفت . آقای

دستان مقناطیسی

دخترکی را نشان میدادند که قدرت آنرا داشت تا با حرکات دست خود (بدون تماس بر آنها) اجسام فلزی را به حرکت آورد و تصمم گرفت تا این تجربه را با لای اعضای فاسیل خود انجام دهد. با تعجب زیاد متوجه شد که اجسام فلزی در قدرت همبسی مختلف اعضای بدن مارتای پنج ساله جذب می گردید. این تاثير نسبتاً ضعیف در وجود پسر چهار ساله آنها نیز دیده شد.

در یکی دو دخترک متعلق صنف چهارم مکتب (تینا چانتوریا) از جمعی از پسران گرجستان، بعد از تماشای همچون پروگرام تلویزیونی خواست تا مطلب را با لای خود تجربه نماید. با کمال تعجب وی متوجه شد که قاشق، کاره و غیره اجسام فلزی بدستش جذب می گردید. بعداً جهت اثبات آن، آنرا نیز با قدرت خارق العاده جذب کرد. مادر دخترک میگوید که او پدرش هیچگاه متوجه کدام استعداد فوق العاده دخترشان نشده بودند.

نویسنده کتاب (عجایب حیرت انگیز) چنین اظهار می کند: عجایب مورد قبول همگان وجود دارد اما توضیح قابل فهم همگان وجود ندارد. این اظهار نظر کاملاً به زندگی فعلی ما مطابقت دارد در حال حاضر در اکثران روان شناس در جهان مابانداری های مختلف تلویزیونی را در پی می و غیره همه را به تعجب می اندازد. دخترک پنج ساله (مارتا مارتا) اسکوتلند در هکتور شورس و کرائین اتحاد شوروی توانایی این را دارد که با تماس دست خود درد سرد خود را رفع کند. ممکن است درباره ایوان کرده که هر طفل میتواند که با مالش (مان) درد سر کسی را آرام سازد فاسیل این طفل مطلب فوق را تا دیروزت. بلکه مطلب تصادفی فکری گردید. بعداً متوجه شدند که با تماس دست دخترک در دندان نیز آرزین میزود. بعد از تماشای و صحبت با وی به جانب مقابل احساس خوشی و مسرت دست میداد. یک روز تصادفاً پدر این فاسیل که متوجه نشد تماشای پروگرام تلویزیون بود در پروگرام



رژیم غذایی را دور سازید

از ازدواج فاسیلی نس باشد. از این بجاها میتوان بستند و این و سندی در ترنر اشاره کرد.

برداشتن از مطالبی که در پاسخ به سوال قبل فرمودید، این است که از مایشات گروهی برای تشخیص بجاها گروهی است و در ازدواجهای فاسیلی نما نگران ابتلای فرزند به بجاها بجاها ژنی هستند و از بجاها گروهی را در این مورد به شما نشان میدهند. اما در پسر نامه های تلویزیونی توصیه شده است که مردم قبل از ازدواج خود

بجاوندی بررسی گروهی شوند و کسی بنام که اغلب مراکز مشاوره ژنتیک نیز برای مشوره های قبل از ازدواج فاسیلی آریا. پسر گروهی توصیه می کنند. آیا به نظر شما این کار صحیح است؟

خبر اصلاح صحیح نیست. همانطور که قبلاً گفتیم و شما نیز آن را به درستی با این سوال مطرح کردید، ازدواج فاسیلی نما نس ابتلای فرزندان حاصل را به بجاها بجاها تک ژنی مغلوب افزایش میدهد و بجاها بجاها محبوبه تنها در افراد سالم ناقل آنهاست. مثلاً زوجینی که برای مشوره قبل از ازدواج یا قبل از حاملگی به مشاور ژنتیک مراجعه می کنند، بلکه حتی در افراد مبتلا

به بجاها بجاها ژنی نیز با بررسی گروهی تشخیص نس شوند. لذا بررسی گروهی نس تنها در این موارد قدرت تشخیص پیدا کرده بلکه با دادن اطمینان گام بجا بجا بجا در صحنه (۲۸)

اسباب بیماری های ژنتیکی



اقتباس از مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران

آیا این نظر درست است که ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر عموی با پسر عموی به بیماری های ژنتیکی، بیشتر از خطر در ازدواج های فاسیلی دیگر است؟

زن به وجود می آیند و به چهار گروه تقسیم می گردند:

- الف - بجاها بجاها اتوزیگال غالب.
ب - بجاها بجاها اتوزیگال مغلوب.
ج - بجاها بجاها متصل به x غالب.
د - بجاها بجاها متصل به x مغلوب.

از میان این گروهها مجموع بجاها بجاها اتوزیگال مغلوب کاملاً متاهل از ازدواجهای فاسیلی است و والدین مبتلای معمولاً سالم و ولی حامل ژن بیمار برای نطفه و مغلوب می باشند. به همین دلیل مهم ترین نگرانی مشاور ژنتیک در ازدواج های فاسیلی فاسیلی فرزندان حاصل از اینگونه ازدواجها بجاها بجاها اتوزیگال مغلوب است. مانند برخی از مغلوب لبتهای ذهنی و جسمی و نامتوازی.

بجاها بجاها چند ژنی: این بجاها بجاها تحت کنترل چندین ژن قرار دارند و ابتلای افراد به آنها نه تنها از وضعیت ژنتیکی آنهاست مبل به مقدار قابل ملاحظه ای متاهل از عوامل محیطی نیز می باشند و به همین دلیل بهتر از دیگر انواع بجاها بجاها ژنتیکی قابل پیشگیری می باشند. مانند برخی از معلولتهای ذهنی ضعیف.

بجاها بجاها و نا هنجاریهای گروهی: این بجاها بجاها بر اثر تغییر در تعداد و یا ساختمان کروموزومها به وجود می آیند و نسبت به موارد فوق به بخش نسبتاً کوچکی از بجاها بجاها ژنتیکی را در بجاها بجاها تشکیل می دهند و پدید آری آنها متاهل

مربوط به ژنتیک پذیرند و خواهش می کنم به عنوان اولین سوال توضیح مختصری در مورد انواع بجاها بجاها ژنتیکی و نقش ازدواجهای فاسیلی در آنها بفرمایند. بجاها بجاها های ژنتیکی شامل بجاها بجاها است که به طور کامل یا به درجاتی تحت تاهل ژن مغلوب ژنتیکی به وجود می آیند. بجاها بجاها ژنتیکی را می توان به سه دسته بزرگ تقسیم نمود:

۱- بجاها بجاها تک ژنی: این بجاها بجاها هزاران نمونه هر کدام تحت کنترل یک

بهرین راه برای پیشگیری از تولد کودکان با نقایب ژنتیکی آگاهی والدین و نسل جوان از چگونگی بروز این نقصها و انجام مشوره ها و اقاقد اما اعلام قبل از تشکیل جنین و حتی قبل از ازدواج می باشد.

خوشبختانه اخیراً اطلاعات مردم در این زمینه تا حدی افزایش یافته است و ملی متاسفانه اعلام یک سری اطلاعات تا در صفت در بخشی از رسانه های گروهی از سوی افراد غیر متخصص و موجب ایجاد وحشت گاذب در میان مردم شده است و همین امر منجر به هجوم بی سبب خانوادها بجه مراکز محدود ژنتیک کشوریان شده است. لذا بر آن هستیم تا تعدادی از سوالاتی را که اغلب از سوی مردم مطرح می شود و متاسفانه پاسخهای ضعیف و ناقصی به این پرسشها داده شده است، با یکدیگر از متخصصان ژنتیک کشوریان مطرح سازیم تا این شبهات و ابهامها را برطرف سازیم. از آن هان صمیمی پاک گردد و جوانان بتوانند در مورد تشکیل خانوادها به راحتی تصمیم گیری کنند.

مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران این شماره را با یک دوگانه تخصصی مطرح نموده که در زمینه توجه شما را به پاسخ های دوگانه نورس میدهد. سوزند جلب می نماید. ضمن تشکر از اینکه قدرت ما را برای پاسخگویی به سوالات مردم در زمینه مسائل

زنده گی در مکروریا

وحیده از مکروریا سویم :

زنده گی در اپارتمان های مکروریا ها تقریباً زنده گی مدرن است و از چندین سال بدینسو مردم ما عادت کردندند چس گو نه درین اپارتمان ها زیست نمایند اما گاهی عده از ساکنین آن بی مسولانه و بی توجه به این که در منزل پایین همسایه دیگری سکونت دارد کتک افت منازل شان را به پایین مهر میزند و آنها آنان گاهی به این اندیشیده اند که زنده گی در اپارتمان مکروریا چنن نیست یا این که تا هنوز ندانسته اند چس گو نه خود را به چنن زندگی عیار سازند . در هر صورت از مسولین مجله سبارون میخواهم گزارش جالبی از پرابلم های ساکنین این محل تهیه نمایند .

اپارتمان ها و دکان های زنده گی زینت یافته و تقریباً محل اساسی ترین فروش اجناس و سر لوجه داکتران و پروفسوران و سایر فروشنده گان همه سر لوجه های درشت لابراتوارهای شخصی نیز به چشم میخورند .

لابراتوارهای که هیچکاهسی نمیتوانند نتیجه دست داشته خود را به طور دقیق برای مرضی بی بضاعت دهند و آنها وزارت صحت عامه ازین دست مسوولین لابراتوارها آگاهی دارند که با اخذ بلندترین اجرت از مرضی و آن هم نتیجه بالمعکس را کف دست مرضی میکند این منظور را بخوانند و یک بار اگر هم شود سری به این لابراتوارها بزنند و ببینند که این ها سند چنن کار را در دست دارند ؟

تالوه معلم لیسسه امته فدوی وزارت تعلیم و تربیه در کنگره اول مصلحان که سال پارس تدویر یافت تصاصی منعی بسری محلی برای بود و باش زنده گی مصلحان اتخاذ کردند و حتی نام این محل را دهکده محلیان نامیدند و ولی دو سال از آن کنگره و سرو صدا میگذرد تا امروز از هیچ دهکده خبری نیست و نمیدانم آیا این هم مانند نوشتن روی پنجه و گذاشتن روی آفتاب سوزان بودها خبر ؟

لابراتوار شخصی یعنی چه ؟

جواد از کارته ۴ کابل

در صومر - سرك جاده میونسد



از دهکده خبری
بیت

میزان افزایش احتمال ابتلای کودکان حاصل از یک ازدواج فامیلی به یک بیماری ژنتیکی اتوزومال مغلوب نسبت به یک بیماری غیر فامیلی به عوامل متفاوتی مانند نسبت میزان خویشاوندی زوجین و سابقه آن بیماری در اقوام زوجین و شیوع آن بیماری در جامعه بستگی دارد و فامیلی توان گفت که ازدواج فامیلی نسبت به ازدواج غیر فامیلی احتمال و در صد ابتلای فرزندان حاصلی را به بیماریهای ژنی اتوزومال مغلوب چند برابر افزایش می دهد . بنابراین بطور کلی احتمال ابتلای فرزند یک زوج خویشاوند نزدیک به بیماریهای ژنتیکی در حدود ۵ درصد است .
 در یکی دیگر از برنامه های تلویزیونی یکی از متخصصین گفته است که خطر و شدت ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر کاکا - پسر کاکا به بیماریهای ژنتیکی بیشتر از خطر و شدت ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج ها بعد دخترخاله و پسرخاله است . ممکن است در این مورد نیز نظراتان را بفرمایید .
 اصلاح چ. نین نیست و بطور کلی تا به امروز ازدواجهای فامیلی، دختر کاکا - پسر کاکا دختر خاله - پسر خاله و دختر عمه - پسر ماما و دختر ماما - پسر عمه بر افزایش شیوع بیماریهای اتوزومال مغلوب بر اوست و این اعتقاد که تا شهرنشی ازدواج دختر کاکا و پسر کاکا بیشتر از تا شهرنشی دختر خاله و پسر خاله است و ممکن است تا

یکی از دکتوران گفته اند که ۹۰ درصد فرزندان حاصل از ازدواجهای خویشاوندی نزدیک دچار نقص ژنتیکی می شوند و در برنامه های دیگر یک دکتر دیگر گفته است که ۱۰۰ درصد فرزندان ناشی از ازدواجهای خویشاوندی دیر یا زود به نوعی نقص ژنتیکی مبتلا خواهند شد . نظر شما در مورد این در صدها و ایمنی ارقام چیست ؟

این ارقام اصلاح درست نیست و آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک طبی کافی است که قادر استی این ارقام بی برد . البته شاید نیازی هم به آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک نباشد ، بلکه تنها توجه به فرزندان اقوام و آشنایانی که ازدواج خویشاوندی نزدیک کرده اند کافی است که بی هیچم اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشاوندی سالم می باشند . البته برود داد - نستن ارقام فوق و ذکر این واقعیت که اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشاوندی مبتلا به بیماریهای ژنتیکی نیستند نباید ما را از این واقعیتها قائل کند که اولاً ازدواج خویشاوندی شانس ابتلای فرزندان حاصل را به بیماریهای اتوزومال مغلوب چندین برابر می کند . و ثانیاً اغلب مبتلایان به بیماریهای ژنتیکی اتوزومال مغلوب حاصل از ازدواجهای خویشاوندی می باشند .

اسباب بیماریهای ۱۰۰

شماره ۱۷ صفحه (۱۷)

دختر و پسر خویشاوندی که شاید در خواب این اطمنان کاذب با یکدیگر ازدواج نمیکردند ، موجب تصمیم آنها به ازدواج با یکدیگر می شود . چون در موارد محتملی از اینگونه ازدواجها ممکن است فرزندان معلول به وجود آید لذا بررسی گروهی ژنتیکی را نباید در مواردی که افراد نگران بیماریهای غیر کروموزومی مثلاً بیماریهای تک ژنی هستند به کار گرفت .
 در موارد زیادی جوانان در واکنش به مطالبی که رادیو و یا تلویزیون در مورد مشوره ژنتیک و آزمایش کروموزوم قبل از ازدواج فامیلی توصیه کرده است به مراکز ژنتیک مراجعه می کنند و فقط به دلیل فوق تقاضای آزمایش کروموزوم می کنند . در این موارد مشاورین ژنتیک می بایست طبق علم خود عمل کنند و به خاطر بی اطلاعی یا دلخوشی مردم اندام به بررسی گروهی ژنتیکی آنها نکنند . زیرا این اقدام علاوه بر تحمیل هزینه های کلان بی مورد به خانواده ها موجب اطمنان کاذب آنها به سلاتی فرزندانشان خواهد شد و نهایتاً در مراکز ژنتیک را طولانی تر می کند .
 در یکی دیگر از برنامه های تلویزیونی

مباحث شهر

را توسعه دهید

سیا وون گون

خود را از دست ندهید
و این مسوولین با تسهیل قیمت
مجله خواننده خود را واقعی
سازند.

گیاه های سفید

را معرفی کنید

غیفه های سفید و گیاه های
وزارت معارف و اوقاف
از مدت نسبت که مجله کمتر
مطالبی زیر عنوان "فراورد گیاه
های طبی" که خوب خواننده
در کشورها بیشتر یافت می شود
به نشر می رساند و با فایده هم
هیچ نشر نمی کند بلکه "ز"
قران بهایز راه صواب بسیار
آموزنده و طرف توجه است
آرزو دارم ادا می نماید.

خبر محمد از نظارت و کنترل
پستی وزارت معارف و اوقاف
من علاقه زیاد به اشعار
دارم و نظیر این است که
اشعار کلاسیک صفحه جداگانه
و اشعار نهای با نوبه صفحه
جداگانه اقبال چاپ باید تا
در بخش صفحه مشخص خود را
داشته باشد در هر صورت
فعلات تنها قیمت مجله قابل
بحث است که خواننده گان مجله
به طور عام و مخصوصاً
معلمین و کارمندان دولت
استند. بلند رفتن قیمت مجله
مانند نرخ مواد اولیه دلچسپی

— صفحه زیر عنوان "بوتکراسی"
دانشندان و شخصیت های
پرچم کثرت و حادثات زندگی
کسی شان ایجاد شود و ماه
نامه سیا وون در آینده به یک
سالنامه تبدیل شود تاخا—
نواده ها بتوانند از یک بار
خوانشگر را خواننده دایمی
آن شوند.

قیمت مجله قابل بحث است

عبد الحمید نبی زاده مسوول
شعبه جوانان کتابخانه عامه
— تناسب حافظ مجله به
صورت دقیق و منظم در نظر
گرفته شود.
— به سلسله نشر گفت و شنود
های هنر تئاتر، موسیقی و
شطرنج گفت و شنودی نهی
در مورد نقاشی و خطاطی و
مناسبتی با پیش گامان این
رشته ها تهیه گردد.
— از آن جای که آگاهی دارم
تعداد زیاد خواننده گان
شماره اول سال اول سیا وون
را ندارند امید شماره اول
تجدید چاپ شود.

بقیه از صفحه (۳۹)

بها لزا که می گفت (بالزاک ترکیب فرشته و شیطان است صفات
مردانگی دارد. ولی اخلاقش به حدی است که نمیتوان
لحظه بمقابل آن تحمل کرد او ایجاد گر بزرگ و هنرمند بی مثال
است. ولی بی مبالاتی اش به هنرش لحظه مزین من هم عاشق
او می شامم و هم دشمن او. لحظه می باشد که میخواهم او را در قلب
خود جای دهم و موقعی برسد که اگر تصاب او را بندازند جدا
کند من از تسلیخ اولدت خواهم برد (۱۰)
خانم روز سانه که مانند مهتاب شب چارده برد امن پاریس می برد
غشبه با پیوسته شدن او مانند فانوسیک در اخرو شب رویه خاموشی
می رود آهسته آهسته آرام می صدا می خورد بد (۱۰)
دهه ششم قرن نوزدهم مصادف با روزهای پیری این خانم
که روزی غمزه را پیش در پاریس ولوله میباید اخت مصادف بود.
از آنسوی کرانه های اوقیانوس آوازه های دموکراسی امریکا
می رسد از ابراهام لیکن قصه می شناسیم و از ناز
و نوازش می شناسیم و کتاب (کلیه صورت) که رئیس
جمهور موقع مراسم سوگند ریاست جمهوری در جلوی انجمن
گذاشته گفته بود که به ستم های که درین کتاب درج است خانه
خواهد داد. روز سانه را تحریک می کرد تا باقی زندگی خود را
در آن دنیا بگذراند (امریکا) به سرساند. ولی در پاریس
او را جان زنجیر می کرده بود تا این آرزوی سرور
او روزهای پاریس را در سر سفیدی با چشمان پسر
اشک تماشا کرد. او پیری های پاریس را آهسته از خون جوانان
به چشم سرد بد و این آتشگر بیت شکن روزی که سگرت برگ پسر
لب میگذشت چشم از جهان پوشید و آن سگرت به منم فرانسه
انتقال یافت.
سال مرگ این هنر آفرین ۱۸۷۶ بود و نویسنده پسر
الیزابت بارت برننگ در وصفش گفته
(نخستین زن ناپخته همه ساله و همه قرون و اعمار)

بها لزا که می گفت

از این تصور اشتباه باشد که مردان زنهای
اتو زویال بیشتر یا موثرتری از زنان دارند
با توجه به مطالب فوق همین سوال پیش
می آید که چرا از یک رمانه مهم عمومی
یعنی تلویزیون چنین اطلاعات نادرستی
به مردم داده می شود؟ و ثمر این پند
آموزهها چیست؟
— قسمت اول این سوال را مسوولین تلویزیون
بین و دیگران می توانند پاسخ دهند اما
در مورد قسمت دوم این سوال یعنی نشر
این پند آموزها همین نقطه به چند مورد که
مشخصاً زیاد با آنها برخورد کرده ام
اشاره می کنم.
۱- نگرانی اضطراب و وحشت زبانی در
زوجین خوب خواننده حتی در آنهایی که
با رای چندین نوزند سالم و با هوای
هستند و دیگر قصد تولد مثل ندارند
پیش می آید.
۲- بعضی افراد اقدام به جدا شدن از
همسر خود نموده زیرا تصور می کنند مسا
بهانه می آورند که نوزندان آنها در این
ازدواج به احتمال ۶۰ درصد با حسی
۱۰۰ درصد ناقص خواهد شد.
۳- بعضی خانها اقدام به سقط جنین
های خود می نمایند زیرا تصور می کنند
چون با شوهر شان خوب خواننده نزدیک
هستند همچون آنها حتماً ناقص و معلول
است.

ماترنا

درباره سر نوشت و سرگ

میگویند همانطوریکه ماما شوخک در نوشتن مطالب طنز و تکانی مدین و عصری استعداد خاصی دارد به همان اندازه دیو سه شناسی هم دارای معلومات گاه فی میفاید . بنابراین درین شماره در مورد بوسه که بازاریابی خیلی گرم است سوالات خود را ترتیب نموده و از ماما شوخک خواهش کردیم تا سوالات ما را جواب بگویند .

این مساو این ماما شوخک شوخی این تان .

س : بوسه چیست ؟ چه وقت و در کجا اختراع شد ؟

اولین بوسه در کجا و توسط کدام شخص صورت گرفت و - پیامت اولیه بوسه چی بود ؟

ج : گرچه دانشندان و پژوهشگران بوسه شناسی در مورد بوسه تعریف های مختلفی نموده اند که در تعریف نظر به وضع جغرافیایی و شرایط فرهنگ و کلتور هر جامعه فرق میکند اما جامع ترین تعریف بوسه که دیوان شعرا آن را هم تایید میکنند چنین است :



اولین روز و سینه
زبان را راجع بشناس

اما " اوید " نویسنده مصر - وف روم باستان درباره اختراع بوسه داستان جالبی دارد که خلاصه آن ذیلا تقدیم میشود .

" در شهر روم باستان سرد پهنه دوزی بود که زن زبانش را داشت مگر زن او اخلاق خوش نداشت و همیشه شوهرش را با زخم زبان هر حرفی و انتقادات نابجا بی جهت سرزنش میکرد . یک شب که پهنه دوز از زخم زبان زنش به ستوه آمد باختم فراوان از جایش برخاست دستهایش را محکم گرفت و لبهایش روی لبانش گذاشت تا دهانش را ببندد . اما نسل گهان زنیش عیوض شد و با کمال حیرت دید که خشمش بکلی از بین رفت .

رتبیکه مرد لبهاش را از زبان زنش برداشت حیرتش چندین برابر شد اخلاق زنش بکلی عوض شد . زن لجاج و پرخاش گسر نبود بلکه به یک زن محسوب و کم حرف و مهربان تغییر کرد . زن با ملامت و مهربانی از شوهرش التماس میکرد که تماس لبهایش را تکرار کند .

بدینوسیله اولین بار بوسه به وجود آمد .

از آن پس مرد پهنه دوز و زنی خود را از خوشبختی ترین زن و مرد دنیا احساس میکردند .

اما این خوشبختی طولی نکشید . پهنه دوز بجز این اختراع به دادگاه کشیده شد و سر انجام بحکم قاضی دادگاه به سیه چال انداخته شد . او هم مانند دیگر مخترعین و مبتکرین به ذلت و فقر و بدبختی جان سپرد .

س : بوسه در کشور ما چه وقت بوجود آمد و اولتر کدام طبقه از آن پیروی کردند ؟

ج : بوسه در کشور ما سابقه طولانی دارد اما نه به این مورد امروزی .

مثلا - دست بوسی پدر و مادر و دیگر بزرگان و استادان نمونه با رزی از احترام به بزرگان محسوب شده و بوسیدن روی کودکان در ردیف شفقت به کودکان به شمار می آید که از جایب اخلاق حسنه اسلامی مردم ما یاد میشود اما رهیوسی مروج فعلی با آن متفاوت است .

اولتر روی بوسی یکدیگر بین زنان رایج شد ، و بعد بین جوانان و نوجوانان . سناریوی شیوع بوسه مت مگر با ایجاد تلویزیون و نمایش فیلمهای غریبی این مرض در بین کهن سالان شهری هم سرایت کرد اما اطرافیان بوسه سپدن روی یکدیگر را عمل مخصوص زنانی می بینند .

گذشت بوسه پاسخ میدهد



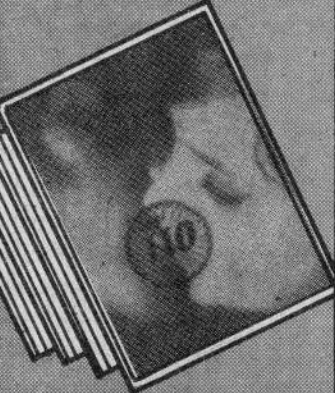
ج : هدف آنها از بوسه جلب توجه جوانان است که طرز بوسه مخصوصا " بوسه های غریبی را درک نکرده اند به عقیده بعضی دکتران طب در هر بوسه لب از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ میکروب از یک وجود بوجود دیگر انتقال پذیر است . هرگاه آنها ضرر بوسه را نمیبینند تا نام بوسه را در قلم نغوا هفت گذاشت .

س : اگر بوسه نیل بود دخترترها و زن ها چی میکردند ؟

ج : در انصورت بمنظور تبارز - سخت یک دیگر را به چند کتفی به دندان گزیدن نوازش میکردند .

س : چه کم که کس ما را بوسد اما مجاز میدانند که در صورت خود پیوسیم لطفا ما را بوسید ؟

ج : ترک عادت موجب مضر است کسی که به بوسیدن تان عادت کرده باشد محالست که آنرا ترک کند حتی به نوشتن لوحه هم .



بوسه ای که در صورت
بوسه ای که در صورت
بوسه ای که در صورت

هد و میروند و علت انتقال میکروب آن بوسه های چسبانده لب به لب آنهاست برای مدت طولانی میباشد که در غرب مروج است .

در کشور ما بوسه هم تنها بقی بوده فقط گونه ها چند بارها هم تماس میکنند که بعضی مردم بنام بوسه های زنانه ای یاد میشود . با آنهم توصیه من به خواهر زاده های عزیز اینست که توصیه ماما می عزیز شان را در حافظه مناسبت سنجاق نمایند .

۱- اطفال را بوسید که بر علاوه انتقال مرض با اصطلاح " گنده بغل " او به بوسه دادن عادت میکند .

۲- جوانان را بوسید که طراوت و رخسارشان از این مسرود روی شان لکه پیدا میکند .

۳- اگر محل داغته باغیهد تا میتوانند کهن سالان را بوسید . اگر مرض ایدس هم داغته باشید در صورت - فر با آنها کمک میکند .

س : بعضی ها تصور میکنند که بوسیدن روی رئیس مو " مسه چا پلوسی محسوب میگردد نظر شما چیست ؟

ج : به عقیده من بوسیدن روی رئیس به هیچ صورت چا پلوسی نیست زیرا در کتاب چهارب - لغرایب ما ماموشک دست بوسی - پای بوسی - چای -

س : در بین روز ها چرا با زار بوسه گرم است با هر کس صافه کنی روین را برای بوسیدن پیش میکند ، ولو عرق آلود هم باشد ؟

ج : چون تابستان است از برکت هوای گرم نه تنها بازار بوسه بلکه بازار احتکار ، تقلب اختلاس و تزویر و تظاهر رشوت و کسبه بری همه چیز گرم است .

چون بوسه اقسام مختلف دارد از قبیل بوسه بی صدا - بوسه صد اداری - بوسه تعفند انبوسه - تسم داره - بوسه ناز داره - بوسه ست - و تاملین داره - بوسه سیا - سی - بوسه صافی - بوسه دزدی .

بنابراین بوسه ای که از روی - عرق آلود گرفته میشود بوسه تعفند دار میکنند .

س : میکنند یکی از عوامل صراحت - یت مرض ایدس از طریق بوسیدن میسر است یا نه ؟

هر زاده های خود چه گفتی دارید ؟

ج : اگرچه خودم با مرض ایدس کدام پیوند قریبت و خویشاوندی ندارم ولی بعضی دوکتوران طب که بان آشنایی دارند چنین میکنند . ولی تا جاییکه من معلومات دارم مرض ایدس مرض سرمایه دار نیست که بیشتر در - کشورهای سرمایه داری پشما -



طرز تهیه :
لوبیا را جوش داده و از مابین تهر کندید و پیاز را پخته ریزه کرده و سرخ نمایید یک قاشق آرد بالای پیاز انداخته شور دهید تا خوب بظبط شود و مدت پنج دقیقه گذاشته تا پنخته شود بالای این مواد لوبیا ها هتخم ه در قاشق آرد هتخم و مرغ سیاه هم به آن اضافه کنید و آن را خوب مخلوط نماید .

از مواد آماده شده به اندازه زه کلچه های خورد گرفته در بین نان قاق میده شده الوده کنید بعد در روغن آن را سرخ نموده و بعد از آن که آماده شد با سالاد نوش جان نمایید .

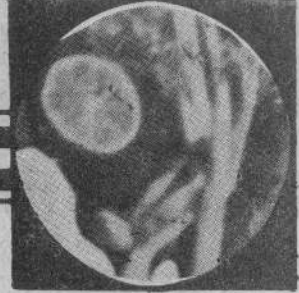
مواد لازم : روغن ه شکر ه پیاز ه تخم ه آرد ترمیده ه نمک ه مرغ سیاه ه نان قاق میده شده ه لوبیا ه



پکوره لوبیا

غذای تخم کدو و قند و شکر

برای خود



دلمه بادنجان سیاه

طرز تهیه :
گوشت ه پیاز ه دو دان ه مرغ تازه ه نیم پاد نجان روس را از ماشین بکشید ه مغز باد نجان هارا خالی نموده پاک بشویید و علیحده بگذا رید . کوفته و مواد مخلوط شده آن را روی آتش زهبا منقل بگذا رید تا آب خود را خشک کند مرغ را چند ساعت قبل تر کرده ه با گوشت مخلوط نموده ه بگذا رید تا با گوشت بجوشد تا این که به سر روغن آید بعد با قاشق خورد در بین بادنجان ها

دلمه پیاز



- ۱- دو پاد گوشت سرخی
- ۲- ده دانه بادنجان سیاه
- ۳- سه پاد بادنجان روس
- ۴- نیم خورد مرغ با رنگ
- ۵- یک قاشق نانخوری مرغ سیاه
- ۶- پنج دان ه مرغ تازه
- ۷- شش دانه سر
- ۸- نیم پاد روغن
- ۹- نمک چیده کی یک گلاس
- ۱۰- نمک به قدر ضرورت
- ۱۱- دو دان ه پیاز کلان



ملت

شما میتوانید خودتان در منزلتان ماست سالم و صحتی و از زبان تهیه کنید . یک لیتر شیر را روی حرارت ملایم قرار بدهید تا جوش بیاید ولی نگذارید کف کند . ظرف را از روی حرارت بردارید و بگذارید تا درجه حرارت به ۱۰۵ تا ۱۱۰ درجه فارنهایت برسد . درین درجه یک قطره شهر را روی قسمت میخ دست بچکانید تا از مناسب بودن آن برای مایه کردن مطمئن شوید و یا اینکه انگشت کوچک تانرا داخل ظرف شیر فرو برید و تله ده بشمارید در صورتیکه سوزان نباشد آماده است . سپس دو قاشق غذا خوری ماست تازه به شیر اضافه کنید . آنگاه ظرف را بگذارید و حداقل برای پنج تا ده دقیقه آنرا از جای تانکان ندهید . بعد از آنرا با پارچه بی بسوزانید تا ماست کاملاً ببندد بعد از حد اقل ۱۲ ساعت ظرف ماست را در محل سرد بگذارید تا آماده خوردن شود .

گشنیز صرف کنید اما

اگر از بوی بد دهان رنج میبرید از گشنیز استفاده کنید . یکی از سبزی های مفید که در تابستان و هم در زمستان بسیار یافت میشود که مصرف غذایی و هم مصرف درایی دارد گشنیز است که مورد توجه دانشمندان قدیم بوده و برای امراض قلبی توصیه میشده تا با غذای خود کمی گشنیز صرف نمایند . گشنیز از بالا رفتن بخار معده به طرف سر جلوگیری کرده و غذا را مدتی در معده متوقف میسازد و باید از این خاصیت برای معالجه اسهال و سرم شدن امعاء استفاده کرد گشنیز گیاهی است علفی که اگر از بوی بد دهان رنج میبرید و ریش یافته دارد . گشنیز نوع برگه دارد یکس در طول ساقه که منقسم به رشته های یک است و دیگری در قاعده که منقسم به قطعاتی یا بریدگی های کم عمق میباشد گل های آن کوچک و چتری مانند به رنگ های سفید یا صورتی است چتر های فیض آن را زاید در پایه خود میباشد و ولی چتر اصلی چنبر زاید ندارد . شهره آن که به غلط آن را تخم گشنیز میگویند کرد بوده و درای دو خانه و دارای دو حبه به هم متصل میباشد . گشنیز دارای ۲/۵ در صد آب ۱۲ درصد پروتئین ۸۴

چوبک نمکی

شده یک یک ضحاک گرفته آن را از درجه های یک و دو ه سه ماشین بکشید و به اندازه یک پست قطع نمایید بعد از آن از خانه ماشین بکوشی کشیده و به د طرف آن را مرغ بدهید وقتی که تمام خمیرها تهیه شد در یک ظرف روغن به قدر ضرورت انداخته خمیرهای مذکور را سرخ نمایید اگر میخواهید زیاد نمک باشد وقتی که از گرم خمیر کتید . خمیر نه بسیار نرم و نه بسیار سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه

لازم :
دو گلاس آرد ترمیده ه یک دان ه تخم ه چار قاشق نا نخوری روغن یک قاشق چا ه بخوری پولی هتخم ه مرغ سیاه به قدر ضرورت .

طرز تهیه :
ابتدا آرد ه روغن و پولی و نمک را خوب مخلوط نمایید بعد از آن تخم را بالای آن بپانندازید و همای آب شهر گرم خمیر کتید . خمیر نه بسیار نرم و نه بسیار سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه

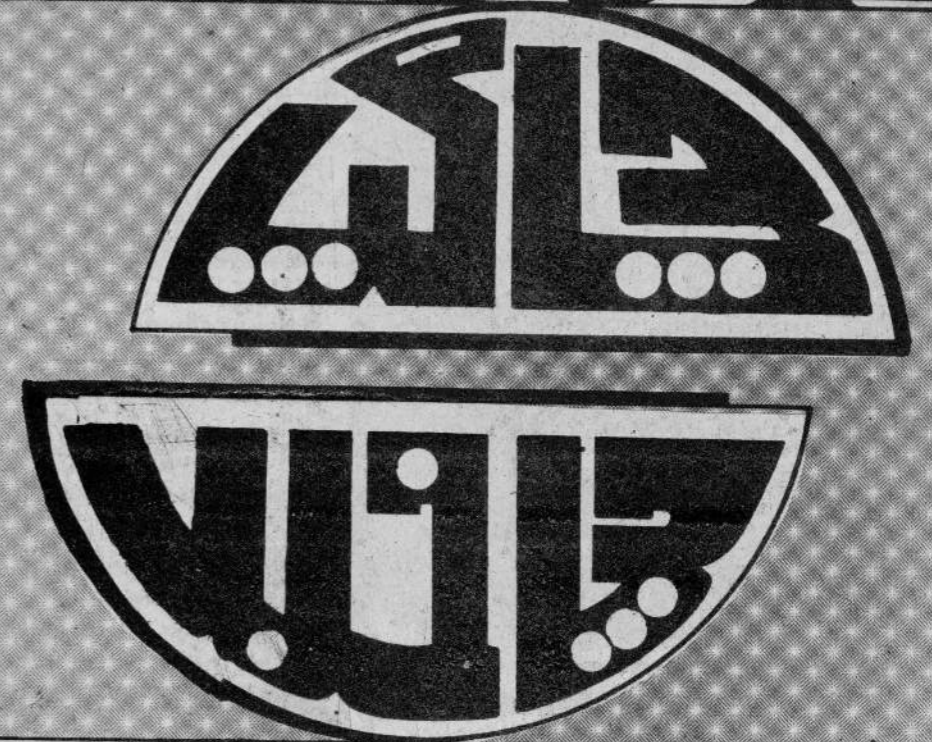
دلمه پیزید

ساخته در باره پختن دلمه معلومات دارید . ما برایتان در باره یک نوع دیگر دلمه که با سبزیجات فصلی آماده میشود معلومات میدهم . البته تناسب مقدار گوشت ه سبزیجات روغن ه آب و نمک را شما میتوانید بر اساس تجارب آشپزی در نظر بگیرید . کچالورا پوست کرده و مغز آنرا توسط یک کارد نوکساز بکاوید و بعد از درون آنرا با گوشت کوفته شده که درای مرغ و مساله میباشد پر سازید . بادنجان روس نسبتاً سخت را نیز گرفته بعد از شستن توسط شکافتن یک قسمت آن بخالی سازید و درون آنرا با گوشت کوفته شده پر سازید . کدو و مرغ و بادنجان سیاه کوچک که برای ترشی استفاده میشود نیز به همین ترتیب خالی شده و با گوشت پر ساخته شود . طرز پختن : میده های کچالو و روس و کدو را در روی دیگ

سری دیوی مراد به سینما کسانند

سینما را محبت ملت بسرا می
خردم انتخاب نماند
- تا حال در کدام فلما ظاهر
نده اید ؟
- در فلما سایه نقش کوچکی
داشتم در سریال دکویدی زوی
هم نقش دارم ولی اولین
فلم من الماس سیاه است که
تا هنوز زوی بردن نیامده است
- کدام فلم انسانی مورد توجه
نما قرار گرفته شما را به کسار
در سینما تشویق کرد ؟
- فلم 'مرار' سزوه برداخت
آن سخت مورد دلچسپی ام قرار
گرفت از نقش که عادلانه آن بیستم

داشت خوش آمد و رفت کردم
که میترام من هم در فلما های
انسانی کار کنم
- تا حال هر فلما می خرد
را چگونه ارزیابی می کنید ؟
- هنوز میترام چیزی
بگویم ولی به آینده امید
دارم تا به شاید بتوانم روزی
به بریفیت های بزرگی برسم
در فلما الماس سیاه نقش عمده
دارم و توانستم خوب بازی کنم
و همین اولین آزمون مرا امید
دار به آینده میازد
نقشه در صفحه (۸۴)



باد پنهان چهره بشناس رلیان
پر خنده نسیمه سیاهی یک
مخاره سینمای راد برابرس
خودم، با بزم ابد ختر سینما
و خوش برخورد است یکسال
میشود که به سینما رآورده تا
صفت هم مکتب درس خوانده
در رشته سینما تخصصیات سلنر
ندارد خواستم از زبان خود ش
بدانید که چگونه به سینما
رآورده است ؟
- شوق و علاقه مراوان به فلم
های هنری داشتم مخصوصاً
فلم های سری دیوی را پس
کیور را زیاد دیدم و خواستم



فواد رامز

با آهنگهای

جدیدش به

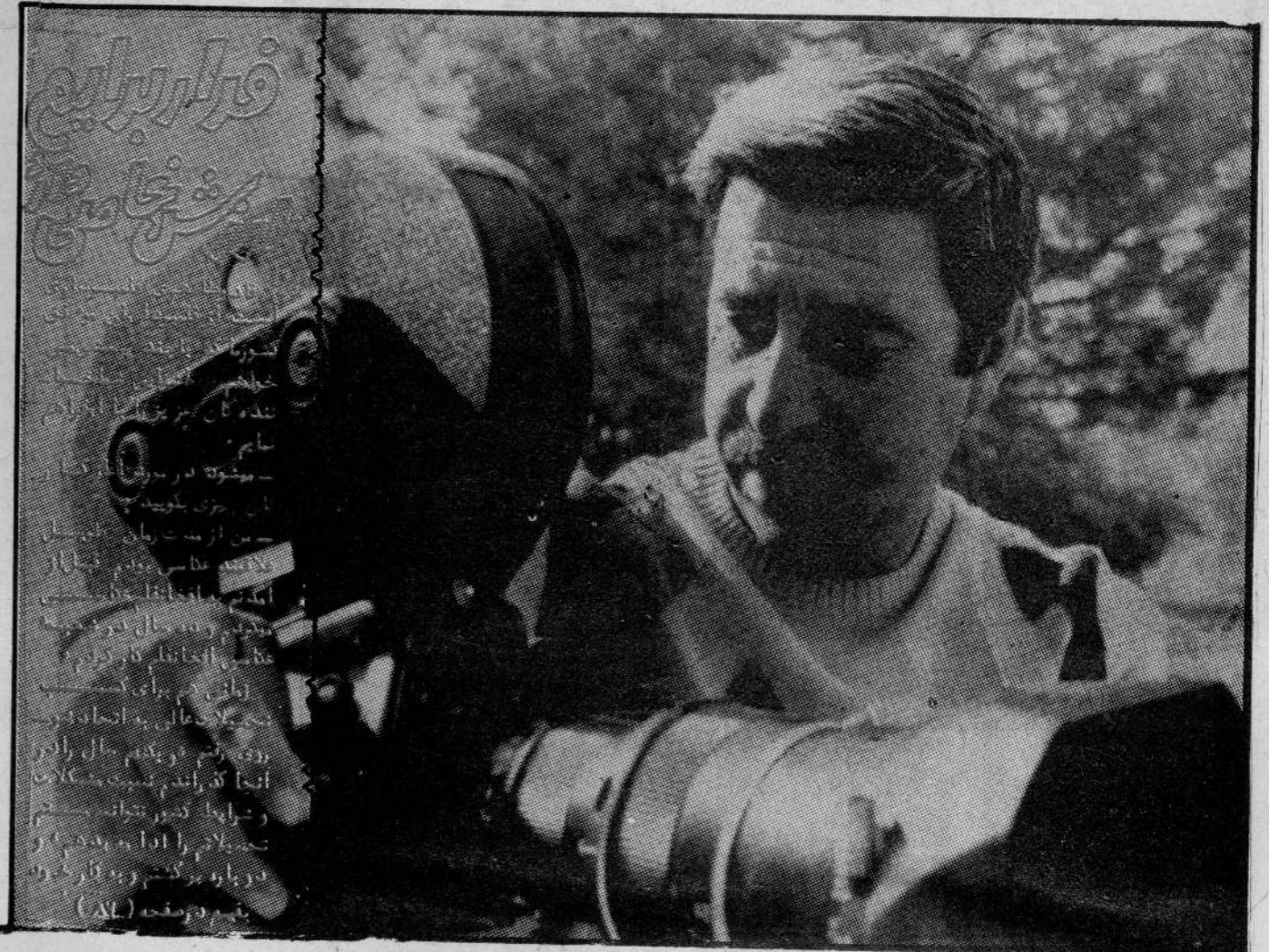
تاجکستان میرود

فواد رامز هنرمند جوان
و خوش صدای کشور که چندی
پیش به کشور چکو تلوواکها



سفری داشت ضمن بازگشت
به کشور مدت یکماه به دعوت
اتحادیه هنر مندان تاجکستان
شوروی کسرتس را در آن جا
اجرا نمود
قسمتیکه خیر شدیم درین روز
ها نیز فواد رامز از طرف
اتحادیه هنر مندان تاجکستان
اتحاد شوروی به منظور اجرای
کسرتس دعوت گردید

ما برایش موفقیت پس پایان آرزو
نمود ما امیدواریم اجرا کسرتسها
مشهاره آورد های خوبی بکنند و
برگردند
فراموش نباید نمود که فواد رامز
درین روزها کسرتس جدید
تلویزیونی را روی دست
دارد که حاوی پنج پارچه
آهنگ جدید خواهد بود



فواد رامز
هنرمند جوان

تازه گامی دانش

خوردن صبحانه

نتایج یک پژوهش دانسته دار طبع نشان می دهد که صبحانه خوردن باعث افزای پش میزان چسبندگی خون و کندی جریان آن و در نتیجه سبکته های قلبی ناگهانی می شود.

مجله اخبار علمی در آخرین شماره خود نوشت تحقیقات دانه دا رخايم داکتر " ناتا کيفکيا " متخصص کار دیواروی در مرکز طبی پوهنتون نوسو فنلند و داکتر " مود مسمد جعفری " متخصص کار دیواروی مرکز قلب شفاخانه " هنری فورده " در شهر " دیترویت " نشان داده است میزان پش شتون پتاسیوم جی " که در طول

ساعات شب در خون موجود در رگها کاهش می باید بلا فاصله بعد از بیدار شدن انسان تا ۳۰ درصد افزایش یافته و باعث چسبندگی و غلظت خون بشود.

به نوشته این نشریه درصو رتیکه شخص به صرف صبحانه بهادرت ورژن میزان " پرشمن پتاسیوم جی " در خون کاهش می باید ولذا خون با سهولت بیشتری در رگها و در قلب جریان می باید.

تحقیقات انجام شده نشان داده است علت اینکه اکثر سبکته های قلبی در ساعات صبح بوقوع می پیوندد بلا بودن میزان " پرشمن پتاسیوم جی " در خون است.

اعضای ارکسترهای موسیقی و پیانو نوازین

نشریه ای طبی چرا پشمر از هر دو عضو ارکسترهای موسیقی یک نفر دچار اختلالات شده است . در این مقاله آمده است ۵۸ درصد اعضای ارکستر سفین سلطنتی دنمارک در پی آزمایشاتی که در پی اختلالات شنوایی تا حدود ۳۰ درصد این گروه محدود ۱۳۰۰ اشغال در شنوایی هنگام گفتگو عادی بسیار ناراحتی کرده اند . پس از هر برنامه اعضای ارکستر سفینوسی دچار سردرد و سرگیجه و پشردن صدادر گوشان می شوند .



یک گروه محقق در بخش تولیدات حیوانی در استرالیا موفق شد پرشمن جدیدی کشف کند که به کمک آن پشم گوسفندان را به جای چیدن با تزریق امول از بدن آنها جدا سازد.

این ماده تزریقی که به کمک متخصص ژنتیک و به صورت منتز تهیه میشود عامل رشد " امیدوم " نام دارد که می توان آن را در غدد بزاقی موش ماده یاقت ظرف ۲۴ ساعت از تکثیر سلول های بی که رشته های پشم را تشکیل می دهند

چهار سازی با قطره های

جلوگیری می کند و ضمناً الهاف جدید تولید شده را به بهرون می راند . گرچه هنوز حیطه اثر بخش این دارو کاملاً مشخص نشده است لیکن در گوسفندان باردار باعث سقط جنین می شود.

این خبر حاکیست که ۴ تا ۶ هفته پس از تزریق ماده پشم ها از پوست گوسفند جدا و بدن او کاملاً برهنه می شود. استرالیا نزدیک به یکصد میلیون رأس گوسفند پرورش دارد و

چیدن هر رأس آنها ۱/۲ دلار مصرف در بر دارد از نظر زمانی نیز با روش جاری چیدن پشم حداکثر ۱۲۰ رأس گوسفند در روز امکان پذیر است در حالیکه با روش جدید بهر لوزیک می توان آنرا به سه ۳۰۰ رأس افزایش داد.

حمام سونا و کاهشی فن

فعالیت در آب انتخاب فشار

فشار ملایمی که آب به بدن وارد می کند ، هم در تسهیل گردش خون ، و هم ماساژ آرام بدن موثر بود . و درد های جسمی را رفع می کند . شکی نیست که ورزشهای طولانی برای سلامتی بدن مفید بود ، تراست . اما این ادعا در مورد بعضی هاستدقی نمی کند . مثلاً خانمهای حامله ، افراد مسن و اشخاصی که از آرتروز و یا آسمهای بدنی رنج می برند ، از این اثرات مفید بهره مند نیستند . پس چاره این گروه که تعدادشان کم هم نیست همین است . توانو باشد ؟ پاسخ این سؤال یک کلمه و آن " استخر " است .

آب ، فیصد وزن بدن را نگاه میدارد و فشار زیادی به فرد (از نظر وزن) وارد نمیشود . در حالیکه فواید بیشمار در زشهای طولانی نیز ، عاید وی می گردد . آب است که در بدن را فرامی گیرد و فشار ملایم و ثابتی را به آن وارد میکند . این فشار هم گردش خون را تحریک می کند و هم اینکه موجهایی که نقش یک ماساژ ملایم را ایفا میکنند آرام و درد های جسمی را از آن مهزدایند .

لغو - لی ، که در نوبت بزرگ بقیه در صفحه (۸۵)

پوست جریان می یابد که بنوبه خود کار اضافی قلب را می طلبد . خصوصاً تمرین یا ماساژ در این محیط خطرناک است چرا که وظیفه قلب در جریان گردش خون برای رساندن خون به عضلات و پوست دو برابر می شود . ماساژ در سونا در یک ناحیه محدود بوده و به عرق اجازه تیخیر نمی دهد ، و بخاطر فشار گرما به میزان زیادی درجه حرارت بدن را بالا می برد و این به مصلحت افراد چه از نظر قلبی سالم و چه بیماران نیست که تحت چنین فشاری قرار بگیرند . بسیاری از افراد بلا فاصله پس از انجام تمرینات شدید وارد سونا یا حمام بخار میشوند این به صلاح آنها نیست چون به دنبال تمرین گرما ی زیادی درون بدن جمع می شود و برای اتلاف این گرما و سرد شدن بدن به یک محیط سرد نیاز است .

در سونا و حمام بخار گرما ی درونی بدن این افراد تا سطح خطرناکی بالا می رود . غوطه خوردن در آب سرد یا یخ در طی سونا و دشواری اسکاند ، پناوی یک تمرین معروف است . فوراً عمروق خونی پوست منقبض شده و تمرین متوقف می شود که بسیار دلپذیر به نظر می رسد . این عمل نه تنها سودی ندارد بلکه احتمال بروز شوک را برای کسی که این کار را انجام می دهد ، بقیه در صفحه (۸۵)

شود . اگر از دست دادن آب به مدت چند روز متوالی ادامه یابد ذخایر بدن کاهش یافته تعادل کیمیاوی خون و اعصاب هم می خورد نتیجتاً مشکلاتی در قلب و سایر اعضا پیش می آید بنابراین اگر در آب مصرفی برای کم کردن وزن محدودیت ایجاد نشاید در معرض صدمات فوق خواهد بود . برای حفظ سلامتی خود قبل از ورود به سونا یا حمام بخار خود را وزن کنید و بعد به اندازه وزنی که از دست می دهید آب بنوشید . خطر سونا های خشک بیشتر از حمامهای بخار یا مرطوب است . چرا که تمرین در سونا بیشتر بوده و بنا بر این بدن در همان مدت آب بیشتری از دست می دهد . سونا ها و حمامهای بخار به میزان بیشتری وزن را کاهش می دهند چرا که با افزایش تیخیر کالوری سوزانده میشود . این یک واقعیت است ولی تخمین ذخیره انرژی مشکل است و احتمالاً دقیق نیست . حتی اگر تیخیر رسونایا حمام بخار کالوری زیادی را بسوزاند کاهش وزن با این روش بخاطر از دست دادن زیاد آب عملی به نظر نمی رسد . حمام بخار و سونا به خصوص برای بیماران قلبی بخاطر فشاری که روی قلبشان تحویل می شود خطرناک است . در اکثر موارد خون به میزان قابل ملاحظه ای به طرف

ایست تمرین تا حد افراط مفید است یا مضر ؟ مفهوم " تمرین مفراط سلامتی می آورد " بعقیده ما تا به ثمرات این تمرین غیرفعال خالی از هرگونه جنبه های مفید است . بدن انسان را مثل یک مخزن آب تجسم کنید . عرق ، از این آب که در نتیجه فعالیت جسمانی یا درجه حرارت بالا تیخیر شده و به حرکت در می آید ، تولید میشود . از دست دادن آب از این طریق ممکن است بیش از حد باشد . فوتبالیست ها و سایر ورزشکارانی که ورزشهای سنگین انجام میدهند آب را که در یک روز کیم از دست میدهند ، آنهم مقدار از دست دادن آب معادل ۶ پوند (۳ کیلوگرم) از وزن بدن است . چنانچه بسیاری از مردم هنوز فکرمی کنند که در این موقعیت معادل ۳ کیلوگرم چربی از دست داده اند در حقیقت این کاهش وزن را می توانند بنوشند . مایعات جایگزین نکنند . ولی این جایجایی یا جلوگیری از تنظیم حرارت درونی بدن برای فرد وضعیت وخیمی را بوجود می آورد . به این ترتیب خستگی زیاد و نهایتاً ممکن است مرگ عارض

روز سه شنبه ۳۱ شهریور به ایستگاه فضایی " مریچ " ست . دو سر نشین مقیم ایستگاه " مریچ " از سه فضا نورد استقبال کردند .

" سایوز تی ام " سفر خود را آغاز کردند . مراسم پرتاب سفینه توسط تلویزیون شوروی مستقیماً از بایکونور پخش شد . " والنتینا تروشکوا " اولین زن فضا نورد جهان در مراسم پرتاب سفینه در پایگاه " بایکونور " حضور داشت .

یک زن فزیک دان انگلیسی با دو فضانورد شوروی به مدت هشت روز ارضی مأموریتی در فضا شدند . " هلن شرمنسن فزیک دان ۲۲ ساله نخستین انگلیسی است که به فضا سفر کرده است . این فضا نوردان بایک سفینه

سفر فزیک دان
اینگلیسی
به فضا

به مناسبت روز ملی فرانسه



فرانسه

فرهنگ و زندگی

حتی يك كتاب هم نخوانده اند
 بهر كس فروش كتابها يرهناوم
 سود مند برای زندگي روزمره
 و فروش مجلات افزایش یافته
 است. همچنان داستانها ي
 كارتونی به سرعت از مغازه ها
 ناپدید میشوند. (۸۳) فیصد
 جوانان به خوانش داستانها ي
 كارتونی مینگردانند.
 گوش دادن به موسیقی پدید
 همست در حال رشد (۵۰) -
 همچنان فرانسویان حداقل يك
 روز در میان موسیقی میشوند -
 در حالی كه جوانان همه روز به
 شنیدن جاز، روك و آهنگهای
 ذوق مینگردانند.

تلویزیون در همه جا حضور -
 دارد. از دو فرانسوی يك نفر
 هر روز تلویزیون مینماید. دیدن
 تلویزیون به هیچوجه جای دیگر
 فعالیتهای فرهنگی را نكرفته -
 است. مثلاً، پیوندها گان و خادار
 تلویزیون (آنانی كه بیشتر از ۳۰-

ساعت در هفته در برابر پرده -
 كوچك به تماشا میشوند) حتماً
 قل سال ده كتاب میخوانند و -
 به دیدن جاهای تاریخی مینروند.
 موزهها و " سنگها يكین " بهر
 از يك چهارم فرانسویان را به
 خود جلب میکنند. يكی دیگر از
 نشانه های كسترش فعالیتهای
 فرهنگی افزایش هنرمندان آماتور
 است. (۱۴) فیصد فرانسویان

نقاشی میکنند و (۱۸) فیصد -
 آنان نواختن يكی از آلات موسیقی
 را یاد دارند. راه اندازی مرا -
 سم بزرگ فرهنگی در سالهای اخیر
 چون " جشنواره موسیقی " -
 جشنواره كتاب " و " درهای باز "

آبدات تاریخی و با استقبالی
 مردم رو بهر شده اند. علی -
 الرغم تشویش چاندانان فرهنگ
 فاصله و هجران گشته های
 افتخار آمیز و وضع فرهنگی فرانسه
 چندان وخیم هم نیست. ازها د
 نسیمیم كه سه چهارم فرانسویان
 زندگي را بدون هنر تصور كرده
 نمیتوانند.

از (۲۵) فیصد به (۱۵) فیصد
 کاهش یافته است. (۵۵) فیصد
 فرانسویان اعتراف میکنند كه هیچ
 گاهي به تئاتر و نمایشگاه نرفته
 اند. شمار تماشای جهان سنان نیز
 پایین آمده است و سه چهارم -
 مردم هیچگاه به كسرت موسیقی
 كلاسیك و رقص نرفتند. -
 عرصه كتابخوانی روز: روز تنگ
 شده مینرود. مثلاً در سال -
 ۱۹۸۸ يك چهارم فرانسویان

(۱۹۸۸) استوار است.
 تخمین نتیجه جالب تغییر -
 رفتار در خورد مصرف كننده گان
 فرهنگ در حال پدید هاست
 فرهنگست. از پدید گاه آما -
 توران كلاسیك هنره فرهنگ و
 زنده گي هنری فرانسویان سهر
 نزولی دارد. دیگر از علاقه -
 مندانی دایمی و با برجای تئاتر
 اثری نیست. در طی پانزده -
 سال گذشته شمار تئاتر ریان

آخرین آمار درباره ذوق -
 های فرهنگی و فعالیتهای و -
 دلپسته گيهای فرهنگی فرانسوی
 بان همراه با تحلیل همه جا -
 تها گرايشها و سایل جدید -
 زنده گي فرهنگی جامعه مرا -
 نماز سوی وزارت فرهنگ آن
 کشور و سال پار به نشر و
 تحلیل مینهاد اطلاعات سه پروژه
 تحقیقی جامعه شناختی در -
 سالهای (۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱) و -

بعضی ازینگونه بلند

این ناتوانی

بد تراز نایست

هرگز بر نیاورد

بدتر از خطر چشمان است

و حق در احوالی میگذری

بگانه و گریزان

(سرت در جایی دیگر غلبت در رفتن دیگر)

□

رازه نا چقدر مستکن اند

عشق من]

(دست نیافتنی

تراز اولت)

عشق من]

تویی که ساعت دیوار برادری شصت دقیقه صمیم به صدا در پس آوری

و الزامش نفسش نفس

گلوم میبرد و میشود

راز بزرگی را برایت میگویم:

سخن بروی لبهایم

تقریب

در بیچارگی

و بنوعی برای دستانت

سخن بروی لبهایم

چونست که زور چتر تکاشها

خاکه - بشود

بدین گونه است که پیوسته فقط میگویم:

چند وقت دارم

زیرا بلور شفاف جمله بی و در اختیارند ام

تا آن را

برگرداند تا چیزی

راز بزرگی را برایت میگویم:

زبان . تویی

زبان . زن است

- نیازند ستایش و پاموس -

زبان . پیراهنست نه باید نام بیشتر را بزرگ

زبان . گویست که هدف خانه میخورد

زبان آنچه نیست که انصافا خیال میگرد

باز

ستردم همیشه

زبان تویی

وقتی در سینه میخوانی

(هنگامی که من پیدا میروم)

زبان تویی

چون تازی که گفتم را بعد رد

چس تا توانم . آه]

در شب میبوی شکسته زبانی که این چنین است

چس تا توانم . آه]

در شب میبوی شکسته زبانی که چون خون درون دهانم در سینه است

از گفتار عالمها ام

(که چون آب ساد میی روی آتش صدای ناگوار دار

□

از بزرگی را برایت میگویم:

از زبان که همسان تو است

نیوانم سخن میگویم

از تو

نیوانم سخن میگویم

از تو میترسم

میترسم از آنچه ماله ترا میدهد نام تا پنجره ها همراه میزند

از حرکات میترسم

و از رازه ساین که میشود بر زبان آورد

میترسم

از زبان تند

از زبان صریح

□ راز بزرگی را برایت میگویم

ساده تر است

مردن

ایمانی بودن

پسندیده است

عشق من]

که باز میبینی را به پیوسته ام .



الزرا

لوی آراگون از شهر
ترین شاعران و نویسندگان
معاصر فرانسه است .
پس از ویکتور هوگو نخستین
شاعریست که در زمان حیات
به کتابهای درسی مکاتب راه
یافت و اشعارش وسیله آموزش
توجووانان فرانسوی قرار گرفتند
وی افزون بر شعر رمانهای
جالبی نگاشته است . مجموعه
اثار او و آثار مشترکش با خانمش
" الزاتری اولی " به پیش
از ۴۵ جلد میرسد . آراگون
نوآوری و مبارزه را در درخشان
ترین جلوه های آن با هم
گروه زد .
" الزا " ، " چشمان الزا " ،
" دیوانه الزا " ، " دلبردیگی " ،
" ناقوسهای شهر بال " از شمار
اثار آراگون اند .

امریکا در آستانه قرن ۲۱

ایالات متحده آمریکا کشور است در شمال قاره آمریکا که از نظر جمعیت مسکونی و هم از نظر وسعت درجه چهارم را در دنیا به خود اختصاص داده است. مساحت این کشور ۹۶۶۳۱۲۳ کیلو متر مربع بوده و ۲۳۴۱۹۳۰۰۰ تن در آن زنده گی دارد.

ایالات متحده یک جمهوری فدرال است که مشتمل از پنجاه و دو ایالت می باشد. مردم این کشور از گروه های گوناگون قومی تشکیل گردیده که اکثریت آن را اروپائیان تشکیل می دهد. و متباقی آن سیاه پوستان، چینی ها، جاپانی ها و امریکاییان هندی اند.

از نظر اقتصادی ایالات متحده آمریکا از جمله بزرگترین کشورهای تولید کننده صنعتی جهان است. منابع سرشار منرال ها و مواد سوخت، این کشور را از جمله بزرگترین تولید کننده گاز طبیعی، سرب، مس، آلومینیم و سلفور و انرژی برقی و هسته ای ساخته است. به همین گونه تولیدات عمده این کشور را صنایع فولاد، موتور، مواد کیمیاوی، سامان آلات الکترونیکی و سایر مواد مصرفی تشکیل می دهد. با نوبت علاوه کرده که چهار فیصد نیروی کار در این کشور مصرف زراعت بوده و پانزده فیصد صادرات را تولیدات زراعتی تشکیل می دهد. زراعت در این

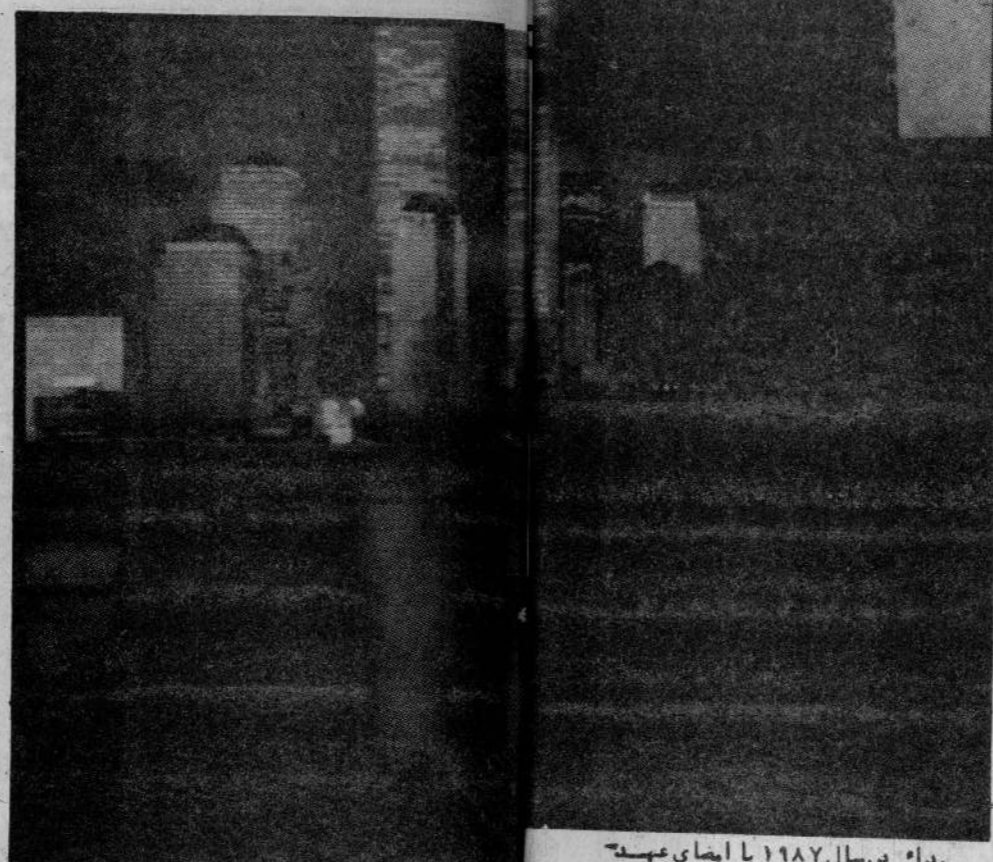
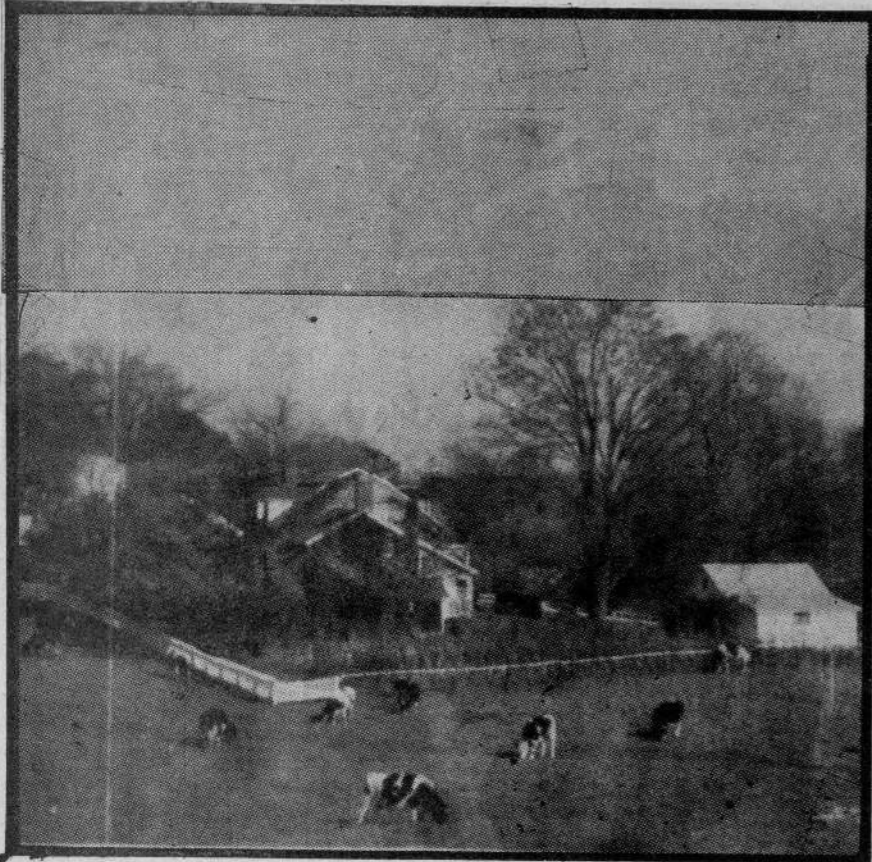
کشور خیلی ماشینی بوده از امراض زراعتی جدا کنترل به عمل می آید. با آنکه ایالات متحده هم از نظر تولید و هم از نظر صادرات یک کشور بزرگ است و مگر واردات نیز دارد. آمریکا نفت و مشتقات آن، مواد کیمیاوی، فلزات و ماشین آلات را به کشور وارد می کند.

امریکا که در سال ۱۴۹۲ توسط کولومبوس کشف گردید و از سال ۱۵۶۵ به این طرفی عمدتاً توسط فرانسوی ها، اسپانیولی ها و انگلیسی ها کزینتر مسکن در آن اختیار گردید. به هر حال در قرن هجدهم بین اسامیله های محلی بر سر پرداخت مالکات برخورد ها به وجود آمد. در سال ۱۸۶۱ کشور با جنگ داخلی مواجه شد. در مقابله با جنگ این بود که بعد از آن برده داری رافضی ساخت و کشور به ترقی های اقتصادی و صنعتی گام گذاشت. به همین ترتیب ایالات متحده آمریکا در هر دو جنگ جهانی سهم داشت و در سال ۱۹۴۵ رول خود را در به وجود آوردن سازمان ملل متحد به سر رسانید.

ایالات متحده بعد از سال ۱۹۱۳ با اتحاد شوروی روابط را محدود کرد. در اصلحه ستراتیژیک تقویت کرد و هم با کشور چین روابط دیپلماتیک برقرار ساخت. روابط ایالات متحده با اتحاد شوروی

در سال ۱۹۸۷ با امضای عهدنامهی در مورد سلاح هسته تقویت گردید. البته علت دیگر بهبود روابط ایالات متحده و اتحاد شوروی همانست که سیاستهای جدید اتحاد شوروی تحت رهبری میخائیل گرباچف رئیس جمهور آن کشور است. رئیس جمهور ایالات متحده امریکا آقای جورج بوش است و انگلیسی زبان رسمی این کشور را تشکیل می دهد. کلتور مردم ایالات متحده در سطح بلندی قرار دارد. در قرن بیستم ادبیات آمریکا بیشتر ترانوال را فرا گرفته است که نویسندگان همای معروفی دارد. این نویسندگان عبارتند از: ولیم فاولکنر، جان استین بیک، هنری میلر، توماس ولف، نورمن مایلر، ساول بیلو، جان اپریک و توماس پنیکون.

ایالات متحده آمریکا در حال حاضر در همه عرصه های ساینس و تکنالژی پیشرفت چشمگیر داشته و زنده گی در آن کشور کامیوتر از گذشته است. یعنی همه چیز در همه موارد توسعه یافته. امروز هر امریکایی اداره و رهبری میشود. امروز هر امریکایی شخصی از زنده گی شخصی یا رسمی خودش را توسعه میدهد. کمیونتر کنترل و اداره می کند. امریکایی ها با پیشرفت تمدن خیلی ها عجیب به سوی قرن (۲۱) گام می گذارند.



بمناسبت روز ملی ایتالیا

ایتالیا کشوری است که در جنوب اروپا موقعیت دارد. سرزمین ایتالیا باستانی است. بعضی نقاط آن در شمال کوهستان نیست.

در این کشور هنوز هم زراعت از اهمیت خود برخوردار بوده، نباتات زراعتی عمده آن را گندم، جواری، انکوروز، تنون تشکیل می دهد. صنعت نیز به سهم خود پیشرفت کرده و مخصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی به این طرف به سکتور صنایع توجه بیشتر شده است. صنایع عمده این کشور را نساجی، ماشین، موتور، مواد کیمیاوی تشکیل می دهد که همراه با آنها میوه و سبزیجات از صادرات آن است. صنایع منرالها در این کشور آنقدر زیاد نیست و از همین سبب ایتالیا وابسته به کشورهای دیگر است. در کشور پلانهای به خاطر رشد و انکشاف انرژی هسته ای وجود دارد و هم توربینهای عمده عایدات این کشور را تشکیل می دهد.

شهره هنر در ایتالیا بعد از سقوط امپراطوری روم اساس گذاشته شد. با

ایتالیا سرزمین هنر

های باستانی هنر در این کشور اداسی دارد و مگر به تدریج تحت تاثیر مسیحیت قرار گرفت. سبک رمانسک در قرن ۱۱ و ۱۲ راهش را به طرف سبک گوتیک باز کرد و مگر هنر حقیقی ایتالی در قرن ۱۳ و ۱۴ هنگامی رشد کرد که اساس رنسانس گذاشته شد و شیوه های آزاد سخنرانی در فلورانس و ونیس و روم به وجود آمد. علمبرداران رنسانس عبارت بودند از: لئوناردو، میکلانژ و دیگران بعد از قرن هفدهم هنر ایتالیا حرکت خود را به امتدادی ونیس، از دست داد و مگر در آغاز قرن بیستم تحت تاثیر نوسان چهره دوباره احیا گردید. نقاشان برجسته و مدرن ایتالیا عبارت از سوتی، جلمانی و چریکو اند.

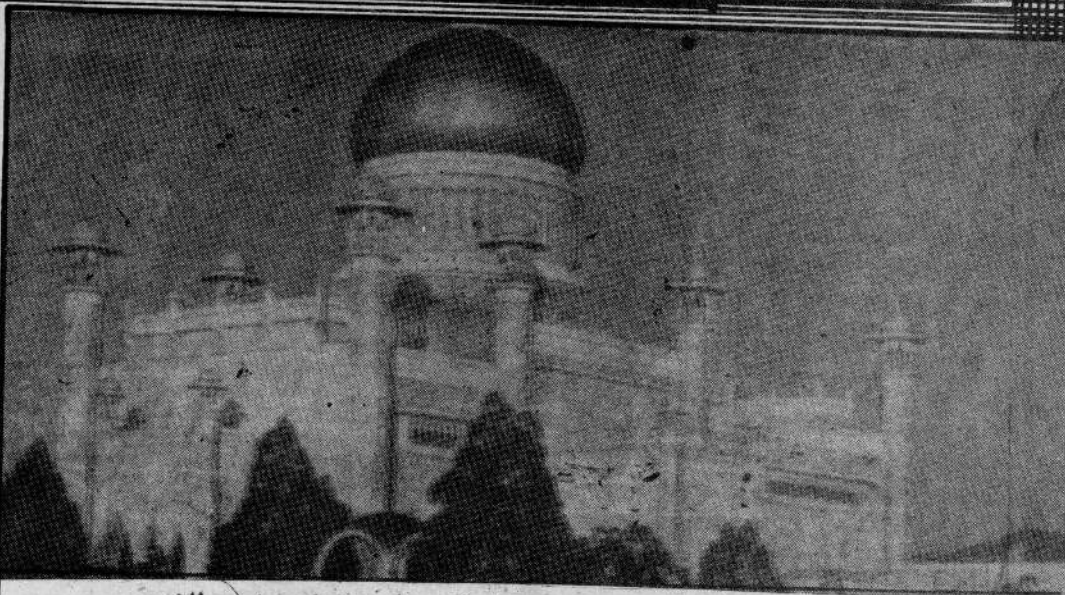
در ایتالیا زبان لاتین، زبان ادبی این کشور را تا قرن سیزدهم تشکیل می داد و آن درست زمانی بود که شاعران در وینس فرید یک اولیه تقلید از ایتالیایی اصلی آغاز کردند. عشق شاعران فلورینتین را در قرن چهاردهم دانسته تمقیب کرد و رشد تدریجی زبان ایتالی را به ایتالیایی و ماشینی و تاسو در رنسانس به او جسر رسانید.

ترجمه: فادریمان

پروژه و تمندترین کشور



مجموعه ثروت پادشاه برونی ۳۰ میلیارد دلار تخمین شد



مسجد اعمار شده از جانب برونی در پایتخت کشور با محراب طلائی

جنوری سال ۱۹۸۴ آزاد ی -
 خود را اعلان نمود ، سلطان -
 برونی بالای تمام مناطق کشور
 حاکمیت داشته که همزمان پست
 های صدارت و وزارت دفاع را
 نیز بدست داده ، اکثریت آنها -
 لی کشور را مسلمانان تشکیل
 میدهد . اقارب نزدیک خود را
 نیز از یاد نبرده یک برادرش -
 محمد بالکلیخ وزیر خارجه و دیگرش
 وزیر مالیه کشور تخمین کرده -
 اند . این کشور عمدتاً توسط
 فرمانبهای شاه اداره می گردد .
 در رابطه با قاطع بودن شایعیه
 تردد داشته . در سال ۱۹۸۸
 رهبری کشور حزب بزرگ کشور
 را بنام " حزب دموکراتیک ملی "
 بر دلیل اینکه میخواهد تسویه
 حاکمیت ملی لطمه وارد نماید
 غیر قانونی اعلان نمود . قوای -
 مسلح کشور با بهترین و مدرن
 ترین اسلحه جهان مجهز می
 باشد .

مستمر خدمات اجتماعی -
 برونی از جمله بهترین ها در -
 جهان بشمار میرود . مالیات -
 فواید در کشور وجود ندارد -
 خدمات صحی و تعلیم و تربیه
 با سطح عالی آن رایگان است .
 پول تقاعدی از خزانه پادشاه
 پرداخت میشود . از هر -
 چهار نفر اهالی برونی سه نفر
 آن موز شخصی دارد . برای
 جوانانیکه علائقند تحصیل در
 خارج از کشور هستند هرگونه
 زمینه مهیا می باشد در کشور
 یک تشنجات سیاسی وجود
 یافته در صفحه (۸۵)

انجلس برسد . برای یک فرد
 امریکایی عادی بخاطر بدست
 آوردن همین پول ضرور است
 تا یک میلیون سال کار نماید .
 شاه حسن در حال حاضر بزرگ
 گترین کلکسیون موز را در جهان
 دارا می باشد هر علاوه موز
 شخصی موز هوی در کاراج خود
 در حدود ۳۵۰ موز مختلف
 النوع دارد . بدین ترتیب
 میتواند همروزها موز جدید
 رخت و آید نماید . اما بد بختی
 در این جاست که در کف
 کوه کمی صرف صد کیلو موز
 سرک موز نورمال دارد .
 از سال ۱۸۸۸ الی ۱۹۸۴ -
 برونی تحت سلطه پرتغالی کبیر
 قرار داشت هبه تاریخ اول -

فته در هر ساعت ۲۲۹ دالسر
 به خزانه این کشور کوچک افزین
 می گردد . مجموعه ثروت پاد -
 شاه برونی را ۳۰ میلیارد دالسر
 محاسبه کرده اند . در حالیکه
 داری پادشاه می - تان -
 سعودی به ۲۰ میلیارد دالسر
 می رسد .
 نظر به ارقام ارائه شده جمله
 تجارتی " فسور بس " چاپ
 امریکا داری پادشاه برونی
 بیشتر از ثروت کهنی مفسور
 جهان " جنرال موز " می باشد
 این جمله نوشته است که باو -
 لهای پادشاه برونی " حسن -
 بالکلیخ " میتوان کاروان موز
 این کهنی را خریداری کرد که
 طول آن از نیویارک تا تونس -

برونی کشور کوچک است که
 در سواحل شمالی جزایر
 کالیمانتان وسواحل بحیره چین
 جنوبی موقعیت داشته که همز -
 مان با کشور مالیزیا نیز هم سر -
 حد می باشد ، بعد از آنکه
 در آغاز قرن حاضر منابع بزرگ
 نفتی این کشور کشف و استخراج
 آن آغاز یافت همه یکی از ثرو -
 تندترین کشورهای جهان
 محبدل گشت درآمد سرانساله
 ۲۴۰ هزار نفر اتباع آن در حد -
 ود ۲۰ هزار دالرسی رسد . این
 رقم دو هزار دالسر بیشتر از ای -
 لات متحده امریکا می باشد
 ۹۹ فیصد درآمد ملی آن را -
 صادرات نفت و گاز تشکیل میدهد
 هد . قرار محاسبات انجام یافته

شیره (پاناروما) (ژورنال
مطبوعات آزاد روزگوشه)
چاپ هندی در شماره ماه می
۱۹۹۰ خود تصویرنگی می
از سلام سنگی هنرپیشه
ساخته شده. افغانی رابه
چاپ رسانیده است که همراه
بان گفت و شنودی دوشهمزه
سمورا با سلام سنگی به انگلیسی
نظر به نشر رسیده است.

پس از شناسایی مختصر زنده می
افغانی و برخی جوانب هنری،
معمیرا چنین می نویسد:

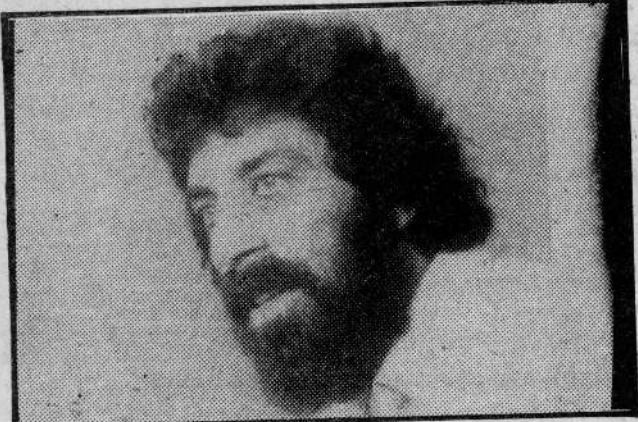
وقتی سنگی راهنگام راه
رفتن بان قد و قامت، موهای
بچه بچی و پریشان، ریش
انبوه و چشمها، نافذ دیدم
تمام تصوراتی که در سینه
بیتان خون گرم داشتم
در نظرم زنده شد.

یک ستاره فلم ؟
از افغانستان ؟ جاهلیت ؟
گفت و شنود ادامه دارد. سنگی
از تاریخ ۲۰ ساله هنرپیشه
از صنعت فلم اردستان
کاران این عرصه حرف میزند
و میگوید هر جایی که تصدای
از مردم است و برق باشد در آن
جای تئاتر و سینما هست
و پس از فراز سرفراز دلچسپی
و گزاشیدن از دیدن نخستین
فلم شروع شد. ۰۰۰ طی ۱۸
سال سابق در حدود ۱۸ تا
۲۰ فلم داشته ام، در افغان
نخستین همه ساله ۶-۷ وگاهی
تا یک فلم که محتوای آنها غالباً
مانند فلمهای سایر کشورهاست
(رقص، موسیقی، زد و خورد
و درام) ساخته میشود. سنگی
در برابر یکی از پرسشها با-
وانمود ساختن اینکه (من
صرف یک هنرپیشه هستم)
از ابراز نظر در برامین آمد-
بولوئی هادر هنر، حوادث
سیاسی ده سال و تصریح موضع
گویی های هنرپیشگان
خود داری کرد.

و پس از صحبت های
درباره فلم های خودش گفت:
در افغانستان مانند هند
هنر و اوکرتهای هنری تعین
شده نیستند و به گونه مثال
از نقش های متفاوت خود از بره
سریاز، بیگانه، و از نوعی
تاریخی اثر در برخی از برنامه
های تلویزیون حرف زد. در
فلم های مسافرت
هنگامی کار میم که سندر اجرا-

سلام سنگی در هند

ترجمه از: ...



هستم و ترجیح میدهم در نقش
هیرو باشم. وی افزود در افغان-
نستان مکتب آموزشی هنر
و تخیل فلم وجود ندارد کار
گردانان بنام رسیده. ما
انستیتوت (پونه) را خوانده
اند. در جایی هم تذکر میدهند
که تکنیک طی ۱۲ سال گذشته
به خاطر جنگه حال، استثنای
داشته است. در کابل صرف
یک لابراتوار تهیه فلم های
سیاه و سفید وجود دارد. فلم
های رنگه به منظور تهیه
و تکمیل به خارج فرستاده
میشوند.

سنگی - از شرکت فلم
هادرستیوال های جهانی
و از سفرهایش به مسکو، چکو-
سلواکیا و کوبا، از محبوبیت
فلم های هندی، ایرانی، امر-
یکایی و روس در سینما و تلویزیون
ن کشور با تکیه بر این تکیه که
بهند، افغانی به یک داستان
خوب ارزش بیشتر میدهند
و تفاوتی میان معیار ات
هنری نقش هادر کرکسر
مثبت و منفی در هنر و کشور حر-
تعالی داشت.
ارد رساچه زنده می
شخصی اش گفته است که
همواره متکی به اصل میباشد

در روز گفتن، ضربه از پشت
نزدن و هیچ کارید نکردن.
سنگی میگوید فلم های
چون نشانی، انجور و بندگتی
در افغانستان محبوبیت زیاد
کسب نموده بخاطر این که
در آنجا زنده گی حقیقی تصویر
شده بود. فلمهای تجارتی
نیز بهینه گان خود را دارند.
این اشاره به فلم (راو صاحب)
از ساخته های او بوده است.
افاده نمود که تراشیدن سویی
سریزه زن در یکی از صحنه
ها تا شناختن افغانی را به
تفکر واداشت. و متوجه تفاوت
بزرگ فرهنگ در رابطه با
شیوه برخورد با این مساله
در هنر و کشور ساخت باری سنگی
با خود داری از ابراهیم قدیم شخص
و سکوت اش در برابر ذکر نام
هنرپیشه و فلم مشخص از دوستی
و احساس صمیمانه خود نسبت
به همه آنها یاد کرد و گفت:
اگرچه حال همه آنها را میسندم
آنها سرسرا حرارت ندارند
استفهام کردند و از تصویر
های مشترکشان با ما به بحث
و تصویرالین شاه، دیوانه
راج بهر دلیل کباب به وان برخورد
های صمیمانه آنها به قدر
دانی یاد کرد!

تغزنی کله مری

بانی له (۸۷) خ کی
شوی دی اوخومره ارزنیست
لسری ...

نن بوه شوچی توله لری
دده له پاره نه دسه له دی امله
دغیر له شوکی کونجی اوایی
هیچ نه م ... بوه کونجی
دوره م ... لیری نه بلکسه
حتی ده چی لکه مافزود ی
به په دی نری کی ... لیری هور
کی ولو به وی، د نوری طرف
تجزی ثابت کریده چه
موجود مواد به تولوستورکی بو
شان دی، لوهین دلایل
نه لری چی دملبارد و
ستور به منغ کی به ملیون
هاور دزنده خاوند نه وید
هورکی بشرد غور لخورکی کپت
شووسری کپت و آچاره اووه
شوچی هیچ شی نه دی، اما
ناخا به خیلو مافزود ته متوجه شو
هنه مافزه چی دی پایسه
نری به راز بوه شولسو به
انسان د قدرت به شوکی کپت
ست، بلکه همان بی دکاپاتسو
کاشف وگانه ... همان یسی
د قدرت به لیر تپاک ولبند
لوری لیدل چی نری به خیل
تول عقلت ددی خاوسری
رنگی اوگولسی مادی به وسیده
ببوندل شوئی انبوندل کپت ی
ایادانه نیسی چی دانسان
عظمت او ارزنت تر تبولوس او
ارزنتاک دی ؟

بقیه از صفحه (۲۰)

قصه خانه خود ما

کنند فقط پول همه چستز شان است.

سخن را بعد از آن کشیدم من خواهم بنویسم که همسری را که در یک شب پر از ستاره گرفته بودم در روز روشن دورا طلاق کردم و برای او بی وفا من نویسم که خوب بنویسم با آن که من بدون تو هم میتوانم خوب تر و بهتر زنده کسی کم من میتوانم درین تلسب سخت کسی دیگر را که به صد هارتره بهتر و خوشتر از تو باشد پرورش دهسم زنده کی هیچگاه ختم نمی شود تا وقتی که انسان خوب

دش ختم نمود
توسه های و فابودی شو
آنقدر بی وفا بودی که من
در هیچ کتابی نخوانده و
نشسته بودم تو که نتوان
نتی خانه مرا آباد سازی
خانه هیچ کسی دیگر را نمی
توانی آباد سازی تو در هر
یا زود در لجن زار کفایت
فرق و نابودی می شوی تسو
بسیار بی وفا بودی و برای
تمام حیوانات که میخواهند
همسرترا نصیحت بکنند
می گویم که اگر شمام مثل
من بدون شناخت قبلی زن
بگیری بعد از روس به زود
ترین فرصت به سر نوشت بنده
گرفتار می شوی اگر مثل من
اشتباه کنی عوض همسرت کسی
می گوید و آنوقت پشیمانی
هیچ سودی ندارد آنوقت
مثل من شیشه های شقای
قلب تان از هم می پاشد و
ما بوس می شویم

باز چسبید

بقیه از صفحه (۶۵)

این بار آقای شکفته در
کپهای من مداخله کرد و گفت:
" من میباید که این شما
مردم هستند که همه بی کار
هارا برایم انجام میدهند مگر
به خاطر دارید که همه بی
این کار هارا شما به خاطر
بر آورده شدن آرزو های خود
انجام میدهند ؟
شما برایم یک جوزه بوت میخرید
در حالیکه من به پطاون نیاز
دارم شما این کار را به خا
طری انجام میدهند که بسا
خداوند عهد میکند که اگر
از تقای نصیب تان شود به
کدام آدم بپچاره بوت خواهید
خرید . باز شما مرا به نان چا
شت دعوت میکنید که اقلا
در آن وقت من میخواهم سینما
بروم . چنین هم اتفاق افتا
ده از خاطر شما سه بار تان
چاشت خورد ام و یا عمن
فلم را چهار یا پنج مرتبه به
خاطر خوشی شما تماشا کرده
ام "

" سکسنا " پرسید :

مگر همه بی این کپها به
اعتصاب نه خوردن غذا چی
رابطه دارد ؟
" البته که رابطه دارد من

خو که ام آدم بی زبان
نویسم . من هم میدانم که
هیچ صدر اعظم در هندو
ستان نتوانسته که به همه بی
مردم کار را در یافت کند ؟ مگر
آنچه را من میدانم شما مردم
نمیدانید . من میدانم که هیچ
صدراعظم آدم احمق مثل من
را نمیکند ارد که با مرگش نام
شبهه را کسای کند . از همین
سبب است که او خدمتگاران

را خواهد فرستاد تا به اعتصاب
خاتمه دم و از بر آورده شدن
خواستهایم مرا متفق خواهد
ساخت . رفقا ! به من باوردا
شته باشید . هر لحظه بی که
نفر او با پیشنهادش نزد ام
به زودی آن راهوا هم پذیرفت
در همین لحظه من بالا پیش
صداکردم که :

" باز چی ؟
" دوست عزیز بعد نفس
مذکور یک گلاس کلان آب نار
نج را به من تعارف خواهد کرد
البته میدانم که این شیوه قبول
شده پایان دادن به اعتصاب
نه خوردن غذاست .

" مگر آقای شکفته من هنوز
هم نفهمیده ام که چرا دست
به اعتصاب نه خوردن غذا زده
بی ؟

" این خوبسار کپ ما ده
است . امروز خواستم یک
گلاس آب نارنج بنوشم از این
سبب دست به اعتصاب نخوردن
غذا زدم . فهمیدم که هیچ
کدام از رفقای مطابق میل من
رفتار نمیکند و آن را برایم نمی
خرد . بنا به خود فکر کردم
باید آرزویم را به این طریق
آورده سازم "

شنیدن این حقایق
دی به لبهایم نقش بست
شگفتی که :

کر همین اکنون از طرف
ما به نشیدن یک گلاس آب
میوه دعوت شوی ، چطور ؟
شکفته به یکباره گی برجایش
ایستاده شد چهلکپایش را
روست کرد و روی جایی را از
خود دور داد و گفت :
" مهربانی کنده در
صورتیکه هدفم قبلا بر آورده
شود پس چرا اینجا بیبوده
وقت ضایع کردی . "

و تیکه با آقای شکفته به
طرف دو کان آب میوه میرفتم
یک فکر بر سرم آمد که چرا
از این مردم که در مقابل خانه
صدراعظم بوت کلب و مسا
محل رام لولا تجمع میکنند
کسی نمی پرسد که چرا جمع
شده اند و خواستههای تان
چوست .

ورزشی فلم را در نکتد مسلما
تا شیر جنبه های مثبت بالای
او بیشتر است و در عکس قصبه
بیننده چیزی را می آموزد که
نمیاید از فلم هندی بیاموزد .
- فلم های افغانی از نظر
شناخت و راست ؟



سری دیوی

بقیه از صفحه ۲۵

سریه های خوبی برای فلم
های افغانی در نظر گرفته
میشود ولی سینمای ما هنوز
به پخته گی نه رسیده فلم
های خوب افغانی در حال
تکمیل شدن هستند مانند
گماشته و الماس سیاه که میتواند
برای جامعه مفید واقع شوند .
- در مورد زنده گی شخصی
تان چه گفته میتوانید .
- میخواهم زیاد بگویم
صرف همینکه عروسی کرده ام
و در دختر دارم

- شما که علاقمند فلم هندی
هستید چه فکر میکنید فلم
هندی چه تاثری بالای بیننده
افغانی دارد ؟
فلم هندی برای جوانان
میتواند هم گمراه کننده باشد
و هم تربیت دهنده ، اگر
بیننده آگاه باشد خوب

ارتیک حقیقه ...

بقیه از صفحه (۵۹)

دیهلم ورزشی و سهیل های
ورزشی و تعداد زیادی از
نشان های ورزشی را در مسا
بقات مختلف به دست آورده ام
نمیباشد که در این زمینه
از همکاری استاد خوم محترم
عبدالکریم عزیز کپتان تهم
انتلیک حقیقه بسیار سپاسگزارم

- عاری از دلچسپی نخواهد
بود تا در مورد دستاورد های
ورزشی تان چیز های بگوید ؟
دستاورد های ورزشی ام
که در مسابقات مختلف به آن
ها مفتخر گردیده ام دو مدال
طلاسه مدال نقره و دو زده -

برونزی ترومند ترین کشور

حمام سونا

بقیه از صفحه (۷۷)

تشدید می‌کند. پاکیزه کردن پوست از فواید دیگر برای سلامتی است که به سونا و حمام بخارنسبت داده می‌شود. این نظر منطقی است که تهریق موثقاله مواد زائد را از فرد عرق‌دور کند ولی در تون سونا و حمام بخارنسبت که پوست را بطور قوی پاک کنند.

فکالت سونا

بقیه از صفحه (۷۷)

برنامه ورزشهای آبی را پیاده کرده یک ساعت فعالیت در آب را معادل دو ساعت فعالیت در خشکی می‌داند و معتقد است که در این یک ساعت معادل دو ساعت فعالیت در خشکی به اصطلاح از بدن کاری کشد. دلیل این ادعا هم مقایسه است که در آب ۱۲ برابر خشکی در برابر بدن قرار دارد. بنابراین عقیده عامه تهریق و فعالیت ورزشی نه‌ب‌نه آماده‌گی قبلی دارد.

بقیه از صفحه (۸۲)

تخصص داد.

در سال گذشته سلطان برونی خواست تا در جشن تولد ۵۰ سالگی خود برای تحفه بدهد. وی مدانست که دخترکش تا چه اندازه علاقه‌مند افسانه‌های قدیمی بخصوص افسانه "السادر سرزمین جادو" شدیده. علاقه دارد سلطان خواست تا در این سالگرد دخترش تحفه افسانوی بدهد. بر اساس امر شاه انجینیران و دیپلماتان ورزیده انگلستان بخاطر اعمار قصر افسانوی دست بکار شدند در مدت خیلی کم تمام "پرسونل" شامل افسانه تهیه گردیده و محلها ر شده اصلا نقاشی با همان محل افسانوی نداشت. تمام مصارف جشن تولد دختر سلطان بر روی به میلیون‌ها دلار می‌رسد روزنامه انگلیسی در مورد نوشت که در جهان میلیون‌ها هزاره اند اما هیچ یک از آنها دست به هیچو اعمالی نمی‌زند. جز ات اینکار را صرف سلطان برونی دارد و پس.

قصر جدیدی با شکل بهتر آن اعمار کرد. بر علاوه سلطان برونی بهترین ویلاهای را در آمریکا، انگلستان، سوئیس و غیره کشورها دارد. وی از همه کشورهای دنیا علاقه‌مند استراحت در انگلستان می‌باشد. در حال کشور برونی نیز خالی از پر ایلماهای اقتصادی نیست. به دلیل پایین آمدن نفت در بازارهای جهانی برونی ضربه شدیدی را از این ناحیه متقبل گردید. در سال ۱۹۹۰ از فروش نفت صرف ۶۴ درصد بودجه اسما را کشور تأمین کرد. در حالیکه در سال ۱۹۷۶ این رقم را ۸۸ درصد تشکیل می‌دهد. سلطان برونی نیز این مطلب را مدتی است که درک نموده است. به همین دلیل در سال ۱۹۸۷ پلان جدید اقتصادی را روی دست گرفت. برای حل این پلان شاه کشور امر نمود تا در ظرف چند سال محدود بخش دیگر صنعت کشور را به سوی عالی ارتقا دهند. برای اینکار دولت برونی ۲ میلیارد دلار

نداشته باشد. اختلافات مذهبی و نژادی دیده نمود بناه شکایت در هیچو مسایل نیز وجود نخواهد داشت. جوانان کشور بعضا شایسته می‌کنند که گویا در پایتخت کشور زنده گی خیلی خسته کن است. اما برای اکثر اهالی کشور این پر ایلما خیلی به سه روزهای رخصتی آنها در همه طیاره و یاکشتی جهت تفریح بکشورهای همسایه سنگاپور و یا با توك می‌روند. اما پادشاه کشور ضرورت ندارد تا جهت تفریح قصر مجلل خود را ترک گوید. این قصر با عظمت که در کتاب "پرنکار" های گنسن ثبت گردیده است دارای ۱۷۸۸ اتاق بوده که مساحت عمومی آنرا ۲۰۵ هزار متر مربع تشکیل می‌دهد. بر علاوه در قصر کور گاراج برای صدها عراد موتور وجود دارد. سلطان بعد از آنکه با خانم دوس خود از دوایج کرد لازم دید تا مساحت قصر را زیاد کند. به همین دلیل

ومن بتوانم به کمک هموطنان خود بشتابم و بتوانم این تکلیف لوی جدید را در افغانستان عزیزم را بیج بسازم من تاسرهای دایمی یا مومسات خیره این جا دارم تا زمینه های را مساعد بسازم که کیک های طبری را برای مردم افغانستان جلب نمایم و مصدر خدمتی به همسپهان خود گردم هیچ وقت در افغانستان به زور کسی نمی‌تواند بالای مردم حکومت کند تاریخ این را به اثبات رسانیده است از زمان اسکندر تا انگلیس ها و بعد شوروی این به اثبات رسیده است مسئله افغانستان هیچ‌گاهی به زور و نظامی‌گری و شیوه های جنگی حل نمی‌شود بلکه یگانه راه حل مسئله از طریق سیاسی است.

عملیات سرطان جگر

مجروحین جنگ در کشور ما است؟ جواب: متأسفانه در افغانستان جنگ جریان دارد تا زمانیکه قوای خارجی در کشور وجود داشته باشد جنگ موجه بود محالاً هیچ مضمومی ندارد و من منحصراً این افغان شخصیت متأسفانه شراستم که جنگ درام دارد و برادران ما یکدیگر را به قتل می‌رسانند. این یگانه آرزوی من است که صلح در افغانستان بویايند

بوده اند. جواب: تاکنون چندین عملیات توپورهای مغزی و توپورهای سایر نقاط وجود انسان را موفقانه انجام داده و چون درین نوع تدایر که ها و رشته های عصبی قطع نمی‌شود بصورت مطمئن امکانات فلج و یا خونریزی مغزی وجود ندارد در حالیکه در تدایر قلی چنین امراض (۹۵) فیصد امکانات فلج قسمی وجود انسان - عملیات های مغزی متصور بود. سوال: قسمی که اطلاع دارید در افغانستان جنگ جریان دارد و مجروحین زیاد اند نظر شما در مورد جنگ در افغانستان چیست و آیا امکان کم‌شما به

از صفحه (۸۲) زن و بچه اش را می‌باید. اما هر وقت نمی‌تواند شت آنها را هم تنها باشد روشی فریب‌دهنده به اندازه روزنامه می‌رست. اما تادم در خانه او را همراهی می‌کردند و او را سخت تمام از آنجا جدا می‌شد. شاید بیست سال طول می‌کشید تا کشف می‌توانید همه قرضهایش را تمام و کمال بپردازد و بعد چه؟ آیا از آن به بعد دیگر می‌توانست خرج زن و بچه اش را بدهد؟ نه! احتمالاً نه! و اگر در این بین پدرش می‌مرد آنها بی‌خانه می‌شدند. به همین دلیل او را دیدار روزن سنگدلش ممنون هم باشد که آنها را با ریسمانی از هم جدا کرد. او - پلی زندگی آدامس واقعا سخت و بی رحم است. چاربا با زمین به راحتی قوت خود را به دست می‌آورد. اما فقط آدمی است که با درج ببرد شرف آرزوست آری، تریه آرزوست که در این زنگه‌گی همه می‌تواند مجانی کیک و سوسن زمینی تهیه کند.

درف و دست (از صفحه ۲۳)

۱ زراعت و امور روزمره روزهای - هفت تا نیز از خود خاصیت به خصوصی دارد .

از جمله سالهای جا لب یکی هم سال کبسه می باشد در - سالهای کبسه واقعاتی رخ میدهد که اکثره در ذهن انسان هم خطور نمیکند مانند زلزله ها ، بادها ، طوفانها ، ظهور آتش فشانها ، قتل و وفات رجال برجسته تولدات انسانی و حیوانی عجیب و غریب و امثال آن . به طور مثال سال جاری " ۱۳۲۰ " از جمله سالهای کبسه می باشد در سال جاری روزهای نیک زیادتر بوده و امیدواری درخشان به سردم پشیمانی می گردد . البته امیدواری آرامش ادامه خواهد داد .

شده است : پس از دانستن - احوال شخص و مشخص شدن ستاره و طالع او تمهید داده میشود که نوشتن آن نیز از - خود وقت و زمان مناسب دارد و نوشتن تمهید اکثره از مشك و زعفران و سیاهی رنگ سرخ و آبی کار گرفته میشود . شرط اساسی در تمهیدات - تشخیص درست شخص است در هر مورد کسانی که حسن مراجعه نموده اند تشخیص از طرف من تثبیت شده و بعد از نوشتن تمهیدات نتیجه مثبت داده و مورد تأیید قرار گرفته است چگونگی همه اینها از قران مجید گرفته شده حتی در قران مجید از تسخیر مهارت توسط انسانها تذکر داده شده است پس علاج بشر هم ممکن است .

و قران مجید هتاهین و هتاهینا جامع برای همه بشر است . - محترم هوتکی صاحب در - اخیر اگر گفتی برای خواننده - کان مجله داشته باشد . - میخواهم بگویم که کک های من اختتامی نبوده بلکه برای همگان است آنچه خداوند بزرگ برام اعطا فرموده است من حتی الوسع می گویم در خلدت مردم باشم .

هارا میتوانند نام ببرید ؟

- فلم های مستند نهاد ساخته ام و فلم مستندی ساختم از - پرواز مشترک کبھانی افغان شوروی که ارزش تاریخی و فرهنگی هنگی دارد ، این فلم را خودم دایرکت و فلمبرداری کردم چون این فلم رنگ بود لذا امکان شستن آن در کابل موجود نبود ولی وقتی برای شستن به اتحاد شوروی رفت دیگر سراغی از آن ندا .

فلمی همین اکنون روید است از فعالیت های صدیق افغان ، این فلم را در حدود سی دقیقه دایرکت و فلمبرداری کرده ام و به شکل سیاه و سفید تهیه میشود . - کدام جهات کار صدیق افغان را در فلم انعکاس داده اید ؟

- کشف معادلات و فورمولها و پیشگویی های او به اساس ریاضی فلسفی به سطح کشور و جهان . - خوب در مورد زنده کسی شخص تان هم چیزی بگویند . - عروسی کرده ام پنج طفل دارم پسر بزرگ پانزده سال دارد و تا حال هیچکونه علاقه بی به پیشه پدر ندارد . - خوب از شما يك جهشک صفاست و کمالگاری برای تان آرزو میکنم .

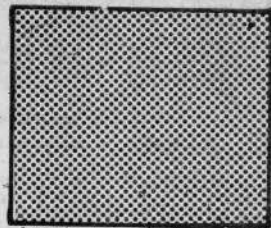
مسافره پرنده های مهاجر سفره آرمان و فلم های تمام است مانند الماس سیاه خاکستر که کار فلمبرداری آن تمام شده است .

- کدام فلم تانرا از نگاه فلم برداری برتری میدهند ؟ تمام کارهایم را دوست دارم اولین کار که فلم " فرار " بود هیچ فلم دیگری برام جایش را گرفته نمیتواند ، در آن با اعلامیندی زیاده و انرژی - بیشتر کار کرده ام .

فلمبرداری پرنده های مهاجر که در فستیوال سال ۱۳۶۵ - مسکو شرکت کرده بود مورد توجه قرار گرفت و نقدی نیز بالای آن صورت گرفت . - تفاوت فلمبرداری فلم های مستند و هنری در چیست ؟

- فلم هنری به طور دقیق قیلا صحنه آرایی میشود و فلمبردار حتی ده بار يك صحنه را تيك میکند اما در فلم مستند زمان ارزش خاص دارد فلمبردار باید صحنه را طوری فلمبرداری کند که لحظه فوت نشود .

- چه وقت در يك فلم هنری تصویر زیبا بدست می آید ؟ - تصویر سینما هر قدر بهال باشد به همان اندازه زیباتر است . - از فلم های مستند تان کدام



قرار بر سر بلبل (بهم از صفحه ۷۴)

در افغان فلم ادامه دادیم . شما که تحصیلات مسلکی ندارید چگونه کار را آموختید ؟ - مکتب تخنیک عالی را در سال ۱۳۵۱ به پایان رسانیده ام من گفتم که قیلا عکاسی میکردم تعداد فلمبرداری هم عکاسی است در مدت یکم سال که در قیلا شوروی بودم ، پس استادان مجرب کارگردم و قیلا در افغان فلم مشاوره میدادند - شتم از او نیز تجارسی اندوخته ام .

- پس اولین کار سینمایی تان کدام است ؟ - اولین کار سینمایی فلم رنگ افغانی بنام فرار است که انجمن لطیف مرا زیاد کمک کرد .

- کدام فلم های دیگر سینمایی را کار کرده اید ؟ - اکثر فلم های رنگ سینمایی را فلمبرداری کرده ام مانند مرد هاره قول اس و صبور سباز

گشنیز

گشنیز را اگر روی زخم های جلدی بگذارید از شدت حرا - رت آن میکاهد . و باعث التیام آن میشود . کوبیده تخم گشنیز با نمک و مبع حافظ گوشت و - سالن و سایر قدا ها در برابر عفونت است . با تخم باید گفته شود که گشنیز با همه این خصوصیات اگر زیاد خورده شود باعث سمومیت و گنگسی میگردد . هرگز در خوردن آن زیاده روی نکنید ، اگر در اثر خوردن آن مسموم شدید به هر نوعی که شده استفسار کرده و بعد مقدار تخم مرغ را در شهر حل نماید و صرف کنید برگ گشنیز مسومیت کتر دارد .

بهم از صفحه ۷۲

گشنیز

گشنیز تفویده کننده قلب و مغز میباشد ، عرقان را از بدن میبرد و تشویه را کم میسازد . - بهترین دوا برای امراض معدی و قولنج است و جوهر گشنیز از راه ادرار دفع میشود و مجرای آن را ضد عفونی میکند و زخم سوزاک و سایر زخم های مجاری ادرار را درمان مینماید برای معالجه اسهال خونی که با دوا های دیگر معالجه نشود بهترین دوا آب گشنیز است که به آن

شمره گشنیز هم میگویند و شمره گشنیز که از خوردن ساقه و برگ آن به دست می آید دارای انواع ویتامین ها بوده و سود آن از تخم و خود گشنیز زیادتر است . دود کردن تخم گشنیز مجرای تنفس را ضد عفونی میسازد و سردردی را تسکین میدهد و زخم های جلدی و بواسیر را درمان میکند . برای کسانی که نسبت به آن حساسیت دارند خوب نیست برگ گشنیز ممکن التهاب صفرا و معده بوده و تشنگی را بر طرف میکند . کسی که عطشی کاذب دارد میتواند از حسن خاصیت استفاده نماید . برگ

عمری لرورسی زیات شویدي
د اد خلقت د جیو رازولـ
خځه یواز دې
د فضا بوله (سرحد) چیري
دې ؟

زمونیز سسټرې

پاتې له (۱۰) مخ کې

که یوه سفینه د نورو په
سرعت حرکت وکړي (باید پوه
شوچې هېڅ یو جسم له اجرامو
خځه د دې وسټلري چې د نورو
په سرعت حرکت وکړي حرکت
په هغه صورت کې تجربـ
کوي اوسای په لور بدل شي)
یوازې دوه سوه کاله لانج دې
چې وکولای شي له عمک خځه
مان د شمسی نظام سرحد ته
ورسي او دغه شمسی نظام له
لر او ستورو قرونو او میلیاردي
اجرامو سره د هغه کهکشان
یوه برخه ده چې منځی یوه
برخه هرښه د انسان په
پراخه غټې کې د شید په رڼک
وینو

د یوه لږ نورې نورې دورې ن
په واسطه لیدلې زون خځه
پولسیون نورې کاله واټن لري.
په بل عبارت دغه کهکشان
زون د لیدنې د نظره د فضا
په سرحد کې واقع دې پرداسی
حال کې چې پوهنیز وفضاحـ
او زون ته لري او د هغه کهکشان
ترشا نور کهکشانونه هم وجو د
لري.
باید پوهنیز چې زموږ
کهکشان د خلویتو ملبار د
حدود وکی ستوري لري چې
زون د لرغون پراخوې او دا
سی محاسبه شوي چې د دغو
خلویتو ملبار د ستورونو ۱۶۰
ملبار لږ لږ له لر خځه زیات
دې اوسیا هم باید پوهنیز چې
زون کهکشان د ژوندې د تنځي
په شان په خپل شاوخوا اخرن
او د هري خرځیدنې وخت
دوه سوه ملیونه نورې کاله دې
اما د تود و ستورو وځه چې
د دغو کهکشانونو کوسی دې
داسی وه

او دغه کهکشان له خپلو
ملبار د ولسو ستورو سره د هغو
زرگونو کهکشانونو له دې خځه
دې چې په یی باید نورې کس
په سرعت سره په حرکت کې دې
شمسی نظام ته تر یو لویږدې
کهکشان ۸۰۰ زره نورې کاله
زون سره واټن لري او تر یو لوی
لوري کهکشان چې پشـ

پاتې پورتنی لنډې پاشا
ري بریږي چې پوهنیز و پلټو
نکی او پوهنیز انسان د دغه
پراخې نري په لوري والی کس
خپره قدر لري.
زون د ملکی کړه د نرسې
د عظمت په وړاندې حتی د لگر
د ونود هغو زونو هم کوچن
ده چې منځی د لمر په رڼا
کې په کوزه کې وینو. اما دغه
کوچنې او گړه لکه د انسان
لرونکی ده او انسان د ملبار لور
نکی ۰۰ مافزه د ژوند تر یو لوی
حیاتی بد پدې ده او دغه
بد پدې کولای شي ستونزې
او مجهول شیان کشف کړي
هغس چې کشف کړي هغس
هم دې
ایا زون نري په لوی کوسو په
کهکشان کې انسان وجود لري.

هر ستوري په پیل کې د یو
لوي دې په مخصوص لږ وړن
سره ، بعدغه وخت کې یو
رنگ سوري ، ستوري وروږ و
تغییب کوي او وزارت یی
زیاتوي هرڅومره چې انقبـ
غز یا تنځي او د ستوري مخصوص
وخت لږ پوهنیز رنگ یی هم
تغییر کوي ، یعنی لمره نه
وړسته ، روښانه سور وړسته
سپین ته ژدې زېر او پاشین
شی . او دې وخت کې یی
حرارت خپل وړستی حد ته
رسنځي او پورته د ستوري رنگ
زېر ، روښانه سور ، تنځي
ترڅو سره رنگ ته ورسې او پاش
سور شي .
زون لمر او سرد توریجن
سرورنگ په حال کې دې او
د سرد و خواته یی چې البته
دغه دوران ملیونه کلونه
په مرکب نیس .
پلټونکی او پوهنیز انسان

ولی وجود لري ؟
ځنگل ماکان لري داسې پوهنیز یی
یی لور تر لږ ۲۵ فیصد نه عمک غو
نډی شرا پلورې متکرر موجودات
وجود وپلټوي .
ولی پشردنیزه مان فوټونو کس
و چې تصویر یی کاوه هرڅه
دده له پاره دې اوهغه
څه چې پاتې دې دده د وځو
په اختیلاو په خاطر اینډول
شویدي امان یوه شوې څه
پاتې په (۸۲) مخ کې

بقیه از صفحه (۲۰)
تندرستی
بگدا رد یا نهضت خانم و
د دخترش هغس پاننده را اگر
پهیند هفتاد سلطه بعد
باز هم دروازه ان خانم صق آلیاب
میفود و همان واننده مایه و
میگفت که او و سایل را که گویا
کس توسط مو ترا و روده است
گهر او زده و باید کسی از خانه
انها به دفتر پولیس مراجعه
کند به این ترتیب خانم و
د دختر جوان ان مرد نظیر و د
س موده ، ما این قضیه را هفتاد
م اما نفس این حادثه متواتر
هعداری باید به خانواده ها
که از هر نوع نسانی گسری و
احقاد به در دمان اجتناب ورزند

صفا، صفا...
بقیه از صفحه (۵۱)
از نیا یی پاس میشود ، که به
نظر من در این مورد مثال ها
زیاد است و من نمیخواهم پاس
کسی طرف قرار بگیرم مگر تقاضا
از کمیسیون اینست که کسی
پاسوریت قضاوت نمایند
و بگذارند که انگهای یی سر
وی لی اجازه نشر یابند (۱)
آزودارم . فرید صمبها
صمیمیتی کبه موسیقی دارند
عشق بیشتر پوزند و انگهای
خوبتری به هنر و ستان
مرضه بدارند



ملیونا

پاتې له (۲۴) مخ کې
په افغانستان ...
د داکتر راپرت هاجمین
په مقدمه ، چې په دغو نوم
یی یو کار پوه دې له شپږ
وخت کلو راپه دخوا د لور
په پیل دې چې یو تیک له
اسانه را لویږي . دغه اسان
نویسک یی له شکه له مینځ
غځه راغلی او علوه یی لور
پاتې سوه کاله عمر لري .

بقیه از صفحه (۵۰)
متن ان خپلی آرام انجام میگیرد
برده باری و تحمل اعظمی در
سنین ۲۰ سالگی د پده میشود
کبهد از تکمیل ۲۰ سالگی
این خصوصیت انسان کاهش
می یابد ولی خپلی کم ا نمیکند
در سالی

عشق و عشق

بیت از سینه (۲۱)

به طرز عجیب بد شد . آیا سرما خورد و سرد ؟
پاشاید به خاطر استفاد ما ز ظروف فلزی آشپز
خانه ؛ سسج شد بود . با کتری که با -
لاسرش آمده بود ، فقط خندید و گفت : که
مسلمان تشنجی عجیبی بود . چون حال
زن جوان وخیم بود ، شاید هم کافند
دیواری ها آرسنیک داشت . گوشتاف
تکه ای از کافند دیواری را پیش پیک
کمیاد آن برد و از او خواست که آن را در قفسه
آزمایش کند . گزارش کمیاد آن حاکی از آن
بود که کافند دیواری ها حاوی هیچ ماده
مضری نیست .

درد همسر گوشتاف کاهش نیافت . به
همین دلیل هم خود گوشتاف شروع به
تحقیق کرد . که مطالعاتش در کتاب
طبی منجم با طینانیس نسبت به
نوع بیماری همسرش شد . بعد همسرش
را با پاپ گن باشویی می کرد و یک ماه بعد
افلام کردند که حالش کاملاً رضایتبخش
است .

و این خیلی ناگهانی بود ، یعنی
انتظار نداشتند به این زودی باشکند .
با این حال چقدر ریو ریو در شدن شوهر
بود مسلماً چه پس بود . شکی در این نحوه
فقط باید فکری راجع به امش می کردند .
در این میان لوئیزا شوهرش را کنار کشید
و به او یاد آوری کرد که از بوقی که با هم
از دواج کرده اند ، درآمدی غیر از حقوق
قشند داشته است و چنان که پیدا است
اصلاً کفاف زندگیشان را نمی دهد خوب
درست است . آنها تا آن موقع تا اندازی
در رفاه زندگی کرده بودند و حالا باید
روشان را تضرع می دادند و بعد دیگر
همه چیز مطابق میلشان می شد .

روز بعد گوشتاف به دیدن دوستی
که وکیل بود رفت و از او خواهرش کرد که
سندی را برایش نوشته کند ، و برایش
توضیح داد که می خواهد با آن ، پولی را
که احتیاج دارد قرض کند و برخی از مخارج
اجتناب ناید بپردازد . این نزد یک
تامین کند .

و دوست وکیل او هم تصدیق کنان
گفت : (پولی از دواج و راه انداختن امور
خانواده ، مشغله پرخرجی است . خود
من که تا حالا نتوانسته ام از همه اش سر
بیاورم)

گوشتاف از درخواستی که کرده بود -
حیالیت کشید و وقتی دست خالی به
خانه برتست ، به او خبر دادند که در دلت
بیگانه به در خانه اش آمده بودند و سراغ او را
می گرفتند .

گوشتاف هم فکر کرد محتاجند تا
از دوستانش افسران نظامی بپوشد
ایه آمد بود نه ؛ ولی گفتند : (نه اینها می توانستند
افسر باشند) . و او گفت : (او پس حتماً
از دوستان سابق در پسا آمده اند) -
(شاید شنیده اند که از دواج کرده ام و
آمده اند مرا ببینند) . فقط مستخدم
بود کاپرانها گفت : (نه آنها پسا لا پس
نمودند ، استکملی بودند و -
دستهاشان بود . گوشتاف گفت : (-

گوشتاف دیگر برای به دست آوردن -
بول راحتی نداشت . اکنون خوار بار فروش
مردی که اسب کرایه میداد ، نسیه میدادند
چون آنها هم می خواستند به زن و بچه ها
پشان نان بدهند .

و بالاخره روزی که فرامی رسد . گوشتاف -
ف مجبور است اجرت پرستار همسرش را تامین
کند و وقتی دختر نوزادش در مجلسی
است ، صدایش می زند تا طلبکارها پیش
را آرام کند . صدایشهای جدید خیلی
برایش سنگین است و تقریباً زرفسار
از یاد آورده است . درست است که او موفق
شده سفارش ترجمه بگیرد . اما چگونه می -
تواند وقتی هر لحظه باید دنبال کاری برود
ترجمه کند . به این حال وضع است که
او به بد رزیش متصل میشود . پیوسرود
بمسردی او را بد برامینود می گوید : (این
بار به تو کمک می کم ، اما فقط یک بار چون
درآمد خود من به زور کفاف زندگی ام را می
دهد . و تو هم بچه من نیستی) گوشتاف
ف باید برای مادری که غدا اهای لذت
کباب مواد گرانقیمت تهیه کند باید اجرت
پرستار را نیز بدهد .

خوشبختانه همسرش بزودی روی دیو -
پش ایستاده مثل دختر بی بار یک و قلمسی
میشود . رنگ پریشی چهره اش جای
خود را بمسرخ می دهد . اما پدر لوئیزا
به طور جدی با دادمان صحبت میکند .

(لطف کنید و دیگر بچه دار نشوید -
مگر اینکه بخواهید بد بخت بشوید) . خا -
نواده کوچک گوشتاف همچنان برای مدت
کوتاه د بگری به زندگی خوش بر پایه عشق
قرضهای روز افزون ، ادامه داد . اما
بالاخره یک روز روشنگری در خانه شان را
به صد آورید . خبر دادند که اسباب
و اثاث منزلشان توقیف شده است و بعد
پیوسرود آمد و لوئیزا را چه اش بر آورد . وقتی
انها با گادی می رفتند پیوسرود با اسرگی
فکر کرد دخترش را به جوانی داده که حالا
پس از یک سال با بی ابروی بی فرستاده -
است . البته لوئیزا حاضر بود با کمال میل
بمب گوشتاف بماند ؛ اما چیزی برایشان
باقی نمانده بود تا با آن زندگی کند و -
انها گوشتاف را در حالی که مامورین ضبط
اموال چوب بدست گذاشتند ابارتانشرا
از قبل و تخت خواب و ظروف سفالی و قاشق و سنج
و ظروف آشپزخانه خالی می کردند . نگاه
می کرد ، پشت سرگردانند و رفتند تا اینکه
ابارتانی خالی خالی شد .

اینک زندگی واقعی گوشتاف شروع شده
بود گوشتاف موفق شد شغلی به عنوان
مصحح در روزنامه صبح برای خودش بدست
ویا کند . به همین دلیل هم مجبور بود
هر شب چند ساعتی را بابت میزبانی کار کند .
و چون در واقع روشنگری او را اعلام نکرده
بودند ، اجازه داشت مقامش را هم در اد -
ره دولتی حفظ کند . اگر چه دیگر نمی توان
نست امیدی به ترفیع داشته باشد ، بعدر
زنش موافقت کرده بود که او روزهای یکشنبه
بقیه در صفحه (۸۵)

عجیب است . خیلی عجیب است . (اما
بی شک آنها برمی گشتند .
دیواری شوهر جوان برای خرید پیوسر
رفت و توت زمینی به قیمت ارزان خریده
و سپس پیوسرود آن به همسرش گرفت ؛
(فکرش را بکن ، توت زمینی خریدیم یک
کرون و نیم ، آن هم این موقع سال) .
همسرش گفت : (آه ، اما گوشتاف
منم ، مای توانم از این مخارج چیزها
بر آیم) .
(هم نیست ، قیلاً برنامه اش را
ریخته ام ، کمی اضافه کاری می کم) .
(اما قرضها بمان چه ؟)
(قرضها ؟ چطور مگر ؟ یک وام کلان
می گیرم و همه را یک جاسی دم) .
لوئیزا اعتراض کنان گفت : (آه ، اما
مگر خود این هم یک قرضد بگرنیست) .
(خوب باشد ، مهم نیست . می دانسی
که خودش یک مهلت دیواری است -
اصلاً چرا ما راجع به این چیزها بحث
می کم ؟ چه توت زمینی است ؟)
آن روز لوئیزا وقتی بی از خواب بعد از
ظهور بیداری میل ، بیدار شد ، از اینکه
دیواری می خواست راجع به موضوع قس -
ضها پیشان صحبت کند ، از شوهرش بماند
ت خواست گفت : که باید از راست شوهرش
از چیزهای کارسجور است بگوید ، صعبانی
نشود . صعبانی ؟ نه ، البته که نمیشود .
اما موضوع چیست ؟ آیا پولی برای خرج -
خانه می خواهد ؟
لوئیزا گفت : (هنوز پول خوارسار
را نداده ام ، قصاب مارا تهدید میکند
و آن مرد هم که اسب کرایه می دهد اضرار
دارد که حسابان را تصفیه کنم) .
و گوشتاف گفت : (همین ؟ همه را فردا
یک جا تا تران آخرش می دم ، اصلاً بیجا
به یک چیز دیگر فکر کم ، دوست داری
با گادی بیوم بارک ؟ چه ؟ بهتر
است با گادی بیوم . خیلی خوب تر است
اما هم هست ، بر با ترا میوسرود) .
و به بارک رفتند و در اتاق خصوصی رستوران
شام خوردند . ضمن اینکه سرگرمی خوبی
هم بود . چون آنها می در سالن عمومی
رستوران غذا می خوردند . فکر کردند که
آن دو عاشق و معشوق شاد و پر نشاط هستند
و این فکر باعث تفریح گوشتاف شد ؛ اما
لوئیزا افسرده بود . به خصوصی و قسیمی
صورت حساب فزاد بد . چون پسا آن
پول می توانستند در خانه فدای بیشتر
بخورند .
چند ماه گذشت و حالا بانه تدارک
واقعی ، تهیه همواره ، لباس بچه و غیره

از کجا فرا گرفته ای و آستادان تو کسی بودند که تو را این چنین پروراندند؟ گفتم من چند استاد در ماوراء النهر داشتم ولی بزرگترین استاد من قرآن بود من قرآن را خواندم و حفظ کردم ولی نه آن طور که دیگران میخوانند و حفظ میکنند. من هنگام خواندن و حفظ کردن قرآن کوشیدم که از هیچ آیه نفهمیده نگذرم و معنای تمام آیات قرآن را درالکتب امام اعظم گفتم. ای امیر بزرگوار آیا ممکن است مرا بشاگردی خود بپذیری و بمن تعلیم بدی؟ گفتم من فرصت تعلیم ندارم و زندگی من تا پایان عمر زندگی یک مرد جنگی است و من وقت ندارم در جنگها خواهد گذشت اما اعظم گفت افسوس که تو فرصت نداری مرا تعلیم بدی و گرنه من با کمال خشنودی شاگردی تو را می پذیرفتم.



همه دستار بر سر داشتند که سر پویش عمومی سکنه شهرهای خراسان است آن عده ه مقابل اسب من توقف کردند و یکی از آنها که ریش سفید بود با صدای بلند شروع به خواندن شعر کرد و اشعار پدیدین مضمون خواند " ای امیری که خورشید و ماه و فلک در اختیار تو است و جز با اراده تو گردش نمیکنند قدم تیره بشوید مبارک باد و ما سکنه مکه این شهر تا آنجا که توانائی داشته باشیم ازین برای تو گوازی می کنیم."

وقتی که اشعارش تمام شد از وی پرسیدم امیر این شهر رکوست آن مرد گفت این شهر را امیر ندارد گفتم چگونه ممکن است شهری امیر نداشته باشد بدون امیر چگونه امنیت و این شهر حفظ میشود و احکام شرع و عرف را کجا اجرا میکند؟ امیر بزرگوار مادر این شهر امیر ندارد هم و احکام شرع و عرف را خود مان اجرا میکنم گفتم من وضعت چیز شما را شنیده بودم ولی تصور نمی کردم که بشوید امیر و حاکم نداشته باشید با وجود آن مرد گفت ای امیر بزرگوار برای اینکه بدانی شهر ما امیر و حاکم ندارد خوب است قدم رتبه نمائی رو برد شهر شوی و وضع شهر ما را ببینی.

در آن موقع به یک کارگاه نماجی رسیدم و دیدم که درون کارگاه چهار نفر مشغول پارچه بافتن هستند " حسین بن اسحق" گفت ای امیر هرگز هاشی که مردم این شهر جمع آورسی نمایند صرف بافتن این پارچه کرکی که مو سوم به برك است می شود. آنگاه دستور داد که طاقه از آن پارچه را برای من آورند تا ببینم و پارچه مزبور که با کرک بافته می شد از پارچه های ابریشمین چین که بخصوص در سرسره قند فراوان است نرم تر و لطیف تر بود و من تا آن روز پارچه ای بان لطافت و نرمی ندیده بودم از " حسین بن اسحق" پرسیدم که بهای یک طاقه از این پارچه چقدر است جواب داد نیم دینار. بهای پارچه بسیار ارزان بود و هنگامیکه خواستم از کارگاه هاج شوم دست در جیب کردم که بهر یک از نماجان که در آنجا

غزیت به جنوب خراسان

من می دانستم که زور مند ترین حریف من در خراسان " علی - سوف الدین مویذ" امیر سبزواری بود که به قتل رسید. بعد از وی در خاک خراسان کسی وجود نداشت که آن اندازه قدرت داشته باشد که در جنوب خراسان چند امیر بودند که هر کدام یک متشون داشتند و من می خواستم آن ها را نیز مطیع خود کنم من میدانستم که خبر قتل عام سکنه سبزواری و بران شدن آن شهر با اطلاع تمام شهرهای خراسان رسیده و اموای آن سرزمین حساب کار خود را کرده اند معینا بهتر این بود که از جنوب خراسان اطلاع حاصل نمایم. چند روز بعد نزدیک شهر پشور - ریه رسیدم که می گفتم تمام سکنه آن دان نشنند هستند همینکه سواد شهر نمایان شد دیدم که عده ای پهاد بسوی من می آیند و معلوم شد که از سکنه شهر هستند من حدس زدم که آنان از بزرگان شهر می باشند و آمدند تا ما را مورد استقبال قرار دهند.

ولی وقتی بنزدیک من رسیدند مشاهده نمودم که همه از نوع روستائیان می باشند و جامه همه آنها کرباسی است و چون هوا خنک سرد شده بود قباضی از پشم روی آن پوشیده اند تمام جامه ها آبسی و تمام قباها خاکستری بود و گوشتی که در شهر آنها غیر از کرباسی این رنگ و پارچه پشمین خاکستری پارچه دیگر وجود نداشت

کار میکردند چند - که زود بهم ولسی همد یک از آنها عطیه مرا نذر رفتند و گفتند ای امیر بزرگوار دیدار جمال تو ما را کافی است و ما پانجه از راه کار بدست می آوریم قانع هستیم بهش از آن احتیاج نداریم.

از کارگاه خارج شدم و بعد از طی ده قدم به یک دکان بقالی رسیدم و مشاهده کردم که زنی مشغول خریدن چیزی است و مرد بقال قبل از این که دست چترازد - بهر دگت "هل للمطقتین الفرح اذا کانت لوجهی الناس یستوفون" من از شنیدن کلام مزبور که آیات سوره "المطقتین" در قرآن بود متعجب شدم چون انتظار نداشتم که آن مرد بقال قرآن بداند و آیات گفتم ای نیک مرد ه آنها که در کودکی آموزگار من بودند نمیتوانستند مثل تو و باین خوبی قرآن را مخفی کنند ولی تسو برای چه در این موقع این آیات را بخواندی بقال گفت ای امیر الامراء هر وقت که من بخوام دست چترازد بهم این آیات را میخوانم تا این که خدا را ناظر بدانم و کم نفروشم.

من با اتفاق شیخ از خانه خارج شدم و مشاهده نمودم که دکاندارها جامه خود را عوضی کنند و هر کسی که جامه را عوضی کرد و لباس بهتری پوشید را مسجد را پیش میگرفت بدین این که در دکان خود را ببندد زیرا در شهر پشور - ریه سارق وجود نداشت تا این که کسی از سرقت اجناس دکان خود بهم داشته باشد.

از یک دکاندار که جامه پوشیده و از تن کان خود خارج می شد تا مسجد بروم پرسیدم برای چه جامه خود را عوض کردی و او به رنگ این آیه از قرآن را که یکی از آیات سوره اعراب است برای من خواند " یا نبی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلووا و امر بولایته و انه لا یحب العریة فی" به " شیخ حسین بن اسحق" گفتم من تا امروز هرگز ندیده ام که " حافظ قرآن" هستم و اینک می بینم که تمام سکنه این شهر " حافظ القرآن" هستند بعد از آن مرد پرسیدم آیا معنای این آیه را میدانی؟ او گفت خداوند میگوید " ای فرزندان آدم هنگامی که من خواهم عهد عبادت کنید زینت خود را مسود بپوشید و بنوشید اما اسراف نکنید زیرا خداوند کسانی را که اسراف می کنند دوست ندارد."

یوگا

۲- بلند شوید و به حالت اولی برگردید • دستها را
تکان دهید و استراحت کنید •
هدف عمده :

سینه • بازوها و شانه را تقویت مینماید •

- ۲ -

فوتوی شماره (۳۷)



فصل هفدهم

تمرینات زیبایی اندام برای تمام بدن

در سلسله تمرینات فیزیکی یوگا تمرینات بسیار موثر و مفیدی برای زیبایی اندام وجود دارد که زیبایی اندام را به سطح خیلی عالی تاء مینماید • برای هر قسمت بدن یک یا چند تمرین وجود دارد و آن چه که در زمینه مورد توجه بیشتر قرار میگیرد این است که هر پوز به صورت کل بالای تمام قسمت های بدن اثر میگذارد درست مانند فیته را بری که با وارد ساختن قوه در یک طرف آن تمام قسمت های آن به اهتزاز در میاید • بنابراین یک پوز شاید بالای یک قسمت مشخص بدن متمرکز باشد ولی تاء ثیر آن را بالای تمام قسمت های بدن نمیتوان نسا دیده گرفت • درین فصل تمریناتی پیشکش میگردد که در تقویت و زیبایی اندام شما از سرتابه پا کنگ شایانی خواهد کرد •

تمرین قسمت علیای بدن

هدایات :

- ۱- بالای دستها و زانوهای تان اتکا کنید طوری که دستهای تان در حدود دو انج بیشتر از عرض شانه ها از هم فاصله داشته باشد •
- ۲- ساقهای پاها صوری قرار داشته باشد که در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع نمایند • طوری به پیشرو خم شوید که وزن بدن تان بالای زانوهای تان قرار داشته باشد • تنفس کنید •
- ۳- نفس بیرون بکشید • کمرو سر را راست نگه دارید و آهسته آهسته بدن تان را به طرف پایین بیاورید • و این حالت آرنجهای تان باید به طرف بیرون قرار داشته باشد •

- ۴- هنگامیکه بدن تان نموی از ارتفاع قبلی بدن وسط فرس رسیده • این حالت را برای (۱۰) ثانیه حفظ کنید • نگذارید که قسمت بالای تنه تان بر سطح فرس تماس کند •
- ۵- بصورت کل یکبار بر سطح فرس بچسبید • حالات شمارش چهار استراحت کنید •
- ۶- نفس بکشید • بدن را با فشار بر فرس بچسبانید و بعد تا نیم ارتفاع قبلی بر خیزید • این حالت را باز هم تا (۱۰) ثانیه نگه دارید •

تبصره :

صعی کنید در جریان اجرای این تمرین کمرو را صت نگه دارید •

تمرین خرد ساختن بطن

هدایات :

- ۱- پشت بر زمین هموار دراز بکشید و هوله را زیر قسمت سفلی کمرتان قرار دهید • دستهای تان را در حالیکه انگشتان تان با هم بسته باشند زیر سیر قرار دهید •
- ۲- ساقهای تان در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع کنید • زانو ها را فات و پاها را بلند کنید • قسمت سفلی کمر را خوب بر فرس بچسبانید • تنفس کنید •
- ۳- نفس بکشید و درین زمان قسمت علیای تنه و لگن خاصره را از فرس بلند کنید طوری که آرنجهای تان به زانوهای تان بچسبید •
- ۴- تنفس عمیق اجرا کنید و این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید •
- ۵- آهسته آهسته به حالت اول برگردید و استراحت کنید •

هفت سال...

سالم شاه به خاطر فکستوری چندمهره متون فقرات و فلج قسم هر دو را که از کم برای یکسال در هفاخانه داخل بستری ماند.

یکسال هفاخانه هم صوری شد اما سالم شاه چیزی را که از دست داده بود به دست آورد نتوانست.

سالم شاه مدتهای را در چکوسلواکیا و هندوستان نیز به خاطر تداوی خود (به پول شخصی) سرگردان هفاخانه ها بود اما او که هم اکنون نیز در هفاخانه ویزاگرخان تحت تداوی منظم قرار دارد در وجود او از دل شکسته گی و ناامیدی چیزی وجود ندارد.

در سال ۱۳۶۰ از دواج نموده و خان سردار در روزها روی منزلش می براید و آنجا که درستان نورمحمد در فغان و آب خانوادها مختصرش راتحیه میکند از زنده گی شکایت ندارد و به روی همه تأییدات امیدوارانه لبخند میزند.

در اوقات فراغت به افکار راحت و همت بلند به کورس لسان انگلیسی میبرد و میسازد هنوز جوانه این آرزو را و هست که باردیگر جهت تداوی بد خاچ از کشور برود.

که بزودی زینت بخش سینه این ورزشکار افغانی خواهد شد.

دیگر به شروع مسابقه صرف پوست و چهار ساعت با قفس مانده است.

روز و شنبه دو بار در هم در لوگو بود و عقربه های ساعت دو باره ظاهر نشان میدادند و ناگهانی در مورد سلم شاه مسافرت و اشتراک در مسابقه همه چیز در گریب شد.

در محل تهرین (کمیته ملی-المهملک) ناگهان سرور صدای عجیبی به راه افتاد که همه از یکدیگر میپرسیدند: سلم شاه؟ آیا زیاد افکار شده است؟

تعدادی از حاضرین به سوی سلم شاه که در وسط میدان بهوش افتاده بود و تعدادی دیگر نیز دستهاچامه اینصورت نمودند و دیدند...

باید اکثر اخبار کرم...

باید او را به هفاخانه برسانند سلم شاه سلم شاه...

جرات برانگنده بی به هم می میختند هر کس چیزی میگفت و کسی که از گفتن مانده بود سلم شاه بود...

داکترهای معالج در اتساقی کفرانس در حالیکه به عکسهای بیمارشان اشاره میکردند نظرتهای شان را راپه کردند: در اثر ضربه وارد درجه شان تهرینات صوری و ورزشکار ر

ایطمان کمان چیست؟

اموزان مقایسه کردند ۱۰ آنها در هزار باره نمره کثرتی آورده بودند (۰ یا کمتر) ولی در امتحانات مکتب نمرات خوبی داشتند اعضای یکی از این دو گروه رابه طور تصادفی انتخاب کرده بودند و گروه دیگر از لحاظ نسبت مطابق با گروه مورد بررسی بود. در مورد اینکه چرا تعداد پسرهایسی که استعداد فوق العاده از خود نشان میدهند پیش از ختران است و پاپسی و گلشنین معتقدند که پسرهاد ریاض به شتهای کفران محدود دارند نتیجه بهتری نشان میدهند. آنها به تحقیقی دیگر از بعضی محققان اشاره می کنند که دختران در شتهای که زمان در آنها دخالت نداشته باشد نتایج مشابهی بزران به دست آورده اند. این دو محقق در پایان اظهار می دارند:

(وابستگی دختران بزمان، بسا که نتیجه تأثیرات ناشناخته خانوادگی و مدرسه ای باشد.)

به گفته وایلی و گلشنین امید از دانش آموزان هر گروه چند ست بودند و در صد چند ستی در بین پسران هر گروه ۱۶ نفر بود. تحقیقات نشان می دهند که به طور کلی ۱۵ نیمی از چه ها و نوجوانان چند ست هستند. ولی چند ستی ثابت که تا بزرگسالی ادامه پیدا کند حدود هفت نیمی است.

یک سوم دانش آموزان گروه مورد بررسی و گروههای مقایسه آزری یا کم داشتند معنی این آمار چندان روشن نیست. چون آماری از نیمی کسانی که در کل جامعه آزری دارند در دست نیست.

پاراست دست و مثلاً اسباب بازی را بسا دست راست میگیرند یا چپ؟ بدینوسیله میتوان از میزان صحت یا نادرستی نتیجه گیریهای مزبور آگاهی به دست آورد و بالاخر احتمالاً تا بیدای قطعی بر نظر به وراثتی بودن چپ دستی پاراست دستی در اختیار و داشت.

چند سال پیش تحقیقی در مورد موفقیتهای تحصیلی عالی به عمل آمد و چنین موفقیتهایی در نوجوانان ۱۲ و ۱۳ ساله یاد نشان ببولیونیک مرتبط شناخته شد: یکی چپ دستی بودن و دیگری الیونها. محققین این فرضیه را مطرح کردند که اگر چنین پیش از آنکه در مدرسه هر دو مردانه تستوسترون Testosterone قرار گیرد یا نسبت به آن حساس باشد، این نشانه های ببولیونیک در او تشدید و تثبیت میشود و در پسر ها به استعداد ریاضی و زبانی زود رس می انجامد ولی تحقیق دیگری که به تازگی انجام شد معلوم شد که در نوجوانان ۱۲ ساله با موفقیتهای فوق العاده، چند ستی یا الیونها پیش از نوجوانان همان آنها که موفقیتهای تحصیلی نیز دارند نیست.

جنیفر وایلی (Jennifer Wiley) و دیوید گلشنین (D. Gold) از دانشگاه استاتین (Stein) در کلدرد در هام ۱۶ محصل (۱۹ پسر و ۲۷ دختر) را که استعداد فوق العاده از خود نشان داده بودند (در آزمای ریاضی نمره ۷۰۰ آورده و در آزمای استعداد زبانی لااقل ۶۳۰ آورده بودند) با دیگر گروه به همین تعداد و همین سن از اینسن

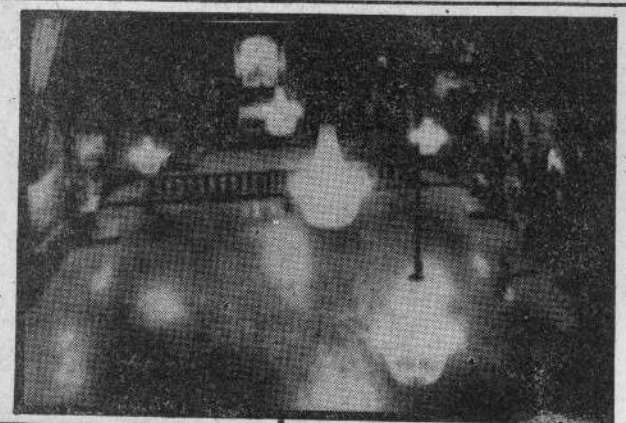
(ماوریا صورت) ایجابات یا نگرانیهای بسیار ری اندران واداران بر طرف شده است. پاشیوه (سونوگرافی) میتران فهمید که جنین پسر است یا دختر اما جالب توجه اینکه با همین شیوه ممکن است چپ دستی بودن یا راست دستی بودن بچه را نیز حدس زد.

پهتر هپر (P.G. Hepper) روانشنا- میزاد انشگاه کویینز (در نیویارک) و همکارانش ۲۶۶ جنین را سونوگرافی کردند و متوجه شدند که ۱۶۸ نیمی از آنها انگشت شصت دست راستشان را می میکنند فقط ۱۲ جنین با ۱/۱ فهمید از آنها انگشت دست چپ خود را می میکنند. به گفته هپر (ما شواهد روشنی در مورد چپ دستی پاراست دستی جنین به دست آورده ایم) وی می افزاید که این نتایج بر نظریه وراثتی بودن چپ دستی نسبت به نظریه اکسایشی بودن آن تأکید بیشتری میکند زیرا نظریه دیگری هم وجود دارد و آن این است که طفل به دست پدر یا مادر نگاه میکند و کار کردن با دست چپ پاراست را فرا می گیرد. اگر تجربیات منور را قاعد لالت بر چپ دستی پاراست دستی بچه هادر بر- هم داشته باشند، این نظریه (آموزش اکسایشی چپ دستی) قطعاً رد میشود. جنینهای چپ دستی بعد از تولد و در دوران نوزادی بیشتر سرشان را به سمت چپ بر میگردانند و گفته هپر این یکی از علائم اولیه چپ دستی است. محققان مزبور در صدند تا وضعیت بچه های آزمای شده را تعقیب کنند تا ببینند که آنها در آینده چپ دستی میشوند یا راست دستی.

شاهزاده کوکان در هفاخانه نوزادی سر همایشان را به سوی چپ میگردانند که این یکی از نشانه های چپ دستی است.

تحقیقات نشان میدهند که به طور کلی نیمی از کودکان و نوجوانان چپ دست هستند. ولی (چپ دستی ثابت) که تا بزرگسالی هم ادامه پیدا کند تنها حدود هفت نیمی است. چپ دستیهای چپ دست پس از تولد و در دوران نوزادی، بیشتر سرشان را به سمت چپ بر میگردانند که به گفته دانشمندان این یکی از علائم اولیه چپ دستی است. برای بچه ای که فراراست به دنیا بیاید چه لباسی تهیه کنیم؟ دخترانکه با پسرانه؟ امروز با امواج صوتی غیر متسوع

چپ دستی و استعداد فوق العاده با هم رابطه دارند.



آزاد یاد به عمل آمد چنانچه در سال ۱۹۲۵ هشت صد هزارتن از آن دیدن کردند. از قرن سیزدهم تا قرن بیستم هنگامیکه استعداد مارمکن مذکور صورت گرفته، همه اش بر مبنای میتودهای استفاده از تعداد استوار بوده است. به این ترتیب مقدار نیمی حاصله از آن در جریان هفتصد سال به بیست و پنج میلیون رسید. به هر حال از بخش معدن کهن که توجه تورستها

زیرزمینی آن بیابانزنده گسی منوی عقاید رسوم و عفته های مردم آن میباشند از همین سبب متخصصان یونکو در سال ۱۹۲۰ معدن کهن کوپرا در لست انتخارات کلتوری جهان شامل ساختند. باید گفت که تا چند سال اول جهانی بیشتر دانشمندان و هنرمندان از آن دیدن میکردند بعد از جنگ دوم جهانی در تعداد تورستها که به خاطر دیدن معدن مذکور می آمدند

در اینجا وجود دارد البته در اروپا دیگر ساحه ای وجود ندارد که از نظر موجودیت سامان آلات چنین غنی باشد. یکی از گرانیهاترین آنها وسیله ای است که به قرن هفدهم مربوط میشود و وسایل کدن کاری چرافعا و وسایل ترانسپورتی و قهره خیلی دلچسپهاست. معدن ویلزسکا از نظر هنری نیز غنای لازم را دارد. این معنی که عباد نگاه دلچسپ می باشد. این معدن توجه تورستها را به خود جلب کرده و حتی در اروپا از جمله کهنترین معادن به شمار می آید. از قرن سیزدهم میلادی به این سوا معدن مذکور استفاده به عمل آمده است. معدن مذکور حاوی یک کیلوگرم تاریخچه معادن پولند است. وسایل و سامان آلات ابتدایی تمدن که برای استفا- ده از معادن به کاربرد میشوند

معدن کهن

در پولند ناحیه ای که بنا به نظر محققان یاد می شود دارای معدن کهن است که از نظر تاریخی خیلی

آریا پامیر لمتد

یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

در فاقر و منازل شما همیشه ترمی افزاید.

اگر میخواهید اتاق های نماز از زیبایی خاص بخشیده آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پابر تیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنک وات منزل اول آریا ناماگیت تیفون ۲۳۷۴۷



فروشگاه جواد

این فروشگاه نمیکترین پتلو نهایی کادوبای مردان ، درشی های طفلان ، جپر کادوبای مردان ، جکت دامن ، اقسام بوت زنانه ، سبیر مردانه و نس ، تمام لباس های مورد نیاز را تازه وارد و قیمت نازل برای مشتریان عرض میدارد .

آدرس : فاریاب ، ماگیت زرغونه میدان تیفون ۲۳۹۱۲



سوپرا تلویزیونی که از روی داشتن آنرا بدل دادند
 سوپرا تلویزیون مقبول مطابق خواست شما با با چه تعداد اجناس از این
 ۱- دارای دوش پشه بوده کفپشه اولی بویلاوه محافظت شیشه اصلی تصویر رابطه مجسم
 و تصویر را بهتر نگه میدارد
 ۲- بطور اتوماتیک در ولتاژ های ۱۶۰ تا ۲۶۰ ولت عمل کرده و فعال میشود
 ۳- به سیستم Pal B/G Secam BGDK بوده و ازین نظر دارای امتیاز
 خوب است
 ۴- در ۳۰ کانال کار میکند
 ۵- قیمت آن نسبت به همه تلویزیون های جاپانی نازل بوده و خیلی اقتصادی است
 شما میتوانید از دوستان آن اگر ازین تلویزیون داشته باشند اطمینان خاطر حاصل کنید
 تلویزیون سوپرا را از فروشگاه مسکن باقیل شاروالی بل پهلوی فروشگاه دیپلایت بدست
 آورید . تعداد آن کم است . فراموش نکنید سوپرا بادوش پشه و محافظت شیشه دارای قیمت
 کنترل

تایر تیوپ لیس

شما که بخاطر تایر های جدید انتظار می کشید به مطمئن ترین تایر را جستجو می نمودید حال می توانید
 مطمئن شوید این تایر ها که از شهر ترین کمپنی تازه وارد گردیده در خدمت شما قرار دارد.
 این تایر های تیوپ لیس ضد پنچری و دفع کننده فشار ضربه میباشد تایر های تازه وارد از سایر تایر ها ارزانتر
 بوده و به اقتصاد شما کمک میکند. این تایر ها چندین برابر تایر های بادی عمر دارد مطابق استاندارد بین المللی
 ساخته شده. ازین تایر ها برای کراچی های خاک ریز و کراچی های حمل و نقل اموال و ماشین های سیار استفاده میشود.
 این تایر ها برای شهر ها و قصبات کشور یک محصول مطمئن است
 ازین تایر استفاده نمائید و برابر همیشه از پنچر شدن و سوراخ گیری راحت باشید.

آدرس فروش :- کابل حصه اول جاده نادرینتون محمدی مارکیت دوکان غلام رضا
 سالنگ واپ چهارراهی قوای مرکز سرای حاجی محمد عطا دوکان محمد رضا، ریبا

تلفون ۳۴۹۸۱

عمال بیخوابی و رفع آن

از میان د معامل بیخوابی میتوان ازین عوامل نام برد :

(۱) ناراحتی فکری (۲) سرو مدای زیاد در اطراف محل خواب (۳) هیجانات روحی (۴) ترس (۵) هوای نامساعد اتاق خواب (۶) خوردن غذای نامناسب قبل از خفتن و بالاخره مبتلا به یکی از بیماری های زیر :

(۱) بیماری های معده و روده (۲) سل ریه (سرفه-تپ) (۳) پرخونی یا کم خونی مغز (۴) درد های همی

(۵) سردرد شدید (۶) بیماری های عفونی و غیره .

رفع بیخوابی :

(۱) یک ساعت قبل از صرف طعام در هوای آزاد گردش کردن . (۲) برطرف کردن هوای نامساعد و سروصدای زیاد از اتاق خواب . (۳) مطالعه کتاب فحش بخش قبل از خواب (۴) بیرون کردن تمام افکار ناراحت کننده با زسر .

ارسالی :

عبدالمجید مشفق

محترم محمد قبی (اسمه پوشا) مطلب را جم بعروماد در روزی در برای ماریسد ، یعنی پنجم - شش ماه بعد از روزی در در آینده اگر این گونه مطالب میداشته باشید ، لطفاً آنرا - شش ماه قبل بفرستید .

از شما تشکر! رنگ پوش

باشید .

- همکار خوشذوق مرحوم کیوم اصغری از خصه دوم خیرخانه از دستکارت زیبای تان تشکر ولی ندانستم ، که نوروزک ام سال را تبریک گفته اید ؟ به هر صورت از شما یک عالم ممنون! ماهم عید سال آینده را از صم (دل) برای تان تعین عرض میدارم .

- همکار خوب میثاقیه دوستدارا بهتر است خود شما تشرف آورده ، سرگذشت تان را برای ما قصه کنید ؟ زیرا خواندن کی بود مانند نشنیدن .

- محترم با صبره حامد زاده .

از نامه طولیل تان یک نکته ریک حکایت کوتاه را انتخاب کرده ام :

- تحمل بهترین صفت است اما زنده می آن قدر کوتاه است که مجال تحمل را نمیدهد .

- همکار عزیز گاره سلجوقی از لیمه استقلال .

ما منتظر مطالب جالبی و بلاستیک بیچ تان هستیم .

- محترم بهران ابدالی .

از شما نامرزیبایی را مطلع کرده ام ، شمام بگوئید همیشه اشعار زیباراهه مطالعه گوید (منتظر اشعار د پگرتان هستیم .

- همکار خوب شازیه نوا .

سروده (رخت سفر) تان بالاخره برای ما میسید از این که امکان نشرش جوانان را ندارم ، خدا کند که رخت همگاری تان را از مجله برنجینید .

محترم احمد جانید شعری از خیرخانه .

به پاسخ سوال تان نزد یک بین عرض میدارم . از این که تیل نیست گزارشگران ما نمیتوانند توسط پایسکل ، به خارج رفته هنرمندان و روزشکاران مشهور دنیا را ملاقات و همرایشان مباحثه نمایند از شما تشکر .

- همکاران خوب مجله نجایی و صوفیا نجایی از نورمحمد ناصینجا .

از سخنان طلائی ، دیوانی و نشر میکیم . منتظر سخنجان العالی تان هستیم .

- در تن نحیف میتوانید اندیشه های هنری مسکن گردید .

- یک ساعت زنده گنی با افتخار و شکوه به یک قرن گمنام زیستن می آرزو .

- دوستدار مجله مرسم غیبی کارمند وزارت آب و برق! میکوشم تمام نظریات شمارا یک صد و یک فیصد عملی سازم .

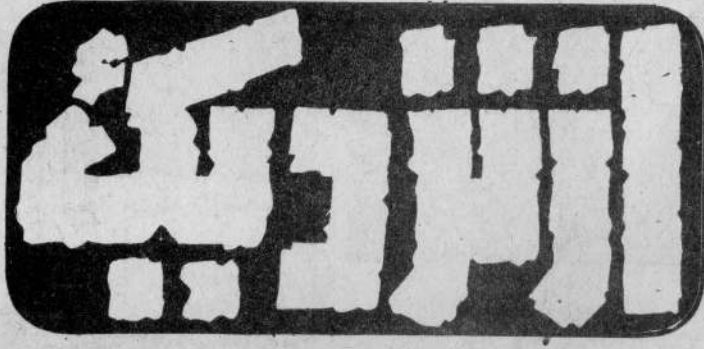
- محترم سلطانه نزار از مکرزیان! این هم از نامه شما :

- اگر میخواهی به دروغ گردی بدی ، همیشه راست بگو . هر وقت تصمیم گرفتید ، درهای تردید را ببندید .

- همکار دایی عشیق الله سخن زاده .

شما حال این نهاد کردید ما قبل از پیشنهاد تان آنرا - ز نظر گرفتیم و اینک صفحه سلام بچه ها و سلام دخترها همانست که میخواهید از شما تشکر . منتظر نظریات سازنده تان هستیم .

- محترم علی محمد احمد یار محصل بولیتخنیک کابل! ای کاش لطف و مهر بانی کرده اند که میدادید کما این منزل زبعا نژا وید ، نه هنر کیمت!



پروانه عاشق چرا شمع السلت

عشق پروانه به شمع که الهام بسیاری از شعرا مشرق زمین است ، یک توضیح علمی بسوار ساده دارد . قاعدتاً پروانه ها هنگام پرواز در روز از نور خورشید به عنوان رهنما استفاده میکنند ، پس پرواز آنها طوری است که همیشه اشعه خورشید یا زاویه ثابت و یکواخت به چشمشان برخورد مینماید . البته چون فاصله خورشید با پرواز بسوار زیاد و تقریباً در حکم بی نهایت است ، حشره وون آن که مشکلی برایش

پیش آید با حفظ زاویه ثابت رُسمورد لخواه پرواز کند . اما در شب وقتی که پروانه میکوشد از یک منبع نور محلی - مانند شمع یا چراغ برق استفاده کند دچار اشکال میشود . زیرا فقط در یک صورت میتواند طبق فریزه زاویه ، مسو پرواز خود را نسبت به اشعه نور ثابت نگهدارد و آن انتخاب مسو را هیچی است که به تدریج کاهش یافته و شعله شمع یا چراغ برق ختم میگردد .

ارسالی : عبدالقاسم سنکمن

سروده (رخت سفر) تان بالاخره برای ما میسید از این که امکان نشرش جوانان را ندارم ، خدا کند که رخت همگاری تان را از مجله برنجینید .

محترم احمد جانید شعری از خیرخانه .

به پاسخ سوال تان نزد یک بین عرض میدارم . از این که تیل نیست گزارشگران ما نمیتوانند توسط پایسکل ، به خارج رفته هنرمندان و روزشکاران مشهور دنیا را ملاقات و همرایشان مباحثه نمایند از شما تشکر .

- دوستدار مجله فوزه سا - دات از لیمه محمود هوتکی : اگر از نزدیک بین پاسخهای جالب را انتظار دارید در نامه های آینده ، تان لطفاً سوالات جالب بطرحید . محترم مریم عبیدی کارمند وزارت آب و برق .

شعر بهاریه تان درستان برای ماریسد . نزدیک بین به شما مشوره میدهد که بعد از خواندن این سطور لطفاً آستین هارا بالا بزنید . مطالب زیستانی نوشته بفرستید ، آن گاه بدوین بها - نه بی نشر خواهد شد .

- همکار عزیز هنر فرم حاصل استیتوت طب کابل .

قال تان را به نابین مجله سپردیم ، فال ببینید که نشر میشود یا خیر .

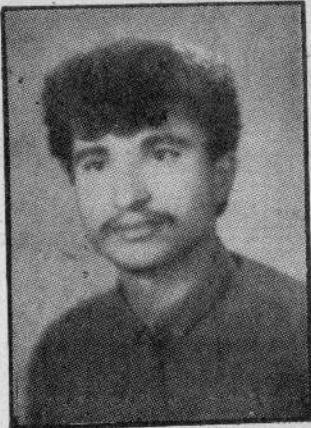
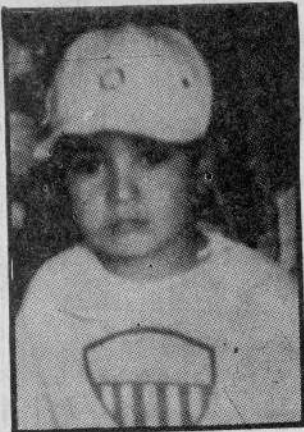
♦ ♦ ♦

چرا هنگام صحبت تلفونی هار میگزیند؟

چرا هنگام صحبت تلفونی
(هلو) میگویند ؟

نخستین کسی که به
فرستادن یک پیام تلفونی
توفیق حاصل کرد ، یک مرد
مجارستانی به نام شیواد اربوش-
کاش (در زبان مجاری (هالو)
یعنی آه میبینی ؟ گفت . و
همین کلمه بود که به تدریج
به (هالو) و بالاخره به
(الو) تبدیل گردید . برای
همیشه در صحبت تلفونی به
کار رفت

ارسالی : حیات الله زر-
ش دولت زری



فرهاد جان علاقمند
مجله سپا و ون

قیام الدین غوثی از جنگلک
کابل از همکاران خوب و
دایمی سپا و ون

همکاران دایمی ظاهره
قلندری و ناهید قلندری از شهر
بلخمری !

دوستان عزیز ! قابل
تشکر نیست . این وظیفه
دورهین است . به همه حال
از این نامه تان این نکته ها
را برمیگزینم .

نفرت و کینه هرگز به
وسیله خود شرف نمی شود بلکه
باعشق زوده میشود .
(پورا)

از دشمنی که با تو جنگ و
ستیز میکند ، هرگز هراس
مکن از دوستانی که به تو
تعلق میکنند سخت رحمت
کن
(ژانبل اوپرگون)

و در همین صفحه قلماطلس
در مورد خواب داریم . از-
شما به اندازه گله های تان
تفکر و خواب شما خوش

هنگام همیشه کی محبوب الله
کوهستانی از ولایت پروان ازین
که از راه دوری ، نامه ارسال
کرده اید ، اینک از آن پسک
بیت را انتخاب کرده ، نشر
میکم .

از وطن گنتم مسافر .
بی دایره راه بین
مسکم و روانه شد این
بی وقاری راه بین
همکاران ای مجله عادلانه
نروپ از شهر مزارشرف

افسوس افسوس ، شما که استعداد
خوبی در مورد شعر دارید
سالها کات خوبی در شعرید .
شعر ندارم . به هرحال
استعداد تان قابل آفرین
پاد است ، آفتاب زنده کسی
تان همیشه در وطن بهاد

همکار حتی ضروری مجله
لیلا سمات از بوختن بلخ
از نامه ها پتان دورهین به
اندازه سلیقه تان تشکر
میکند مگر شرط آن که نامه
های آینده ، تان خالص
از وطن و وطنز باشد .

از دور

محترم عبدالله باختروال
محصل تخنیک نفت و گاز
مزارشرف

گله های تان سر چقم دور
بین . اما به سر گله های سرخ
وسپز تان قسم که ما همیشه در-
این صفحه از شما یاد کرده-
ام . ولی این که شما متواتر
شماره هارا تعقیب نکرده اید
گناه نود یک بین و دورهین
نست همین لحظه بالای میز
دورهین سه نامه شما چار
زبانو نوشته است که در یکی
آن گله در یکی آن عکس و

در سوس هم مطلبی در مورد
" خواب " نوشته اید . و پس
تا ه سف باید عرض به دارم که
این مطلب تان در همین شماره
قابل چاپ نیست . زیرا در-
صورت نشر صفحه خواب السود
مشود یعنی در همین شماره

همکار خوب ما ناخوشه
چین از سوالی اند خسوی
امید داریم در نامه های آینده
تان چیزی برای جیدن وجود
داشته باشد .

محترم روحگل افشار

از بلخمری !
دورهین به سرزند یک
بین قسم خورد که نامه تان
نرسیده . و اگر رسیده ، مطلب
تان تکراری بوده ، در غیر آن
ما به اساس نیت از تمام عزیزان
و دوستان مجله را که لطف
کرده مطلب میفرستند ، به نشر
میوسانیم ، اگر باورند ارسال
استحان شرط است .

محترم محمد حسین هنر
بازار حصه دم خیر خانه ولایت
چوزجان نامه تان جالب بود
آدرمر تان جالب بود ، سو-
الات تان هم جالب بود .
ولی افسوس افسوس که دورهین
خط خوانای تان را خواننده
نتوانست .

بازگشت

وقاحت گفت مرا با شاه
و اشتیاقات بیارید
ردالت گفت مرا با خلمست
فضیلت افشارید
خیالت گفت نتاج امانت بر
سرس نهید
ظلمت گفت از جور عدالت بر در
سرام باورید
تکر گفت : برای بهر تواضع
سها کسی که
حق درین میان گفت : مرا برهنه
گدا رید و سوزای بی برین
میته بد من از ره کسی
شرمسار نیست
ارسالی :
رحمت الله رضایان بلخمری

حل کنید و جایزه بگیرید

گردآوری و تنظیم از لطیفه (سیدی)

سبک‌دلان

شا



پندرسین

ها

میروی :

- ۱- کاشف گردش زمین - ترک کردن است و در جنگ آتش بس را گویند .
- ۲- همان عشق است - ایضا پاهوروت - پایتخت اروپا می عمله ایست دز حساب .
- ۳- ضعیف و ناتوان - برای مهت می خوانند - آرزوست و کمال مطلوب .
- ۴- مردی سوار بر اسب مجله ایست در شهر کهنه چهار و اشیا .
- ۵- خوکان را عرب گویند قرض نک در ازترین شب سال .
- ۶- از بازمانده گان هتلمی که زندانی شد - السنه جمع آنست - حرف دهم الفبای آلمانی .
- ۷- بنای عشق درهندستان پایه حیات مقدار عمر .
- ۸- امر خارق العاده ایکه از کسی دیده شود - مقنا طیس .
- ۹- حمام آن معروف است نصیب و بهره و هم قسمت کننده را گویند - می آموزاند
- ۱۰- حرص و طبع - در را

به ان اشترین می گویند - منزل برای آنست .

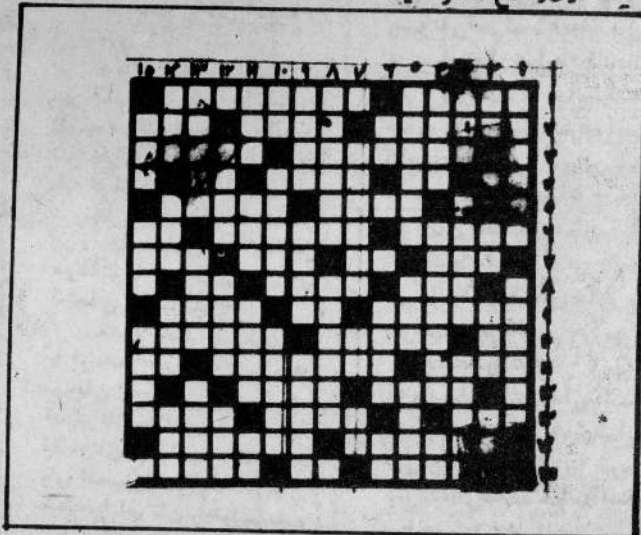
- ۱۱- مادر اصطلاهی - اگر "ها" میداشت نام یکس از اشد مار فروغ فرخزاد میشد .
 - ساده است و خلاف مرکب حرارت غیر عادی بدن .
 - ۱۲- مقصود و خواسته شده از قهرمانان شاهنامه - و سهله کار همزم شن .
 - ۱۳- مداین جمع آنست پایتخت چکوسلواکیا - علف و نبات .
 - ۱۴- اولین پادشاه افغان - نستان - از مالک عربی دارایی و کالا - از انطرف خورشید است .
 - ۱۵- خو گرفتن - از فلزات پشت آب آن بیل بگیر .
- افقی :

- ۱- میله آن معروف است علم طبقه بندی اجسام حیه .
- ۲- داستان وقسه را گویند که رچه - خونها .
- ۳- اولی تنهات و دومی درگاه را گویند "دوکلمه" خر بظه که دران پولس میزند

- ۴- شما به لسان بیگانه فیلسوف حیوانات - روم و پندیده گی - نصف رندی .
- ۵- همنهن صابون - جدا جدا نیست - قساد است و فنا .
- ۶- بلبل داستان آنست با تکرار حرف آخر - قناعت کرد است .
- از خنرات ناقل مکروب در - پختو .
- ۷- رسوا کردن و دریدن پرده رحمت الله علیه - گرم نیست بصحت و اندرز .
- ۸- تیز و برنده - همنشمن آستر - تکرار یک حرف .
- ۹- از پیشاوند ها است خندان و خنده روز را گویند .
- ۱۰- شخص سوم بفرد - شوخ در روز با چراغ بدنهایش بود نجات یافته است و تخلص یکی از هنرمندان گروه گل سخ .
- ۱۱- داستان و افسانه پها میریکه پسرش چاه زمزم را پدید آورد - عشق به لسان بیگانه .
- ۱۲- مرهون و گروگنداشته شده - هر چیز گمتر ندسی را گویند .

- ۱۳- وظیفه معده - رفیق و دوست در اردو - مکرر .
- ۱۴- خلفای آن معروف است تکرار آن را گناه پنداشته اند .
- ۱۵- جمع شهره تخم - مسکه و امثال آنرا گویند - ازجا - لات دریا - هم صحبت رای در کلیله و دمنه .

طرح جدول از : بیگانه



پایخ بدهید و جایزه بگیرید

شماره مطالعه فراوانی

- خربکس اثر کدام نویسنده است و محتوای آن از کدام موضوع بحث می کند ؟
- شب چراغ اثر کدام نویسنده است ؟

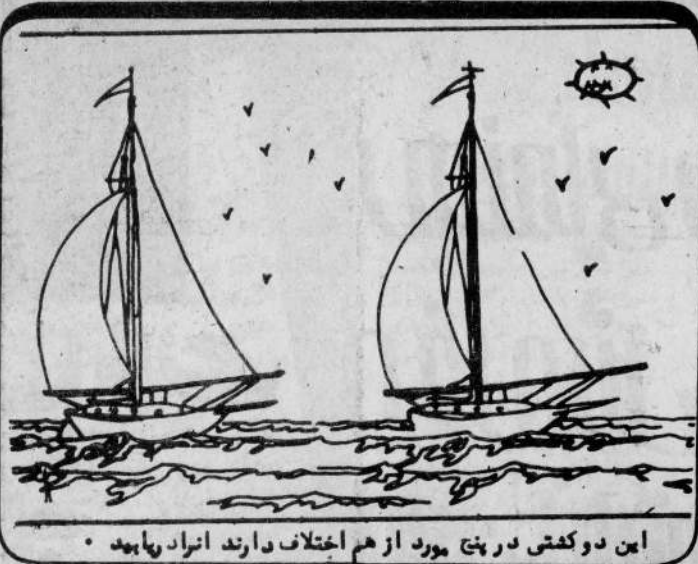
- نویسنده کتاب و موش ها کوش دارند کشت و مطالب آن روی کدام موضوع مچرخد ؟

- جلوه های زیبایی در هنر مربوط به کدام نویسنده کشور است و پیرامون کدام موضوعات معلومات آرایه میدارد ؟

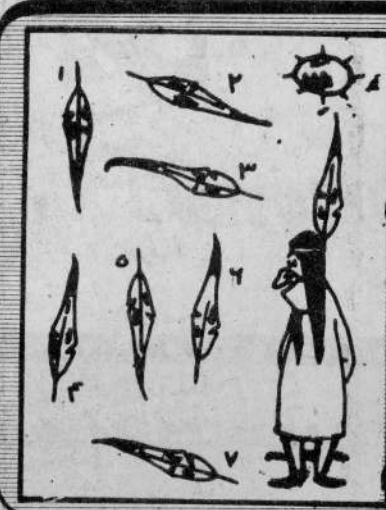
- مر برای مچ مجموعه طنزی کدام طنز نویس کشور است ؟

- داستان درز دیوار روی کدام موضوع نگاشته شده است و در ضمن نویسنده آن کیست ؟
- و افتاب نمیرود مجموعه شعری کدام شاعر معاصر کشور است ؟

- گزارنده مجموعه قصه های اسطوره شهادت به دری مر-
موط به کدام شاعر کشور است ؟



این دو کشتی در پنج مورد از هم اختلاف دارند انفرادی بایند .



در میان این پنج پرده
کدام پرده پانزدهم است
که بر سر این شخص
دیدار شود ؟

مصراع اشعار
شاعر توانا مولانا
بلخ را تکمیل نمایند

تو هنوز ناپیدی تو جمال -
خوندیدی
سحری چو برای

حق ترا از جهت
آوردت
فتنه و ثور قیامت نکسی به -
چس کسسی

بالله که شهر به تو مراحس می -
شود
..... و بهایانم ارزوست

چو غلام به طریقه
ترجمانسی
به نهان از او بهرم به شما -
جواب گویم

..... فلك زهر به آورد شب -
و روز
من شکراندر و شکراندر و شکراندر
شکرم

اداره مجله سبادون برای برنده گان این صفحه
جایزه های عالی در نظر دارد .
در هر شماره برای سه برنده تحلیف متمناز داده میشود جایزه
های این شماره کتابچه های پس انداز بانک ملی فغان
در نظر گرفته شده که ریاست بانک ملی با صمیمیت
ببسترش مقرر داده است .



برنده این شماره



محترم ژهلا نوری محصل سال اول پوهنشی حقوق و علوم سیاسی
پوهنتون نابل ، که همیشه با مجله دوست داشتی خوشش -
سباوون همکاری دارد ، با حل جدول سرگرمیهای مجله تو -
نست جایزه می این صفحه را که یک جلد کتابچه پس انداز
بانک ملی است نصیب کرد . که ما با صمیمیت این تحفه را
به وی تقدیم نمود و اظهار سپاس مینماییم .



رهنمایی در خرید و فروش خانه زمین آپارتمان و موتور

رهنمای مساعلات

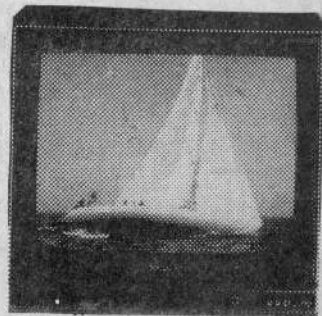
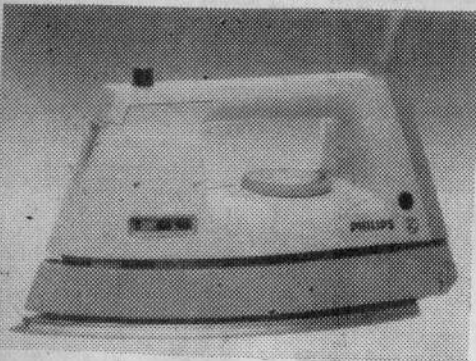
روح الله تقیری

آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب
متصل مسجد جامع شیرپور
تلفون ۳۲۵۲۹

فروشگاه فلیس دلیات

فروشگاه دلیات شیک ترین اجناس
را از مشهورترین کمپنی های جهان با تنوع و دورد
نوده و بهار شتر باغ عرضه میگردند.



توزیع کننده فلیس اتوماتیک ریپورت کنترل دلد - سایز های مختلف با یکسال
گارانتی، دیر دوکت شارپ چاپر مدل VC-M730E اتوماتیک دلد از قیمت عالی سیستم
ریپورت کنترل دلد، اقام رادیو کت، اتوماتیک فلیس، بادچک سر بریز، توزیع کننده اسفنج و
۱۱۵۲۰ رنج سیاه سفید رنگت اتحاد شمدر. آدرس: مقابل نبادالی کابل محمد باقرخان ۱۱

دستورات محبت



ما نبردیم و شیری خوریم غیره می فرمایند تا دل در دستورات محبت بگذارد
 تا نیت در دستورات محبت با محبت خایم در شرط نهمین مورد از خوب
 رعایت اندیش در بهمانه خایم در اولیای ما
 پنجشنبه دستورات محبت هر روزه از ساعت ۱۱:۳۰ الی ۲ ظهر
 بجا می آید تا ساعت ۱۲ در خدمت همشهریان است
 در کلاس هر روز در اول ماه می آید تا قصد پرورش فکری است ۲۵۷۶۶

اگر قصد سفر دارید
 در بسته های خمیله آرام
 دست تریج ۳۰۳ سفر
 کنید

بازار کبک پنجشیر بوس شما را
 از کابل به پنجخری بستمنگان
 و هزار شریف مع الخیر میرساند
 آدرس: کابل - ساحه واقفانان و پل خشتی

تلفون ۲۱۷۸۴

سفر بازار کبک پنجشیر



ضرورت نیست هر کار را بجز در
خوش انجام دهید . در زندگی
کی باید این حقیقت را در نظر
بگیرید که خوبی و بدی ، زشتی
و زیبایی مانند روشنی و تاریکی
وجود پیدا می کند و لذا شما درین
میان به ارزش نیکی ها پی برید
درین روزها ملاقات مهمی در
پیش دارید که در سرنوشت
عشقیشان تاثیر دارد . از
خود مواظبت داشته باشید .

میگویند برد باری در آسمان
پش را باز میکند . توجه داشته
باشید ، مقاومت شما موجب میشود
که شما در برابر دشوار تر شدن
مشکلات زندگی پیروز شوید .
به عشق باورتان رانگهدارید
به زودی یکی از بزرگترین آرزو
هایتان برآورده میگردد .

توانایی در دانایی است
ازین سبب سعی کنید در باره
آنچه که با آن سروکار دارید
گاهی داشته باشید . قضا
وت عجلانه برایتان درد سر
های زیاد خلق میکند مخصوص
صا از نظر وجدانی ناراحتی
هایی شما را سرگچه خواهد
ساخت . بگذارید شما را دوست
داشته باشند این احساس
خوبی است .

دست سرنوشت همیشه میتواند
ند یا انسان بازی کند اما آرا
ده قوی میتواند انسان را از
موده ساخته و از مصایب هراس
نکند به زودی شما احوال
خوشی مبرسد و شما یکی از
دوستان دیرین تان را ملاقات
خواهید کرد . در تصمیم
گیری تان عجله نکنید همیشه
احتیاط را در زندگی جاری
راحت کنید .



عاقل آنچه را میدانند میگویند
و نادان آنچه را نمیدانند میگویند
ید ، ازین سبب از اطراف انسانی
که شما را با حرف های جور و
ناجور ناراحت می سازند آزرده
نباشید بلکه فکر کنید هر کس
نظر خود را در
نامه ای به شما میرسد که
میتواند در سرنوشت عشق شما
اثر بگذارد . به دیدار عزیزان
تان بروید چون آنها به شما
نیاز دارند .

اگر دوستی عمل است او را
نخور ، ضرورت نیست که محبت
و صمیمیت دوستان تان را مورد
استفاده سوء قرار دهید یا
تا مل در مورد سرنوشت خود با
اعضای خانواده تان تصمیم
بگیرید مخصوصا در تصمیم برای
ازدواج خود را با مشغولیت
های ناراحت کننده بیشتر ازین
ناراحت نسازید . موسیقی
میتواند شما را راحت نگهدارد

میگویند مصیبت دم دارد و
یک بدبختی به بدبختی دیگر
دست میدهد اما با این همه
سلسله بدبختی ها بس یار دراز
نیست شجاعت شما میتواند آنرا
کوتاه سازد اعتماد کنید و نسبت
به آنکه باور دارید مظنون نباشید
شاید . او نیز علاقمند و عاشق
شماست فقط باید او را درک
کنید .

بسیاری هادر جستجوی عشق
بودند اما خود را کم کردند
و آنچه را که میخواستند نیافتند
زیرا اراده شان قوی نبود ، شما
میتوانید عاقلانه تر بیاندیشید
ممکن است درک شما احساساتی
باشد . دوستان خوب را در
روزهای بد آزمایش کنید .
کینه نسبت به عزیزان تان در
درا نگیرید .

میگویند نگذار زیانت گسوی
ترا قطع کنده انمان میتواند
خیلی تند و خیلی زشت حرف
بزند اما زشت صحبت کردن
مفید نیست ، با صمیمیت به
دیدار کسی بروید که همیشه
منتظر شماست . مواظب باشید
که در دام فریب و اغوای ذهن
خود نیفتید .

چرا از روی صمیمیت نمی پند
یرید که او شما را دوست دارد .
اعتماد او را جلب کنید و خود
را از افکار باطل برهانید
انتظار تلخ است اما میتواند
برای شما اهمیت آنچه را آرزو
دارید برجسته سازد آرزوی
او ناراحت نباشید به زودی
خوشحالی بزرگ به سراغ شما
میرسد .

موتورهای انصاری دات



آه شما هم حفظ کنید، هر وقتیکه در موتور هستید.
 آیا تا فضا در شهر، والگا، ماسکوچ مدل ۱۹۹۰ را حاضر کرده اید؟
 موتورهای والگا، ماسکوچ ۹۰ و موتورهای انصاری دات تازه وارد نمود است.

شما از نمایندگانی این موتورها در چهارراهی انصاری شهر خود یاد کنید
 و موتور را بخواه تا آنجا بزنید مورد پسند انتخاب کنید. همچنین موتورهای
 انصاری موتورهای مدل جدید ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ بنز تویوتا و یک هیای
 مختلف النوع را بدستور دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیار شوند.

که هر بار دیگر بخاطر داشته باشید.

تلفون ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهر نو

ADKU
سلسل
DS
350
220
v4 1 n4



یک شتر بزرگ
در فروشگاه بزرگ

فروشگاه بزرگ افغان

معافلی خوشی تان در دستورا
فروشگاه بزرگ افغان بزرگ
نمایید تا خاطره آن همیشه باشد
بماند
وقت را بزرگ کنید

شما می توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان را بزرگ کنید
توید که کوشش خود را در شیل کردن فرودست خود بپذیرید

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**